

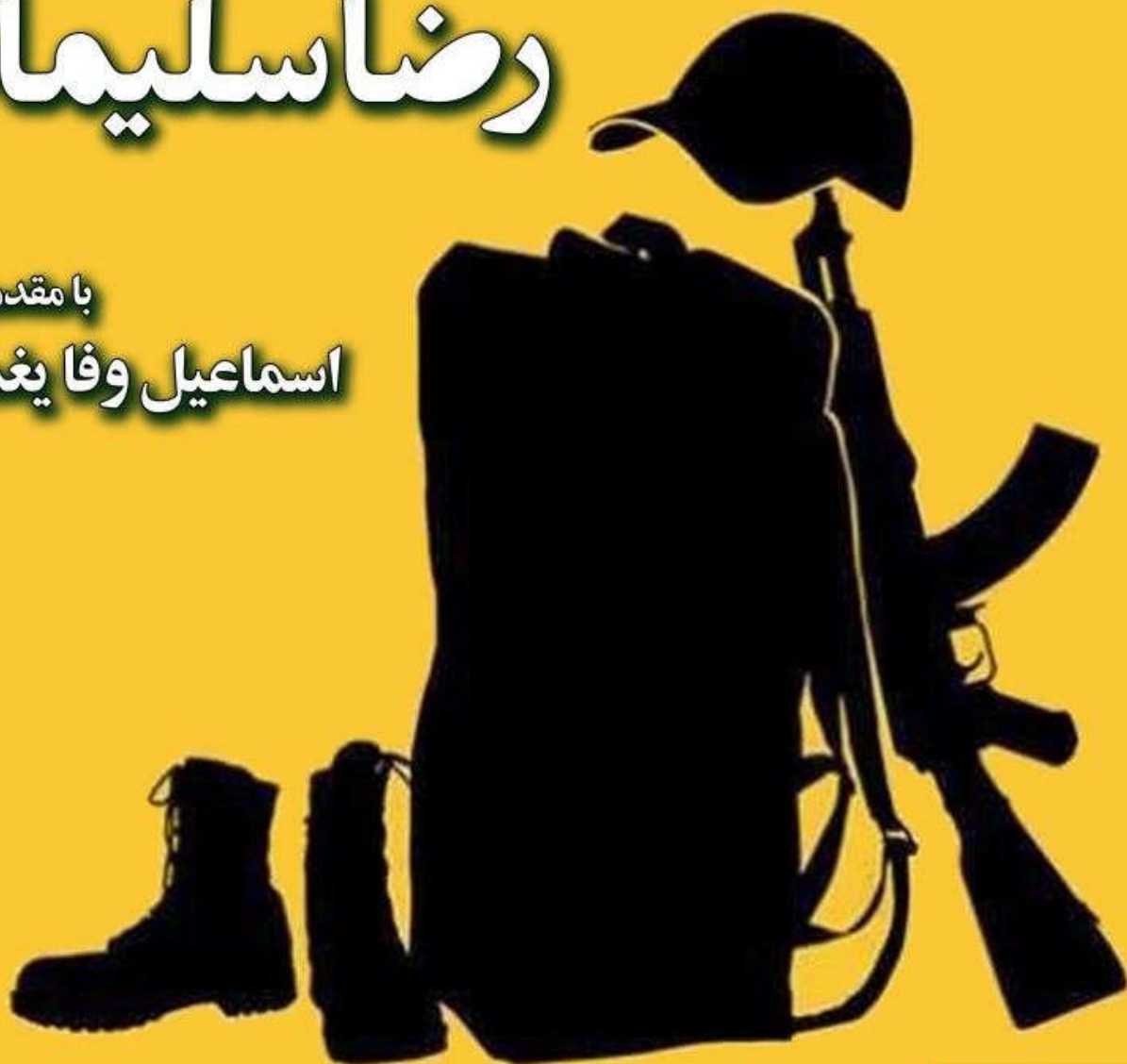
سربازی، از هدف تا واقعیت

گردآوری و تدوین

رضا سلیمان

با مقدمه‌ای از

اسماعیل وفا یغمائی





avaye.buf@gmail.com

AVAYeBUF.com

**Sarbazi,
Az hadaf ta vagheiat**

By : Reza Soleymani

Edit : Ghasem Gharehdaghi

Illustrator : Houriyeh Gharehdaghi

**سربازی،
از هدف تا واقعیت**

گردآوری و تنظیم: رضا سلیمانی

با مقدمه‌ای از اسماعیل وفا یغمائی

ویراستار: قاسم قره داغی

طرح جلد : Houriyeh Gharehdaghi

انتشارات : آوای بوف

Publish: Avaye Buf

ISBN : 978-87-93926-39-4

©2020 Avaye Buf

avaye.buf@gmail.com - www.avayebuf.com

فهرست

۵.....	سخن ناشر
۸.....	پیشگفتار:
۱۰.....	مقدمه:
۱۰.....	تاریخچه سربازی ونگاهی به نقطه مرکزی یک تحقیق:
۱۲.....	فصل اول
۱۲.....	"واژگان و تعاریف"
۱۷.....	"فصل دوم"
۱۷.....	"تاریخچه سربازی در جهان"
۱۷.....	باجگذاران فتودالها
۱۸.....	بردگی نظامی
۱۹.....	ابداع خدمت وظیفه مدرن:
۲۲.....	"تاریخچه سربازی در ایران"
۲۶.....	فصل سوم:
۲۶.....	"سربازی در کشورهای جهان"
۵۵.....	فصل چهارم:
۵۵.....	"سربازی در ایران"
۵۷.....	درجه‌های نظامی و مستمری:
۵۸.....	خرید خدمت سربازی برای غایبان:
۵۸.....	انواع خدمت سربازی:
۵۹.....	فصل پنجم:
۵۹.....	"هدف از سربازی"
۶۷.....	فصل ششم:
۶۷.....	"واقعیت سربازی در ایران"

۶۸.....	مسائل و معضلات مربوط به پیش از زمان مشمول شدن:
۷۰.....	مسائل و معضلات مربوط به حین انجام خدمت وظیفه:
۷۴.....	"سازوکار روش های استفاده به کارگیری سربازان در محیط های خدمتی"
۷۶.....	فصل هفتم:
۷۶.....	"تجزیه تجلیل و ارائه راهکار"
۸۱.....	قسمت دوم: مسائل و مشکلات درون سازمانی:
۸۵.....	"برخی از اهم دلایل مطرح شده در مخالفت با دوره خدمت وظیفه عمومی"
۹۱.....	"برخی از اظهارات کم سابقه مقامات ارشد حکومتی در انتقاد از سربازی اجباری در ایران"
۹۳.....	مکانیزه و تخصصی شدن دفاع و جنگ:
۹۵.....	تغییر معنای اجتماعی سربازی:
۹۷.....	"تاریخچه ای از مخالفت با سربازی":
۱۱۴.....	"نقدی بر قانون فروش سربازی به غایبان"
۱۱۹.....	برخی از مزایای ارتش حرفه ای:
۱۲۲.....	مطالعه تطبیقی روند حرفه ای شدن ارتش در چند کشور با تأکید بر خدمت نظام وظیفه:
۱۲۴.....	اهمیت و ضرورت مطالعه کشورهای توسعه یافته:
۱۴۱.....	سخن پایانی:
۱۴۴.....	پیوست ۱: اعلامیه جهانی حقوق بشر:
۱۵۶.....	پیوست ۲: مخالف وجدانی سربازی:
۱۵۹.....	پیوست ۳: لازم است بدانید که:
۱۶۲.....	"منابع و مآخذ"

سخن ناشر

در مجموعه حاضر نویسنده ضمن دستمایه قرار دادن حوادث مختلف اجتماعی و سیاسی روز تلاش دارد تا نقدهای بسیار تندی نسبت به حاکمان در قدرت در ایران و قوانین غیر انسانی جاری در پیکر جامعه ارائه داده و با تیزبینی کاملاً حرفه ای به حلاجی علل و عوامل سکون و سکوت در جنبشهای تحول خواهی در جامعه فعلی داشته باشد.

از حوادث مختلفی مانند تجاوز به دختران باکره در زندان و بازجویی ها و اعتراضات مردمی گرفته تا موضوعات روز از جمله بیماری کرونا و فعالیت های اقشار مختلف در شبکه های اجتماعی مورد کنکاش و بررسی و قرار گرفته و موضوعیت داستانها می شود.

به جرات می توان گفت که مولف با چیرگی تمام توانسته است ضمن به تصویر کشیدن موضوعات و حوادث و رویکرد گروههای مختلف فکری و عقیدتی، مجموعه ای بینظیر از خفیات ایرانیان درگیر در مصائب طبیعی و انسانی را خلق کرده و آینه ای در برابر خواننده قرار دهد تا خود و یا یکی از اطرافیانش را در قاب آن به تماشا بنشیند.

آموزش و پرورش و بالا بردن سطح آگاهی جامعه یکی از وظایف مهم دولت هاست. دولت های استبدادی عاشقان سانسور و مخالفان شدید رشد و آگاهی مردم هستند. حکومت کردن بر گروهی مردم

بیسواد، خرافی و نا آگاه از حقوق خویش برای یک دیکتاتور بسیار مطلوب تر و راحت تر از حکومت بر مردمی است که به حقوق خویش آشنا هستند.

در سیستم های دیکتاتوری، مستبد با پائین نگاه داشتن سطح فهم و آگاهی مردم امکان فرمانروایی بیشتری برای خود مهیا می کند. با نگاه به تعداد عنوان کتاب های چاپ شده در زمان پهلوی یعنی ۱۱ هزار عنوان از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۵۷ که بطور متوسط سالانه ۲۷۵ عنوان کتاب در کشور به چاپ رسیده که اگر این را با تعداد بیش از ۱۲۰ هزار عنوان کتاب در سال در اتحاد جماهیر شوروی مقایسه کنیم، میزان خفقان و سانسور را در می یابیم. در جمهوری اسلامی تعداد عنوان کتاب چاپ شده در سال به ۳۲ هزار می رسد که بیش از ۹۷٪ این کتابها، کُتب دینی و فقهی و جعلیات و خرافاتی است که ارزش علمی این کُتب صفر است. میزان سرانه مطالعه در ایران بطور واقعی ۲ دقیقه در سال است. جمهوری اسلامی با آمار سازی و جعل و تزویر این رقم را به ۷۵ دقیقه رسانده که از این مقدار ۱۵ دقیقه مربوط به مطالعه کتاب ۲۱ دقیقه قرآن و دعا و ۳۲ دقیقه روزنامه و ۷ دقیقه دیگر نشریه خوانی است که البته این آمار در مورد فنلاند ۴۴ دقیقه و آلمان ۳۴ و سوئد ۳۱ دقیقه در روز است.

نشر اینترنتی آوای بوف نزدیک به دو دهه است که در راستای اطلاع رسانی به چاپ و انتشار صوتی هزاران کتاب ممنوعه و کمیاب اقدام نموده و با در اختیار قرار دادن رایگان این مجموعه، سعی می کند سهمی در ارتقاء فرهنگ و بیداری مردم داشته باشد.

چون اگر ملتی فهمید و بیدار شد دیگر به راحتی بازیچه دست سیاستمداران بین المللی و شیادان سیاسی داخلی نخواهد شد. هدف ما آشنا کردن بیشتر مردم با کتاب و کتابخوانی و بیدار کردن خفتگان و نا آشنایان به حقوق انسانی خویش است. تا آگاه نشویم نمی توانیم زنجیرهای بردگی و حقیرانه زیستن را پاره کنیم.

هدف ما در اختیار قرار دادن رایگان تمام کتابهای صوتی و ممنوعه و کمیاب برای هموطنان داخل کشور است که به دلیل سانسور و ممنوعیت یا از لحاظ اقتصادی برای تهیه کتاب در مضیقه می باشند.

آوای بوف با این تفکر که کشور ایران در طی دوره های متمادی در زیر یوغ مستبدین رنگارنگ و دور نگاه داشته شده از قافله فرهنگ و تمدن بشری و غرق شدن در منجلا ب مذهب و خرافات، احتیاج مبرم به

رفرم و مبارزه فرهنگی برای بیرون آمدن از این منجلاب و پیوستن به قافله‌ی تمدن جهانی دارد، بوجود آمد.

در طی سالهای گذشته با تمام مشکلات و موانع پیش رو، هزاران کتاب ممنوعه و سانسور شده بصورت صوتی و پی دی اف در اختیار علاقمندان و اقشار مختلف فارسی زبان در ایران و جهان قرار گرفته است.

در سال ۲۰۱۹ انتشاراتی آوای بوف در راستای کمک به نویسندگانی که به علت سانسور قادر به چاپ آثار خود در ایران نیستند، اقدام به ثبت خود تحت عنوان انتشارات جهانی نمود که افتخار دارد در راستای عبور از سانسور و با هدف گردش آزاد اطلاعات برای ایرانیان داخل، بصورت رایگان در نشر آثار سانسور شده اقدام و این آثار را ثبت جهانی نماید.

لذا از تمامی همراهان عزیز دعوت می شود اگر مسیرشان به گیوتین سانسور ج.ا خورده و سرخورده و ناامید از انتشار کتب و آثار خود شده اند یا کسی را می شناسند که در این مسیر قدم گذاشته، نشر آوای بوف با افتخار این فرصت را برای ثبت و انتشار فراهم نموده است.

نشر آوای بوف

پیشگفتار:

همواره نقد نمودن موضوعی که بر روی آن برچسب تقدس قرار داده شده، امری بسیار سخت و حتی در برخی موارد غیر ممکن می باشد. به طور عام تقدس یک موضوع، شخص، سیستم و یا دیدگاه و... به معنای عدم اجازه نقد و پذیرفتن بی قید و شرط آن می باشد. هم نوع دوستی و ایران دوستی به تنهایی انگیزه هایی بسیار قوی هستند که مرا قادر ساختند تا با وجود مشکلات و مسائلی که در حین گردآوری و تالیف و نیز در زمان تلاش برای نشر این اثر برای من و نزدیکانم بوجود آمد، کتاب را به اتمام برسانم و آن را در اختیار مردم عزیز و دربند کشورم قرار دهم، باشد که مطالب عنوان شده روزنه نوری باشد برای احقاق حق ایشان.

در کشور ما متأسفانه نه تنها مردم از حقوق اولیه انسانی و قانونی خود (چه در قانون اساسی فعلی که بسیار ناقص و ناکارآمد است و چه در قوانین بین المللی) آگاهی ای ندارند بلکه هر گونه تلاشی در جهت آگاهی یافتن یا آگاهی دادن در مورد این حقوق با برخوردی قهریه و خشن از جانب حکومت مواجه می شود. لذا من به عنوان شخصی که سال ها تلاش کردم تا حداقل دایره نزدیکان خود را از حقوق اولیه و حداقلی خودشان آگاه کنم بر آن شدم تا گام را فراتر نهاده و جوانان کشور که به معنای واقعی (نه شعارگونه) آینده ساز کشور هستند را با حق حقیقی و قانونی خودشان آشنا نمایم تا مانند بسیاری از جوانان که بخش عظیمی از سرمایه گرانبهای خود (عمرشان) را بابت هیچ و پوچ و به اجبار از دست دادند، رفتار ننموده و با آگاهی حاصله از این حقوق بتوانند برای آینده خود و نیز رهایی نسل های بعد تلاش نمایند.

پس از نگارش کتاب و طی مدت زمانی حدود دو سال برای نشر این اثر با انتشارات متعددی رایزنی هایی انجام شد که متأسفانه هیچ یک از آن ها بدلیل محتوا و نقد شفاف یک موضوع مقدس نما، در راستای چاپ کتاب همکاری ننمودند. اما از آنجائی که موضوع آن ممنوعه تلقی شد در کشورم دیگر جای امنی برای من وجود نداشت. با این حال از آنجائی که هرگز دیدگاه مادی و درآمد زا در مورد این کتاب نداشته ام، در نهایت تصمیم به انتشار رایگان نسخه PDF آن گرفتم تا از طریق شبکه اینترنت در دسترس علاقه مندان قرار گیرد. لذا از زمان اتمام کتاب تا زمان نشر اینترنتی آن وقفه ای بوجود آمد.

در راستای تنظیم کتاب از مقالات متعدد و کتاب های موضوعی مرتبط استفاده شده و نیز اطلاعاتی از وب سایت های کشور های مختلف نیز جمع آوری شده است. همانگونه که می دانید اطلاعات نظامی هر کشور در رسته اطلاعات محرمانه و طبقه بندی شده قرار دارد؛ اما در کل این نوشتار، با اطلاعات ارائه شده توسط همان کشورها تنظیم شده است. در اینجا ذکر این نکته لازم است که قوانین مربوط به موضوع سربازی در کشورهای مختلف همواره در حال تغییر می باشد و آمار و ارقام ذکر شده در کتاب بعد از گذشت مدت زمانی ممکن است با آمار روز همخوانی نداشته باشند؛ اما هدف، ارائه وضعیت فعلی کشور و قیاس آن با وضعیت جهانی و نیز آگاه کردن مردم از حقوق حقه خود بوده است و بدلیل دیدگاه ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی در مورد موضوع سربازی، امیدی به تغییر آن در کوتاه مدت نمی باشد؛ فلذا تغییر جزئی در آمار بخاطر گذشت زمان خدشه ای به محتوای اصلی مطلب وارد نخواهد کرد.

از شما خوانندگان محترم تقاضا دارم پس از خواندن کتاب، آن را به دوستان و آشنایان خود معرفی نمایید و یا آموخته های خود را با آنان در میان بگذارید تا همه با هم در جهت اصلاح این سیستم معیوب و ناکارآمد و نیز آگاه سازی مردم از حقوق خود گامی هر چند کوچک برداریم، همچنین پیشنهادات و انتقادات خود را در جهت اصلاح موارد عنوان شده از طریق ایمیل ارسال نمایید. بدلیل تعدد منابع و مآخذ ممکن است برخی از آن ها را ذکر نکرده باشم که در همین جا از صاحبان اثر عذرخواهی می نمایم.

در انتها از خانواده، همراهان عزیز و علی الخصوص استاد بزرگ و ارجمند جناب آقای اسماعیل وفا یغمائی که برای بنده افتخاریست که ایشان با نگارش مقدمه ای بر این گفتار ارزش آن را صد چندان نمودند، کمال تشکر را دارم چرا که مرا در ارائه این اثر یاری رساندند.

گردآوری و تنظیم

رضا سلیمانی

آبان ۱۳۹۷

مقدمه:

تاریخچه سربازی ونگاهی به نقطه مرکزی یک تحقیق :

کتاب "سربازی از هدف تا واقعیت" اثری است به کوشش رضا سلیمانی با یک مقدمه و پیشگفتار در هفت فصل و سه پیوست که فرصتی دست داد و آن را خواندم و جالب یافتم.

برای شخصی که حدود نیم قرن کار اصلی اش تحقیق در شعر، ادبیات، سرودن و نوشتن بوده و هست، در ابتدا خواندن این اثر چندان دلاویز نبود ولی اندکی که جلو رفتم دقت نویسنده و نکاتی که بر روی آنها تاکید کرده بود مرا واداشت تا پایان کتاب را با دقت بخوانم.

در فصل اول نویسنده نخست واژگان و تعاریف را در اختیار خواننده قرار می دهد، چرا که بدون این بخش ما نمی توانیم با چشم باز و بدون پیش داوری به خواندن و دانستن ادامه دهیم.

سربازی در نگاه نخست امریست ملی و مقدس ولی در پشت این تقدس، ما ضعف ها را می یابیم. سربازی در کجا و در راستای کدام اهداف می تواند مقدس باشد؟ فاصله سربازی که در جنگ آمریکا علیه ویتنام می جنگید با سربازان آریوبرزن سردار ایرانی که برای دفاع از پایتخت در برابر ارتش اسکندر ایستاد و یا سربازان یعقوب لیث بنیانگذار استقلال ایران پس از سقوط ساسانیان چقدر است؟

در فصل دوم حکایت سربازان را در عصر فتودالیزم و بردگی نظامی در می یابیم و سرانجام در دوران مدرن سربازی بمدد انقلاب کبیر فرانسه چهره ای زیبا به خود می گیرد که این چهره پس از انقلاب کبیر در سراسر اروپا علیرغم حوادث بعدی، ظهور و دوباره موناشرشی خود را نشان می دهد.

در بخش دوم، تاریخچه سربازی در ایران را از دوردست های تاریخ تا دوران نزدیک می خوانیم. ارتش و سربازی در ایران از دوران امیرکبیر پا به عرصه ای نو نهاد و با ظهور رضا شاه شکلی مدرن یافت و اگرچه با مخالفت های زیادی بخصوص از جانب آخوندها روبرو شد؛ ولی رضا شاه موفق شد در سال 1305 قانون سرباز گیری را تصویب کند.

پس از حدود پنجاه و هفت سال اگرچه حکومت جدید به دستور آیت الله خمینی دست به تغییر آن زد و تعداد زیادی از افسران عالیرتبه را تیرباران کرد؛ ولی از زیر ساخت ها و تجربیات پنجاه و هفت ساله به خوبی برای بنای نیروی نظامی وفادار به خود استفاده نمود.

در فصل سوم گذری سریع به سربازی در صد و نود و هفت کشور جهان را داریم تا به فصل چهارم سربازی در ایران می‌رسیم. در ایران اگرچه دوره ضرورت سربازی دو سال است ولی مجموعاً تا سن پنجاه سالگی و به مدت سی سال در صورتی که شرایط خطیر باشد ادامه خواهد یافت. این مساله با توجه به اینکه جمهوری اسلامی برای خود افقی جهانی در پیشبرد اسلام می‌شناسد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در طول چهل سال گذشته جنگ به صورت مستقیم و غیر مستقیم ادامه داشته و سربازی در این کادر قابل تعریف است.

در فصل پنجم از هدف سربازی می‌خوانیم؛ ولی وقتی به فصل ششم یعنی ایران می‌رسیم، با جهانی دیگری مواجه هستیم. با مقاومت جوانان که سربازی را نه پیمودن راه مردانگی و دفاع از ملت، بلکه مانعی برای زندگی خود می‌دانند. جوان ایرانی با سه مشکل پیش از سربازی، حین سربازی و پس از آن روبروست، آن هم در کشوری که سرباز نه در خدمت میهن و مردم بلکه ابزار پیشرفت مقاصد توسعه طلبانه حکومت است. جوان ایرانی می‌داند که سرباز میهن نخواهد شد بلکه سرباز حکومتی است که طی تجربه‌ای چهل ساله مقابل مردم ایستاده و تجربیات سال‌های گذشته و کشتار هزاران تن از هموطنانمان، به دست نیروهای مسلح حکومتی گواه این حقیقت است.

فصل ششم و هفتم نیز حاوی بسیاری نکات ارزشمند است. مساله بسیار مهم براین پایه همان نکته‌ای است که نویسنده در پایان بر آن تاکید کرده است. سربازی در ایران ابزار حمله به شهروندان، انقیاد و در بند دولتی است که روبروی مردم ایستاده است. روح عدالت در سربازی و در حیطه جمهوری اسلامی بشدت مخدوش شده است.

بسیار نکات ششگونی و تاریخی و سیاسی و تکنیکی در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است ولی برای من بعنوان خواننده این کتاب با تجربه‌ای چهل ساله از حکومت ملایان نکته مرکزی همان نکته‌ای است که نویسنده بر آن اشاره دارد. سرباز در جمهوری اسلامی رودرروی ملت ایستاده بقیه نکات و نواقص مطرح شده در کتاب در فرع قرار می‌گیرد.

اسماعیل وفا یغمائی

فصل اول

"واژگان و تعاریف"

در این بخش جهت آشنائی بیشتر خوانندگان محترم، تعریف برخی از اصطلاحات پرکاربرد و عمومی در مورد سربازی، آورده شده است. لازم به ذکر است که واژگان و اصطلاحات متعدد دیگری پیرامون مساله سربازی و خدمت وظیفه وجود دارد که علاقه مندان می توانند برای اطلاع از آن ها دفترچه راهنمای خدمت عمومی و یا مصوبات هیات دولت پیرامون معافیت ها را مطالعه نمایند.

سربازی:

سربازی، برای همه جوانان نامی آشناست که می دانند بالاخره در سال های جوانی شان به سراغشان می آید. کشورها برای دفاع از مرزهای خود و برای مقابله با تهدیدهای کشورهای دیگر نیروهای جوان خود را آموزش می دهند تا برای روزی که نیاز به دفاع از کشورشان بود این نیروها تربیت شده و آماده باشند و اما سربازی در لغت به معنای باختن سر، جانفشانی کردن، تا پای جان در رزم ایستادن و جان باختن است. اما در اصطلاح امروزی خدمت دائمی یا موقت در نیروهای مسلح کشورها، سربازی نامیده می شود.

خدمت وظیفه عمومی:

خدمت وظیفه عمومی (که به آن سربازی اجباری)، اجباری، فراخوان خدمت، خدمت ملی و یا به طور عام خدمت گفته می شود) اصطلاحی عام برای اشاره به دوره نظامی یا کار اجباری است که توسط نظام حاکم برای شهروندان برقرار می شود. این اصطلاح بیشتر در ادبیات سیاسی دولت هایی استفاده می شود که خواستار به کارگیری شهروندان در نیروهای مسلح هستند. این دوره را با نام های مختلفی می شناسند؛ برای نمونه آخرین برنامه خدمت وظیفه عمومی که در ایالات متحده انجام شد، با اصطلاح «فراخوان» شهرت یافت. بسیاری از کشورها، نیروهای وظیفه را به کار نمی گیرند و به جای آن ها از ارتش حرفه ای یا داوطلب استفاده می کنند. با این حال بسیاری از این کشورها احتمال استفاده از نیروهای وظیفه را به طور کلی

نفی نکرده و آن را موکول به شرایط جنگی یا بحرانی می‌کنند. برخی از کشورها مردانی را که به سن خاصی (مثلاً ۱۸ سال) می‌رسند به خدمت وظیفه سربازی اعزام می‌کنند، در برخی دیگر از کشورها (مانند کوبا) این اجبار برای زنان نیز وجود دارد.

اصطلاح خدمت وظیفه در نیروهای مسلح دنیا به دو منظور استفاده می‌شود:

۱. خدمت وظیفه‌ای که معمولاً برای مردان ۱۷ تا ۱۸ ساله به مدتی که غالباً ۱ تا ۳ سال است اجرا می‌شود. این دوره در بریتانیا و سنگاپور به «خدمت ملی» مشهور بود. در زلاند نو در ابتدا به آن آموزش نظامی اجباری و بعدها خدمت ملی گفته شد. در سوئد نیز به آن دوره وظیفه پاسداری یا خدمت اولیه گفته می‌شود.

۲. خدمت وظیفه‌ای که به مدتی نامعلوم و برای محدوده سنی وسیع‌تری از مردان (مثلاً بین ۱۸ تا ۵۵ سال) در جریان بسیجی گسترده برای جنگ که شامل سرزمین‌های میهنی هم می‌شود انجام می‌گیرد. (در بریتانیا به آن «فراخوان» گفته می‌شد).

جبهه خانگی:

جبهه خانگی یک اصطلاح غیر رسمی است که معمولاً برای توصیف پشتیبانی‌های داوطلبانه یا فراخوان شده مردمی در طول جنگ با دشمن به کار می‌رود. این پشتیبانی‌ها توسط مردم غیر نظامی و به عنوان یک سیستم پشتیبانی فعال تلقی می‌شود. در زمان جنگ داخلی کشورها این اصطلاح به طور ضمنی به در پیش گرفتن رویهء نظامی‌گری توسط افراد جامعه به دستور فرماندهان نظامی آن جبهه از جنگ داخلی، اطلاق می‌شود.

کشورهای صنعتی قدرت مبارزه سربازان در جبهه‌های نبرد را در وابستگی مستقیم به پشتیبانی مردم غیر نظامی از آن‌ها می‌دانند.

در روزگار قدیم جبهه‌های نبرد محدود به میدان نبرد مبارزه رودررو طرفین نزاع می‌شد. ولیکن امروزه و با گسترش تکنولوژیهای نظامی‌گری در سراسر دنیا، کارگرانی که در ساخت امکانات و تجهیز و نیروهای رزمنده نیز مشارکت و دخالت دارند، جزئی از نیروهای رزمنده به شمار می‌روند و طبیعتاً به عنوان هدفی برای دشمن محسوب شده و در معرض حملات آن نیز قرار می‌گیرند. گرچه دیدگاه ذکر شده به نوعی مصداق جنایت علیه بشریت می‌باشد، اما در منازعات دنیای کنونی تفکیک میدان نبرد و جبهه خانگی امکان پذیر نیست.

معافیت از خدمت:

برخی از افراد که از نظر سنی مشمول خدمت اجباری می‌شوند به دلایل گوناگون (همچون نارسایی‌های فیزیکی یا روانی و یا اعتقادات مذهبی) از خدمت سربازی معاف می‌شوند. در برخی از کشورها بعضی از مردم از رفتن به سربازی معاف هستند؛ بیشتر این افراد کسانی هستند که برای دولت کار می‌کنند (مانند معلمان، نیروهای پلیس، قانون‌گذاران و غیره)، افرادی که برای پیمان‌کاران دولتی کار می‌کنند و آن‌هایی که در شغل‌هایی هستند که برای عملکرد کشور مفید هستند (مدیریت بازیافت، نیروگاه‌ها و غیره) در بریتانیا به این مشاغل، شغل‌های اندوخته می‌گویند زیرا آن‌ها برای بقای ملت مفید هستند.

در اسرائیل اقلیت‌های مسلمان و مسیحیان عرب همچون یهودیان فوق‌ارتدوکس از خدمت سربازی معاف هستند. با این حال معافیت شامل حال شهروندان دروزی اسرائیلی و همچنین بسیاری از روستاهای مسلمان بدوی نمی‌شود. ساکنین دائمی همچون دروزی‌های بلندی‌های جولان نیز از خدمت معاف هستند. معافیت از خدمت دلیلی برای آن نیست که افراد معاف شده نتوانند داوطلب حضور در ارتش شوند، با این حال چنین مسأله‌ای کمتر مشاهده می‌شود.

فرار از خدمت سربازی:

برخی از سربازان وظیفه احساس می‌کنند که تجارب به دست آمده از خدمت می‌تواند برای آن‌ها مفید باشد اما اکثریت بر این باورند که وقت‌شان در خدمت سربازی هدر رفته و آن‌ها می‌توانسته‌اند با توجه به تحصیلات و شغل خود افراد موفق‌تری باشند از این رو از سربازی فرار می‌کنند. دستمزد پایین نیز یکی دیگر از مشکلاتی است که باعث رنجش و فرار بیشتر سربازان وظیفه به ویژه در کشورهایی چون یونان، کره جنوبی، فنلاند، سنگاپور و ایران می‌شود.

عضویت سربازان وظیفه در نیروهای مسلح دلیلی بر آن نیست که همه آن‌ها موافق جنگ باشند. در ایالات متحده هنگام جنگ ویتنام، بسیاری از افراد از روابط سیاسی خود استفاده کردند تا در جنگ به دور از هر گونه آسیب بالقوه قرار گیرند.

بسیاری از افراد با استفاده از راه‌های ممکن، خدمت را به تعویق می‌اندازند. برای مثال رفتن به دانشگاه، پدر شدن و یا خدمت در برخی مشاغل مانند تدریس؛ سرباز معلمو... برخی نیز از معافیت‌های تحصیلی استفاده کرده و برخی دیگر، فرمان‌شکن وجدانی شدند و یا تظاهر به آن کردند. هرچند که بعدها ممکن بود از آن‌ها در خدمات غیررزمی مانند نیروهای آمادادرسان پزشکی استفاده شود. همچنین یکی از راه‌های ممکن آن بود که از ایشان در مشاغل غیرنظامی مانند کار در بیمارستان به طور منظم استفاده کنند.

برای کسانی که با نظام خدمت وظیفه آشنایی کافی دارند آسان است که بتوانند راه‌هایی برای فرار از خدمت پیدا کنند. یکی از راه‌هایی که بسیار فراگیر بوده و هنوز هم هست، معافیت پزشکی است. فرد می‌توانست با تظاهر به بیماری خود را مشمول معافیت نشان دهد اما به شرطی که چندین پزشک گزارش کتبی به نفع وی می‌نوشتند. وقت ارتش ارزش نداشت که خود را درگیر این مسائل کند. این شیوه در شهرهای بزرگ کارکرد بهتری داشت زیرا کسانی که مشمول را معاینه می‌کردند وی را نمی‌شناختند. با این حال در برخی کشورها، معاینات سختی از سوی پزشکان مورد تأیید دولت انجام می‌شود تا از فرار مشمولین سالم از خدمت جلوگیری به عمل آید.

یکی دیگر از روش‌هایی که در آمریکا در طول جنگ ویتنام برای فرار از خدمت وظیفه استفاده می‌شد عبور از مرز بود. مقصد این فراخوانده‌شدگان خدمت غالباً کانادا، مکزیک یا سوئد بود. بسیاری از مردم، این فراریان را تحقیر کرده و آنان را ترسو می‌شمردند اما برخی نیز از آنان دفاع می‌کردند. در ایالات متحده به خصوص در اواخر جنگ ویتنام اعتراضات ضدجنگ و همچنین حمایت از فراریان از جنگ افزایش یافت زیرا نیروهای آمریکایی خسارات زیادی را متحمل شده بودند و دلایل و اهداف اصلی جنگ به سختی مورد سوال قرار گرفت.

اواخر دوران نظام وظیفه در ایالات متحده کوشش‌هایی انجام شد تا با تبدیل این نظام به یک نوع قرعه‌کشی آن را کمی عادلانه‌تر سازند. در این شیوه به هر یک از روزهای تقویم یک عدد تصادفی اختصاص می‌دادند. مردانی که عدد پایین‌تری با روز تولدشان مصادف می‌شد، برای مصاحبه احضار می‌شدند. اما به دلایلی این شیوه نیز کمکی به عادلانه‌تر شدن نظام وظیفه نکرد و در نهایت این نظام در سال ۱۹۷۳ میلادی (۱۳۵۱ ه.ش) به پایان رسید. امروزه از مردان آمریکایی که در سنین بین ۱۸ تا ۲۵ سال هستند درخواست می‌شود برای حضور در ارتش ثبت‌نام کنند. از زمان پایان جنگ ویتنام تا به حال هیچ فرمان فراخوانی در ایالات متحده داده نشده است.

فرمان‌شکنان وجدانی (خودداری از خدمت سربازی به دلایل وجدانی)

مخالف با سربازی یا معترض اخلاقی کسی است که عقاید شخصی وی با خدمت نظامی مغایر است و یا با یکی از قوانین نیروهای مسلح ناسازگار است. در برخی از کشورها، فرمان‌شکنان وجدانی وضعیت قانونی مشخصی دارند که وظایف خدمت اجباری آن‌ها را مشخص می‌کند. برای مثال سوئد به فرمان‌شکنان وجدانی اجازه می‌دهد تا آن‌ها از شاخه «بدون سلاح» (غیر رزمی) ارتش، خدماتی چون آتش‌نشان فرودگاه، پرستار یا تکنیسین ارتباطات راه دور را انتخاب کنند. با این حال برخی افراد از این انتخاب نیز سر باز می‌زنند زیرا این مشاغل را نیز جزو مجموعه ارتش می‌دانند. دلایل تمرد از خدمت متفاوت هستند. عقاید برخی از معترضین، مذهبی است. برای مثال عقیده اعضای کلیساهای تاریخی صلح، مبتنی بر صلح‌طلبی است. همچنین شاهدان یهوه حاضر به خدمت در نیروهای مسلح نیز نیستند زیرا بر این باورند که مسیحیان باید در درگیری‌های دنیوی بی‌طرف باشند.

" فصل دوم "

" تاریخچه سربازی در جهان "

به درستی اطلاع دقیقی موجود نیست که از چه زمانی سربازگیری برای جنگ‌های منظم موضوعیت یافته و آغاز گردیده است.

می‌توان گفت تفکر سربازگیری در حدود ۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح شروع شده اما به خاطر موقعیت سیاسی و اجتماعی آن زمان این تفکر به مرحله عمل در نیامد و همان اصول ابتدایی یعنی استخدام افراد مزدور و داوطلب، شیوه‌های اولیه سربازگیری بوده است.

باجگذارن فئودال‌ها

در نظام فئودالی قرون وسطی از روستاییان و انسان‌های غیر برده خواسته می‌شد یکی از مردان خانواده را که در سن مناسبی برای خدمت نظامی بود به پادشاه یا فرمانروای محلی معرفی کنند تا در شرایط بحرانی از آن‌ها استفاده شود. به مردانی که به این صورت به ارتش آورده می‌شدند باجگذار می‌گفتند و آن‌ها را در پیاده نظام به کار می‌گرفتند. کسانی که از آمدن به خدمت خودداری می‌کردند یاغی شناخته می‌شدند. بسته به قانون هر کشور، هر کدام از این سربازان متعهد بود که از یک تا سه ماه در خدمت ارتش بجنگد.

بردگی نظامی

سیستم برده‌داری نظامی از سده ۹ تا سده ۱۹ میلادی به طور گسترده‌ای در خاورمیانه استفاده می‌شد. در میانه‌های سده ۱۴ میلادی سلطان مراد اول عثمانی برای خود ارتشی متشکل از بردگان به نام کاپیکولو تأسیس کرد. تشکیل این نیروی جدید مبتنی بر حق سلطان بر یک پنجم غنائم جنگی بود که وی اسرا را نیز جزو این سهم می‌دانست. بردگان اسیرشده، اسلام می‌آوردند و برای خدمت به شخص سلطان آموزش می‌دیدند. در دوشیرمه (که آن را به صورت «مالیات خون» یا «جمع‌آوری کودکان» ترجمه کرده‌اند) پسران جوان مسیحی اهل بالکان را از خانواده‌هایشان جدا کرده، دینشان را به اسلام تغییر داده و آن‌ها را در یکی از طبقات خاص سربازی در ارتش عثمانی به کار می‌گرفتند. به این طبقه از سربازان که مشهورترین شاخه کاپیکولو بودند نینی چری می‌گفتند. نینی چری‌ها به تدریج تبدیل به فاکتور مهمی در حمله عثمانیان به اروپا شدند. بسیاری از فرماندهان نظامی نیروهای عثمانی، رؤسای ایالتی و حاکمان امپراتوری عثمانی مانند پارگالی ابراهیم پاشا و سوکولو مهمت پاشا با همان شیوه به خدمت گرفته شده بودند. در سال ۱۶۰۹ میلادی (۹۸۷ ه.ش) نیروهای کاپیکولو حدوداً به ۱۰۰,۰۰۰ نفر رسیده بودند. محمود دوم عثمانی در سال ۱۸۲۶ میلادی (۱۲۰۴ ه.ش) با اجبار، سپاه نینی چری را منحل کرد.

مملوک‌ها سربازان برده مسلمان شده‌ای بودند که در سده‌های میانه به خلیفه مسلمین و سلاطین ایوبی خدمت می‌کردند. نخستین مملوک‌ها در سده نهم به خلیفه عباسی در بغداد خدمت کردند. آنان در گذر زمان تبدیل به طبقه نظامی قدرتمندی شدند که در بیش از چند مورد قدرت را در دست گرفتند. برای نمونه مملوک‌ها بین سال‌های ۱۲۵۰-۱۵۱۷ میلادی (۸۹۵-۶۲۸ ه.ش) بر مصر حکومت کردند. از سال ۱۲۵۰ میلادی (۶۲۸ ه.ش) مصر توسط دودمان بحری‌ها که اصل آن‌ها قبیچاقی بود اداره می‌شد. بردگانی که اهل قفقاز بودند و در این ارتش خدمت می‌کردند به تدریج گروه‌هایی را تشکیل دادند که در مصر قیام کرده و در نهایت دودمان برجی‌ها را تشکیل دادند. مملوک‌ها دلیل اصلی خروج مسیحیان از فلسطین بوده و همچنین آنان مانع ورود ایلخان‌های مغول از خاک ایران و عراق به سرزمین مصر شدند.

مولای اسماعیل، سلطان مراکش (۱۶۷۲-۱۷۲۷ میلادی) (۱۱۰۵-۱۰۵۰ ه.ش) مشهور به خون‌ریز، سپاهانی از بردگان سیاه به تعداد 150.000 نفر به نام گارد سیاه تشکیل داد که با استفاده از آن‌ها کشور را مطیع خود ساخت.

ابداع خدمت وظیفه مدرن:

خدمت وظیفه مدرن که شامل نام‌نویسی یا سربازگیری از شهروندان برای خدمت در ارتش بود در هنگام انقلاب فرانسه تشکیل شد تا جمهوری فرانسه بتواند در برابر یورش‌های پادشاهی‌های اروپا دوام بیاورد. ژان باپتیست جردن نماینده مجلس در تاریخ ۵ سپتامبر ۱۷۹۸ میلادی (۱۱۷۶ ه.ش) قانونی را در مجلس به تصویب نمایندگان رساند که اولین ماده آن بیان می‌داشت: «هر فرانسوی سربازی است که خود را موظف به دفاع از ملت می‌داند». این قانون به نام همان نماینده شهرت یافت. قانون مذکور باعث شد Armée Grande (ارتش بزرگ) که ناپلئون بناپارت آن را «ملت مسلح» می‌نامید تشکیل شود. فرانسه با این اقدام، به ارتش بزرگ و قدرتمندی دست پیدا کرد که ظاهراً با هزینه‌ای اندک برای دولت این کشور به دست آمده بود و در بحبوحه تنش‌های بین‌المللی اواخر قرن هجدهم، امتیاز بزرگی برای دولت برخاسته از انقلاب این کشور به شمار می‌رفت. این ارتش توانست از پس ارتش‌های حرفه‌ای اروپا بر آید. بیش از ۶/۲ میلیون نفر از مردان فرانسوی بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۸۱۳ میلادی (۱۱۷۸ تا ۱۱۹۱ ه.ش) به ارتش فرانسه پیوستند. ناپلئون با استفاده از این قدرت نظامی توانست «ارتش سلطنتی پروس» را شکست دهد. شکست ارتش بی‌نظم پروس، حکومت پروس را که پس از پیروزی‌های دوران فردریکی خود را شکست‌ناپذیر می‌پنداشت به وحشت انداخت. ژنرال شارنهورست پیشنهاد داد از levée en masse (سربازگیری گسترده) یا خدمت وظیفه عمومی که در فرانسه باب شده بود استفاده شود. در نتیجه دو پدیده همگانی گردیدن خدمت نظام و بسیج عمومی بر مبنای قانون مصوب کنوانسیون مورخ ۲۳ اوت ۱۷۹۳ پس از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه برای اولین بار، اجباری شدن و همگانی شدن خدمت نظام وظیفه و توقیف هر نوع وسیله‌ای را که به درد جنگ می‌خورد را از تصویب گذرانید. ترویج ناسیونالیسم و پدیده دولت‌ها – ملت‌ها نیز در کنار انقلاب کبیر فرانسه تقویت‌کننده ضرورت نظام و سازوکار خدمت نظام وظیفه اجباری بود و رفته رفته سایر کشورها با توجیهات امنیتی و ضرورت تأمین امنیت مرزها و امنیت ملی، خدمت نظام وظیفه را در کشورشان اجباری نمودند.

در امپراتوری روسیه در اوایل سده ۱۹ میلادی طول دوره خدمت سربازی ۲۵ سال بود. این دوره در سال ۱۸۳۴ میلادی (۱۲۱۲ ه.ش) به ۲۰ سال کاهش یافت. سربازان به کار گرفته شده نباید کمتر از ۱۷ سال و بیش از ۳۵ سال سن می‌داشتند. در سال ۱۸۷۴ میلادی (۱۲۵۲ ه.ش) یک نظام عمومی مبتنی بر الگوی مدرن عرضه شد. تنها الغای برده‌داری توانست تضمین اجرای این قانون را فراهم آورد. قانون جدید بیان می‌داشت که تمام مردان روسی، هنگامی که به ۲۰ سالگی می‌رسیدند مشمول خدمت شش ساله سربازی می‌شدند.

در آمریکا، خدمت وظیفه عمومی در جریان جنگ‌های داخلی در ارتش متحد شکل گرفت. در سال ۱۸۶۳ میلادی (۱۲۴۱ ه.ش) قانون نام‌نویسی به مشمولین این اجازه را می‌داد که افرادی را اجاره کنند تا به جای آن‌ها در ارتش خدمت کنند.

این قانون به همراه سیستم مزدوران اجاره‌ای، موجب بیزاری مردم از خدمت وظیفه شد که یکی از نشانه‌های آن شورش‌های نیویورک ضد خدمت وظیفه بود. همچنین سربازان داوطلب و افسران آن‌ها، نگاه تحقیرآمیزی به سربازان وظیفه داشتند. سرانجام کار به جایی کشید که تنها ۶٪ از ارتش متحد را سربازان وظیفه تشکیل دادند. خدمت وظیفه عمومی از آن زمان تا سال ۱۹۱۷ میلادی (۱۲۹۵ ه.ش) در ارتش آمریکا استفاده نشد.

هم‌اکنون کشورهایی که از زنان در خدمت وظیفه استفاده می‌کنند عبارتند از چین، کوبا، مصر، اریتره، رژیم صهیونیستی (اسرائیل)، لیبی، مالزی، کره شمالی، پرو و تایوان. در سال ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۰ ه.ش) دولت سوئد از ارتش خواست امکان حضور اجباری زنان را در ارتش بسنجد. در جریان جنگ جهانی دوم زنان برای شرکت در ارتش‌های بریتانیا و شوروی فراخوانده شدند. ایالات متحده نیز در سدد استفاده از آن‌ها به عنوان پرستار در جنگ با ژاپن بود. اما نقطه اوج این ایده در قرن بیستم و با وقوع جنگ‌های جهانی بود، به طوری که در زمان جنگ دوم کشورهای بریتانیا و شوروی، سربازی را برای زنان نیز اجباری کردند. دولت ایالات متحده نیز در سال‌های پایانی این جنگ، تصمیم به اجباری کردن سربازی برای زنان گرفت، با این تفاوت که قرار شد زنان فقط برای «پرستاری» به نبردها اعزام شوند. هر چند با شکست ژاپن، این ایده به مرحله اجرا نرسید. با اینحال قانون سربازی اجباری در آمریکا تا سال‌ها بعد ادامه یافت و به ویژه با وقوع جنگ ویتنام، مخالفان سرشناسی همچون «محمد علی کلی» یا «میلتون فریدمن» پیدا کرد. البته با وجود اجباری بودن سربازی در آمریکا، تبصره‌های زیادی نیز روی آن وجود داشت و تغییرات متعددی نیز در آن صورت گرفت. از جمله در سال ۱۹۱۷ میلادی، قانونی به نام «سیستم خدمت انتخابی» در آمریکا به تصویب رسید که هنوز هم شیوه اصلاح شده آن در حال اجراست. مطابق این قانون، همه مردان ۱۸ تا ۲۵ ساله باید اطلاعات خود را در این سیستم ثبت کنند و در حال حاضر نیز استفاده از خدمات اجتماعی زیادی در این کشور برای مردان، مستلزم ثبت نام کردن در این سیستم است. در زمان صلح، ثبت نام در این سیستم افراد را مجبور به شرکت در دوره‌های آموزش نظامی یا صورت‌های دیگر خدمت سربازی عمومی نمی‌کند ولی افراد متعهد می‌شوند در زمان جنگ و در صورت لزوم، برای دفاع از کشور اقدام کنند. با اینحال ایالات متحده یکی از نخستین کشورهایی بود که تصمیم به لغو سیستم سربازی اجباری در سال ۱۹۷۳ میلادی گرفت که تحت فشار افکار عمومی و به خصوص پس از اعتراضات صورت گرفته طی دوره جنگ ویتنام صورت گرفت. این موضوع نخستین بار در کمپین انتخاباتی ریچارد نیکسون در سال ۱۹۶۸ میلادی مطرح شده بود و یک سال پس از پایان جنگ ویتنام در سال ۱۹۷۲ میلادی عملی شد.

افراد زیادی در سال ۱۹۸۱ میلادی (۱۳۵۹ ه.ش) در ایالت متحده در جریان پرونده روستکر بر علیه گولدرگ شکایاتی را تنظیم کردند مبنی بر اینکه قانون خدمت نظامی انتخابی (SSS) شرط لزوم طی فرآیند حقوقی اشخاص از متمم پنجم قانون اساسی آمریکا را نقض می‌کند زیرا تنها از مردان برای ثبت نام در SSS درخواست کرده است و نه زنان. دادگاه عالی ایالات متحده نیز سرانجام این قانون را تأیید کرده و بیان داشت «بحث پیرامون ثبت نام زنان بر مبنای تساوی حقوق استوار است اما بنا بر قدرتی که قانون اساسی به کنگره داده است، این مجلس حق دارد به جای تساوی حقوق به مسأله نیازهای نظامی توجه کند».

در سال های بعد کشورهای بیشتر و بیشتری تصمیم به لغو سیستم سربازی اجباری گرفتند و استفاده از ارتش های حرفه ای مجددا رواج بیشتری پیدا کرد. به عنوان مثال کشور فرانسه که پایه گذار سیستم مدرن سربازی همگانی بود، ۲۰۳ سال پس از اجرای این قانون توسط ناپلئون، سرانجام و در سال ۲۰۰۱ میلادی خدمت سربازی را به طور کامل لغو کرد. یا کشور آلمان که پس از شکست از ارتش بزرگ ناپلئون به استفاده از سیستم سربازی عمومی برای ایجاد ارتش بزرگ روی آورده بود، سرانجام از ژوئیه ۲۰۱۱ میلادی خدمت نظام اجباری را برای دوره صلح حذف کرد. در کشورهای منطقه نیز، عراق از ابتدای سال ۲۰۱۳ میلادی و افغانستان، پاکستان، عربستان، امارات متحده عربی و بحرین از سال ۲۰۱۲ میلادی خدمت سربازی اجباری را حذف کرده اند.

"تاریخچه سربازی در ایران"

«به زر می توان لشگر آراستن» این شعر را فردوسی در قرن چهارم تقویم شمسی سرود و همچنان پس از گذشت حدود یک هزار سال، چنین گزاره پرحکمتی را می توان اثبات «حکیم» بودن این شاعر بزرگ ایرانی دانست. از قرن ها پیش، مسئله نیاز به «سرباز» برای تامین امنیت و تقویت ارتش، در ایران و سایر کشورها یک چالش برای همه دولت ها محسوب می شده و راه حل های متعددی برای آن آزموده شده است.

سربازگیری در ایران که در طول تاریخ خود نام های گوناگون (محافظ، گارد جاویدان، یاران فناپذیر، قزلباش، قوای محلی، تفنگچی لر، قول لر، نسقچی لر، سپاهیان ایلات، قوای ولایتی و غیره) خوانده شده تاریخچه ای بالنسبه طولانی دارد که ذکر تمام آن از حوصله این نگارش خارج است اما شرح مختصری از سربازگیری بر مبنای «بنیچه» که چندان قدمتی هم ندارد ضروری است.

نظام قدیمی بنیچه، سربازگیری را به تناسب تراکم جمعیت و تولید کشاورزی به عمل می آورد و این جامعه روستایی در ایران بود که تصمیم می گرفت چه کسی را به سربازی اعزام کند و معمولاً افراد کمتر تندرست را انتخاب می کردند تا از نیروی کار سالم و توانا در روی زمین استفاده بیشتر به عمل آید، نظام بنیچه را مرحوم امیرکبیر صدر اعظم با کفایت ناصرالدین شاه قاجار ابداع نموده بود.

لغت «بنیچه» از کلمه « بن » به معنی اصل و ریشه مشتق شده اما بهتر آن است که آن را مأخوذ از کلمه بنه به معنی جفت بدانیم که واحد تقسیم مالیات در دهات می باشد، زیرا بنه یا جفت اصطلاحی است کشاورزی، و به مقدار زمینی اطلاق می شود که با یک جفت گاو می توان آن را شخم زد و چون تقسیم بندی در دهات بر مبنای جفت گاو و زمین (بنه) بوده است میزان این نوع مالیات را بر آن استوار نموده و به سبب اینکه مبنای سربازگیری قاعده ثابت و مشخصی داشته باشد از این رویه استفاده شد. پس در اصطلاح بنیچه عبارت بوده از تعهد اهالی روستا برای تدارک عده ای سرباز جهت حکومت به منظور اینکه سربازی نیز مثل مالیات بر پایه اساسی مستقر شود بنیچه مالیاتی را مأخذ تعداد سرباز قرار می دادند.

بدین ترتیب مقرر شد هر ده به تناسب و تعداد بنه و جفت دایر خود که بر همان اساس مالیات می پرداخت تعدادی هم سرباز بدهد، و در این مورد تعیین گردید که که از هر ۱۰ نفر اهل ده یکی به خدمت سربازی برود. علت هم این بوده است که در آن هنگام جمعیت ایران در حدود ۱۰ میلیون نفر بوده که از این عده پنج میلیون نفر را زن و از پنج میلیون نفر بقیه

یک و نیم میلیون را اعیان و اشراف و طبقه علما و روحانیون تشکیل داده بودند و با کسر بچه ها و کودکان از این تعداد، سرانجام یک میلیون نفر مرد قابل خدمت سربازی باقی می ماند و چون احتیاجات در حدود یکصد هزار نفر بود مقرر گردید که از هر ده هزار نفر مرد واجد شرایط خدمت فقط یک نفر که جوان تر، علاقمند تر و لا قواره تر بود به نام سرب-از-انت-خاب گردد. البته تلاش می شد که سرباز خود دارای ملک و حشم باشد در غیر اینصورت آن چند نفر دیگر که به سربازی نمی رفتند می بایست مبلغ صد تومان بطور سرشکن جمع آوری نموده و برای خرید ملک و باغ و حشم و یا در واقع برای ایجاد علاقه به سرباز تعیین شده می دادند. جالب است بدانیم که ملک و دارایی خریداری شده تا خاتمه خدمت در رهن دولت باقی می ماند تا بدین وسیله از فرار او جلوگیری کرده باشند و در صورت وارد آوردن ضرر و زیان به اسلحه و دیگر اموال دولتی وثیقه ای در دست دولت باقی باشد.

در آن زمان خدمت سربازی را نمی توانستند با پول معاوضه نمایند و اگر سربازی حاضر و مایل به خدمت نبود می توانست شخص دیگری را با پرداخت مبلغی به او برگزیند و این مبلغ بستگی به رضایت طرفین و طمع شخصی داشت که به خدمت می رفت.

استفان کرونین پیرامون نظام بنیچه در ایران می نویسد: قرن نوزدهم شاهد تلاش هایی برای ایجاد ارتش نوین به سبک اروپایی انجام اصلاحات جامع در ایران هستیم یکی از آن ها در دوره صدارت امیرکبیر (۱۲۶۴-۱۲۶۸ هـ ق) (۱۸۵۱-۱۸۴۱ میلادی) و دیگری در زمان میرزا محمد حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم در سال های (۱۲۸۱ تا ۱۲۹۰ هـ ق) بوده طرح هایی که این دو نفر پیشنهاد کرده بودند هر دو متضمن تجدید سازمان کامل نظامی بود که با تقلید عده ای از تنظیمات عثمانی و با مساعدت افسران خارجی، اطریشی ها و ایتالیایی ها در زمان امیرکبیر و اطریشی ها و روسی ها در زمان مشیرالدوله صورت گرفت. ذرنامه های مزبور تلاش داشت تا امور مالیه را سازمان داده و روش های مناسبی را برای سربازگیری تدارک ببیند، سلاح هایی را در داخل کشور تولید کرده و آموزش کافی به افسران ارائه دهد گرچه هیچ یک از آن دو صدر اعظم نتوانستند در انجام کارهای خود کاملاً توفیق یابند ولی هر دوی آن ها معرف نوآوری هایی شدند که تأثیر بسیار مهمی را در روند توسعه نظامی ایران به جای گذاشت، امیرکبیر نظام بنیچه را برای سربازگیری پایه ریزی کرد که در واقع شکل ابتدایی نظام وظیفه اجباری بود و دارالفنون را بنا نهاد، مدرسه ویژه ای که در آن آموزش نظامی جزء برنامه های درسی بود.

این روش تا سال ۱۳۰۰ هـ ش که ارتش شکل منظم تری یافت برقرار بود. از ابتدای تشکیل ارتش، مسئله سربازگیری و نحوه احضار سربازان تغییر یافت و ضوابط جایگزین شد. از سال ۱۳۰۰ هـ ش تلاش هایی به عمل آمد تا سربازگیری اجباری به صورت قانونی در کشور به اجرا درآید.

در نخستین سازمان ارتش، شعبه ای بنام «جدید گـیری» یا «سرباز گیری» تاسیس شد و در سال ۱۳۰۱ ه.ش موقتاً مقرراتی هم بر اساس ضوابط قبلی برای سرباز گیری وضع و به تصویب مجلس شورای ملی رسید تا قانون کامل تری موافق مقتضیات اوضاع و احوال زمان تهیه گردد. در سال ۱۳۰۴ شمسی اداره ای به نام «اداره کل احصائیه و سجل احوال» تشکیل شد. قانونی هم برای تعیین جمعیت حقیقی کشور و ثبت احوال آن ها وضع و قانون خدمت اجباری نیز از تصویب مجلس گذشت و شعبه «سرباز گیری» نیز از ۲۸ بهمن ۱۳۰۴ ه.ش به «دایره نظام اجباری» تبدیل و از سال ۱۳۰۵ ه.ش تشکیلات دایره مذکور به «اداره نظام اجباری» ارتقا یافت که از عناصر متشکل ارکان حرب بود. از همان روزهای نخستین تصویب قانون نظام وظیفه اجباری، آحاد مردم به ویژه علما روحانیون و جوانان و خانواده های آنان از مخالفان جدی این قانون بودند چه اینکه بدون فرهنگ سازی لازم و ضروری و به سبب عدم توجیه مردم و ضرورت های اجباری نمودن سربازی قانون به تصویب رسیده بود و دیگر این که جوانان مجبور بودند از سن ۱۹ الی ۳۰ سالگی به مدت ۲ سال به صورت اجباری به خدمت اعزام گردیده و این مدت را به صورت ابهام آمیز در نقاط مختلف و تحت شرایط غیر قابل پیشبینی و نامنتظره و عمدتاً نامطلوب سپری نمایند و طبعاً چنین شرایطی انگیزه های مثبت و منطقی را در خصوص نظام خدمت نظام وظیفه اجباری تولید نمی کرد و در گام اول جوانان کشور هیچ انگیزه و تمایلی مثبت و منطقی برای رفتن به سربازی نداشتند و به همین دلیل اعزام به خدمت سربازی توأم با زور و ارباب و خشونت از سوی مأموران سرباز گیری بود و به نحوی که این روش و سازوکار خطا نیز مزید علت گردیده و بازتاب های منفی گسترده ای در میان اقشار مختلف مردم به جای می گذاشت. اداره نظام اجباری در ۱۵ خرداد ۱۳۰۷ ه.ش به «اداره نظام وظیفه عمومی» تغییر نام یافت و از این پس هر از چند گاهی، تغییراتی در سازمان اداره و افزایش نواحی و حوزه ها روی می داد به نحوی که در سال ۱۳۱۳ ه.ش تعداد نواحی و حوزه های مستقل آن مطابق سازمان لشگرهای ۱۷ گانه به ۱۷ منطقه سرباز گیری تبدیل شد. مناطق و نواحی نظام وظیفه تا سال ۱۳۱۴ ه.ش از نظر تشکیلات و امور فنی تابع اداره مرکزی (اداره نظام وظیفه عمومی) بودند ولی از آن تاریخ به بعد از نظر کادر سازمان جزء پادگانها و از لحاظ کارهای فنی تابع اداره مرکزی باقی ماندند. در سال ۱۳۳۵ ه.ش امور سرباز گیری از ارتش منتزع و به وزارت کشور واگذار شد اما اجرای این قانون به علت عدم آمادگی وزارت کشور تا مهر ماه ۱۳۴۱ ه.ش به تعویق افتاد و سرانجام از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۴۳ ه.ش امور نظام وظیفه به ژاندارمری کل کشور محول گردید و در سال بعد هم لایحه قانونی انتقال افسران و درجه داران و اموال نظام وظیفه به وزارت کشور (ژاندارمری کشور) به تصویب مجلسین شورا و سنا رسید (۱۳۴۴/۱۰/۳۰ ه.ش) و از این تاریخ به بعد اداره کل مرکزی به نام (اداره وظیفه عمومی) خوانده شد.

مطابق تغییرات سازمانی و تشکیلاتی و متناسب با اوضاع و احوال، تغییراتی در قوانین و مقررات وظیفه عمومی نیز به وقوع پیوست پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری آیت ا... خمینی، با برخورداری از تجربیات گذشته و ملاحظه شرایط روز (بسر بردن مملکت در جنگ با عراق)، آخرین قانون خدمت وظیفه عمومی مشتمل بر ۶۷ ماده و ۵۷ تبصره در جلسه روز یکشنبه بیست و نهم مهر ماه ۱۳۶۳ ه.ش در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۳/۸/۸ ه.ش به تایید شورای نگهبان

رسید. از آن روز به بعد نیز تغییراتی در برخی قوانین صورت گرفته و به صورت قانون و تبصره اضافه و یا کسر گردیده است اما ذات سربازی اجباری هنوز پابرجا می باشد.

فصل سوم:

"سربازی در کشورهای جهان"

خدمت سربازی در ۱۹۷ کشور جهان چگونه است؟

مدل سربازی چه از نظر زمان و چه از نظر نوع آموزش در کشورهای جهان مختلف است، دلیل این تنوع به خاطر موقعیت هر کشوری است که با کشور دیگر متفاوت است. با بررسی که در ۱۹۷ (۱۹۶ کشور عضو سازمان ملل متحد + تایوان یا چین تایپه) کشور جهان انجام شده است، مهمترین عاملی که وجود دارد این است که در تمام این ۱۹۷ کشور به نوعی خدمت سربازی وجود دارد. اما در بعضی از کشورها سربازی اجباری حذف شده و به جای آن سربازی داوطلبانه یا سربازی حرفه ای و یا خدمت در امور مدنی جایگزین شده است. در برخی دیگر هم مدت زمان سربازی به شش ماه یا هشت ماه کاهش پیدا کرده است. در این میان کشورهایی که از نظر جغرافیایی و سیاسی موقعیت حساس تری دارند خدمت سربازی در آن ها بیش از یک سال و حتی تا دو سال است و سربازی به صورت اجباری است.

کشورهای جهان از لحاظ وضعیت نظام وظیفه به ۷ گروه تقسیم می شوند که متاسفانه ایران به همراه کشورهای چون بورکینافاسو در آخرین و بدترین گروه قرار دارد :

کشورهایی که سربازی اجباری را حذف کرده اند. (۱۰۸ کشور، ۵۵٪)

کشورهایی که سربازی اجباری یک سال و یا کمتر دارند. (۲۶ کشور، ۱۳٪)

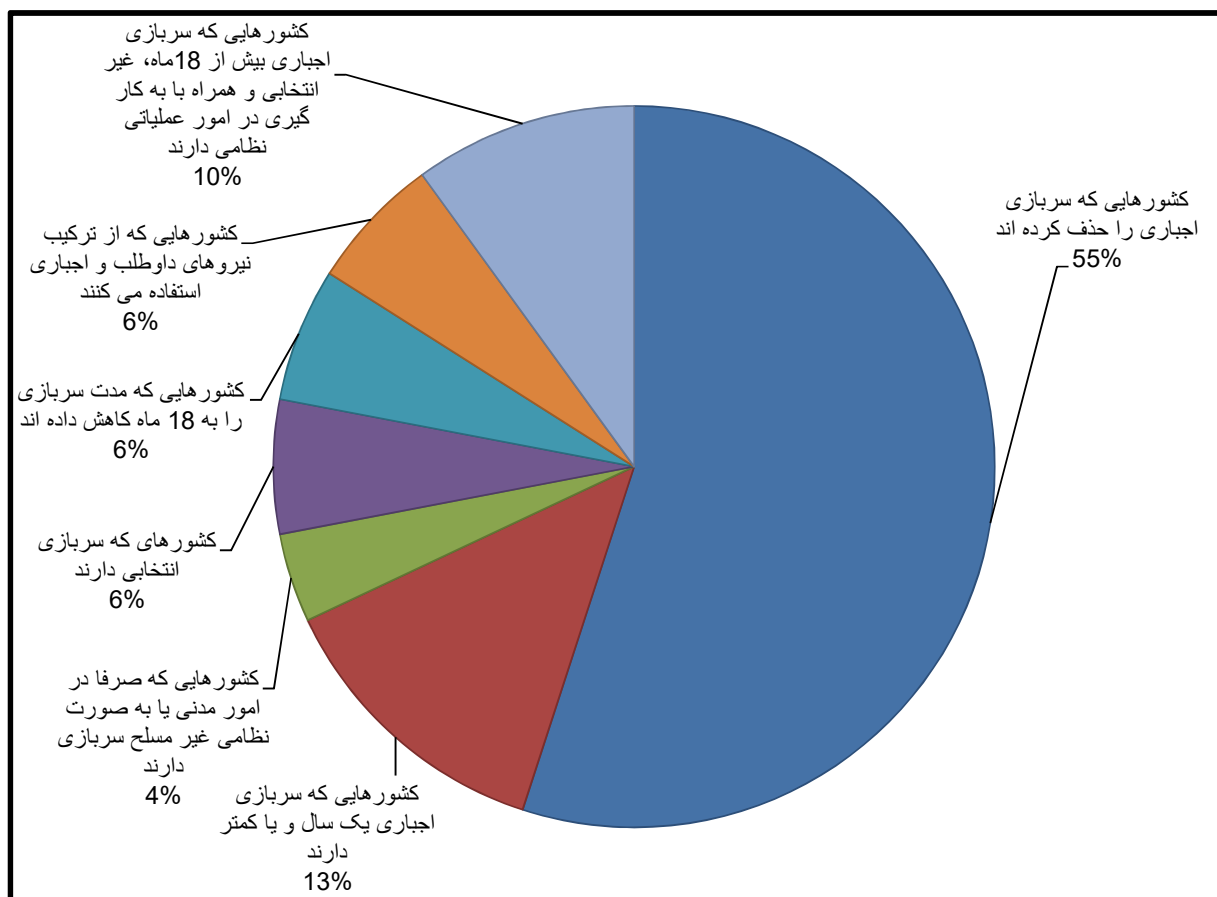
کشورهایی که صرفاً در امور مدنی یا به صورت نظامی غیر مسلح سربازی دارند. (۸ کشور، ۴٪)

کشورهای که سربازی انتخابی دارند. (۱۲ کشور، ۶٪)

کشورهایی که مدت سربازی را به ۱۸ ماه کاهش داده اند. (۱۱ کشور، ۶٪)

کشورهایی که از ترکیب نیروهای داوطلب و اجباری استفاده می کنند. (۱۲ کشور، ۶٪)

کشورهایی که سربازی اجباری بیش از ۱۸ ماه، غیر انتخابی و همراه با به کار گیری در امور عملیاتی نظامی دارند. (۲۰ کشور، ۱۰٪)



اسامی این کشورها به تفکیک هر گروه عبارتند از:

اسامی کشورهایی که سربازی اجباری ندارند و یا آن را حذف کرده اند :

ردیف	نام کشور	توضیحات
	آرژانتین	از ۱۹۹۹ میلادی حذف شده است
	آفریقای جنوبی	از ۱۹۹۴ میلادی حذف شده است

آنتیگوآ و باربودا	-----	
آندورا	-----	
اتیوپی	سربازی اجباری صرفا در شرایط اضطراری مجاز است	
اردن	از سال ۱۹۹۴ میلادی تاکنون در حال تعلیق است	
اروگوئه	در زمان صلح اختیاری است و در زمان جنگ دولت در صورت نیاز می تواند آن را اجباری سازد	
افغانستان	در ۲۰۰۵ میلادی حذف شده است	
استرالیا	در ۱۹۷۲ میلادی لغو شده است	
اسلواکی	در ۲۰۰۶ میلادی حذف شده است	
اسلوونی	در ۲۰۰۳ میلادی حذف شده است	
امارات متحده عربی	-----	
انگلستان	در ۱۹۶۳ میلادی حذف شده است	
ایتالیا	در ۲۰۰۵ میلادی حذف شده است	
ایسلند	-----	
باربادوس	-----	
باهاما	-----	
بحرین	-----	
برمه	-----	
برونئی دارالسلام	-----	
بلژیک	به حالت تعلیق در آمده است	
بلغارستان	نیروی دریایی و هوایی کاملاً حرفه ای شده اند و نیروی زمینی نیز در سال ۲۰۰۸ میلادی حرفه ای شده و سربازی اجباری ملغی می گردد. مدت سربازی اکنون ۹ ماه است. البته برای دانش آموزان دانشگاه ۶ ماه است.	
بلیز	در صورت به حد نصاب نرسیدن داوطلبین اجباری می شود اما تاکنون اجباری نشده است	
بنگلادش	سربازی اجباری صرفا در شرایط اضطراری مجاز است ولی تاکنون اجرا نشده است	
بوتان	-----	
بوتسوانا	-----	
بوسنی و هرزگوین	از اول ژانویه ۲۰۰۶ میلادی حذف شده است	
بولیوی	در صورت به حد نصاب نرسیدن داوطلبین اجباری می شود	

پاکستان	-----	
پاناما	-----	
پالائو	از ۲۰۰۴ میلادی حذف شده است	
پرتقال	-----	
پرو	-----	
تانزانیا	-----	
ترینیداد و توباگو	-----	
تونگو	-----	
تووالو	-----	
تیمور شرقی	-----	
جامائیکا	سربازی اجباری تنها با اجازه والدین ممکن است	
جزایر سلیمان	-----	
جزایر مارشال	-----	
جمهوری ایرلند	دوره سربازی اجباری حذف شده ولی دوره ذخیره هنوز ملغی نشده است	
جمهوری کنگو	-----	
جیبوتی	-----	
چک	لغو آن از ۲۰۰۴ میلادی آغاز و در ۲۰۰۷ میلادی کاملاً لغو شد	
دومینیکا	-----	
دومینکن	-----	
روآندا	-----	
رومانی	از ۲۰۰۶ میلادی حذف شده است	
زامبیا	-----	
ژاپن	-----	
ساموآ	-----	
سن مورینو	-----	
سوآزیلند	-----	
سیچیل	-----	
سیرالئون	-----	
سریلانکا	-----	
سرینام	-----	

سنت کیتس و نویس	-----	
شیلی	هرچند قانون سربازی اجباری ملغی نشده ولی اکنون تمام نیروها به صورت داوطلبانه و نه اجباری به خدمت گرفته می شوند	
عراق	-----	
عربستان سعودی	-----	
عمان	-----	
غنا	-----	
فدراتیو میکرونزی	-----	
فرانسه	از ۱۹۹۶ میلادی حذف شده است	
فیجی	-----	
قطر	-----	
کاستاریکا	از ۱۹۴۸ میلادی حذف شده است	
کامرون	-----	
کانادا	تاکنون در زمان صلح سربازی اجباری نداشته است	
کریباتی	-----	
کنیا	-----	
گامبیا	-----	
گرنادا	-----	
گینه پائو	-----	
لسوتو	-----	
لبنان	-----	
لتونی	از ۲۰۰۷ میلادی حذف شده است	
لوکزامبورگ	از ۱۹۶۷ میلادی حذف شده است	
لیبریا	-----	
لیختنشتاین	-----	
مالاوی	-----	
مالت	-----	
مالدیو	-----	
گویان	-----	
مجارستان	در ۲۰۰۴ میلادی حذف شده است	

	مراکش	از ۲۰۰۶ میلادی حذف شده است
	مقدونیه	از ۲۰۰۶ میلادی حذف شده است
	موریس	-----
	موناکو	-----
	مونتنگرو	از ۲۰۰۶ میلادی حذف شده است
	نائورو	-----
	نامیبیا	-----
	نپال	-----
	نیجریه	-----
	نیکاراگوئه	-----
	نیوزیلند	از ۱۹۷۲ میلادی حذف شده است
	واتیکان	-----
	هائیتی	-----
	هلند	به طور رسمی سربازی اجباری را لغو نکرده ولی از سال ۱۹۹۶ میلادی به بعد از سرباز استفاده نکرده و ارتش کاملاً حرفه ای دارد
	هلند آنتلیس	-----
	هند	هیچ گاه سربازی اجباری نداشته حتی در زمان استعمار انگلیس
	هندوراس	-----
	هنگ کنگ	-----
	یمن	از ۲۰۰۱ میلادی حذف شده است
	وانواتو	-----
	کرواسی	-----

ضمناً بر خلاف برخی ادعاها، حذف سربازی به کشورهای خاصی اختصاص ندارد. شما می توانید نام کشورهای پیشرفته، در حال توسعه، عقب افتاده، اسلامی، فقیر، غنی و... را در میان این ۱۰۸ کشور ببینید.

اسامی کشورهایی که سربازی اجباری یک سال و یا کمتر دارند :

ردیف	نام کشور	توضیحات
	اتریش	از ابتدای ۲۰۰۷ میلادی از ۸ ماه به ۶ ماه کاهش یافت
	برزیل	بسته به محل خدمت ۹-۱۲ ماه
	بولیوی	۱۲ ماه

دانمارک	بسته به محل خدمت ۱۲-۴ ماه و صرفاً در امور مدنی یا به صورت نظامی غیر مسلح
اکوادور	۱۲ ماه، سربازی انتخابی است
السالوادور	۱۲ ماه، سربازی انتخابی است
استونی	بسته به محل خدمت ۱۱-۸ ماه و صرفاً در امور مدنی و یا به صورت نظامی غیر مسلح در سال ۲۰۱۰ میلادی نیز سربازی اجباری لغو شده است
صربستان	بسته به محل خدمت ۹-۶ ماه، از ۲۰۱۰ میلادی نیز سربازی اجباری لغو شده است
اوکراین	بسته به نوع خدمت ۱۲-۱۸ ماه، در ۲ یا ۳ سال آینده ارتش کاملاً حرفه ای شده و سربازی اجباری ملغی می گردد
آلمان	۹ ماه و صرفاً در امور مدنی و یا به صورت نظامی غیر مسلح
یونان	بسته به محل خدمت ۱۲ و ۱۵ ماه و به تازگی به ۶ ماه کاهش یافته است
ازبکستان	۱۲ ماه
لیتوانی	۱۲ ماه و صرفاً در امور مدنی و یا به صورت نظامی غیر مسلح
مکزیک	سربازی انتخابی، نیروهای هوایی و دریایی کاملاً حرفه ای شده اند
مولداوی	۱۲ ماه
مغولستان	۱۲ ماه
نروژ	۱۲ ماه و صرفاً در امور مدنی و یا به صورت نظامی غیر مسلح
پاراگوئه	بسته به محل خدمت ۲۴-۱۲ ماه، استفاده از ترکیب سربازان داوطلب و اجباری
روسیه	ترکیب اجباری و داوطلبانه به کار گرفته شده است. از ابتدای سال ۲۰۰۸ میلادی، ۱۲ ماه شد و از همین سال برای متاهلان دارای فرزند، معلمان و پزشکان روستایی حذف شد
سوئیس	۲۶۰ روز
گوآتمالا	بسته به نوع و محل خدمت ۲۴-۱۲ ماه
لهستان	بسته به محل خدمت ۱۲-۹ ماه و صرفاً در امور مدنی و یا به صورت نظامی غیر مسلح، در سال ۲۰۱۰ میلادی سربازی اجباری لغو شد
تایوان	با امکان انتخاب برای مشمولان از سال ۲۰۰۸ میلادی به ۱۲ ماه رسید
ترکیه	۱۲ ماه برای امور نظامی و ۱۵ ماه برای امور مدنی
تونس	۱۲ ماه
فنلاند	خدمت در امور نظامی مسلحانه ۶ ماه، نظامی غیر مسلحانه ۱۱ ماه و غیر نظامی ۱۳ ماه و صرفاً در امور مدنی و یا به صورت نظامی غیر مسلح

اسامی کشورهایی که از سربازان صرفاً در امور مدنی یا به صورت نظامی غیر مسلح استفاده می شود :

ردیف	نام کشور	توضیحات
	آنگولا	۲۴ ماه
	الجزایر	۱۸ ماه: ۶ ماه آموزش و ۱۲ ماه فعالیت مدنی، ضمناً به زودی شرط انجام خدمت سربازی از شرایط استخدام کارمندی در الجزایر حذف می شود
	بلاروس	۱۸ ماه و برای فارغ التحصیلان دانشگاهی ۱۲ ماه
	قبرس	-----
	سنت لوسیا	-----
	سنت وینسنت و گراندین	-----
	اسپانیا	-----
	سوئد	۱۷-۷ ماه، امکان انتخاب میان فعالیت نظامی یا غیر نظامی وجود دارد

هفت کشور دیگر نیز از سربازان به صورت نظامی غیر مسلح استفاده می کنند که در بخش قبلی نام آن ها ذکر شد.

اسامی کشورهای که سربازی انتخابی (سرباز می تواند محل و نوع خدمت را انتخاب نماید) دارند :

ردیف	نام کشور	توضیحات
	بنین	از ترکیب سربازان داوطلبانه و اجباری استفاده می شود
	جمهوری آفریقای مرکزی	استفاده از ترکیب سربازان داوطلب و اجباری
	ایالات متحده آمریکا	-----
	چاد	-----
	چین	-----
	اندونزی	استفاده از ترکیب سربازان داوطلب و اجباری
	نیجر	-----
	گینه بیسائو	-----
	سنگال	استفاده از ترکیب سربازان داوطلب و اجباری
	کیپ ورد	-----
	توگو	استفاده از ترکیب سربازان داوطلب و اجباری
	مالزی	-----

اسامی کشورهایی که مدت سربازی را به ۱۸ ماه و یا کمتر کاهش داده اند :

ردیف	نام کشور	توضیحات
	آذربایجان	برای فارغ التحصیلان دانشگاهی ۱۲ ماه و سایرین ۱۸ ماه
	ویتنام	۱۶ ماه
	اریتره	۱۸ ماه
	کامبوج	۱۸ ماه
	کلمبیا	استفاده از ترکیب سربازان داوطلب و اجباری
	گرجستان	۱۸ ماه، استفاده از ترکیب سربازان داوطلب و اجباری
	لائوس	۱۸ ماه
	ماداگاسکار	۱۸ ماه
	ساحل عاج	۱۸ ماه، استفاده از ترکیب سربازان داوطلب و اجباری
	قرقیزستان	-----
	لیبی	-----

اسامی کشورهایی که از ترکیب نیروهای داوطلب و اجباری استفاده می کنند. (عمدتاً این روش مقدمه ای است برای رسیدن به ارتش حرفه ای و حذف سربازی اجباری):

ردیف	نام کشور	توضیحات
	برمودا	بخش عمده ای از نیروهای ارتش، حرفه ای بوده و تنها بخش اندکی به صورت اجباری تامین می گردد
	ونزوئلا	-----
	گابون	-----
	کره جنوبی	-----
	سنگاپور	-----
	کویت	-----
	مالی	-----
	فیلیپین	-----
	اوگاندا	-----
	بروندی	-----
	موریتانی	نیروی هوایی و دریایی کاملاً حرفه ای شده اند و از سرباز اجباری تنها در نیروی زمینی استفاده می شود
	اسرائیل	-----

در قانون ایران استفاده از سرباز پیمانی و داوطلب نیز وجود دارد ولی به قدری میزان سربازان داوطلب نسبت به اجباری کم است که نمی توان ایران را در زمره این کشورها قرار داد.

اسامی کشورهایی که سربازی اجباری بیش از ۱۸ ماه، غیر انتخابی و همراه با به کار گیری در امور عملیاتی و مسلحانه نظامی دارند :

ایران	بورکینافاسو	ترکمنستان
آلبانی	سوریه	زیمبابوه
مصر	ارمنستان	جمهوری دموکراتیک کنگو
گینه	سومالی	موزامبیک
کوبا	تاجیکستان	سائوتام و پرینسپ
قزاقستان	سودان	گینه استوایی
کره شمالی	تایلند	

متأسفانه نام کشور ایران در زمره آخرین گروه قرار دارد که نشان می دهد علی رغم برخی بهبودها در مقایسه با دیگر کشورها کمترین میزان بهینه سازی و اصلاح را در مورد نظام وظیفه انجام داده ایم. همانگونه که مشاهده شد کشورهای افغانستان، عراق، عربستان، عمان، قطر، امارات متحده، پاکستان و بحرین از جمله همسایگان ایران هستند که سربازی اجباری را لغو کرده اند.

در اینجا ذکر این نکته لازم می باشد که در دسته بندی فوق برخی از کشورها در بیش از یک دسته می توانند قرار بگیرند؛ اما اولویت و ملاک دسته بندی فوق، حرکت کشورها در مسیری از سربازی اجباری به سربازی یا ارتش حرفه ای در نظر گرفته شده است.

در این بخش وضعیت سربازی و فعل و انفعالات مربوط به آن در برخی کشورها را کمی بیشتر توضیح خواهیم داد:

روسیه

سن و مدت خدمت نظامی: روسیه ترکیبی از نیروهای به خدمت گرفته شده اجباری و قراردادی را در سیستم نظامی پذیرفته است. سن خدمت نظامی ۱۸ تا ۲۷ سال است. مردان در سن ۱۷ سالگی برای خدمت سربازی نام‌نویسی می‌کنند طول مدت خدمت سربازی اجباری دو سال است. در پایان سال ۲۰۰۵ میلادی، ۳۰ درصد پرسنل ارتش روسیه را نظامیان قراردادی تشکیل می‌دادند. طبق برنامه‌ریزی مقرر گردیده بود تا سال ۲۰۱۰ میلادی، ۷۰ درصد نیروهای مسلح روسیه را نیروهای داوطلب و مابقی از نیروهای خدمت اجباری تشکیل دهند.

سیستم خدمت وظیفه اجباری در امپراتوری روسیه، اولین بار در تاریخ ۱ ژانویه ۱۸۷۴ میلادی توسط دمتری میلیوتین وارد شد. فدراسیون روسیه تا سال ۲۰۰۸ میلادی دارای ۱۲ ماه خدمت وظیفه اجباری برای مردان بوده است که اکثر روس‌ها به طرق مختلف از انجام آن اجتناب می‌ورزند. برخی از نمونه‌های عدم حضور بر سر خدمت وظیفه در روسیه به شرح زیر هستند:

تحصیل در دانشگاه یا یک مرکز مشابه دیگر؛ تمام دانشجویان تمام وقت از خدمت سربازی معاف هستند اما ممکن است پس از فارغ‌التحصیلی (یا اخراج) به خدمت فراخوانده شوند. دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی به عنوان سرباز صرف به خدمت گرفته می‌شوند ولی اگر دارای آموزش‌های نظامی باشند می‌توانند تقاضای خدمت ۲ ساله با درجه افسری بدهند. کسانی که تحصیلات عالی خود را به صورت تمام وقت ادامه دهند یا درجه آکادمیک داشته باشند (مانند پی‌اچ‌دی، دکترای علوم، فوق لیسانس) به خدمت فراخوانده نمی‌شوند.

دریافت گواهی پزشکی مبنی بر عدم تناسب جسمی برای خدمت.

داشتن بیش از دو فرزند.

در روسیه تنها کسانی به خدمت فراخوانده می‌شوند که بین سنین ۱۸ تا ۲۷ سال باشند یعنی اگر سن کسی از ۲۷ سال بگذرد، به خدمت فراخوانده نخواهد شد. در سال ۲۰۰۶ میلادی دولت روسیه و مجلس دوما به تدریج مدت خدمت را برای کسانی که در سال ۲۰۰۷ میلادی مشمول می‌شدند از ۲۴ ماه به ۱۸ ماه و کسانی که در سال ۲۰۰۸ میلادی مشمول می‌شدند به ۱۲ ماه کاهش دادند. سپس برخی از مواد قانونی که مانع مشمولیت سربازی می‌شد را حذف کردند (مانند قانون عدم مشمولیت پزشکان و معلمان روستایی و مردانی که فرزندان کوچکتر از ۳ سال دارند و...). این قوانین از ۱ ژانویه ۲۰۰۸ میلادی اعمال شدند. همچنین از این تاریخ، دانشجویان تمام وقتی که از دانشگاه‌های غیرنظامی فارغ‌التحصیل شده بودند و آموزش‌های نظامی دیده بودند از خدمت معاف می‌شدند.

امرای ارتش روسیه غالباً از این مسئله شکایت داشته‌اند که توده بزرگی از بدنه ارتش را سربازان معتاد به مواد مخدر، کندذهن و سابقه‌دار تشکیل داده‌اند. در نتیجه روحیه و کارکرد نیروهای مسلح این کشور به شدت افت کرده است. پرسنل

وظیفه در ابتدای ورود به ارتش مجبور به انجام کارهای سخت و تحمل خشونت هستند که در زبان روسی به آن «دِدو واشینا (dedovshchina)» می‌گویند. چندین تن از سربازان نیز به دلیل این خشونت‌ها مرده‌اند.

ایالات متحده آمریکا:

ایالات متحده آمریکا به طور متناوب از خدمت وظیفه استفاده کرده است. برای مثال در سال ۱۸۶۳ میلادی فراخوان نیروهای وظیفه باعث ایجاد شورش‌های نیویورک شد. بعدها در سال ۱۹۱۷ میلادی که ایالات متحده وارد جنگ جهانی اول شد دولت این کشور از فراخوان خدمت وظیفه استفاده کرد. نخستین دوره خدمت وظیفه در زمان صلح نیز با لایحه‌ای به نام خدمت و آموزش انتخابی در سال ۱۹۴۰ میلادی برگزار شد. خدمت وظیفه فعال (فراخوان) در سال ۱۹۷۳ میلادی در این کشور به پایان رسید. هم‌اکنون از پس‌رانی که در سنین بین ۱۸ تا ۲۴ سال قرار دارند خواسته می‌شود در نظام خدمت انتخابی ثبت‌نام کنند. هدف این خدمت «فراهم آوردن نفقات کافی برای نیروهای مسلح در شرایط اضطراری است» و هدف دیگر آن نظام سلامت فردی کارکنان است. از دیگر اهداف این طرح ایجاد برنامه‌ای برای فرمان‌شکنان وجدانی است تا آن‌ها نیز بتوانند در خدمات جایگزین کار کنند. از سال ۱۹۸۶ میلادی تا به حال هیچ‌کس به خاطر تخطی از قوانین نظام وظیفه کشته نشده است. زنان نمی‌توانند در خدمت انتخابی آمریکا ثبت‌نام کنند اما این اختیار را دارند تا به عنوان داوطلب به ارتش بپیوندند.

در روز ۲۷ ژانویه سال ۱۹۷۳، خدمت اجباری مردان در ایالات متحده به پایان رسید و در روز ۳۰ ژوئن همان سال قانون خدمت اجباری منقضی شد. بدین شکل خدمت اجباری که از سال ۱۹۴۰ به غیر از مدتی از ماه مارس ۱۹۴۷ تا ژوئن ۱۹۴۸ در ایالات متحده به اجرا درآمده بود به تاریخ پیوست. ریچارد نیکسون در مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۶۸ با هنوبرت هامفری که مدافع سرسخت خدمت اجباری بود، قول اتمام این قانون را داد ولی تقریباً هیچ‌کس بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۰ معتقد نبود که این قانون به زودی لغو می‌شود. با این وجود پنج سال پس از نطق رادیویی نیکسون قانون خدمت اجباری لغو شد. چهار دهه پس از لغو این قانون، دیگر خبری از خدمت اجباری نیست. اما چگونه خدمت اجباری به این سرعت لغو شد؟ یکی از دلایل اصلی این رخداد، کارهای بسیار گسترده‌ای بود که اقتصاددانان از میانه دهه ۱۹۶۰ تا پایان آن انجام دادند و نشان دادند که هزینه انسانی خدمت اجباری چقدر زیاد است و چگونه می‌توان یک سیستم کارای داوطلبانه در نیروهای نظامی به وجود آورد. برای مطالعات تجربی می‌توان به کار ولتر اوبی، پروفیسور اقتصاد در دانشگاه واشنگتن مراجعه کرد. در این کار

اوبی بین دو اثر هزینه های انسانی و اقتصادی ارتش تفکیک قائل شد. او به خوبی نشان می دهد که خدمت اجباری می تواند هزینه بودجه ای ارتش را کاهش دهد اما هزینه پنهان دیگری در مورد رفاه سربازان و افراد دیگری که می خواهند داوطلبانه وارد ارتش شوند وجود دارد.

اما مشهورترین فرد در این زمینه میلتون فردیمن است. در دسامبر ۱۹۶۶ در همایشی چهار روزه در دانشگاه شیکاگو، فردیمن ایده اقتصادی و فلسفی خود را تحت عنوان «چرا یک ارتش داوطلبانه نداشته باشیم؟» ارائه داد. با خواندن مباحث این کنفرانس متوجه می شویم که می توان افراد مختلف با دیدگاه های ایدئولوژیک گوناگون را یافت که با این قانون مخالف اند اما این اقتصاددانان هستند که به طور جالب توجهی بر ضد قانون دلایل منطقی و اقتصادی می آورند. سخنرانی فردیمن و اظهار نظرات مختلف او به عقاید دیگر سخنرانان هنوز بعد از چهار دهه قابل توجه است. یکی از بهترین قسمت های سخنرانی او آنجاست که او مخالفان با قانون خدمت اجباری را موافقان با «اجیر کردن» سرباز می داند. فردیمن در یکی از اظهار نظرات پایانی خود در این کنفرانس می گوید: «من در کنفرانس های زیادی شرکت کردم اما هیچ کدام به اندازه این کنفرانس بر شنوندگان تاثیر نگذاشته است. در نظر سنجی که پیش از آغاز کنفرانس انجام شده بود، دو سوم مخاطبان موافق قانون خدمت وظیفه بودند اما در نظر سنجی پایانی کنفرانس، دو سوم بر ضد آن بودند. فردیمن معتقد است این کنفرانس نقطه عطفی بود در پایان یافتن قانون خدمت وظیف اجباری.

ویلیام مککلینگ، اقتصاددان در یادداشت معروفی در این رابطه نوشت: «هر دولتی برای انجام اهدافش چه راهسازی باشد یا تشکیل یک ارتش، ضرورتاً دو راه پیشتر ندارد. دولت می تواند ابزار را از مالکیت بخش خصوصی بیرون آورد و مردم را مجبور کند تا آن کار را انجام دهند یا آنکه خود با خرید وسایل و نیروی کار، آن هدف را محقق کند. در گزینه اول تنها بخشی از مردم که مالک آن ابزار خاص هستند و افرادی که مجبور می شوند برای دولت کار کنند، هزینه پروژه مورد نظر دولت را می دهند. آن ها برای انجام پروژه مالیات می دهند اما مالیاتی خاص که پولی نیست؛ اما در راه دوم همه مردم هزینه کالا و خدمات را می دهند. بنیامین فرانکلین بیش از ۲۰۰ سال پیش نشان داده بود که اجبار افراد به کاری خاص چگونه ایجاد مالیاتی مخفی می کند و آن را غیرقانونی دانسته بود.

پس از لغو قانون وظیفه در ایالات متحده تا به امروز هر از گاهی بحث های کوچکی در مورد برگرداندن این قانون شده است، اقتصاددانان در خط مقدم مبارزه با این مباحث بوده اند. از جمله این اقتصاددانان می توان به پل هوگان متخصص نیروی کار در ارتش و استیون سایلک، اقتصاددان در نیروی دریایی ایالات متحده اشاره کرد. امروزه خود ارتش بیش از همه مخالف سرباز وظیفه است. این کاری بود که با همت اقتصاددانان صورت پذیرفت.

خدمت وظیفه از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ میلادی در تئوری وجود داشته است. با این حال به دلیل جمعیت کلان چین و وجود داوطلبان زیادی که تقاضای ورود به ارتش این کشور را دارند، تا به حال فراخوان خدمت اعلام نشده است. خدمت وظیفه در ماده ۵۵ قانون اساسی چین این طور تقدیس شده است: «وظیفه مقدس هر شهروند جمهوری خلق چین است که از میهن مادری خود در برابر حملات دشمنان دفاع کند. وظیفه افتخارآمیز هر شهروند جمهوری خلق چین انجام خدمت نظامی و عضویت در نیروهای مقاومت است.» مبنای حقوقی فعلی خدمت وظیفه، قانون نظامی مصوب سال ۱۹۸۴ میلادی است که این طور بیان می کند که خدمت نظامی، وظیفه تمام شهروندان بدون تمایز نژادی و گرایش مذهبی و .. است. این قانون از زمانی که تصحیح شده به حالت اجرا در نیآمده است. خدمت نظامی معمولاً در نیروهای مسلح عادی انجام می شود، اما قانون سال ۱۹۸۴ میلادی اجازه اجرای خدمت وظیفه تحت عنوان نیروهای احتیاط را نیز داده است. ساکنان هنگ کنگ و ماکائو از سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ میلادی از عضویت در ارتش منع شده اند.

آرژانتین:

آرژانتین در سال ۱۹۹۴ میلادی خدمت وظیفه را لغو کرد و آن را تبدیل به خدمت داوطلبانه کرد. این وضع حاصل بدگمانی‌های سیاسی و اجتماعی نسبت به ارتش و بودجه‌های سالانه رو به کاهش بود. همین موضوع باعث شد تا ارتش هر ساله سربازان وظیفه کمتری را فراخوان کند. همچنین تجربه جنگ فالکلند در سال ۱۹۸۲ میلادی، برتری نیروهای حرفه‌ای را نسبت به نیروهای وظیفه نشان داد. از دیگر مسائل تأثیرگذار، شایعاتی پیرامون خشونت نسبت به نیروهای وظیفه بود که نمونه آن قتل سرباز عمر کاراسکو در یک پایگاه نظامی در سال ۱۹۹۴ میلادی پس از یک اقدام تنبیهی خشن بود. باید خاطر نشان ساخت که خدمت وظیفه عمومی هنوز به طور رسمی در آرژانتین به پایان نرسیده است؛ قانون خدمت نظامی اجباری هنوز هم در کتاب‌ها موجود است و امکان استفاده از آن در زمان جنگ، بحران یا حالت‌های اضطراری وجود دارد.

خدمت وظیفه را در آرژانتین به نام *la colimba* می‌شناسند. واژه *colimba* ترکیبی از سیلاب‌های ابتدایی فعل‌های *corer* (دویدن)، *limpiar* (پاک کردن) و *barrer* (جارو کشیدن) است. برداشت مردم از این خدمت این چنین است که تمام کاری یک سرباز در طول خدمت خود انجام می‌دهد، عبارت است از دویدن، پاک کردن و جارو کشیدن، همچنین سربازان وظیفه را نیز به نام *colimbas* می‌شناسند.

اسپانیا:

اسپانیا در سال ۲۰۰۱ میلادی خدمت نظامی اجباری را لغو کرد. خدمت وظیفه عمومی در این کشور را با نام موهن «*la mili*» می‌شناختند. این واژه معمولاً با یک صفت توهین‌آمیز دیگر مانند نام یک مکمل ترکیب می‌شد برای مثال (*Put a Mili*) که به مجله عامه‌پسند و فکاهی «*El Jueves*» مربوط می‌شد. خدمت وظیفه و خدمت جایگزین ۹ ماه طول می‌کشید و در سال‌های آخر، بیشینه مشمولین خدمت جایگزین را به خدمت نظامی ترجیح می‌دادند.

استرالیا:

با اینکه درجه شدت‌های مختلفی در فراخوان‌های خدمت وظیفه عمومی در مواقع بحرانی (جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم، جنگ کره، جنگ ویتنام) وجود داشت، اما در حال حاضر استرالیا خدمت وظیفه عمومی ندارد.

ایتالیا:

ایتالیا تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۴ میلادی دارای خدمت وظیفه عمومی برای مردان بود. حق فرمان شکنان وجدانی نیز از سال ۱۹۷۲ میلادی به رسمیت شناخته شده بود به این گونه که آن ها می توانستند «خدمت غیررزمی» یا یکی از خدمات اجتماعی را به عهده گیرند. مجلس ایتالیا فرمان تعلیق خدمت اجباری وظیفه را در سال ۲۰۰۴ میلادی تصویب کرد. اجرای این طرح از ابتدای سال ۲۰۰۵ میلادی بود و پس از آن ارتش دارای نیروهای داوطلب حرفه ای متشکل از مرد و زن می باشد.

بریتانیا:

پادشاهی متحد بریتانیا در طول هر دو جنگ جهانی از فراخوان خدمت وظیفه استفاده کرد. بریتانیا در دو سال نخست جنگ جهانی اول تنها بر نیروهای داوطلب تکیه کرد. اما در سال ۱۹۱۶ میلادی و به دنبال تلفات گسترده در خطوط مقدم جبهه، دولت این کشور مجبور شد تا لایحه ای به نام خدمت وظیفه به منظور فراخوان افراد واجد شرایط به مجلس بفرستد. در سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی رفتارهای خشن با فرمان شکنان وجدانی صورت گرفت. بسیاری از آن ها مجبور به انجام کارهای غیرنظامی ولی در رابطه با جنگ شدند. برخی نیز به زندان افتادند.

ایرلند در آغاز جنگ جهانی اول از خدمت وظیفه معاف بود اما در ۹ آوریل ۱۹۱۸ میلادی این قانون مشمول این سرزمین نیز شد. این موضع باعث ایجاد بحرانی شدید در ایرلند شد و بعدها فاکتور مهمی در تصمیم مردم آن به استقلال به حساب آمد. ییتس شاعر مشهور ایرلندی در نامه ای به لرد هالدن به نشانه اعتراض می نویسد: «... این برای من امری عجیب است که انگلیس به خاطر ۵۰,۰۰۰ سرباز ایرلندی آماده ایجاد گودالی جدید بین دو کشور است و می خواهد آن را از خون پر کند». همچنین بانو گریگوری در اعتراض به این قانون اعلام کرد: «زنان و کودکان در برابر مردانشان می ایستند و حاضرند تیر بخورند اما اجازه ندهند تا آن ها را به خط مقدم ببرند.»

خدمت نظامی بار دیگر در سال ۱۹۳۹ میلادی و با آغاز جنگ جهانی دوم برقرار شد. نه تنها سربازان وظیفه را در هر سه نیروی ارتش به کار می گرفتند بلکه از آن ها در استخراج معادن زغال سنگ نیز استفاده می شد. بعدها در طول جنگ از سربازان زن وظیفه ای که به نیروی جدید ارتش زمینی زنان اعزام شده بودند برای کار در مزارع کشاورزی استفاده شد. فرمان شکنان وجدانی نیز بیشتر مورد تحمل دولت قرار می گرفتند اما در صورتی که از کارهای مرتبط با جنگ شانه خالی می کردند به زندان انداخته می شدند. در طول جنگ جهانی دوم مردم ایرلند شمالی از خدمت وظیفه معاف بودند. آن ها پس از جنگ نیز از خدمت وظیفه معاف شدند. دولت بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم خدمت ملی را معرفی کرد. این خدمت در سال ۱۹۶۳ میلادی لغو شد.

بلغارستان:

بلغارستان خدمت وظیفه عمومی را لغو کرده است. آخرین سربازان وظیفه در تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۰۷ میلادی به خانه فرستاده شدند. پیش از این خدمت وظیفه در این کشور برای مردانی که در سنین هجده تا بیست و هفت سالگی قرار داشتند اجباری بود. طول خدمت بستگی به میزان تحصیلات داشت. شهروندانی که مدرک کارشناسی یا بالاتر داشتند ۶ ماه خدمت می کردند. شهروندانی که تحصیلات عالی نداشتند باید ۹ ماه خدمت می کردند. در سال ۱۹۹۴ میلادی طول خدمت دو سال بود که در طول زمان از مدت آن کاسته می شد تا اینکه به کلی لغو شد.

پاکستان:

پاکستان نیز مانند هند همیشه دارای ارتش حرفه ای بوده است. با این حال پس از پس زلزله های استقلال و جنگ سال ۱۹۴۸ میلادی هنگامی که ارتش در حال تبدیل شدن از یک نیروی مستعمراتی به یک ارتش جدید ملی بود، نیروهای چریکی از اطراف قبایلی که در مرزهایی چون پنجاب و کشمیر مستقر بودند شروع به شکل گیری کردند. هر قبیله سهمیه ای معین داشت و بسیاری از افراد اعزامی به این نیروها به معنای واقعی کلمه داوطلب نبودند (هر چند بسیاری نیز داوطلب بودند). این مورد تنها مثال قابل ذکر در ارتباط با خدمت وظیفه در پاکستان است.

رومانی:

رومانی در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۰۶ میلادی خدمت نظامی اجباری را ملغی اعلام کرد. لغو خدمت سربازی از آن جا نشأت گرفت که متهمی که در سال ۲۰۰۳ میلادی به قانون اساسی این کشور اضافه شد این اجازه را به مجلس می داد تا خدمت وظیفه عمومی را انتخابی کند. مجلس رومانی در اکتبر ۲۰۰۵ میلادی رأی به لغو خدمت وظیفه داد. این رأی به همراه رأیی بود که مطابق آن رومانی به شکل رسمی به ناتو ملحق می شد.

ژاپن:

نیروهای دفاع از خود ژاپن از هنگام تأسیس در دهه ۱۹۵۰ میلادی و پس از پایان اشغال متفقین تا به حال از نیروهای داوطلب تشکیل شده است. از آن جا که قانون اساسی ژاپن، دولت این کشور را از تشکیل هر گونه نیروی نظامی آفندی منع کرده است، خدمت وظیفه عمومی حداقل تا آینده نزدیک مسئله قابل بحثی در این کشور نخواهد بود.

عراق:

بیشینهٔ پرسنل ارتش بزرگ صدام حسین (به غیر از گارد عالی جمهوری) را سربازان وظیفه تشکیل داده بودند. در حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر پرسنل وظیفه در زمان جنگ اول خلیج فارس به نام عملیات توفان صحرا کشته شدند. در سال‌های بعد، ارتش عراق از فساد و رهبری ضعیف رنج می‌برد ولی خدمت اجباری همچنان ادامه داشت. یکی از برنامه‌های قابل ذکر «اشبال صدام» بود که به «بچه‌شیرهای صدام» شهرت یافته بود و در طول آن کودکان عراقی از طریق تمرینات سخت مانند یادگیری جنگ‌افزارهای گرم یا تکه‌تکه کردن مرغ‌های زنده آموزش می‌دیدند تا از عراق دفاع کنند. پس از دومین جنگ خلیج فارس که منجر به سقوط صدام شد، ارتش قبلی منحل گشته و ارتش جدید عراق توسط نیروهای داوطلب تشکیل شد. آموزش این نیروها در ابتدا توسط حکومت ائتلافی موقت و سپس نیروهای آمریکایی انجام شد.

فرانسه:

خدمت وظیفه مدرن توسط انقلابیون فرانسوی ابداع شد. آن‌ها نیاز به نیروی دفاعی قوی‌تری داشتند تا بتوانند نظرات رادیکال خود را به کل اروپا گسترش دهند. قانون جردن در سال ۱۷۹۸ میلادی بیان می‌داشت: «هر فرانسوی سرباز است و خود را ملزم به دفاع از ملت می‌داند.» به این شیوه بود که ناپلئون بناپارت توانست ارتش بزرگ (Grande Armée) را به وجود آورد و اولین جنگ اروپایی خود را آغاز کند. فرانسه از سال ۱۹۹۶ میلادی خدمت وظیفه عمومی در زمان صلح را لغو کرد اما کسانی که پیش از سال ۱۹۷۹ میلادی متولد شده بودند باید خدمت خود را به پایان می‌بردند. از زمان جنگ استقلال الجزایر (۱۹۵۴-۶۲ میلادی) به این سو، سربازان وظیفه به مناطق خارجی یا جنگی اعزام نشده بودند مگر اینکه خود داوطلب می‌شدند.

فیلیپین:

فیلیپین دارای خدمت نظامی اجباری نیست. با این حال تمرین نظامی یکی از برنامه‌های درسی اجباری در مدارس و اختیاری در دانشگاه‌ها است. از آن جا که این آموزش تنها به مدت چند ساعت در یک هفته طول می‌کشد و جزوی از برنامه‌های مدرسه است، دیگر لازم نیست که دانش‌آموزان در طول اجرای این برنامه از خانه دور شوند. شهروندان فیلیپینی که حاضر به گذراندن این دوره به نام دوره آموزشی پیشبرد شهروندان یا CAT در سال آخر دبیرستان نباشند واجد شرایط فارغ‌التحصیلی نخواهند شد. تا پیش از سال ۲۰۰۳ میلادی هدف اصلی این برنامه تنها آموزش مهارت‌های نظامی بود اما امروزه

جنبه‌های غیرنظامی نیز به آن اضافه شده است. آموزش نظامی در دانشگاه‌ها با عنوان سپاه آموزشی افسران ذخیره (ROTC) شناخته می‌شود و هم‌اکنون یکی از انتخاب‌های موجود برای برنامه آموزشی خدمت ملی اجباری (NSTP) است. دو انتخاب دیگر عبارتند از خدمت آموزش رفاه شهروندی (CWTS) و خدمت سوادآموزی (LTS). شرکت در سپاه آموزشی افسران ذخیره تا سال ۲۰۰۱ میلادی اجباری بود تا اینکه شایعاتی پیرامون سوءرفتار افسران باعث شد تا دولت به فکر تغییر آن بیفتد. هم‌اکنون دانشجویان ملزم به تکمیل ۶ واحد از برنامه آموزشی خدمت ملی اجباری هستند تا بتوانند شرایط لازم برای فارغ‌التحصیلی را به دست آورند. تا پیش از آن لازم بود دانشجویان ۱۲ واحد (هر سال ۶ واحد) از سپاه آموزشی افسران ذخیره را به اتمام برسانند. آموزش نظامی بسته به نوع مدرسه‌ای که دانش‌آموزان در آن درس می‌خوانند می‌تواند به یکی از نیروهای زمینی، هوایی یا دریایی اختصاص یابد. بیگانگان از شرکت در برنامه‌های خدمت ملی معاف هستند اما کسانی که تابعیت دوگانه دارند از این قاعده مستثنا هستند.

لبنان:

تا پیش از این خدمت وظیفه عمومی به طول یک سال برای مردان در لبنان وجود داشت. در تاریخ ۴ مه ۲۰۰۵ میلادی نظام خدمت وظیفه جدیدی تصویب شد که در آن خدمتی شش ماهه پیش‌بینی شده بود و همچنین این طرح دولت را ملزم به لغو خدمت سربازی در ۲ سال آینده کرده بود. خدمت وظیفه عمومی در تاریخ ۱۰ فوریه ۲۰۰۷ میلادی در لبنان لغو شد.

مجارستان:

مجارستان در نوامبر سال ۲۰۰۴ میلادی خدمت وظیفه عمومی را ملغی اعلام کرد. لغو خدمت سربازی پس از پایان یافتن مناقشات سیاسی طولانی مدتی بود که منجر به تغییر قانون اساسی شد. برای بازگرداندن خدمت وظیفه، باید دو سوم نمایندگان به آن رأی مثبت دهند که در آینده نزدیک بسیار نامحتمل به نظر می‌رسد. هم‌اکنون این کشور در حال توسعه ارتش حرفه‌ای خود با تأکید بر سربازان پیمانی است که هر چهار سال به طور داوطلبانه خدمت خواهند کرد.

هلند:

هلند در سال ۱۸۱۴ میلادی خدمت وظیفه عمومی را برای ایجاد نیروی مقاومت ملی (ملیشیا) تشکیل داد. در همان زمان نیز یک ارتش دائمی که صرفاً توسط داوطلبان تشکیل شده بود را نیز بنا نهاد. با این حال کمبود نیروی داوطلب باعث شد هر دو نیرو در سال ۱۸۱۹ میلادی با هم ترکیب شوند، به شکلی که توده سربازان آن ارتش، وظیفه بودند و فرماندهان آن‌ها

افسران و درجه‌داران حرفه‌ای بودند. این نظام تا پایان جنگ سرد وجود داشت. بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۶ میلادی ارتش هلند نیروهای وظیفه خود را به تدریج کم کرد و تبدیل به ارتشی کاملاً داوطلب شد. آخرین نیروهای وظیفه در سال ۱۹۹۵ میلادی به خدمت اعزام شدند و در سال ۱۹۹۶ میلادی ترخیص شدند. هلند تا به حال به شکل رسمی خدمت وظیفه عمومی را لغو نکرده است؛ این به آن معنا است که قانون و سیستمی که سربازان را به خدمت اعزام می‌کرد همچنان برقرار است و شهروندان هلندی که خدمت نظامی خود را تا پیش از سال ۱۹۹۶ میلادی کامل کرده‌اند را می‌توان (از نظر قانونی) در مواقع بحرانی به خدمت فراخواند.

هند:

هند چه در زمان استعمار بریتانیا یا حتی پس از استقلال در سال ۱۹۴۷ میلادی تا به حال خدمت وظیفه عمومی نداشته است. در جنگ جهانی دوم ارتش هند یکی از بزرگترین ارتش‌های کاملاً داوطلب تاریخ را داشت که تعداد نفرات آن به بیش از ۵/۲ میلیون نفر می‌رسید. از آن زمان تا کنون این کشور توانسته است رکورد دومین ارتش بزرگ و اولین ارتش کاملاً داوطلب را حفظ کند.

اسرائیل:

اسرائیل دارای خدمت وظیفه برای تمام مردان و زنان است. تمام شهروندان اسرائیلی در سن ۱۸ سالگی یا پایان کلاس دوازدهم مشمول خدمت وظیفه می‌شوند به جز در موارد ذیل:

هاردیم‌ها می‌توانند در طول تحصیلات مذهبی از خدمت معاف باشند.

اعراب اسرائیل از خدمت معاف هستند اما با این حال می‌توانند داوطلب شوند. مردم دیگری که جزو جوامع غیر یهودی این کشور هستند مانند دروزی‌ها، بادیه‌نشینان و چرکسی‌ها باید به خدمت بروند. با این حال زنان آن‌ها نمی‌توانند داوطلب شوند.

زنان مؤمن یهودی می‌توانند برای معافیت از خدمت متقاضی شوند. هر چند برخی از آن‌ها خواستار اعزام به خدمت می‌شوند، بسیاری می‌خواهند به شکل داوطلبانه و غیرنظامی در طرح خدمت ملی «شروت لئومی» شرکت کنند.

زنانی که ازدواج کنند یا باردار شده باشند به خدمت اعزام نمی‌شوند.

افرادی که از لحاظ روانی یا جسمی صلاحیت لازم را نداشته باشند نیز به خدمت اعزام نمی‌شوند.

به طور معمول مردان اسرائیلی باید ۳ سال و زنان اسرائیلی ۲ سال خدمت کنند. افسران و سربازانی که در نیروهای ویژه‌ای همچون نحال و حسدر هستند باید خدمت بیشتری کنند. افرادی که در «مچینا» (دوره آمادگی پیش از اعزام) حضور دارند می‌توانند خدمت را تا پایان برنامه که معمولاً یک سال است به تعویق اندازند. برنامه دیگری به نام (اتوداعی) برای متقاضیان شایسته وجود دارد که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا پیش از اعزام به تحصیلات آکادمیک بپردازند. فرمان‌شکنان وجدانی بسیار کمی در اسرائیل وجود دارند. امر شایع‌تری که بین سربازان ذخیره وجود دارد، عدم قبول خدمت در کرانه باختری رود اردن و غزه است. ممکن است برخی از این فرمان‌شکنان وجدانی را به جاهای دیگر بفرستند یا آن‌ها را به مدت چند ماه تا یک سال به زندان محکوم کنند و پس از آن به عنوان فرد ناشایست ترخیص کنند. مردان پس از پایان مدت خدمت وظیفه عادی باید ۴۵ روز در سال را به خدمت احتیاط (میلوم) بپردازند تا اینکه به سن ۴۰ سالگی برسند. زنان نیز در برخی از مشاغل خاص مجبور به انجام خدمت احتیاط به میزان کمی هستند تا اینکه به سن بیست و چهار سالگی برسند یا ازدواج کنند و یا باردار شوند.

اوکراین:

گزینه‌های سربازی در اوکراین شامل دوره آموزشی افسر احتیاط به مدت دو سال (که در دانشگاه‌ها انجام می‌شود و به معنای عدم حضور در ارتش است) یا یک سال خدمت عادی است. افرادی که سنشان از بیست و پنج سال بگذرد را نمی‌توان به خدمت فراخواند. ارتش اوکراین نیز تا مدتی پیش مانند روسیه درگیر مشکلاتی مانند ددو واشینا بود تا اینکه بر اثر تقلیل خدمت سربازی این مشکلات رو به کاهش گذاشتند. طول خدمت در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی از ۲۴ ماه به ۱۸ ماه و سپس به ۱۲ ماه کاهش یافت. از دیگر دلایل کاهش این مشکلات کم شدن تعداد پرسنل وظیفه به دلیل رویکرد ارتش به سمت حرفه‌ای شدن است. اوکراین در نظر داشت تا سال ۲۰۱۰ میلادی ارتش خود را کاملاً حرفه‌ای ساخته و خدمت وظیفه عمومی را لغو کند. وزیر دفاع این کشور اعلام کرده بود که آخرین کارکنان وظیفه در سال ۲۰۱۰ میلادی به خدمت فراخوانده خواهند شد.

دانمارک:

طبق قانون اساسی دانمارک، تمامی مردانی که از سلامتی کامل برخوردارند باید به خدمت اجباری بروند. خدمت به طور عادی ۴ ماه طول می‌کشد و معمولاً توسط افراد ۱۸ تا ۲۷ ساله انجام می‌شود. برخی از خدمات خاص، بیشتر طول می‌کشند. معمولاً هنگامی که پسران دانمارکی به سالروز ۱۸ سالگی خود می‌رسند نامه‌ای دریافت می‌کنند که در آن از آن‌ها پرسیده می‌شود که چه زمانی تحصیلات خود را به پایان خواهند برد. کمی بعد نامه‌ای به دست آن‌ها می‌رسد که طی آن تاریخ

مراجعه به سازمان نظام وظیفه برای انجام معاینات جسمی و روانی تعیین شده است. با این حال ممکن است برخی از افراد، شایسته حضور در خدمت محسوب نشوند. حتی اگر شخصی شرایط لازم برای خدمت را داشته باشد ممکن است با نوشتن یک عدد تصادفی از رفتن به خدمت اجتناب کند. افرادی که از نظر روانی و جسمی از آمادگی کمتری برخوردارند پایین تر از افراد آماده تر قرار می گیرند و به این ترتیب احتمال اعزامشان بسیار کمتر خواهد بود. در صورت بروز بحران، دولت می تواند مردان سالم را تا مرز ۵۰ سالگی به خدمت فرا بخواند. این فراخوان بدون در نظر گرفتن اتمام یا عدم اتمام خدمت وظیفه آن ها است. این حق بسیار به ندرت توسط دولتمردان دانمارک استفاده شده است.

فرمان شکنان وجدانی می توانند به جای خدمت نظامی، به مدت ۶ ماه در مشاغل غیرنظامی مانند طرح Redningsberedskabet که شامل حوادث غیرنظامی (مانند آتش سوزی، سیل، آلودگی و غیره) یا کار در یک کشور جهان سوم بپردازند.

برمودا:

با اینکه برمودا یکی از سرزمین های ماورای بحار بریتانیا است اما هنوز هم خدمت وظیفه را برای دفاع از خود حفظ کرده است. مردانی که در سنین ۱۸ تا ۳۲ سال هستند با استفاده از قرعه کشی به خدمت فراخوانده می شوند تا به مدت ۳۸ ماه در گردان برمودا خدمت کنند. حضور در خدمت به صورت پاره وقت است. با این حال هر کس که اعتراضی به این شیوه داشته باشد حق دارد وضع خود را در دادگاه معافیت مطرح کند.

تایوان:

جمهوری خلق چین (تایوان) از سال ۱۹۴۹ میلادی دارای خدمت وظیفه برای تمام مردان بوده است. زنانی که در جزایر دور افتاده فوجین زندگی می کنند نیز باید در پدافند غیرنظامی محل زندگی خود نقش داشته باشند. خدمت اجباری از بیست و چهار ماه به بیست و دو ماه تقلیل یافته است. در ژانویه ۲۰۰۴ میلادی این خدمت به ۱۸ ماه کاهش یافت و از ۱ ژانویه ۲۰۰۶ میلادی به شانزده تنزل یافت. وزارت دفاع جمهوری خلق چین اعلام کرده است در صورتی که نام نویسی داوطلبانه به حد مطلوب برسد و تداوم داشته باشد، میزان خدمت سربازی برای کارکنان وظیفه در سال ۲۰۰۷ میلادی به چهارده ماه و در سال ۲۰۰۸ میلادی به دوازده ماه کاهش یافت. اتباع چینی که در سرزمین های ماورای بحار چین ساکن هستند از خدمت معاف می باشند. مشمولین خدمت می توانند تقاضای خدمت جایگزین کنند. این خدمات معمولاً جزو خدمات اجتماعی است و طول خدمت کسانی که در این سیستم پذیرفته می شوند بیش از کارکنان وظیفه بخش های نظامی است. کارکنان وظیفه متخصصی که فارغ التحصیل رشته های علوم یا مهندسی هستند به شرطی که بتوانند در آزمون های انتخاب افسری پذیرفته شوند می توانند در نظام خدمت دفاع ملی که در ابتدا با یک دوره آموزشی نظامی سه ماهه آغاز می شود و سپس مأموریت افسری در نیروهای احتیاط و چهار سال کار فنی در صنایع دفاعی یا مؤسسات پژوهشی دولت را در پی دارد خدمت کنند. وزارت کشور مأمور

اداره آژانس خدمت وظیفه ملی است. وزارت دفاع چین در یکم اوت ۲۰۰۸ میلادی اعلام کرد که از سال ۲۰۱۴ میلادی به بعد تایوان دارای نیروی نظامی حرفه‌ای کاملاً داوطلب خواهد بود. با این حال مردانی که داوطلب نمی‌شوند باید سه تا چهار ماه آموزش نظامی ببینند. کسانی که در هنگام مشمولیت، تحصیلات عالی ندارند باید به دوره آموزشی سه‌ماهه بروند. در حالی که افرادی که در حال گذراندن تحصیلات عالی هستند باید در سه ماه تعطیلی تابستان آموزش نظامی خود را تکمیل کنند. در صورتی که این سیاست ثابت بماند تایوان دارای یک نیروی نظامی کاملاً حرفه‌ای خواهد بود و در عین حال هر مرد تایوانی باید دوره آموزشی نظامی سه یا چهارماهه را بگذراند.

سنگاپور:

در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۶۷ میلادی در سنگاپور متممی به تصویب رسید که طبق آن تمام مردان تندرستی که بین ۱۸ تا ۲۱ سال سن داشتند مجبور به انجام خدمت نظامی ۲۴ ماهه در یکی از نیروهای مسلح، پلیس یا نیروی پدافند ملی سنگاپور می‌شدند. هر فرد پس از انجام ۲۴ ماه خدمت دوره ضرورت، باید تا ده سال و هر سال به مدت ۴۰ روز در آموزش‌های دوره احتیاط شرکت کند. بیشینه سربازان وظیفه در ارتش سنگاپور خدمت می‌کنند زیرا این نیرو به نیروی انسانی زیادی نیاز دارد. تقریباً تمام سربازان وظیفه پیش از اعزام به یکی از نیروهای پلیس یا پدافند ملی، آموزش‌های نظامی ابتدایی می‌بینند. مشمولین، اجازه انتخاب محل خدمت خود را ندارند. سربازان وظیفه که به آن‌ها خادمین ملی نیز گفته می‌شود، می‌توانند در صورت داشتن تخصص مشاغل رهبری را به عنوان متخصص و افسر جزء اشغال کنند. سنگاپور تا پیش از سال ۲۰۰۵ میلادی با داشتن ۳۰ ماه خدمت سربازی، دارای یکی از طولانی‌ترین دوره‌های خدمت در دنیا بود. اما این کشور پس از آن که کره جنوبی در سال ۲۰۱۲ خدمت سربازی را ۱۸ ماه کاهش داد، رکورد قبلی را دوباره به دست آورد.

سوئد:

از چند سال گذشته قانون اجباری بودن سربازی در این کشور حذف شده است از سال ۱۹۰۲ میلادی خدمت سربازی در سوئد اجباری بوده است. تمام مردان سوئدی که بین سنین ۱۸ تا ۴۷ سال سن دارند برای خدمت در نیروهای مسلح فراخوانده می‌شدند. میزان فراخوانده شدگان در طول زمان متغیر بوده است اما در زمان جنگ سرد این مقدار به ۹۰٪ رسید. طول خدمت سربازی بین ۸ تا ۱۵ ماه بود، اما در تغییرات اخیر آموزش‌های مدرسه نیز لحاظ شدند که با احتساب آن‌ها طول این دوره به ۱۱ تا ۱۵ ماه تغییر یافت. مردان می‌توانند به جای خدمت نظامی، به یکی از خدمات غیرنظامی مانند آتش‌نشانی بپردازند. طول خدمت غیرنظامی کوتاه‌تر از دوره نظامی است و زنان از سال ۱۹۸۰ میلادی می‌توانستند به خدمت در نیروهای مسلح بپردازند. در سال ۲۰۰۲ میلادی دولت سوئد از ارتش خواست تا امکان خدمت نظامی اجباری زنان را بررسی کند.

سوئیس:

سوئیس دارای بزرگترین نیروی شبه نظامی جهان است (به همراه ۲۲۰,۰۰۰ نفر نیروی احتیاط). بنابر قانون اساسی فدرال خدمت نظامی برای مردان اجباری است. این خدمت مشتمل بر ۱۸ تا ۲۱ هفته آموزش ابتدایی (بر حسب شاخه یگانی) و ۳ هفته آموزش مجدد در طول هر سال است. میزان این آموزش‌های سالانه که موازی با میزان درجه افزایش می‌یابد باید به حد معینی برسد (این مقدار برای سربازان صرف ۲۶۰ روز است). خدمت برای زنان داوطلبانه است اما از همه نظر با خدمت مردان برابر است. فرمان‌شکنان وجدانی می‌توانند به جای خدمت نظامی، یکی از خدمات غیرنظامی را به مدت ۳۹۰ روز بر عهده بگیرند. در سال‌های اخیر معافیت‌های تعویقی پزشکی و معافیت از آموزش‌های ابتدایی نظامی (که غالباً شک برانگیز هستند) افزایش چشم‌گیری یافته است؛ بنابراین تنها ۵۵٪ تا ۶۰٪ مردانی سوئسی واقعاً خدمت نظامی خود را کامل می‌کنند.

صربستان:

صربستان دارای خدمت ملی اجباری برای تمام مردانی است که بین سنین ۱۹ و ۳۵ سال هستند. در عمل، تنها کسانی که زیر ۲۷ سال سن دارند به خدمت فراخوانده می‌شوند. خدمت وظیفه معمولاً پس از تکمیل تحصیلات دانشگاهی انجام می‌شود. پیش از این طول خدمت ۹ ماه بود ولی در سال ۲۰۰۶ میلادی به ۶ ماه کاهش یافت. فرمان‌شکنان وجدانی نیز می‌توانند به جای خدمت نظامی به خدمت نظامی ۹ ماهه بپردازند. صرب‌هایی که خارج از کشور زندگی می‌کنند نیز باید خدمت نظامی خود را انجام دهند. با این حال اگر بتوانند ثابت کنند که حضور بر سر خدمت در صربستان، تأثیر بدی بر وضعیت شغلیشان خواهد گذاشت، می‌توانند خدمت را به تعویق بیندازند. اثبات این مسئله نیز به این صورت است که اگر سن فرد پایین‌تر از ۲۷ سال باشد باید با سفارت صربستان در کشور خارجی محل سکونت تماس بگیرد و اگر بالای ۲۷ سال باشد باید مستقیماً با ارتش تماس بگیرد. در گذشته اعلام شد که خدمت نظامی اجباری در صربستان تا سال ۲۰۱۰ میلادی لغو خواهد شد، اما به نظر می‌رسد این امر تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاده است.

فنلاند:

فنلاند دارای خدمت نظامی اجباری به مدت ۶ ماه (۱۸۰ روز) برای مردان، بسته به جایگاه آن‌ها است. کسانی که به عنوان افسر یا درجه‌دار آموزش دیده‌اند باید ۱۲ ماه (۳۶۲ روز) خدمت کنند. سربازان ویژه نیز باید ۹ ماه (۲۷۰ روز) یا ۱۲ ماه خدمت کنند. این درحالی است که سربازان صفر کمترین طول خدمت را دارند. خدمت غیررزمی نیز امکان‌پذیر است و طول آن ۱۱ ماه (۳۳۰ روز) است. الزام ورود به خدمت از سن ۱۹ سالگی آغاز می‌شود و ممکن است تا ۲۹ سالگی به تعویق افتد. در آن هنگام خدمت برای مشمول اجباری می‌شود یا وی از خدمت معاف می‌گردد.

زنان از سال ۱۹۹۵ میلادی اجازه داوطلب شدن در خدمت نظامی را پیدا کردند. آن‌ها در ۴۵ روز اولیه می‌توانند خدمت را ترک کنند. اما پس از ۴۵ روز تمامی الزام‌هایی که در مورد طول خدمت برای مردان وجود دارد شامل آن‌ها نیز

خواهد شد مگر این که دلایل پزشکی مانع از آن شود. بارداری هنگام خدمت باعث توقف خدمت می شود اما موجب اخراج خودکار نخواهد شد.

خدمت غیرنظامی نیز برای مردانی که اخلاقیات آن ها در تعارض با خدمت نظامی است (فرمان شکنان وجدانی) به مدت ۱۲ ماه وجود دارد. مردانی که کلاً از رفتن به سربازی خودداری کنند به مدت ۶ ماه به زندان می افتند. اما اگر در حال خدمت باشند، مدت حبس به میزان نصف روزهای باقی مانده از خدمتشان محاسبه خواهد شد. مردانی که در منطقه غیرنظامی آلود زندگی می کنند باید در دفاتر گمرک یا فانوس های دریایی خدمت کنند اما از آن جا که این خدمت هنوز ساختار نیافته است ساکنین این منطقه عملاً از خدمت معاف هستند. خدمت پیروان گواهان یهوه هر دو سال به تعویق می افتد تا اینکه فرد به ۲۸ سالگی برسد. در آن سن وی از خدمت معاف می شود. خدمت نظامی از زمان استقلال فنلاند برای تمام مردان اجباری بوده است. تقریباً ۲۰٪ از افراد، آموزش درجه داری (سرجوخگی و گروهبانی) و ۱۰٪ از آن ها به عنوان افسر احتیاط (با درجه ستوان دوم) آموزش می بینند. در زمان جنگ از افسران احتیاط انتظار می رود بیشتر وظایف فرمانده یک گروهان را انجام دهند. تمام نفرات در آغاز خدمت به دوره آموزشی یکسان ۸ هفته ای اعزام می شوند. پس از این ۸ هفته، فرماندهان تصمیم می گیرند که کدام یک از نفرات باید آموزش های درجه داری یا افسری را ببینند.

پس از اینکه یک سرباز خدمت وظیفه خود را به پایان برد به حالت احتیاط می رود. ممکن است که سربازان احتیاط (ذخیره) به تمرین های مجدد اجباری فراخوانده شوند. مدت این دوره برای سربازان صرف ۴۰ روز، سربازان ویژه ۷۵ روز و افسران و درجه داران ۱۰۰ روز است.

خدمت، اجباری است؛ نمی توان دستور حضور در تمرین مجدد را لغو کرد، تنها می توان آن را به تعویق انداخت. به تازگی امکان ارسال تقاضا برای اعزام به خدمت غیرنظامی به وجود آمده است از آن رو که نیروهای دفاعی فنلاند با کسری های بودجه متوالی مواجه می شوند و می توان این را در تعداد تمرین های مجدد نیروهای احتیاط مشاهده کرد.

معافیت کلی برای مشمولین وجود ندارد. تحصیل، کار یا فعالیت های اجتماعی دلیلی برای معافیت یا به تعویق انداختن خودکار تلقی نمی شوند. قانون، کارفرمایان، مالکان و غیره را ملزم به ادامه قراردادهای پیش از خدمت با مشمولین می کند. اجازه معافیت پزشکی یا عقب انداختن اعزام، تنها توسط پزشک نظامی صادر می شود. اگر پزشک احتمال بدهد که نارسایی بدنی یا روانی در آینده درمان خواهد شد، خدمت مشمول تنها به تعویق خواهد افتاد و از معافیت خبری نخواهد بود. دکترین اساسی این است که بیشینه بزرگ هر گروه سنی با هم خدمت می کنند و اندازه ارتش فعال را می توان با تغییر حداکثر سن نفرات احتیاط کنترل کرد. این به جای استفاده از خدمت انتخابی خواهد بود.

جایگزین غیرنظامی خدمت وظیفه آن است که مشمول بتواند در یکی از مؤسسات عمومی کار پیدا کند (امریه بگیرد) و به مدت ۱۲ ماه (طولانی‌ترین زمان خدمت برای سربازان (راننده‌ها)) در آن مشغول باشد. تا پیش از سال ۲۰۰۸ میلادی قانون خواستار ۱۳ ماه خدمت بود که این مدت توسط مخالفین به عنوان دوره‌ای تنبیهی مورد انتقاد قرار می‌گرفت.

بیش از ۸۰٪ مردان فنلاندی خدمت خود را در ارتش به پایان می‌برند. غالباً فشار زیادی از سوی اعضای خانواده وجود دارد تا جوانان حتماً در ارتش خدمت کنند و سراغ گزینه‌های غیرنظامی نروند؛ کهنه‌سربازان جنگ جهانی دوم از احترام زیادی در فنلاند برخوردارند. نرفتن به خدمت وظیفه، توهین نسبت به کهنه‌سربازان خانواده تلقی می‌شود. فرض اجتماعی متداولی بین فنلاندی‌ها وجود دارد مبنی بر اینکه مردانگی تنها با رفتن به سربازی قابل اثبات است و نرفتن به خدمت سربازی می‌تواند انگ «نامردی» یا «مرد واقعی» نبودن به فرد بزند. این موضوع به تازگی در حال افول است زیرا مردم آن را ایده‌ای کهنه می‌پندارند اما در برخی مشاغل سنتی مانند تدریس این عقیده همچنان پابرجا است. همچنین جوانان از این ترس دارند که کارفرمایان از استخدام افرادی که به جای خدمت نظامی به خدمت غیرنظامی پرداخته‌اند اجتناب کنند.

سیاست امنیت ملی فنلاند مبتنی بر دفاع کاملاً مستقل از تمامی خاک این کشور است. بیشینه تعداد کارکنان نظامی خارج از کشور محدود به ۲۰۰۰ نفر (از بین ۹۰۰۰۰۰ نیروی احتیاط) است. همکاری با نیروهای سازمان ملل تنها توسط سربازان حرفه‌ای و سربازان احتیاطی آموزش‌دیده و حقوق‌بگیری که خود تقاضای چنین کاری کرده باشند صورت می‌گیرد؛ بنابراین هیچ‌گونه بحثی پیرامون جنگ‌های برون‌مرزی در رابطه با خدمت وظیفه عمومی وجود ندارد.

فرار از خدمت تقریباً وجود ندارد زیرا عدم حضور مشمول سریعاً به صدور قرار توقیف خواهد انجامید و وی پس از ۵ روز به عنوان غایب بدون ترک خدمت یا فراری تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت. ارائه کارت پایان خدمت برای صدور گذرنامه اجباری است.

مخالفت سیاسی با خدمت وظیفه بد تلقی شده و معمولاً آن را به گروه‌های کمونیست یا آنارشیزست ربط می‌دهند. به ویژه آنکه گروه «مدافعان صلح (Rauhanpuolustajat)» که با آمادگی نظامی مخالف بودند در زمان جنگ سرد توسط شوروی حمایت می‌شدند. بنابر این مخالفت با نظام وظیفه به شدت عملی ضد میهنی و کمونیستی تلقی می‌شود.

قبرس:

قبرس دارای خدمت وظیفه عمومی برای تمام مردانی است که بین سنین ۱۸ تا ۵۰ سال قرار دارند. همچنین از سال ۲۰۰۸ میلادی به این سو تمام مردانی که معتقد به یکی از ادیان ارمنی، لاتین و مسیحی مارونی هستند نیز باید به خدمت سربازی بروند. خدمت نظامی ۲۵ ماه طول می‌کشد. سربازان ترخیص شده پس از پایان خدمت جزو نیروهای احتیاط تلقی شده و هر سال باید چند روزی در تمرینات نظامی شرکت کنند. فرمان‌شکنان وجدانی نیز می‌توانند ۳۳ ماه به شکل غیررزمی در

ارتش یا ۳۸ ماه خدمت اجتماعی کنند. قانون گذاری و اعمالی که مربوط به خدمات جایگزین غیرنظامی است ذاتاً تنبیهی باقی مانده اند اما قانون جدیدی که در سال ۲۰۰۴ میلادی تصویب شد باعث کاهش مدت این خدمات شد. کمیته ویژه ای که مأمور رسیدگی به تقاضاهای مربوط به فرمان شکنان وجدانی است طرح عدم پذیرش کلی مبتنی بر زمینه های ایدئولوژیک را پیشنهاد داد که دلیل آن مبتنی بر این بود که متقاضیان برای معافیت، از بروز عقاید خاص خود اجتناب می ورزند. تقاضای ارزیابی دوباره در روش های این کمیته و جایگزینی خدمت نظامی با خدمات کاملاً غیرنظامی توسط دولتمردان خارج از وزارت دفاع شده است. طرح عنان برای قبرس که طی یک رفراندوم در سال ۲۰۰۴ میلادی رد شد، خواستار غیرنظامی کردن این جزیره و انحلال نیروهای ترک و یونانی شده بود.

کره جنوبی:

کره جنوبی دارای ۲۴ تا ۲۷ ماه خدمت اجباری است. هیچ جایگزینی برای فرمان شکنان وجدانی جز زندان وجود ندارد. به طور کلی بیشینه مردان کره جنوبی به جز عده کمی در ارتش خدمت می کنند. طول مدت خدمت از یک نیرو تا نیروی دیگر متفاوت است. در سال ۲۰۱۲ میلادی خدمت در نیروی زمینی ارتش بسته به میزان تحصیلات، به ۱۸ ماه کاهش پیدا کرد.

کره شمالی:

کره شمالی از ۱۹۹۳ میلادی دارای خدمت اجباری ارتش برای تمامی مردان و از آوریل ۲۰۱۵ میلادی برای تمامی زنان است. مدت آن برای نیروهای عادی مرد ۱۲۰ ماه (۱۰ سال)، برای نیروهای ویژه ۱۵۶ ماه (۱۳ سال) و برای زنان ۱۷ تا ۲۰ ساله، دست کم ۳ سال است. مقام های کره شمالی در ۳۱ ژانویه ۲۰۱۵ میلادی (۱۱ بهمن ۱۳۹۳ ه.ش) با تصویب قانونی، خدمت سربازی برای زنان را اجباری کردند و به قانون خدمت داوطلبانه زنان پایان دادند.

مصر:

مصر دارای برنامه خدمت نظامی اجباری برای مردانی است که در سنین بین ۱۸ تا ۳۰ سال قرار دارند. خدمت نظام وظیفه در نیروهای مسلح مصر به طور معمول تا پایان تحصیلات افراد به تعویق می افتد تا اینکه آن ها تقاضی ورود به خدمت را تا پیش از ۲۸ سالگی ارسال کنند. افرادی که سنشان از ۳۰ سال بگذرد، شایسته حضور در ارتش تلقی نمی شوند و مجبور به پرداخت جریمه خواهند شد. افرادی که برادر ندارند یا سرپرستی اولیای خود را بر عهده دارند از خدمت سربازی معاف

می‌شوند. رئیس‌جمهور پیشین مصر، سادات گفته بود که هر مصری که دارای تابعیت دوگانه باشد از خدمت وظیفه معاف است. این معافیت تا امروز نیز ادامه دارد. مدت خدمت هر مرد مصری بنابر میزان تحصیلات وی از ۱۴ تا ۳۶ ماه می‌باشد. اخراجی‌های دبیرستان‌ها باید ۳۶ ماه (۳ سال) خدمت کنند. دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها بنابر میزان تحصیلات خود کمتر خدمت می‌کنند. دانش‌آموختگانی که تخصص دارند هنوز به خدمت فراخوانده می‌شوند اما درجه و حقوقشان با دیگران متفاوت است. همچنین به آن‌ها امکان ماندن در ارتش و انتخاب آن به عنوان شغل را هم می‌دهند. برخی از مصری‌ها از خدمت وظیفه فرار کرده و به کشورهای خارجی می‌روند تا سنشان از ۳۰ سال بگذرد. در آن سن ایشان محاکمه شده و مجبور به پرداخت ۵۸۰ دلار (طبق آمار سال ۲۰۰۴ میلادی) می‌شوند و با مذمت از انجام خدمت سربازی در ارتش رها می‌شوند. این جرم که از نظر قانونی جرم «سیرت اخلاقی بد» تلقی می‌شود، شهروندان «بی‌وفا به میهن» را از استخدام در نهادهای رسمی منع می‌کند.

مکزیک:

در حال حاضر تمام مردانی که در مکزیک به سن هجده سالگی می‌رسند باید برای طی دوره خدمت وظیفه به مدت یک سال اقدام کنند. انتخاب آن‌ها توسط نوعی سامانه قرعه‌کشی انجام می‌گیرد؛ هر کس که قرعه‌اش یک توپ سیاه‌رنگ باشد باید به عنوان یک نیروی احتیاطی به مدت یک سال به هیچ فعالیت شغلی دست نزند و در پایان سال، کارت پایان خدمت دوره ضرورت را دریافت کند. کسانی که توپ سفید می‌آورند شنبه‌ها در گردان خدمت نظامی ملی که تماماً از نیروهای وظیفه تشکیل شده است خدمت کنند. کسانی که به خدمات اجتماعی علاقه دارند می‌توانند به عنوان معلم یا مربی ورزش در نهضت‌های سوادآموزی شرکت کنند. در برخی از شهرها مانند مکزیکوسیتی یا وراکوز انتخاب سومی نیز وجود دارد؛ به کسانی که در مکزیکوسیتی توپ سرخ برسد باید به مدت یک سال در گردان چتر باز خدمت کنند و کسانی که در وراکوز توپ آبی به دست آورند باید در نیروی دریایی شهر وراکوز خدمت کنند. در شهرهایی که در آن‌ها نیروی دریایی وجود دارد، مشمولان خدمت وظیفه توسط همین نیرو انتخاب می‌شوند. خدمت وظیفه برای زنان نیز به شکل داوطلبانه وجود دارد. فرار از خدمت تا سال ۲۰۰۲ میلادی امری غیرمعمول بود زیرا افراد برای به دست آوردن گذرنامه نیاز به کارت «رهایی از خدمت» داشتند اما از زمانی که این الزام برداشته شده است غیبت از خدمت نظامی عمومیت بیشتری یافته است.

نروژ:

نروژ دارای خدمت وظیفه برای مردانی است که بین سنین ۵/۱۸ (۱۷ سال با اجازه اولیا) تا ۴۴ سال (۵۵ سال در هنگام جنگ) باشند. ارتش از سال ۲۰۰۶ میلادی از زنان نیز برای انجام آزمایش‌های پزشکی پیش از خدمت دعوت می‌کند اما تا زمانی که ایشان اظهارنامه تمایل خود برای اعزام به خدمت را امضا نکنند به این دوره فرستاده نمی‌شوند. مدت واقعی خدمت شش ماه برای نگهبانان داخلی و ۱۲ ماه برای نیروهای زمینی، هوایی و دریایی است. باقی‌مانده خدمت هم باید در طول

تمرین‌های سالیانه انجام شود اما تعداد کمی از نیروهای وظیفه به این شکل برای تجدید آموزش فراخوانده می‌شوند. دلیل آن نیز کمبود بودجه ارتش است. هم‌اکنون ارتش به دلیل نداشتن بودجه کافی و تکیه بیشتر به فناوری‌های پیشرفته به سمتی می‌رود که سالانه تنها ۱۰,۰۰۰ نیروی وظیفه جذب کند. در حال حاضر تنها ۲۷٪ از جوانان خدمت وظیفه را به طور کامل به اتمام می‌رسانند. بسیاری از دیگر افراد نیز رسماً پس از انجام آزمایش‌های پزشکی معاف می‌شوند یا به دلیل تحصیلات یا اقامت در خارج از کشور خدمتشان به تعویق می‌افتد. برخی دیگر مانند آن‌هایی که هنگام تحصیل در دبیرستان به سراغ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (مانند نجاری یا برقکاری) رفته‌اند می‌توانند دوره‌های کارآموزی مشابه را در ارتش دنبال کنند. بسیاری از نیروی‌ها معافیت برخی مشمولین از خدمت را ناعادلانه می‌دانند، اما کسانی هم هستند که ورود به خدمت سربازی را نوعی امتیاز تلقی کرده و بر این باورند که به طور معمول رقابت زیادی برای ورود به برخی از شاخه‌های ارتش وجود دارد. کارفرمایان غالباً رغبت بیشتری دارند تا کسانی را که به خدمت وظیفه رفته‌اند استخدام کنند. ارتش نیروی معمولاً کسانی را که به سن ۲۸ سالگی رسیده باشند به خدمت اعزام نمی‌کند. در نیروی برنامه‌ها و دوره‌های آموزش تخصصی داوطلبانه به مدت یک تا هشت ماه مضاف بر خدمت دوره ضرورت نیز وجود دارد. صلح‌گرایان نیز می‌توانند برای خدمت غیر رزمی متقاضی شوند که طول آن ۱۲ ماه است.

یونان:

یونان (جمهوری هلنی) تا سال ۲۰۰۸ میلادی دارای خدمت اجباری به مدت ۱۲ ماه برای مردان بوده است. هر چند که یونان در حال توسعه نظام ارتش حرفه‌ای است اما همچنان خدمت وظیفه ۱۲ ماهه علاوه بر وعده‌هایی در رابطه با تقلیل آن به ۶ ماه داده شده بود وجود دارد. زنان نیز می‌توانند به عنوان سربازان حرفه‌ای حقوق‌بگیر در ارتش یونان وارد شوند اما الزامی برای آن‌ها وجود ندارد. سربازان وظیفه از بیمه درمانی کامل برخوردارند. دستمزد نمادین کارکنان وظیفه تکافوی هزینه‌های ایشان را در اماکن دور از خانه نمی‌کند. بسیاری از این سربازان برای ادامه زندگی نیازمند کمک‌های مالی خانواده‌های خود هستند.

فصل چهارم:

"سربازی در ایران"

همانگونه که اشاره شد، ایران دارای خدمت وظیفه عمومی برای مردان است. لایحه خدمت اجباری نظام وظیفه در سال ۱۳۰۳ ه.ش توسط رضا پهلوی به مجلس شورای ملی چهارم تقدیم شد و به رغم مخالفت ملاکان بزرگ و روحانیون به تصویب آن مجلس رسید. قانون نظام اجباری که مشتمل بر سی و شش ماده بود در جلسه ۱۷۸ مجلس شورای ملی دوره ۵ مورخ شنبه شانزدهم خرداد ۱۳۰۴ به تصویب رسید. طبق قانون مزبور همه مردان جوان ۲۱ ساله باید اجباراً به خدمت سربازی اعزام می شدند. قانون نظام وظیفه عمومی در سال ۱۳۱۷ ه.ش جایگزین قانون سال ۱۳۰۴ گردید و پس از آن بارها و مکرر مفاد آن دستخوش تغییرات و تجدیدنظرهای متوالی قرار گرفت. پس از انقلاب اسلامی، قانون نظام وظیفه جدید در ۷ فصل با ۶۷ ماده و ۵۷ تبصره در سال ۱۳۶۳ ه.ش در شرایطی که کشور دچار جنگ با عراق و نابسامانی های شدید امنیتی و اقتصادی بود به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. طبق ماده (۲) قانون مزبور هر فرد ذکور ایرانی از اول فروردین ماه سالی که طی آن وارد سن ۱۹ سالگی می شود مشمول مقررات خدمت وظیفه عمومی خواهد بود.

مدت سربازی:

ماده چهارم قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب سال ۱۳۶۳ ه.ش بیان می کند که خدمت وظیفه عمومی در ایران ۳۰ سال است که به چهار دوره تقسیم می شود :

دوره ضرورت ۲ سال و در صورتی که مشمولان مازاد نیاز باشند شورای عالی دفاع می تواند این مدت را تا ۱۸ ماه تقلیل دهد،

دوره احتیاط ۸ سال می باشد،

دوره ذخیره اول ۱۰ سال می باشد،

دوره ذخیره دوم ۱۰ سال می باشد،

تاریخ شروع و پایان خدمت ضرورت در مراحل احتیاط و ذخیره از تاریخ پایان خدمت دوره ضرورت محاسبه می شود و در هر حال تاریخ خاتمه آن از سن ۵۰ سالگی تجاوز نخواهد کرد.

هم اکنون طول خدمت وظیفه در ایران ۲۱ ماه است. اما خدمت در مناطق محروم ۲۰ ماه و در مناطق مرزی ۱۹ ماه است. ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در اردیبهشت ۱۳۸۸ ه.ش اعلام کرد از طول خدمت افرادی که دارای مدرک کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری و دکتری تخصصی می باشند به ترتیب ۱، ۲، ۳ و ۴ ماه کسر می شود. در سال ۹۰ کسری های مربوط به مقطع تحصیلی و جبهه پدر حذف شد و خدمت وظیفه از ۱۸ ماه به ۲۱ ماه افزایش یافت.

قانون به حکومت اجازه می دهد تا طبقاتی از کارکنان وظیفه ای که خدمت دوره ضرورت را به پایان برده اند برای تجدید یا تکمیل آموزش نظامی فراخوان کند. این فراخوانده شدگان، حقوقی معادل حقوق نفرات پایور هم درجه خود دریافت خواهند کرد. در اسفند ماه سال ۱۳۹۰ ه.ش سازمان نظام وظیفه ایران بخش نامه جدیدی را برای افزایش سن مشمولیت برای خدمت سربازی را از ۱۷ سال تمام و یا همان ۱۸ سالگی، تنظیم کرد و به ۱۸ سال تمام و یا همان ۱۹ سالگی تغییر داد.

قانون جدید وظیفه عمومی پس از کش و قوس فراوان در ۲۲ آبان سال ۱۳۹۰ تصویب شد و در دوم آذرماه همین سال به تایید شورای نگهبان رسید. این قانون در ۲۲ آذرماه سال ۹۰ از سوی رئیس جمهور به نیروهای مسلح ابلاغ شد و در نهایت پس از بررسی لازم ستاد کل این قانون را در تاریخ ۱۰ بهمن ۹۰ به منظور اجرا به نیروهای مسلح ابلاغ کرد. براساس ماده ۵۳ قانون خدمت وظیفه عمومی این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا اعلام شده است.

معافیت از سربازی:

افرادی که دارای مصدومیت یا نارسایی های بدنی و یا برخی شرایط اجتماعی هستند از خدمت معاف می شوند. اساساً دو نوع معافیت وجود دارد: معافیت موقت و معافیت دائم.

برخی از این معافیت های کلی به شرح زیر هستند:

بنیاد ملی نخبگان:

افرادی که دارای شرایطی خاص باشند، از طریق بنیاد ملی نخبگان می‌توانند دوره سربازی را با طی دوره آموزشی و انجام یک پروژه به جای مابقی دوره، به اتمام برسانند.

معافیت پزشکی:

دارا بودن شرایط خاص بدنی، یکی از امکان‌های معافیت است.

معافیت کفالت:

معافیت کفالت به معافیتی گفته می‌شود که به دلیل سرپرستی از افراد خانواده به شخص مشمول داده می‌شود.

معافیت تحصیلی:

معافیت تحصیلی جزو معافیت‌های موقت است، به این معنی که دانش‌آموزان و دانشجویان تا زمانی که تحصیل می‌کنند از خدمت معاف هستند.

معافیت سه برادری:

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۸ ه.ش، مسئولین سازمان وظیفه عمومی جمهوری اسلامی ایران به دلیل تراکم بیش از حد مشمولین خدمت سربازی، قوانین جدید معافیت را اعلام کردند که این نوع معافیت از اول فروردین ۱۳۹۱ ه.ش متوقف شد. برخی معافیت‌های مقطعی نیز وجود دارد که در بازه زمانی خاصی مانند معافیت فوق اجرا شده‌اند و سپس لغو گردیده‌اند.

لازم به ذکر است مدت خدمت سربازی دارای برخی کسورات در شرایط خاص نیز می‌باشد مانند سابقه فعالیت در نیروی مقاومت بسیج، سابقه حضور در جبهه پدر برای فرزند مشمول و... که این موارد همواره با تغییرات همراه گردیده است.

درجه‌های نظامی و مستمری:

هر چه که میزان تحصیلات فرد بالاتر باشد، درجه وی نیز بالاتر خواهد بود. بنابر قانون خدمت وظیفه عمومی نفراتی که دارای مدرک کارشناسی ارشد به بالا باشند به درجه ستوان دومی، نفراتی که دارای مدرک کارشناسی باشند به درجه ستوان سومی، نفراتی که دارای مدرک کاردانی (فوق دیپلم) باشند به درجه گروهبان یکمی نائل می‌شوند. سربازان صفر نیز از بین دارندگان مدارک پایین تر از دیپلم انتخاب می‌شوند. حقوق این افراد نیز در طول خدمت وظیفه عمومی با توجه به درجه

آن ها تعیین می شود. بدین صورت که بنابر مصوبه سال ۱۳۸۸ ه.ش، از ۴۱'۵۰۰ تومان برای سرباز سوم تا ۶۹'۶۰۰ تومان برای ستوان یکم دارای رشته فنی و ۷۶'۹۰۰ تومان برای ستوان یکم دارای رشته پزشکی، متفاوت است که با توجه به افزایش حقوق سالانه بر حسب ضرایب موجود اندکی افزایش می یابد.

خرید خدمت سربازی برای غایبان:

وکلائی ملت در بند «ط» تبصره ۱۶ ماده واحده، به دولت اجازه دادند تا همه مشمولان خدمت وظیفه عمومی را که بیش از هشت سال غیبت دارند با پرداخت جریمه مدت زمان غیبت، معاف کند. تمام درآمدهای حاصل از اعطای معافیت های مشمولان مذکور به حساب درآمد عمومی کشور موضوع ردیف ۱۵۰۱۲۸ نزد خزانه داری کل کشور واریز شود.

مصوبه مجلس به رغم داشتن امتیازاتی چون توجه به سربازان غائب، چنان اشکالاتی دارد که می تواند آن را به عنوان نمونه ای عجیب در تاریخ قانون گذاری در کشور در حافظه ها ثبت کند؛ قانونی که تنها زمانی نفعش به شما می رسد که متخلف باشید، که در غیر این صورت، راه گریزی از خدمت سربازی ندارید.

انواع خدمت سربازی:

به صورت کلی افراد جهت انجام خدمت سربازی به صورت نظامی در یکی از سه ارگان زیر

ارتش

سپاه پاسداران

نیروی انتظامی

به کار گرفته می شود که هر یک از ارگان های فوق بخش های متفاوت و زیادی را شامل می شوند؛ البته انواع دیگری از خدمت سربازی مانند امریه، وزارت دفاع و سرباز معلم و... نیز وجود دارد که در مقایسه با تعداد سربازان سه ارگان فوق بسیار اندک می باشند. اعزام به خدمت وظیفه پس از ارسال دفترچه توسط مشمول به سازمان وظیفه عمومی که خود زیر مجموعه نیروی انتظامی می باشد صورت می گیرد.

فصل پنجم:

"هدف از سربازی"

نیروهای مسلح دژهای استوار مردمان و زینت و فخر حکمرانان و مایه عزت و شکوه ملت و از مجاری و راه های استقرار امنیت می باشند. کار ویژه، اساسی و بنیادین نیروهای مسلح و نظامی، تأمین امنیت و مراقبت و پاسداری از آن می باشد. امنیت و احساس امنیت در میان شهروندان از نیازهای اولیه و در عین حال بنیادین محسوب می شود. امنیت از عناصر اساسی بعد سیاسی نظم اجتماعی می باشد و دارای ابعاد متنوعی شامل ذهنی و عینی، داخلی و خارجی، فردی و اجتماعی است و از لحاظ گستره شامل حیطه های ملی، منطقه ای و جهانی می باشد.

امنیت از جهت سطح به سطوح خرد و کلان تقسیم می شود و هر یک از این ابعاد گستره و سطوح امنیت به نوبه خود به خرده ابعاد دیگری قابل تقسیم بندی است برای مثال امنیت در سطح خرد می تواند شامل: امنیت جانی، امنیت فکری، امنیت مالی، امنیت شغلی، امنیت بیانی، امنیت اخلاقی و امنیت حقوقی و قضایی باشد. در سطح کلان نیز می تواند شامل زیر سطوح: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، طبیعی و زیست محیطی باشد. تحولات سریع و شتابان تکنولوژی ها و فناوری های مدرن و پیشرفته، انفجار اطلاعات و کاربردهای گسترده و مؤثر تبلیغات و پدیده هایی نظیر IT، امنیت اخلاقی، امنیت اجتماعی، امنیت هویتی، و به تعبیر دقیقتر امنیت هستی شناختی و امنیت هستی کشورها را مورد تهدید جدی قرار داده است. دولت ها در شرایط کنونی در بُعد امنیت داخلی با مسأله آسیب پذیری ها و در بعد خارجی امنیت با مسأله تهدیدات روبه رو هستند. و فقدان امنیت و تکوین ناامنی و احساس آن بازتاب ترکیبی از تهدیدات و آسیب ها می باشد. دولت ها برای مقابله با تهدیدات و آسیب ها از رویکردها و رهیافت های گوناگونی برای تدوین و طراحی استراتژی های دفاعی و امنیتی بهره گیری می نمایند که از پیچیدگی ها، ظرافت ها و ابعاد گسترده ای برخوردار است. حسن فراست، هوشمندی و عقلانیت نخبگان سیاسی و مدیران اجرایی زیربنای اساسی استراتژی ها را تشکیل می دهد. نظام های سیاسی مختلف برای تأمین امنیت ملی و پایداری و ثبات آن اقدام به برنامه ریزی های معطوف به هدف می نمایند و عمده ترین ابزار یک نظام سیاسی برای رفع تهدید از ارزش های محوری و حیاتی آن در واقع نیروهای مسلح می باشند که باید از هرگونه ضعف، سستی، خلاء و آسیب پذیری به دور باشند. برخی شاخص های توانایی، اقتدار و کارآمدی نیروهای مسلح به منظور تحکیم ثبات و امنیت و توسعه صلح و توانایی برای دفاع ملی عبارتند از:

نیروهای انسانی با انگیزه های والای ارزشی،

فرماندهان و مدیران هوشمند، فرهیخته و با تجربه،

سازماندهی علمی و منطقی ساختار نیروهای مسلح و منعطف با شرایط روز،

آموزشهای علمی - کاربردی،

نظام تربیتی پویا و منطقی،

تجهیزات و فناوری های مدرن و پیشرفته بازدارنده،

نظم و انضباط انعطاف پذیر،

جاری بودن روح خلاقیت و ابتکار و نوآوری،

پایگاه اجتماعی و مردمی بالا،

عزت نفس بالا و مناعت طبع فرماندهان و نیروهای انسانی،

منطقی بودن سازوکارهای استخدام و به کارگیری جوانان با انگیزه و متعهد،

بالا بودن نرخ رضایتمندی شغلی نیروهای انسانی،

بالا بودن نرخ انسجام و همبستگی سازمانی و هویت گروهی،

وجود پیچیدگی در سازمان و نیروهای انسانی،

سرعت، دقت و هوشمندی در عرصه عمل،

عدم ورود به رقابت جناح ها و احزاب سیاسی،

منطقی و به روز بودن قوانین و مقررات نیروهای مسلح.

در میان نیروهای انسانی تشکیل دهنده سازمان های نظامی و انتظامی، سربازان و مشمولان بدنه اصلی ارتش و نیروهای مسلح کشورها را تشکیل می دهند و طبعاً در فرایند استراتژی امنیت ملی از جایگاه و موقعیت برجسته ای برخوردار هستند و چنانچه آنان افرادی فاقد انگیزه، فاقد روحیه، نشاط، اشتیاق، اعتماد به نفس و رضایت باشند و سازوکارهای به کارگیری

آن‌ها غیرمنطقی و خردمندانه و هوشمندانه نباشد در اجرای مأموریت‌های محوله و به ویژه در مصاف با دشمن جز شکست، سرخوردگی و هزیمت راهی ندارند.

مهمترین و کلانترین و معقولانه‌ترین اهداف خدمت نظام وظیفه عمومی عبارتند از :

. تأمین نیروهای انسانی جوان برای نیروهای مسلح جهت انجام امور برخی امور ارگان‌های نظامی،

ارتقای روحیه وفاداری ملی، درک و احساس مشترک نسبت به منافع ملی، حفظ تمامیت ارضی و آمادگی برای مقابله با تهدیدات امنیت ملی،

تقویت روحیه احساس مسئولیت، جامع‌پذیری و قانونگرایی در میان جوانان

برخی از نظرات مطروحه نیز برای حمایت از اجرای خدمت وظیفه اجباری در این بخش شرح داده می‌شوند که می‌توان آن‌ها را نیز بعنوان اهداف سربازی بر شمرده چراکه بسیاری از مسئولین از این نظرات برای توجیه مسائل مربوطه استفاده می‌کنند:

آموزش با ارزش:

برخی از متفکران این طور بیان می‌کنند که خدمت وظیفه در زمان صلح ابزاری ایده‌آل برای آموزش مهارت‌های مهم همچون کمک‌های اولیه، شنا و زنده ماندن در شرایط سخت است. ایشان همچنین بر این باورند که خدمت وظیفه، نیروی کار منظم‌تر و ماهرتری را برای جامعه می‌سازد زیرا مردان و زنانی که پس از پایان خدمت به جامعه باز می‌گردند، مهارت‌های توسعه‌یافته خود را به جامعه انتقال خواهند داد.

گذرگاه مردانگی:

در بسیاری از کشورها، خدمت وظیفه راهی برای گذر به مردانگی تلقی می‌شود. مردان بالقوه آزمایش می‌شوند که آیا می‌توانند سختی آموزش‌های نظامی را تاب بیاورند و این حق را به دست بیاورند که به آن‌ها لقب مرد اطلاق شود. خدمت نظامی در کشورهایی که شامل این خدمت می‌شوند آزمایش مردانگی تلقی می‌شود. خدمت وظیفه می‌تواند رفاقت و همراهی

را به سربازان الهام کند و گروهی از مردم را متحد سازد. تمام مردان تن درست به همراه یکدیگر تحت یک فرماندهی چنین احساسی داشته‌اند. این امر می‌تواند اتحاد و روحیه ملی در مردم ایجاد کند.

نیروی بر علیه کودتاهای نظامی:

برخی بر این باورند که خدمت وظیفه باید به دموکراسی متصل باشد. یک ارتش حرفه‌ای می‌تواند یک دولت در دولت خطرناک باشد. ارزش‌های نظامی مانند اطاعت بلا شرط از دستورها و احترام به سلسله مراتب فرماندهی به راحتی می‌تواند توسط دیکتاتورهای بالقوه مورد سوء استفاده قرار گیرد. افرادی که به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه به نظام‌های استبدادی تمایل دارند به راحتی به نیروهای مسلح جذب می‌شوند. همچنین در زمان‌های رکود اقتصادی و بیکاری، ارتش می‌تواند تنها شغل ممکن برای مردم یا اقلیت‌های تحقیر شده باشد (این واقعیت تأثیر مهمی در رشد نظامی‌گری ژاپنی داشت). این گونه افراد ممکن است ارتش را به مثابه خانه خود تلقی کرده و آن را فراتر از دولت در نظر گیرند. از سوی دیگر، دیکتاتورهایی که به قدرت رسیدند مانند ناپلئون بوناپارت، آدولف هیتلر و صدام حسین از این خدمت استفاده کرده‌اند. مهم‌ترین سوء قصد به جان هیتلر نیز از سوی بخش حرفه‌ای ارتش وی اتفاق افتاد.

همچنین باید به خاطر داشت که کودتای ترکیه در سال ۱۹۸۰ میلادی و بسیاری از کودتاهای دیگر از آن جهت صورت گرفتند که ارتش از نتیجه انتخابات مردمی ناراضی بود اما این واقعیت نیز باید گفته شود که ترکیه ارتشی متکی به نیروهای وظیفه نیز داشت.

تعداد نفرات:

کشورهای کوچک انتخاب‌های زیادی برای تشکیل ارتش بزرگ دارند. یکی از آن‌ها این است که تمام مردان تن درست را به ارتش بفرستند. با این شیوه بود که سوئیس توانست با وجود حملات مکرر در طول تاریخ مستقل بماند. چریک‌های سوئیسی آن قدر موفق بودند که سبک جنگی و سلاح آن‌ها به سرعت توسط دشمنانشان مورد تقلید قرار گرفت. در عوض این کار باعث شد که سوئیس تا حد سربازان مزدور مشهور گردد؛ بسیاری از حاکمان حتی برای خود گارد سوئیسی تشکیل دادند. شهرهای تجاری فلاندرزی در سده ۱۴ میلادی نیروهای چریکی به وجود آوردند که حتی می‌توانستند ارتش‌های شوالیه‌ها را نابود کنند. نبرد مشهور مهمیزهای زرین در سال ۱۳۰۲ میلادی (۶۸۰ ه.ش) نمونه خوبی برای این مدعا است.

از دیگر انتخاب‌های موجود برای دفاع ملی می‌توان به عضویت در ائتلاف‌های نظامی مانند ناتو اشاره کرد. کشورهای همچون بلژیک و لوکزامبورگ نمونه‌های خوبی در این مورد هستند. سوییس در ابتدا به عنوان مؤتلف نظامی بین بلوک‌های مستقل کار خود را آغاز کرد. با این حال عضویت در این ائتلاف‌ها باعث کاهش استقلال کشورها و وابستگی آن‌ها به مؤتلفین نیرومندتر می‌شود. چندین عضو ناتو همچنان دارای خدمت وظیفه هستند، پس در نتیجه عضویت در ائتلاف، مانع‌الجمع خدمت سربازی در این کشورها نمی‌باشد.

همچنین کشورهای کوچک ثروتمند می‌توانند ارتش‌های مزدور برای خود استخدام کنند. این رویکرد نیازمند داشتن ثروت و همچنین وجود مردانی برای استخدام شدن است. به علاوه اینکه در این شیوه باید ابزارهایی در نظر گرفته شوند تا مزدوران یاغی نشوند. نگهداری از تعداد سربازان در یک ارتش حرفه‌ای با وجود فرسایش نیروها که از قدیم در طول جنگ‌ها معمول بوده به ویژه هنگام جنگ‌های طولانی بسیار مشکل است. مسئله‌ای که باعث پیچیده‌تر شدن وضع در مواقع جنگ می‌شود این واقعیت است که خدمت نظامی در آن هنگام غیر جذاب می‌شود حتی اگر جنگ از حمایت گسترده‌ای برخوردار باشد. به همین دلیل بود که ارتش متحد و ارتش بریتانیا در جنگ جهانی اول پس از چند سال جنگ و خسارات ناشی از آن، رو به سربازان وظیفه آوردند. با این که خدمت وظیفه تعداد نیروها را افزایش می‌دهد اما کیفیت را بالا نمی‌برد. نیکولو ماکیاوولی می‌خواست یک ارتش متشکل از نیروهای وظیفه در فلورانس تشکیل دهد که به فاجعه ختم شد؛ نیروهای وظیفه آموزش یا تجربه کافی نداشتند و در انجام مانور و مشق نظامی ناشی بودند. اگر نیروهای وظیفه تنها در هنگام بحران آموزش ببینند، محدودیت‌های زمان و منابع تنها اجازه آموزش‌های ابتدایی را به دولت می‌دهد؛ چیزهای دیگر را باید در صحنه نبرد آموخت. در نتیجه می‌توان در زمان صلح با آموزش یک نیروی بزرگ که در زمان جنگ به کار آید از این مشکلات اجتناب کرد. کیفیت نیروهای ذخیره باید با تمرین‌های ثابت و مستمر مراقبت شود. در بسیاری از کشورهایی که نظام خدمت وظیفه در آن‌ها برقرار است طول (و کیفیت) آموزش نظامی پرسنل وظیفه تقریباً مشابه ارتش‌های حرفه‌ای است.

تلفات نیروهای وظیفه در صحنه نبرد غالباً زیاد است اما تلفات تعداد نفرات محدود به این واقعیت است که تأمین مردان تن‌درست در یک ملت پایان‌ناپذیر نیست. همچنین هر حکومتی که تن به تأمین مالی جنگ‌های طولانی‌مدت با استفاده از نیروهای وظیفه می‌دهد، خود را در معرض خطر از دست دادن حمایت مردمی و حاکمیت قرار خواهد داد. در این مورد، کشورهای دموکراتیک تنها زمانی حاضر به استفاده وسیع از نیروهای وظیفه می‌شوند که جنگشان بر سر موجودیت کشورشان باشد. اما برای پیگیری منافع ملی یا قشون‌کشی‌های خارجی همچنان وجود ارتش حرفه‌ای لازم است. از نیروهای وظیفه می‌توان در دیگر وظایف رزمی مانند استقرار در مناطق مهم، امنیت داخلی، حفاظت از راه‌آباد استفاده کرد تا نیروهای حرفه‌ای بتوانند در جبهه‌ها آسوده‌تر بجنگند.

کیفیت کار نیروهای وظیفه در بسیاری از کشورها پایین است. همچنین دولت‌ها نسبت به آموزش حرفه‌ای آنان بی‌میل هستند. اما در برخی از کشورها که خدمت وظیفه در آن‌ها جریان دارد تنوع کارکنان نیروهای وظیفه بزرگترین مزیت آن‌ها تلقی می‌شود. مورد دیگر این است که افرادی نیز هستند که توسط نیروهای حرفه‌ای استخدام نمی‌شوند اما این افراد در اقلیت هستند و می‌توان در موارد شدید ایشان را به دلایل پزشکی ترخیص کرد. با این حال نیروهای وظیفه ممکن است دارای بهترین جوانانی باشند که به هیچ وجه به ارتش حرفه‌ای نیبوندند. بسیاری از نیروهای وظیفه از لایه‌های اجتماعی هستند که شغل موفق یا تحصیل آن‌ها بهتر از خدمتشان تلقی می‌شود. این افراد را می‌توان با آسانی برای مشاغل فنی و فرماندهی به کار گرفت. اگر جایگاه درجه‌داران جوان و افسران توسط نیروهای وظیفه پر شود، اندازه و هزینه کادر حرفه‌ای (پایوران) بسیار کم می‌شود. در طول زمان هنگامی که این نیروهای وظیفه مسن‌تر شده و تبدیل به نیروهای ذخیره شده‌اند از حالت جنگی دور می‌شوند اما می‌توان آن‌ها را دوباره آموزش داد و به طور اضطراری در مشاغلی که با شغل اجتماعی آن‌ها سازگار باشد گماشت. برای مثال، از یک مدیر حمل و نقل که یک افسر ذخیره نیز هست، می‌توان به عنوان فرمانده لجستیکی یک گردان در زمان جنگ استفاده کرد. پیشرفت گسترده ارتش مصر بین جنگ شش روزه و جنگ یوم کیپور به این دلیل بود که از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها که پیش از آن از خدمت معاف می‌شدند به عنوان پرسنل وظیفه در پست‌های نظامی استفاده شد. در زمان جنگ به ویژه هنگام جنگ‌های طولانی مانند جنگ جهانی دوم تفاوت‌های بین نیروهای وظیفه و حرفه‌ای به تدریج کم می‌شود. در آن هنگام فرماندهان، تجربه جنگی سربازان و یگان‌ها را به عنوان معیار سنجش کیفیت نیروها در نظر می‌گیرند. در نتیجه سربازان وظیفه‌ای که در عملیات‌های نظامی شرکت کرده باشند بسیار بیشتر از ارشدهای حرفه‌ای تازه‌کارشان ارزش خواهند داشت. بدترین مشکل این است که آموزش باید مطابق توان بدنی و بهره‌هوشی ضعیف‌ترین جوانان طراحی شود. با این حال می‌توان با جدا کردن نیروهای وظیفه به گروه‌های مختلف از این مشکلات پیشگیری کرد. حتی ضعیف‌ترین نفرات هم می‌توانند مهم‌ترین نقش‌ها را در وظایفی آمادی به عهده بگیرند تا در همین حین نفرات توانمند، برای متخصص شدن دوره ببینند. در بسیاری از مواقع هم خدمتی‌های سربازان وظیفه مشکلات اجتماعی دارند، مثلاً برخی مجرم، قلد، معتاد یا جامعه ستیز هستند. خدمت این افراد در ارتش باعث بروز مشکلات زیادی می‌شود. این نفرات توانایی‌های یگان را از بین برده و حتی ممکن است امنیت دیگران را به خطر اندازند. برخی از کشورها این مشکل را تشخیص داده‌اند و کوشیده‌اند از ورود مشکل سازان بالقوه پیش از اعزام به خدمت مثلاً از طریق معافیت پزشکی جلوگیری کنند. از دیگر سو در برخی کشورها (مانند روسیه) مشکلات مربوط به این مسائل بسیار وخیم‌تر است. همچنین بحثی وجود دارد مبنی بر این که اگر این مشکل را تحت عنوان بزهکاری نوجوانان طبقه‌بندی کنیم در نتیجه ارتش به عنوان «مدرسه مردان» عمل می‌کند. با دادن مسئولیت به جوانان می‌توان پیشرفت آن‌ها را مشاهده کرد و رفتارهای مجرمانه را در آن‌ها به حداقل رساند. مشکل آن جاست که ذات اجباری بودن خدمت وظیفه

در ارتش‌ها، سربازان را به سمت عدم پذیرش مسئولیت سوق می‌دهد و بسیار محتمل است که رفتارهای جامعه‌ستیز به جای کم شدن در آن‌ها افزایش یابد.

انگیزه‌های سیاسی و اخلاقی:

ژان ژاک روسو با حرارت بسیار بر ضد ارتش‌های حرفه‌ای داد سخن می‌داد و معتقد بود که این حق و امتیاز هر شهروندی است که در دفاع از کل جامعه شرکت داشته باشد و واگذاری آن به نیروهای حرفه‌ای نشانه انحطاط اخلاقی مردم است. او این باور خود را بر این پایه استوار کرده بود که جمهوری روم زمانی به سقوط نزدیک شد که ارتش خود را از حالت وظیفه به حرفه‌ای تبدیل کرد. همچنین ارسطو ارتباط بین تقسیم خدمت و وظیفه بین توده مردم و نظم سیاسی کشور را مهم تلقی می‌کرد.

در برخی از ایدئولوژی‌ها و فرهنگ‌ها مانند آن‌هایی که بر نظام اشتراکی یا بر تمرکز قدرت متکی هستند، ارزش جامعه بیش از ارزش افراد تلقی می‌شود. این ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌ها به دولت حق می‌دهند که جان اعضای کشور را برای دفاع از صلاح همگانی به خطر اندازد. خدمت و وظیفه در کشورهایی که نظام حاکم بر ایدئولوژی‌های جامعه‌محور، جهان‌بینی و دین مبتنی می‌باشد راهی طبیعی برای تشکیل ارتش است.

برخی دیگر از طرفداران خدمت و وظیفه مانند ویلیام جیمز بر این باورند که ارتش و خدمت ملی راهی برای القای مردانگی در جوانان تازه‌بالغ و همچنین ایجاد حس «فداکاری» و «انکار نفس» در آنان است.

خدمت و وظیفه در جریان جنگ‌های همه‌جانبه تنها راه پیش روی ملل کوچک است تا بتوانند با ساخت یک ارتش پر توان بدون تکیه بر متحدین به دفاع از خود بپردازند. این مورد به ویژه زمانی مهم به نظر می‌رسد که ارتش کشور متخاصم بسیار بزرگتر باشد. در این مواقع یک نیروی داوطلب صرف نظر از کیفیت، غالباً نمی‌تواند روبروی قوای دشمن دوام بیاورد.

حق حاکمیت در به خدمت گرفتن شهروندان را می‌توان در اصول سودمندگرایی نیز یافت. اگر با ریخته شدن خون چند سرباز بتوان به منافع بزرگتر رسید، ملت باید خواهان این فداکاری باشد. با این فرض باید این حق را به دولت داد تا از شهروندان برای رسیدن به منافع مهم‌تر برای بشر استفاده کند.

خدمت و وظیفه در بریتانیا معمولاً به خاطر داشتن پتانسیل‌هایی از قبیل ناملایمات سودمند یا اصلاح رفتار ستایش شده است. برخی که در این مورد نظر داده‌اند بر این باورند که نظام ارتش بسیار بهتر از نظام قضایی می‌تواند با مجرمان برخورد کند و یا جوانان با آموزش‌های نظامی و خدمت در ارتش راحت‌تر با جامعه وفق پیدا می‌کنند یا حتی عده‌ای بر این باورند که مجرمان را برای جنگیدن باید به عراق فرستاد.

اقتصاد:

در جریان جنگ‌های بسیار بزرگ (مانند جنگ جهانی دوم) تشکیل ارتشی که کاملاً متکی به نیروهای داوطلب باشد، نیاز به افزایش شدید مالیات یا کسر بودجه دارد. در این گونه موارد ضرر حاصل از به خدمت گرفتن نیروهای وظیفه بسیار کمتر از افزایش مالیات‌ها است. پژوهشی در تأثیرات مالی ناشی از خدمت وظیفه در جریان جنگ جهانی دوم نشان داد که یک ارتش داوطلب هم به همان میزان می‌توانست در ر شد اقتصادی مضر باشد. ارتش بریتانیا تخمین زده است که در یک ارتش حرفه‌ای، یک گروهان متشکل از کادر ثابت که به عنوان نیروهای حافظ صلح به خارج از کشور اعزام شده است برابر با سه گروهان در کشور است. حقوق آنان کاملاً از بودجه ارتش پرداخت می‌شود.

خدمت وظیفه همچنان در بسیاری از کشورها به ویژه در آسیا به عنوان راهی برای سربازگیری استفاده می‌شود. بر خلاف آن‌ها داوطلبان نیروهای ذخیره تا زمانی که اعزام نشده‌اند در مشاغل غیرنظامی خود مشغول به کار خواهند بود.

فصل ششم:

"واقعیت سربازی در ایران"

شرایط روحی، روانی دوران جوانی، وجود روحیه های جسارت، نظم گریزی، چون و چرا کردن و همچنین میل به رها و یله بودن از قیود، زمینه ساز عدم آمادگی لازم جوانان برای پذیرش رضامندانه مدت ۲ سال خدمت سربازی است و جوانان مشمول، خدمت نظام وظیفه عمومی را پدیده ای اجباری و محدود کننده و بازدارنده از پیشرفت و ترقی در فرآیند زندگی تلقی می کنند و سربازی در منظر اغلب جوانان مانعی برای ادامه تحصیلات، ازدواج و اشتغال و در نهایت جهت یابی برای ساماندهی زندگی است و حداقل آنکه دوره خدمت سربازی را عاملی تأخیری در فرآیند پیشرفت و ساماندهی زندگی خویش تلقی می نمایند. از منظر روانشناختی، فردی و شخصیتی جوان به لحاظ فقدان تعریف و شناخت لازم از اهداف سربازی و یا در تضاد دیدن حقایق موجود در جامعه راجب سربازی با تعاریف و اهداف تعیین شده برای آن، انگیزه های لازم برای خدمت داوطلبانه و با رغبت و رضامندی برای سربازی ندارد و معمولاً جوانان به آن امید به سربازی می روند که تکلیف اجباری خویش را به انجام برسانند تا بتوانند برای اشتغال احتمالی و ازدواج و سروسامان یافتن زندگی آماده شوند و فرصت اشتغال و ازدواج که در عرف جامعه ایرانی پیش نیاز آن داشتن پایان خدمت و مشخص شدن وضعیت سربازی است.

در این بخش سعی می شود تا به بررسی وضعیت مشمولان سربازی در ایران پرداخته شود و برخی حقایق و واقعیت هایی در این رابطه عنوان می گردد که بر هیچ کس پوشیده نمی باشد. این موضوعات در قالب های زیر مطرح می گردد:

مسائل و معضلات مربوط به پیش از زمان مشمول شدن

مسائل و معضلات مربوط به حین انجام خدمت وظیفه

مسائل و معضلات پس از انجام خدمت وظیفه

لازم به ذکر است خدمت سربازی بسیاری از بخش ها و ارگان ها و متعاقبا افراد را درگیر خواهد نمود. ارگانها و سازمان های زیادی از جمله نیروی انتظامی، اداره بهداشت (جهت واکسیناسیون)، پزشکان و بیمارستان ها و ... که جهت اعزام فرد مشمول همکاری می نمایند. اما در این گفتار تنها به بررسی مسایلی پرداخته خواهد شد که شخص مشمول با آن ها درگیر می باشد. این مسائل از جنبه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... همگی با یکدیگر در ارتباط هستند و پیآمدهای هر حوزه نیز به ناچار یا وارد حوزه دیگر گردیده یا با پیآمدهای سایر حوزه ها درهم تنیده شده و موجبات بروز نارسائی های فراوان را فراهم نموده است.

مسائل و معضلات مربوط به پیش از زمان مشمول شدن:

تا قبل از فرار سیدن زمان مشمولیت یک فرد و با توجه به اینکه هنوز خود شخص تجربه ای از حضور در یک ارگان نظامی بعنوان سرباز را ندارد، اکثر اطلاعات وی از تجارب دوستان و آشنایان و رسانه های عمومی می باشد در نتیجه به طور کلی و فارق از میزان تحصیلات در کشور همواره عمده مسائل زیر برای وی وجود داشته و دارد:

همواره این سوال در ذهن شخص وجود دارد که آیا تنها راه خدمت من به کشورم فدا کردن حدود دو سال از بهترین سال های زندگی خود می باشد و آیا نمی توانم در اوضاع کنونی کشورم به گونه ای موثر و کارآمدتر از سربازی خدمت نمایم؟

همواره یک نوع احساس اعمال تبعیض وجود دارد که چرا تنها مردان می بایست ۲ سال از عمر خود را برای به اصطلاح خدمت به کشور صرف نمایند و در صورتی که خدمت به کشور اجباری است چرا تنها برای مردان این خدمت وجود دارد؟ از نظر سیاسی با توجه به مشاهده بسیاری از بی عدالتی ها در مورد مسائلی از جمله برخورد با خاطیان، معافیت از طریق رشوه، معافیت آقازاده ها، پارتی بازی ها و ... به نوعی احساس منفی نسبت به حکومت خواهد رسید!!

با توجه به نگرانی شخص مشمول و خانواده وی برای اعزام به سربازی تا حد امکان اقدام به تحصیل بی فایده و مدرک محور می نماید تا جایی که آمار بالای تحصیل کرده های (آن هم از نوع مدرک محور) بی کار گویای عمق این فاجعه است!

بالا رفتن هزینه زندگی جوانان با توجه به ادامه تحصیل های بی مورد (با توجه به تحصیل اکثر جوانان در دانشگاه های غیر دولتی و فشار اقتصادی بالا در سالهای گذشته، این مورد اهمیت ویژه ای دارد)

نوعی ناهنجاری اجتماعی و قانون گریزی بدلیل ممانعت از عمل به قانون معرفی خود جهت اعزام به خدمت در وی نهادینه می گردد،

بالا رفتن سن پسران تحصیل کرده نسبت به دختران بدین مفهوم که پسران برای نرفتن به خدمت مجبورند مدت تحصیل خود را طولانی تر کنند اما دختران بدلیل نداشتن این مشکل زودتر از پسران فارغ التحصیلی می شوند که خود سبب بالا بودن نسبی سطح تحصیلات دختران نسبت به پسران می گردد که زمینه ساز مشکلات بزرگتری خواهد بود،

اقدام به جعل برخی مدارک جهت کم کردن از مدت سربازی یا معاف شدن از آن و یا حضور بی میل و از روی اجبار در برخی ارگان ها که سبب اعمال کسری در خدمت می شوند که در نهایت زمینه ساز انجام تخلفات بزرگتر توسط آن ها خواهد بود،

فرار از کشور قبل از رسیدن به سن مشمولیت که خود از جهات بسیاری زیان بار و قابل تفسیر می باشد ،

فرار از خدمت سربازی یا به نوعی مشمول غایب بودن که آمار آن در حدود ۲,۵ میلیون نفر می باشد ،

بالا رفتن سن ازدواج و عدم اقدام جوانان به این مقوله الهی بدلیل آینده مبهم ،

آمار بالای بیکاری با وجود فراهم بودن زمینه های بسیار زیاد جهت اشتغال در این مرز و بوم تنها بدلیل نداشتن اطمینان جهت سرمایه گذاری مالی و زمانی بدلیل نزدیکی زمان اعزام به سربازی ،

مشکل سفر خارجی برای بسیاری از مشمولین از جمله ورزشکاران بدلیل نداشتن پاسپورت و کارت پایان خدمت ،

سوء استفاده بسیاری از کارفرمایان بدلیل نداشتن کارت پایان خدمت از مشمولین ،

عدم توانایی استفاده از برخی حقوق حقه مانند اخذ گواهینامه رانندگی، بیمه تامین اجتماعی و ..

گرایش به استعمال دخانیات و مواد مخدر به دلیل فشارهای روانی این دوران ،

نا مناسب بودن وضعیت نوع سرویس دهی معاونت وظیفه عمومی

اولین گام برای رفتن به خدمت سربازی به برقراری ارتباط میان سربازان و خانواده های آنان با معاونت های وظیفه عمومی در تهران و مراکز استان های کشور می باشد. امعان نظر در وضعیت معاونت نظام وظیفه عمومی بیانگر وجود مسائل زیر در آنان می باشد :

روش ها و مکانیسم ناکارآمد برای پاسخگویی به مراجعان و خانواده های سربازان،

وجود پارتی بازی و فساد اداری در معاونت های وظیفه عمومی،

وجود دلال ها و واسطه های خبره برای معاف نمودن سربازی در مقابل اخذ رشوه،

تأخیرات مکرر در زمان دقیق اعزام به خدمت و بلا تکلیفی سربازان و خانواده های آن ها ،

وجود نگرانی و استرس از اعزام به خدمت سربازی با توجه به مشخص نبودن مکان خدمتی، که با نزدیک شدن به زمان مشمولیت این استرس زیادتر شده و به شکل خشونت و پرخاشگری نمایان می گردد ،

نداشتن انگیزه و عدم توانایی در رویا پردازی و ایده پردازی بدلیل مجهول بودن آینده،

نگرانی از آینده بدلیل ترس از احتمال مجروحیت در سربازی آنهم در اوج جوانی ،

.....

مواردی که در بالا به صورت تیتروار آورده شدند تنها اهمی از موارد کلی هستند که هر مرد ایرانی در این بازه زمانی اگر همه آن ها را تجربه نکرده باشد، بسیاری از آن ها را تجربه نموده است. به همین دلیل است که علیرغم تغییر بسیاری از شرایط و یا قوانین و .. در گذر زمان در مورد مساله سربازی، همواره افراد پیش از اعزام و رسیدن به سن مشمولیت تجربه هائی را از نزدیکان و آشنایان و .. دریافت می کنند که نتیجه همه این تجربیات منتهی به موارد فوق می گردد. این امر گویای این نکته ظریف می باشد که قریب به یقین سربازان در دوره خدمت خود تجاربی را اخذ می کنند که عموماً یکسان و نامناسب می باشد که با انتقال این تجارب به نفراتی که هنوز مشمول نگردیده اند سبب واکنش های رفتاری می گردند که برخی از آن ها ذکر شد. لذا در این مرحله به بیان برخی از حقایق و مسایلی می پردازیم که در حین انجام خدمت سربازی برای جوانان ایرانی اتفاق می افتد:

مسائل و معضلات مربوط به حین انجام خدمت وظیفه:

همانگونه که ذکر شد فرد مشمول در هر حال با هر سطح تحصیلاتی در انتها می بایست به سربازی برود و پس از گذار از مسائل و مشکلات پیش از اعزام سرانجام در یکی از ارگان های نظامی برای گذراندن دوران سربازی مشغول به خدمت می گردد و با مشکلات و مسائل زیر روبرو خواهد بود:

پس از اتمام نگرانی در مورد اینکه در چه ارگانی و در چه مکانی به کار گرفته شود، حال در دوران ۲ ماهه آموزشی نگرانی جدیدی به سراغ وی و خانواده اش خواهد آمد که پس از اتمام این مرحله در کجا و با چه درجه ای و در چه امری به کار گرفته خواهد شد، (البته برای سربازان امریه و بسیجیان مشغول در سپاه، این نگرانی کمتر می باشد و یا وجود ندارد)

عدم تحویل جیره استحقاقی بسیاری از سربازان در همان بدو ورود سبب ایجاد بی اعتمادی و دیدن بی قانونی در مکانی می شود که می بایست حرف اول و آخر را قانون بزند ،

هزینه بالای تکمیل و اصلاح لباس و لوازم سربازی و تکمیل اجباری استحقاقی های تحویل نشده برای همه سربازان ،

حقوق بسیار ناچیز و بسیار پایین تر از معیار خط فقر برای همه سربازان با هر مدرک تحصیلی مشکل ساز می باشد، خصوصاً سربازان متاهل که با توجه به نداشتن شغلی قبل و حین خدمت، در این سن و شرایط مجبور به استقراض از نزدیکان شده و نه تنها باری از روی دوش خانواده خود بر نمی دازند ؛ بلکه هزینه هایی نیز به آن ها تحمیل می کنند،

حقوق ماه اول کلیه سربازان پرداخت نمی گردد که به هیچ عنوان و تحت هیچ حالتی قابل توجیه نیست که شخصی برای خدمت اجباری به کار گرفته شود اما حقوق حقه وی به حساب خزانه دولت واریز گردد ،

عدم امکان داشتن شغل حتی نیمه وقت برای سربازان جهت درآمد زایی بدلیل نامناسب بودن محل و زمان خدمت ،

ایجاد مشکل مالی برای خانواده بدلیل ناکافی بودن حقوق سربازان و حمایت مالی خانواده ها از آنان،

سرشکستگی جوانان که در موقعیت استقلال طلبی می باشند و شرایط نه تنها آن ها را مستقل نکرده بلکه وابسته کرده ،

از دست دادن فرصت های شغلی در زمان خدمت،

فراموش کردن بسیاری از دروس دانشگاهی و یا ماقبل آن در حین خدمت به دلیل طولانی بودن زمان خدمت و عدم استفاده افراد با در نظر گرفتن تخصص آنها،

از بین رفتن احساس عزت نفس بدلیل برخوردهای نامناسب پرسنل نیروهای مسلح با سربازان وظیفه ،

احساس بی میلی و بی رغبتی و بی انگیزگی در نتیجه برخوردهای صورت گرفته ،

احساس خستگی و بی هویتی بدلیل عدم استفاده از سربازان در زمینه های شغلی آن ها ،

احساس دلزدگی و تضاد با حکومت بدلیل پارتی بازی ها، سفارش پذیری ها در محیط نظامی ،

عدم انگیزه برای بچه دار شدن توسط سربازان متاهل و در نتیجه کاهش نرخ رشد جمعیت بدلیل مشکلات و مسائل عدیده حین خدمت سربازی ،

تن ندادن سربازان به ازدواج در حین خدمت و یا ازدواج های بی منطق و عجولانه برای استفاده از برخی مزایای مقطعی در حین خدمت که منجر به بالا رفتن آمار طلاق نیز می گردد،

عدم دسترسی فرد به امکانات و تکنولوژی روز ،

نگرش بر عناوین و محتوای دروس و آموزش های پیشینی شده برای دوره خدمت سربازی نشان دهنده وجود کاستی ها و ضعف های اساسی است به نحوی که آموزش ها با شرایط، تحولات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جامعه انطباق نداشته و پاسخگوی نیازهای روز نمی باشد تأکید بر روش های آموزش سنتی و قدیمی و بعضاً غیرمنطقی در دوره آموزش و تخریب شخصیت و هویت مشمولان در همین رابطه قابل مطالعه و بررسی می باشد،

قدیمی بودن سلاح و تکنولوژی های مورد استفاده در سربازی ،

نبودن بهداشت کافی ،

عدم تحویل به موقع، کامل و سالم جیره غذایی سربازان و در نتیجه نداشتن تغذیه مناسب و کافی ،

عدم توانائی در استفاده از اوقات فراغت (هر چند اندک)، بدلیل نداشتن انگیزه ،

عدم استفاده از پیشنهاد های سربازان وظیفه برای بهتر شدن و وضعیت و پیش برد بهتر امور بدلیل قدیمی و به روز نبودن سیستم مدیریت نظامی ،

بررسی ها و پژوهش ها حاکی از وجود ناهنجاری های رفتاری و همچنین آسیب های مختلف در میان سربازان وظیفه مشغول به خدمت در یگان های خدمتی اعم از نیروهای انتظامی و نظامی است و پدیده هایی نظیر فرار از خدمت، خودزنی، خودکشی و جعل و سوء استفاده از موقعیت و... از شیوع قابل توجهی برخوردار است،

کاهش امید و انگیزه و ایده پردازی بدلیل طولانی بودن زمان خدمت،

عدم انجام کامل و صحیح برخی امور محوله، توسط سربازان بدلیل اجباری بودن سربازی ،

اعتیاد به مصرف دخانیات و مواد مخدر در بسیاری از سربازها ،

نهادینه شدن راه های نامناسب برای پیشبرد امور همانند چاپلوسی، جاسوسی، تملق گوئی، رشوه و... .

بروز مشکلات اخلاقی و رفتاری از قبیل پرخاشگری ،

سختگیری غیرمنطقی و بیش از حد متعارف در مورد سربازان که منجر به تنش و عکس العمل می گردد،

وجود تبعیض های ناروا در بهره جویی از امکانات خدمتی در دوران سربازی که سرباز آن را به کل جامعه بسط می دهد،

برخوردهای انضباطی و تنبیهی نامناسب و سلیقه ای،

استرس و تنش های محیط های خدمتی و فشارهای روانی ناشی از آن که به خودزنی، خودکشی، فرار و .. منتهی می شود،

نظام تربیتی و پرورشی سربازان نیز دچار کاستی های اساسی و بنیادین به شرح زیر است:

بدرفتاری دوره آموزش از سوی عناصر مافوق،

رفتارهای تحکم آمیز و بعضاً غیر احترام آمیز با سربازان،

عدم وجود اساتید و مشاوران رفتارشناسی در مراکز آموزشی در همین رابطه قابل مطالعه و تأمل به نظر می رسد،

وجود خرده فرهنگ های آموزشی و رفتاری غیرمنطقی در پادگان ها و مراکز آموزشی، زمینه ساز آسیب پذیری شخصیتی سربازان و مشمولان را فراهم می آورد ،

"سواستفاده کارفرمایان از نیروی کار مشمول خدمت سربازی"

برخوداری از کارت پایان خدمت و یا معافیت دائم یکی از مهم ترین شرایط استخدامی شرکت های دولتی و خصوصی است. اما برخی از شرکت های دولتی و خصوصی به بهانه نداشتن کارت پایان خدمت نیروهای مشمول را بیمه نمی کنند. این در حالی است که به گفته سخنگوی کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران هر کس که مشغول به کار است اعم از اینکه سربازی رفته باشد یا نه باید بیمه شده و از امکانات سازمان تامین اجتماعی بهره مند شود.

یکی از مواردی که زمینه سواستفاده کارفرمایان از نیروی کار را فراهم کرده است بحث سربازی است. طبق نظر سازمان نظام وظیفه بنگاه های اقتصادی مجاز به استفاده از نیروی انسانی فاقد کارت پایان خدمت یا معافیت دائم نیستند. اما از سوی دیگر طبق قانون کار، کارفرما ملزم است کلیه موارد قانونی را در مورد نیروی کار خود اعم از اینکه دوران سربازی را گذرانده باشد یا نه فراهم کند. ابهامات قانونی و تصمیمات شخصی در این مورد زمینه سواستفاده بسیاری از کارفرمایان را فراهم کرده است.

در متن قانون کار اشاره شده است که اگر کارگری پیش از خدمت سربازی مشغول به کار بود و از بیمه برخوردار شد، و پس از خدمت سربازی به کار خود بازگشت، سابقه بیمه او در پیش از خدمت جزو سنوات او محسوب می شود. همین اشاره در قانون کار نشان می دهد که هر کس که مشغول به کار است اعم از اینکه سربازی رفته باشد یا نه باید بیمه شده و از امکانات سازمان تامین اجتماعی بهره مند شود. در این زمینه بحث های انحرافی و سواستفاده های زیادی وجود دارد که موجب

شده است برخی کارفرمایان از این ابزار برای بهره کشی بیشتر از نیروی کار استفاده کنند. کارگرانی که با این شرایط روبرو می شوند می توانند درخواست خود را به سازمان تامین اجتماعی بنویسند و این سازمان هم بازرسان خود را برای رسیدگی به وضعیت به آن واحد تولیدی یا خدماتی می فرستند و در صورت تایید از آن کارگر نام نویسی کرده و او را بیمه می کنند و بیمه او ارتباطی با خدمت سربازی ندارد. به کارگیری کارگران و کارمندان فاقد کارت پایان خدمت جرم محسوب نمی شود اما یک دوگانگی میان وظیفه وزارت کار و سازمان نظام وظیفه وجود دارد.

وزارت کار به دنبال نیروی انسانی است و سازمان نظام وظیفه در پی سربازی گیری. اما ممکن است فردی آمادگی خدمت سربازی را داشته باشد اما به هر دلیلی مدتی را بتواند در کاری فعالیت کند تا موعد اعزام به خدمتش فرا برسد. طبق قانون این فرد اگر به کاری مشغول شد کارفرما موظف است او را بیمه کند. در قانون پیش بینی شده است اگر کارگری به سربازی برود و بعد از آن در همان مکان قبلی مشغول به کار شود، مبلغی بابت حق بیمه سنوات سربازی پرداخت نمی شود. بر اساس متن قانون کار و برداشت هایی که از آن می شود ارتباطی از آن نوع که برخی کارفرمایان مدعی اند بین کار و سربازی وجود ندارد و کارفرما ملزم است در هر صورت کارگر یا کارمند خود را بیمه کند. اما از سوی دیگر حتی به شرط به کارگیری افراد فاقد کارت پایان خدمت و قانون شکنی کارفرما، کارفرما موظف است نیروی کار خود را بیمه کند.

کارفرما باید از پذیرش نیروی کار بدون داشتن کارت پایان خدمت خودداری کنند اما از آنجایی که در قانون کار حداقل سن کار ۱۵ سال پیش بینی شده است و این فرد طبق قانون کار تمامی مزایا و حقوق قانونی را داراست، اگر به هر دلیلی قصوری از طرف کارفرما در به کارگیری کارگران فاقد کارت پایان خدمت انجام شود، حقوق و مزایای قانونی به این دسته از کارگران تعلق می گیرد.

"سازوکار روش های استفاده به کارگیری سربازان در محیط های خدمتی"

علیرغم تلاش های انجام یافته برای ساماندهی سازوکارهای سربازان براساس شاخص های تحصیلات، تخصص و توانایی های شغلی و حرفه ای هنوز این موضوع به شکل کاملاً صحیح و دقیق در مراکز خدمتی نیروهای مسلح رعایت نمی شود و معاونت های نیروی انسانی سازمان های نظامی و انتظامی به لحاظ نوع نگرش به سربازان و موقتی تلقی کردن دوران خدمت آنان، وجود برخی تبعیض های ناروا، پارتی بازی و سفارش پذیری های برون و درون سازمانی و تفاوت های بارز محیط های خدمتی گوناگون بر نوع به کارگیری و در نتیجه نوع رفتارهای فرماندهان تأثیرگذار است.

بررسی ها نشان می دهد اغلب سربازان دیپلم و زیر دیپلم در مأموریت هایی نظیر نگهبانی، رانندگی، آشپزخانه، نامه بری و پیک به کارگیری می شوند که در مقام عمل تأثیر چندانی در فرآیند دفاعی و امنیتی کشور نخواهند داشت

و سربازان بالاتر از دیپلم و متخصص نیز به لحاظ وجود طبقه بندی در تخصص نیروهای مسلح عملاً در مسئولیت ها و شغل های تخصصی کمتر به کارگیری می شوند.

موارد مزبور باعث احساس بی هویتی، خستگی و دلزدگی و از دست دادن انگیزه و همچنین احساس نوعی پوچی در میان سربازان وظیفه می شود بنابراین اصلاح سازوکارهای به کارگیری سربازان و باز تعریف نمودن عنوان نقش آنان در فرآیند امنیت ملی و استراتژی دفاعی کشور ضرورتی حیاتی دارد.

فصل هفتم:

" تجزیه تجلیل و ارائه راهکار "

با توجه به توضیحات ارائه شده در فصول قبل، در این بخش تلاش می گردد با واکاوی وضعیت فعلی و تجزیه و تحلیل شرایط موجود، ابتدا مشخص گردد که سربازی اجباری به شیوه کنونی از هر لحاظ تعامل دوگانه بین دولت و جوانان از نوع برد-برد را برآورده می کند یا خیر و در صورت عدم وجود چنین تعاملی، راه برون رفت و جایگزینی آن چه خواهد بود.

فراز و نشیب های حدود ۸۰ ساله اجرای قانون و انجام اصلاحات مکرر آن و اضافه شدن تبصره ها و لواحق متعدد قبل و پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ ه.ش استمرار داشته است. علیرغم تلاش های انجام شده برای بهینه سازی سازوکارهای به کارگیری نیروهای وظیفه و تلاش برای اصلاح ساختارهای قدیم، هنوز آن چنانکه شایسته ایران و شهروندان متعهد و بزرگوار آن می باشد ساختار نظام وظیفه و مکانیسم های به کارگیری سربازان مطلوبیت نداشته و نارضایتی بسیاری در میان مشمولان و خانواده های آنان مشهود بوده به نحوی که برخی مسئولان امر نیز به طور آشکار و تلویحی به آنان اذعان دارند.

تهیه طرح ها و پروژه های تحقیقاتی در سازمان های مختلف نیروهای مسلح به منظور انجام اصلاحات و بهینه سازی نظام وظیفه نمودی از این واقعیت ملموس به شمار می رود. ارائه پیشنهاد لایحه جدید مربوط به قانون خدمت وظیفه عمومی در تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۴ از سوی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سپس باز پس گیری آن به دلیل ضرورت مطالعات عمیقتر و همه جانبه ی مقوله نظام وظیفه در همین راستا قابل مطالعه و بررسی می باشد.

با توجه به موارد مزبور و همچنین تأکیدات مندرج در سیاست ها و حوزه های کلی برنامه های توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) مبنی بر لزوم اصلاح سازمان نیروهای مسلح، تقویت، کارایی و همچنین تأکید بر افزایش اقتدار، توان دفاعی و امنیتی کشور برای مقابله با تهدیدات احتمالی و بهره گیری از ابزارهای ممکن در چارچوب (استراتژی امنیت ملی) و تحکیم قدرت دفاعی و بازدارندگی کشور، کیفی سازی نیروهای انسانی به جای تأکید بر کمیت و استقرار تدریجی نظام حرفه ای به جای خدمت نظام وظیفه و ارتقای منزلت اجتماعی نیروهای مسلح و همچنین

سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه کشور در قالب بند «۲۴» ارتقا و توان دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منافع ملی و منابع حیاتی کشور و بند توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور، تقویت، توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور با ضرورت یافتن بهترین، تأکید بر گسترش تحقیقات و سرعت دادن به انتقال فناوری های پیشرفته، روش ها و راهکارهای علمی - کاربردی برای اصلاح و بهینه سازی خدمت نظام وظیفه عمومی را بیش از پیش نمایان می سازد.

اهمیت موضوع کالبدشکافی و مطالعه علمی پیآمدهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی و امنیتی حضور گسترده نیروهای انسانی جوان کشور به مدت حدود ۲ سال در مراکز و یگان های مختلف نیروهای مسلح و وجود مسائل مختلف در فرآیند سربازی (اخذ دفترچه آماده به خدمت تا اعزام به خدمت و از انجام خدمت تا اخذ گواهی پایان خدمت) از اهمیت بسزا و شایان توجهی برخوردار است در غیر این صورت استمرار روش ها و سازوکارهای غیرمنعطف، غیرعلمی و به روز نبودن قوانین و مقررات و سازوکارهای به کارگیری در مقام عمل ناکارآمدی و غیراثربخشی نیروهای وظیفه را به دنبال خواهد داشت.

به نظر می رسد به روز نبودن قوانین و مقررات نظام وظیفه و عدم تناسب آن با شرایط زمانی مهمترین عامل نابسامانی و ناکارآمدی خدمت نظام وظیفه عمومی کشور است.

علیرغم وجود پشتوانه غنی فرهنگی و ارزشی، پدیده سربازی به لحاظ اجباری بودن و همچنین (به دلیل) وجود متغیرهای تأثیرگذار منفی در روش ها و شیوه ها و عدم اصلاح سازوکارها و عدم نوسازی در روش ها، در منظر و دیدگاه آحاد مردم از مطلوبیتی برخوردار نیست و اغلب خانواده ها با اعزام فرزندان جوان خود به خدمت سربازی موافق نمی باشند و همچنین جوانان رغبت و انگیزه های لازم را برای رفتن داوطلبانه به خدمت سربازی ندارند، که این مقوله دارای دلایل مختلفی است که در برخی پژوهش های انجام شده در سازمان های مسلح ایران مورد کالبد شکافی و مطالعه قرار گرفته است.

با عنایت به مواردی که به آن ها اشارت رفت ضرورت بازنگری، تجدیدنظر به منظور اصلاح و بهینه سازی خدمت سربازی اهمیتی شایان توجه برای مردم ایران دارد تا در پرتو آن خدمت سربازی از مطلوبیت و بهره وری منطقی برخوردار گردد و سرمایه های ملی کشور بیهوده به هدر نرود و در شرایطی که نیروهای نظامی بسیاری از کشورها در پرتو تحولات تکنولوژی مدرن به سمت حرفه ای شدن جدی برای کارآمدی روز افزون و اثربخش اطمینان بخش حرکت نموده اند، به نظر می رسد، تاریخ مصرف سربازان وظیفه که صرفاً به مأموریت های خدماتی و غیرتخصصی به سبک ۱۰۰ سال پیش می پردازند به سرآمده است.

یک تحلیلگر بلژیکی به نام «Marrius Vahl» از مرکز مطالعات سیاسی اروپا به شبکه «REF/RL» گفت که سلاح های جدید فقط توسط سربازان حرفه ای کاربرد پیدا خواهند کرد و نه سربازان وظیفه ای که فقط قرار است به مدت

یک سال یا کمتر (خدمت سربازی در کشورهای مختلف، مدت زمان متفاوتی دارد. رجوع شود به فصل خدمت سربازی در کشورهای جهان) خدمت کنند، استفاده از سربازان وظیفه جهت به کارگیری تکنولوژی های نو، ایده خوبی نیست.

بررسی و تبیین مسائل مهم و اساسی درخصوص خدمت نظام وظیفه از ابعاد گوناگون و شناخت بازتاب ها و تأثیرات آن بر امنیت ملی و دفاعی، مهمترین گام و به عبارت دقیقتر اولین گام برای اصلاح و بهینه سازی مکانیسم و سازوکارهای موجود در خدمت نظام وظیفه می باشد. چه اینکه شناخت زوایا و پیچیدگی های مسائل و زمینه های پیدایش و تکوین آن ها و همچنین تأثیرات منفی و سلبی آن می تواند تصمیم سازان و تصمیم گیرندگان را در مسیری روشن و شفاف برای اتخاذ تصمیمات صحیح منطقی، هوشمندانه و بصیرت آمیز رهنمون باشد و شناخت واقعیت ها به آنگونه که هست گامی بلند و اطمینان بخش برای نیل به کشف روش ها و راه های مناسب حل مسأله می باشد.

مهمترین مسأله و مشکلات موجود در رابطه با خدمت سربازی در یک تقسیمبندی کلان به دو گروه اصلی:

مسائل برون سازمانی تأثیرگذار بر خدمت سربازی،

مسائل درون سازمانی مؤثر بر خدمت سربازی

تقسیم می شود.

منظور از مسائل برون سازمانی عبارت از آن دسته و گروه متغیرها و مؤلفه هایی است که خارج از سیستم نیروهای مسلح و سیستم نظام وظیفه بر سربازان وظیفه و همچنین چگونگی فعالیت ها و خدمت آنان در دوره خدمت تأثیر می گذارد که می توان به متغیرهای زیر تقسیم بندی نمود:

متغیرها و مؤلفه های فردی، شخصیتی، روانشناختی،

متغیرها و مؤلفه های جامعه شناختی - فرهنگی (خانوادگی، گروه همسالان)،

متغیرها و مؤلفه های اقتصادی و معیشتی

در رابطه با مسائل درون سازمانی مسائل زیر مطرح بوده و قابل مطالعه و بررسی به نظر می رسد:

ادبیات و فرهنگ رفتاری حاکم بر محیط های آموزشی سربازی و محیط های خدمتی،

سازوکارهای غیرمنطقی و نابسامان به کارگیری مشمولان،

مدت زمان به نسبت طولانی خدمت نظام وظیفه (دوره ضرورت)

نظام آموزشی و تربیتی نیروهای مشمول و وظیفه،

مسائل و روش های سرویس دهی به مشمولان در معاونت های وظیفه عمومی،

آسیب های درون سازمانی دوره خدمت سربازی (فرار از خدمت، خودزنی، خودکشی، جعل، کلاهبرداری و....)

کاستی ها و چالش های قانون نظام وظیفه عمومی و ناکارآمدی آن،

هزینه ها و بار اقتصادی نظام وظیفه عمومی،

عدم وجود مزیت نسبی روشن و شفاف (امتیاز) برای دارندگان پایان خدمت،

وجود تبعیض، پارتی بازی در محیط های خدمتی سربازان.

قسمت اول: مسائل برون سازمانی:

متغیرها مؤلفه های روانشناختی، شخصیتی:

با این وصف سربازی و خدمت نظام وظیفه عمومی دو رویکرد ایجابی و سلبی برای جوانان ایجاد می کند:

الف) رویکرد بعد سلبی منفی

هدر رفتن ۲ سال عمر و از دست دادن فرصت ها

مانع بودن برای اشتغال، ازدواج و ساماندهی و زندگی

ابهام در چگونگی خدمت، محل خدمت و حوادث احتمالی دوره سربازی

محدود شدن جوانان به مدت ۲ سال

رویکرد بعد ایجابی مثبت

پیدا شدن فرصت احتمالی اشتغال

پیدا شدن احتمالی امکان ازدواج

پیدایش روحیه جامعه پذیری، قانونگرایی

متغیرهای جامعه شناختی - فرهنگی (خانوادگی..):

ساخت اجتماعی جامعه ایرانی و روابط اجتماعی مبتنی بر کنش های متقابل که تحت تأثیر فرهنگ، سنن، آداب و رسوم دین و مذهب تکوین و بروز پیدا می کند که بر مقوله سربازی تأثیرگذار است. همبستگی عاطفی عمیق و پایدار در میان اعضای خانواده های ایرانی و روابط صمیمانه میان فرزندان و والدین زمینه ساز پیدایش خرده فرهنگ عاطفی ویژه ای گردیده است. در همین رابطه خدمت نظام وظیفه در مقام عمل نوعی جدایی و دوری از کانون خانواده را فراهم می کند و از لحاظ عاطفی والدین و همچنین فرزندان احساس آسیب پذیری می نمایند. خرده فرهنگ دیگری که در جامعه ایرانی شیوع دارد نوع نگرش خاص به خدمت نظام وظیفه و سربازی در عرف اجتماع است به نحوی که سربازی را دوره ای سخت و ضمناً با موقعیتی ضعیف در نیروهای مسلح تلقی می نمایند. اصطلاح «آش خور» که در عرف جامعه و همچنین نیروهای مسلح معروف است، نمودی از این نگاه و رویکرد به خدمت سربازی و سربازان وظیفه است. نکته شایان توجه دیگر تشویق های گروه های همسالان در میان جوانان برای عدم مراجعه به سربازی و حتی در برخی موارد تشویق به فرار از خدمت می باشد؛ یا اینکه مقارن با فرا رسیدن سن خدمت سربازی در میان جوانان، خانواده های آنان به دنبال یافتن راه و سازوکاری برای عدم اعزام فرزندانشان به خدمت سربازی می باشند. از جمله اقدامات خانواده ها می توان به تلاش برای معافیت پزشکی، تهیه مدارک و اسنادی که باعث سایر معافیت ها (کمک فرزند بودن، یگانه سرپرست و...) و خرید خدمت در سال های گذشته اشاره نمود. کلیه این موارد نشاندهنده وجود مسائل و مشکلاتی هستند که تقریباً همه افراد در سطح جامعه به آن ها واقف هستند.

متغیرهای اقتصادی معیشتی:

هزینه های اقتصادی دوره خدمت سربازی نیز برای خانواده های ایرانی از موضوعیت مهمی برخوردار است و با توجه به پرداخت اندک هزینه از سوی نیروهای مسلح به مشمولان در دوران خدمت نظام وظیفه، بخش قابل توجهی از مشمولان که از خانواده های بی بضاعت و متوسط جامعه هستند، برای تأمین هزینه های اقتصادی خویش دچار چالش و مشکلات عدیده ای می گردند. از جهت دیگر برخی از جوانان نقش کمک اقتصادی برای خانوار خویش ایفا می کنند و بخشی از هزینه های خانوارها توسط فرزندان پسر خانواده تأمین می گردد و با توجه به جدایی جوانان به مدت ۲

سال از خانواده ها، هزینه های جدید برای خانواده ها در ارتباط با سربازی تحمیل می شود که در اغلب موارد موجبات نارضایتی خانواده ها و مشمولان را فراهم می آورد. نکته دیگر در همین رابطه تأخیر ۲ ساله ورود جوانان به اشتغال رسمی و پایدار است که تأثیری منفی بر انگیزه های مشمولان در بر دارد. نکته شایان توجه دیگر متأهل بودن برخی از مشمولان می باشد که این گروه از سربازان وظیفه، طبعاً از مشکلات عاطفی و اقتصادی بیشتری برخوردار خواهند بود.

قسمت دوم: مسائل و مشکلات درون سازمانی:

بررسی ها و مطالعات نشاندهنده این واقعیت عینی است که سربازان وظیفه علاوه بر مسائل و مشکلات برون سازمانی، در محیط های آموزشی و محیط های خدمتی تحت تأثیر متغیرهای درون سازمانی با مسائل و مشکلات عدیده ای مواجه هستند که مهمترین آن ها عبارتند از:

ادبیات فرهنگ رفتاری حاکم بر محیط های آموزشی خدمتی:

بررسی ها نشان می دهد که از لحاظ سلسله مراتب در نیروهای مسلح، در اغلب موارد سربازان وظیفه به عنوان آخرین حلقه و رتبه در سلسله مراتب نظامی گری محسوب می گردند و این خود زمینه ای بر رشد و تکوین خرده فرهنگ ویژه ای در دوران خدمت سربازی و در ارتباط با نیروهای وظیفه است، تأکید بر جامع پذیری افراطی، اطاعت از مافوق در دوره آموزشی و سختگیری های بعضاً غیرمنطقی و فاقد پشتوانه علمی و هنجارهای رفتاری آمرانه و تحکم آمیز و خشک زمینه ساز تخریب شخصیتی سربازان می گردد و آنان از همان گام های نخستین ورود به نیروهای مسلح متوجه می شوند که پایتترین و ضعیفترین سطوح نیروهای انسانی می باشند که در طی ۲ سال بدون چون و چرا تحت هر شرایطی باید به خدمت سربازی اشتغال داشته باشند. این خرده فرهنگ ها و هنجارهای رفتاری ویژه محیط های خدمتی زمینه ساز کنش های متقابل در میان سربازان و عناصر مافوق آن ها می گردد. البته تلاش های انجام شده در سال های متمادی مبنی بر حفظ کرامت و شخصیت و هویت سربازان تا حدودی از بحرانی بودن این پدیده کاسته است؛ لکن این خرده فرهنگ در پوشش سلسله مراتب و نظم و انضباط همچنان حاکم بوده و مشهود است و در درون نیروهای مسلح چنین رفتارهایی را هنجاری و عادی تلقی می نمایند. اهمیت این موضوع بسیار زیاد بوده چراکه با انجام چنین رفتاری با سربازان وظیفه، پس از اتمام دوره خدمت اجباری و با ورود به جامعه، این نگرش در شخص نهادینه شده که پایین ترین سطح جامعه را داراست و در صورت اعتراض به شرایط، با رفتاری خشن روبرو خواهد شد که اینک در دوره خدمت نیز چنین بوده است. ذکر این نکته لازم است که با توجه به اینکه کشور ما جزء معدود کشورهایی است که در واقع دارای دنیروی نظامی مستقل می باشد که با

دقت در شرایط جامعه و حضور پر شمار نیروهای مختلف نظامی در تمامی سطوح جامعه، شرایط حاکم به نوعی تداعی گر محیط سربازی برای جوانان خواهد بود، و در نتیجه شخص به فردی فرمانبردار تبدیل می گردد که در جوامع امروزی و دارای نظام دموکراسی، این روند در واقع نوعی از دیکتاتوری به حساب می آید.

فرار از خدمت:

پدیده فرار از خدمت مشمولان و سربازان یکی از مسائل و مشکلات اساسی در سازمان های نظامی و انتظامی است که عوامل و متغیرهای گوناگونی در پیدایش آن تأثیرگذار می باشند. مطالعات و بررسی های انجام شده در سازمان قضایی نیروهای مسلح ایران نشان می دهد که در سال ۱۳۷۸ شایعترین تخلف و جرم (طبق قوانین جاری در نظام جمهوری اسلامی) در رابطه با سربازان پدیده فرار از خدمت بوده است. براساس پژوهش مزبور یکی از مؤلفه های مهم و اصلی تأثیرگذار بر فرار از خدمت سربازان، کمبود و کاستی عزت نفس "Self esteem" در میان آنان می باشد. عزت نفس عبارت از یک قضاوت شخصی در مورد با ارزش بودن یا بی ارزش بودن، قبول یا عدم قبول خود که در نگرش فرد بروز و تجلی پیدا می کند. البته لازم به ذکر است که در شیوع و گسترش مسئله فرار از خدمت، متغیرهای دیگری نیز تأثیرگذار بوده اند که در اغلب پژوهش های انجام شده در نیروهای مسلح به آن ها اشاره شده است. از جمله:

در یک پژوهش پیمایشی که در سازمان قضایی نیروهای مسلح در رابطه با پدیده فرار از خدمت سربازان انجام یافته است سه متغیر اصلی و مهم:

۱. دوری از خانواده،

۲. بعد مسافت میان محل سکونت و محل خدمت،

۳. مشکلات اقتصادی سربازان،

مهمترین عوامل دخیل در تکوین پدیده فرار از خدمت تلقی شده است.

براساس نتایج حاصله از ۲ پژوهش دیگری که تحت عنوان "عوامل مؤثر بر خوشایندسازی محیط خدمتی سربازان" انجام یافته است، مشخص شده عوامل مؤثر بر خوشایندی محیط خدمتی، زمینه ساز کاهش جرائم و تخلفات سربازان مانند فرار از خدمت آنان می باشد، مهمترین عوامل مؤثر بر خوشایند گردیدن محیط های خدمتی سربازان عبارتند از:

تأثیر امکانات بر خوشایندسازی محیط خدمتی که ۸۱ درصد فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح در جامعه آماری مربوطه تأثیر زیادی برای این متغیر قایل بوده اند و ۱۹ درصد هم تأثیر متوسطی را برای آن تلقی داشته اند.

تأثیر ویژگی های خدمتی بر خوشایندسازی محیط که ۹۷ درصد فرماندهان جامعه آماری نمونه آن را تأکید نموده اند.

تأثیر متغیر وضعیت فرهنگ محل خدمت بر خوشایندسازی که ۷۸ درصد فرماندهان بر آن تأکید داشته اند.

تأثیر متغیر نحوه برخورد با سرباز بر خوشایندسازی محیط که ۸۶ درصد فرماندهان با آن توافق زیادی داشته و ۱۴ درصد توافقی متوسطی داشته اند.

تأثیر متغیر نحوه توجه به سربازان بر خوشایندسازی محیط که ۸۰ درصد فرماندهان توافق زیادی داشته اند.

تأثیر متغیر ارتباط سرباز با خانواده اش بر خوشایندسازی محیط که ۸۴ درصد فرماندهان با آن توافق زیادی داشته اند.

امعان نظر و دقت در نتایج حاصله از پژوهش مزبور نشان می دهد که:

امکانات رفاهی محیط های خدمتی بر مطلوبیت سربازی تأثیر گذار است.

ویژگی های خدمتی بر مطلوبیت سربازی تأثیر گذار است.

نحوه رفتار و برخورد فرماندهان با سربازان بر مطلوبیت سربازی تأثیر گذار است.

وضعیت فرهنگی محل خدمت بر مطلوبیت سربازی تأثیر گذار است.

نحوه توجه به سربازان بر مطلوبیت سربازی تأثیر گذار است.

امکان رابطه سرباز با خانواده اش در دوران خدمت سربازی تأثیر گذار است.

اما چرا در ایران جوانان از سربازی فرار می کنند ؟

یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس می گوید: «هم اکنون حدود ۲ میلیون غایب از سربازی در

داخل و حدود ۳۰۰ هزار نفر نیز در خارج از کشور داریم.» (فارس، ۵ دی ۱۳۹۳)

با توجه به سه هدفی که در افکار عمومی ایرانیان برای سربازی مطرح است یعنی:

۱. خدمت به کشور در شرایط جنگ (دفاع از استقلال و تمامیت ارضی) و صلح،

۲. ساخته شدن جوانان مذکر (و نه مونث) در کوره‌ی تمرینات و سختی‌ها،

۳. در هم آمیخته شدن جوانان با مشمولیت و احضار همگانی (ثروتمند و فقیر، با سواد و تحصیلکرده، از خانواده‌ی قدرتمند و بی‌قدرت، روستایی و شهری)

پس باید دید که چرا عده‌ی قابل توجهی در مقیاس میلیونی از سربازی در جمهوری اسلامی فرار می‌کنند و علاوه بر آن عده بیشماری نیز غایب خدمت اجباری هستند (که این خود نیز نوعی فرار از خدمت سربازی می‌باشد).

در زیر به بررسی این موضوع پرداخته ایم:

هر سه هدف زیر علامت سوال:

در عالم واقع روال‌ها و فرآیندهایی در دنیای سربازی شکل گرفته که هر سه هدف فوق را به شدت زیر سوال می‌برد. اول این که از حدود دو سال دوره‌ی سربازی (که گاه با تخفیف‌هایی کاهش یافته یا با اعمال مجازات‌هایی افزایش می‌یابد) تنها دوره‌ی کوتاهی از آن به آموزش نظامی عمومی یا تخصصی اختصاص دارد و بعد از آموزش بخش عمده‌ی وقت سربازان در ایران با گماردن آن‌ها به انجام کارهای غیر مرتبط و دون، تلف می‌شود. در این میان از حیث اتلاف وقت تفاوتی میان تحصیلکرده و غیر تحصیلکرده، متخصص و غیر متخصص و... نیست. سربازان تحصیلکرده و متخصص نیز چه در نیروهای نظامی و چه در بخش دولتی غیر نظامی معمولاً در پست‌هایی به کار گمارده می‌شوند که بازدهی چندانی ندارند و خود احساس رضایت از کاری که به اجبار انجام می‌دهند پیدا نمی‌کنند. بخش دولتی که غالباً سربازان تحصیل کرده (یا دارای رانت) به آن اعزام می‌شوند برای کارکنان خود ظرفیت پر کردن زمان کار با کار مفید را ندارد چه برسد به کسانی که در یک دوره‌ی موقت در آن مشغول به کار می‌شوند.

دوم آن که انجام سربازی برای افراد، دیگر مثل گذشته خالی از هزینه نیست تا بدان به صورت فعالیتی داوطلبانه و اما بدون هزینه نگاه شود. سربازان باید هزینه‌ی رفت و آمد به محل سربازی و برخی هزینه‌های پوشاک و غذای خود را نیزپردازند. با حقوق بسیار اندکی که به سربازان داده می‌شود، این هزینه‌ها قابل تامین نیست و خود فرد و خانواده‌اش احساس می‌کنند که در فعالیتی کم‌ثمر (بالاخص در دوران صلح) و پرهزینه درگیر می‌شوند. در سال‌های پس از جنگ در بخش‌هایی از نیروهای نظامی و انتظامی و بالاخص ارتش (به دلیل وجود دو نیروی نظامی و اختصاص بودجه‌ای به مراتب کمتر از ارگان ثانویه یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، یگان‌های نظامی از تامین حداقل نیازهای سربازان مثل لباس زیر یا لوازم بهداشتی عاجز بوده‌اند. همچنین کیفیت غذای پادگان‌ها آنقدر پایین است که برخی از افراد آن غذا را نمی‌خورند یا هزینه‌ای برای تهیه یا تکمیل آن می‌پردازند.

سوم آن که روح عدالت در خدمت سربازی در دوران جمهوری اسلامی به شدت مخدوش شده است. کسانی که به دلیل ارتباطات خانوادگی و دوستانه و رانت یا دارا بودن سابقه عضویت و فعالیت در بسیج و یا جهت گیری‌های ایدئولوژیک در سپاه خدمت سربازی خود را می‌گذرانند، اکثراً به مناطق دوردست فرستاده نمی‌شوند و نیز از حیث ساعات کار و رفت و آمد به خانه دست بازتری پیدا می‌کنند. در دو دهه‌ی اخیر چندین بار امکان خرید سربازی حتی برای کسانی که تازه مشمول شده بودند فراهم شد که این امر به سود اقشار ثروتمند بوده است و خانواده‌های کم‌درآمد این روال را عادلانه نمی‌دانند. دوره‌ی معافیت تحصیلی برای طلاب علوم دینی نسبت به دانشجویان دانشگاه‌ها حتی در رشته‌های مشابه طولانی‌تر است. اکثر روحانیون با اشتغال در بخش دولتی از سربازی معاف می‌شوند در حالی که این امکان برای بخش بسیار کوچکی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها فراهم است. تبعیض جنسیتی نیز از گذشته در سربازی وجود داشته و همچنان وجود دارد.

چهارم آن که سربازی دیگر کارکرد دوران گذشته‌ی خود یعنی تنها مجرای اجتماعی شدن و فعالیت داوطلبانه برای بسیاری از جوانان را ندارد. جوانان امروز در مدرسه و دانشگاه و در فضای عمومی فرآیند اجتماعی شدن را می‌گذرانند و دوره‌ی سربازی وجه قابل توجهی در دوران صلح به آن اضافه نمی‌کند. همچنین اکثر سربازان در فعالیت‌هایی با دادن خدمت مستقیم به مردم در زمان صلح درگیر نیستند تا احساسی شبیه به داوطلبان در دیگر فعالیت‌های اجتماعی پیدا کنند.

بدین ترتیب بدون رضایت شغلی، بدون احساس خدمت به کشور در کنار احساس شدید بی‌عدالتی و هزینه‌بر بودن سربازی نمی‌توان از همه‌ی جوانان کشور انتظار داشت که با علاقه و اشتیاق یا از سر رعایت قانون به سربازی بروند یا پس از ورود در خدمت سربازی بمانند. تنها بخش سربازی که همچنان می‌توان به نحو عقلانی از آن دفاع کرد آموزش نظامی کوتاه مدت با هدف تقویت بنیه‌ی دفاعی کشور است که آن هم با توجه به تکنولوژی قدیمی تسلیحاتی نیروهای مسلح، این مزیت نیز آن چنان تاثیر مثبتی نخواهد داشت.

"برخی از اهم دلایل مطرح شده در مخالفت با دوره خدمت وظیفه عمومی"

در مبحث قبلی سعی بر آن گردید تا با واکاوی علمی دوره سربازی اجباری به فواید و مضرات آن پرداخت و به صورت کلی شمایی از وضعیت فعلی و نابسامان حاکم بر این مقوله ترسیم کرد. حال در ادامه بحث، به دلایل کلی مخالفت با دوره اجباری سربازی می‌پردازیم:

بسیاری از مجادلاتی که پیرامون دوره خدمت سربازی و یا تبعیض جنسیتی موجود در آن به پا شده است، به خاطر تخطی قوانین این دوره از اصول مطرح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد است. به ویژه موادی که در ذیل آورده شده‌اند:

ماده ۲: هر کس بدون هیچ گونه تمایزی از حیث (...، جنسیت (... از حقوق و آزادی‌هایی که در این اعلامیه برشمرده شده است، برخوردار است.

ماده ۳: هر کس حق حیات، آزادی و برخورداری از امنیت شخصی را دارد.

ماده ۴: هیچ کس را نباید در بیگاری و بردگی نگاه داشت، (...).

ماده ۱۸: هر کس حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و مذهب بهره‌مند گردد، این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا باور و نیز آزادی اظهار مذهب یا باور به شکل آموزش، عمل به شعائر، نیایش و به جای آوردن آیین‌ها چه به تنهایی و چه به صورت جمعی نیز می‌گردد.

ماده ۲۰: (... هیچ کس را نباید مجبور به عضویت در یک تشکل کرد.

ماده ۲۳: هر کس حق (... انتخاب آزادانه شغل (... را دارد.

لازم به ذکر است قانون اساسی بسیاری از کشورهایی که پس از جنگ جهانی دوم نوعی از خدمت سربازی در آن جا جریان داشته، یا هنوز جریان دارد و یا احتمال آن را در هنگامه جنگ می‌دهند، حقوق متناسب با موارد فوق برای سربازان در نظر گرفته شده است.

(متن کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر در پیوست قرار داده شده است)

برده‌داری:

خدمت سربازی شخصیت فرد را در معرض نظامی‌گری (جنگ‌گرایی) قرار می‌دهد. این خدمت نوعی بردگی است. اینکه ملت‌ها تحت تأثیر روزمرگی آن را تحمل می‌کنند، دلیل دیگری برای اثبات تأثیر ناتوان‌کننده آن است. آلبرت اینشتین، زیگموند فروید، اچ جی ولز، برتراند راسل و توماس مان در اعلامیه‌ای که بر علیه خدمت سربازی و آموزش نظامی جوانان در سال ۱۹۳۰ م (۱۳۰۸ ه.ش) صادر کردند که در آن به برده‌داری بودن دوره خدمت و وظیفه اعتراض کرده بودند. برخی گروه‌ها همچون آزادی‌خواهان، معتقدند از آن جایی که خدمت و وظیفه عمومی اجباری است پس نوعی بردگی به حساب می‌آید. بنابر

متمم سیزدهم قانون اساسی ایالات متحده، برده‌داری یا هر نوع خدمت غیر ارادی ممنوع است مگر اینکه بخشی از مجازات مجرمین باشد. در نتیجه گروه‌های مخالف، (دست کم در آمریکا) خدمت وظیفه را مخالف قانون اساسی و اخلاق می‌دانند.

در شوروی بسیاری از سربازان وظیفه آموزش‌های بسیار ابتدایی می‌دیدند و از آن‌ها در کارهای غیرنظامی مانند ساخت خانه‌های ییلاقی برای افسران و یا برداشت سیب‌زمینی از زمین‌های کشاورزی بدون دریافت هیچ دست‌مزدی، استفاده می‌شد. این رویه باعث شد تا در نظام اقتصادی مبتنی بر برنامه‌ریزی دولت شوروی، انگیزه کافی برای تولید ماشین‌های خرمن‌کوب چند منظوره (کمباین) در نظر گرفته نشود. با این وصف کشاورزی شوروی از فن‌آوری‌های مدرن عقب ماند. پیش از سال ۱۹۸۹. م (۱۳۶۷ه.ش) در بلوک مربوط به شوروی در مجارستان، بیش از نیمی از سربازان وظیفه تنها چند هفته کار با تفنگ را می‌آموختند و سپس با سرعت به «دسته‌های کار» اعزام می‌شدند و معمولاً مشغول به ساخت خطوط ریل رایگان و با کیفیت بسیار پایین می‌شدند. در همان زمان خط ریل‌های اروپای غربی توسط نیروی کار حرفه‌ای شاغل در کارخانه‌های ریل‌سازی نیمه‌خودکار و طبق بالاترین استانداردهای آن زمان ساخته می‌شدند.

تبعیض سنی:

خدمت وظیفه عمومی معمولاً محدود به جوانان بوده و تقریباً هیچ وقت به شکل مساوی بین گروه‌های سنی مختلف تقسیم نشده است. جوان‌ترهایی که تأیید می‌شوند، در همان ابتدا به خدمت فراخوانده می‌شوند. مخالفان تبعیض سنی و طرفداران آزادی جوانان این طور بیان می‌کنند که خدمت سربازی مبتنی بر سن، شدیدترین تبعیض سنی است که توسط دولت بر افراد ملت اعمال می‌شود. این تبعیض را فیل اوشس در ترانه‌ای به نام «من دیگر به پیش نمی‌روم» نشان داده است: «همیشه مسن‌ترها بوده‌اند که ما را به سوی جنگ برده‌اند؛ همیشه جوانان بوده‌اند که نابود گشته‌اند».

حتی در کشورهایی که دولت آن‌ها توسط مردم انتخاب می‌شود، سن مشمولین خدمت به حدی پایین است که غالباً به آن‌ها اجازه شرکت در تصمیم‌های مهم از قبیل اعزام به جنگ یا تعیین سیاست‌های مربوط به مشمولین خدمت وظیفه داده نمی‌شود. تصویب متمم بیست و ششم قانون اساسی ایالات متحده که سن رأی‌دهندگان را به ۱۸ سال کاهش می‌داد، بیشتر از آن رو انجام شد که انتقادات گسترده‌ای پیرامون بی‌عدالتی موجود در رابطه با جوانانی که علیرغم اعزام به خدمت سربازی اجازه رأی نداشتند بالا گرفته بود.

مشکلات ناشی از بی‌انضباطی:

هیچ نیروی نظامی، بدون انضباط نمی‌تواند مؤثر باشد. انضباط را می‌توان از راه روحیه گروهی یا انگیزه فعال موجود در پرسنل، آموزش داد. همچنین انضباط را می‌توان به صورت بنیادین از طریق راهنمایی‌های رهبر، در نیروها درونی کرد. به

سادگی می‌توان حدس زد که داوطلبان ارتش که به میل خود به نیروهای مسلح می‌پیوندند بی‌نظمی‌های کمتری از خود نشان می‌دهند، در حالی که شهروندانی که به اجبار و به عنوان خدمت وظیفه به این نیروها اعزام می‌شوند انگیزه کمی برای خدمت دارند.

تنبیهات اعمال شده بر سربازان وظیفه نیز غالباً خشن هستند زیرا ذات این خدمت مبتنی بر اجبار است. اعدام با استفاده از جوخه آتش، در هنگام جنگ یکی از راه‌هایی بوده که در سطح ارتش‌های جهان برای پرسنل وظیفه بی‌نظم به کار برده می‌شده است. آنتونی بیور تخمین زده است که ۱٪ تا ۵٪ تلفات نیروهای وظیفه در جنگ جهانی دوم مربوط به اینگونه اعدام‌ها بوده است. این ادعا را می‌توان با عبارتی از لئون تروتسکی به طور خلاصه نشان داد:

«ارتش را بدون تنبیهات نمی‌توان ساخت. اگر مجازات مرگ در زاغه مهمات فرمانده نباشد، وی نمی‌تواند توده‌های مردم را به سوی مرگ هدایت کند. تا زمانی که آن میمون‌های بی‌دم بداندیش (حیواناتی که ما به آن‌ها انسان می‌گوییم) به دست آورده‌های فنی خود می‌بالند و ارتش‌های خود را مجهز کرده و هزینه جنگ‌ها را می‌پردازند، فرمانده مجبور است که سربازان را بین مرگ محتمل در جبهه پیش رو و مرگ ناگزیر در پشت سر قرار دهد.»

در نتیجه ارتش‌های دارای نیروی وظیفه، بیشتر از ارتش‌های دارای نیروی داوطلب در معرض خطر ترمرد نیروهای خود قرار دارند. نیروهایی که ممکن است در موارد شدید بر علیه نیروهای خودی اقدام کنند.

مشکلات ناشی از بی‌نظمی زمانی وخیم‌تر می‌شوند که پرتوان‌ترین جوانان بر خلاف اراده خود مجبور به خدمت تحت فرماندهی افرادی شوند که به نظر آن‌ها هوش و استعداد کمی دارند و اینکه آن‌ها باید بی‌چون و چرا از این فرماندهان اطاعت کنند. این مسأله در دوران صنعتی‌سازی مشکلی ایجاد نمی‌کرد زیرا تنها طبقه بالای جامعه به تحصیلات عالی دسترسی داشتند. اما همین مسأله در جنگ ویتنام باعث بروز مشکلاتی شد. در این جنگ دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها مجبور بودند تحت فرماندهی درجه‌دارانی که به ندرت به دانشگاه رفته بودند و عموماً حتی دبیرستان خود را به پایان نرسانده بودند، خدمت کنند.

ملی‌گرایی و نظامی‌گرایی پیشرفته:

خدمت نظام وظیفه بر این فرض استوار است که ملت‌ها حقوقی دارند که فراتر از حقوق فرد است. در بیانیه اینیشتین و اعلامیه ضد خدمت وظیفه مهاتما گاندی آمده است که «دولتی که فکر می‌کند حق دارد شهروندان خود را مجبور به رفتن به جنگ کند، در زمان صلح نیز توجهی به ارزش شادی و زندگی آن‌ها نخواهد داشت.» ساختار ارتش‌های بزرگ دارای نیروهای وظیفه، هم‌زمان با رشد ناسیونالیسم در سده ۱۹ و ۲۰ میلادی بنا شد و در جنگ جهانی دوم به اوج خود رسید.

در زمان صلح، خدمت وظیفه جو نظامی‌گری و تعصب خشک را در جامعه به وجود می‌آورد. بسیاری از مردان جوانی که بدون اراده به خدمت اعزام می‌شوند، به نظامی‌گری بدگمان می‌شوند زیرا ماهیت اجباری بودن خدمت وظیفه روحیه کمی

در سربازان ایجاد می‌کند. این مورد در کشورهایی که احساسات ملی‌گرایانه در آغاز در آن‌ها ضعیف است مانند اتریش، آلمان و سوئد و یا شرایط بی‌رحمانه‌ای در آن‌ها حاکم است بیشتر صادق است.

مردانی که آموزش نظامی دیده‌اند به مراتب بیشتر از دیگران آمادگی اظهار خشم در شرایط بحرانی را دارند. همچنین این نوع خدمت می‌تواند در سربازان وظیفه احساسات میهن‌گرایانه شدید، تبعیض جنسیتی یا تبعیض نسبت به کسانی به خدمت نمی‌روند ایجاد کند.

توجیه حمله به شهروندان:

خدمت وظیفه یکی از اجزای جنگ همه‌جانبه است و این خدمت می‌تواند به عنوان یک سیاست قانونی برای توجیه خواسته دولت مبنی بر اینکه فداکاری‌های دیگری نیز باید از سوی شهروندان صورت گیرد به نظر آید. دادرس لوئیس برنדיس می‌گوید: «اگر اجازه فراخوان خدمت وظیفه داده شود، تمام عذرهای بین می‌روند.» با استدلال می‌توان گفت که به این وضع منجر می‌شود که تفاوت‌های بین شهروندان و نظامیان از میان برود تا شهروندان نیز مورد هجوم قرار گیرند. برای مثال می‌توان به بمباران یکسره شهرها از سوی هر دو طرف جنگ در طول جنگ جهانی دوم و در مورد خاص به کشتار می‌لای اشاره کرد. به تازگی در ادبیات نظامی باب شده است که تلفات شهروندان در طول جنگ را «خسارت موازی» بنامند، هر چند که مرگ این افراد قابل پیش‌بینی است. در حقیقت در طول سده گذشته، تلفات شهروندان نسبت به تلفات نظامیان در صحنه نبرد رشد زیادی داشته است.

کیفیت:

یکی از ایراداتی که نسبت به خدمت وظیفه وجود دارد این است که کیفیت خدمت سربازان وظیفه پایین‌تر از سربازان داوطلب است. نخست اینکه مدت کوتاه خدمت اجازه رشد مهارت‌های نظامی را به شخص نمی‌دهد. دوم اینکه امکان افت روحیه در نیروهای وظیفه زیاد است که این امر به افت کیفیت نیز کمک می‌کند در حالی که افسران و درجه‌داران پایور می‌کوشند بر این مشکلات فائق آیند.

بزرگ‌ترین مشکل این است که سرعت آموزش باید با سرعت یادگیری ضعیف‌ترین سرباز از لحاظ یادگیری تنظیم شود. این واقعیت به همراه مدت کوتاه خدمت (نسبت به نیروهای پایور و حرفه‌ای) باعث می‌شود تا کیفیت کار نیروهای وظیفه پایین‌تر آید. بنابر این یگان‌های ویژه تمام ارتش‌هایی که از نیروهای وظیفه استفاده می‌کنند کاملاً از نیروهای داوطلب تشکیل شده است، مانند رنجرهای چتر باز در ارتش فنلاند.

همچنین آموزش نظامی نیروهای وظیفه تقریباً بسیار ساده است. در موارد معدودی اتفاق می افتد که آموزش آنان فراتر از نظام جمع، تیراندازی، آموزش ابتدایی مربوط به شاخه خدمتی و سلاح های خدمتی و آموزش ساده صحنه نبرد باشد. همچنین در بسیاری از کشورها از جمله ایران به جای استفاده از سربازان در خدمات محترمانه نظامی از آن ها به عنوان کارگران کم خرج خدماتی با نام هایی چون «گردان کار» یا «یگان خدمات» و .. در اعمالی چون کشاورزی و ساخت زیربناها استفاده کرده و می کنند.

اقتصاد:

برخی بر این باورند که نسبت هزینه خدمت سربازی در زمان صلح به سود به دست آمده از آن، بسیار زیاد است. ماه ها یا سال ها خدمت بی بهره باعث کم شدن باروری اقتصاد می شود. هزینه آموزش (و در برخی کشورها هزینه دستمزد) را هم به این مقدار بیافزایید. با توجه به این حجم بالای هزینه، بسیاری می گویند که این خدمت از نظر مالی زیان دهی دارد. از این رو است که اکثر کشورهای اروپایی بعد از پایان جنگ سرد به تدریج اقدام به برچیدن خدمت وظیفه عمومی نمودند. این روند تا آنجا پیش رفت که تا سال ۲۰۱۰ تنها ۶ کشور از کشورهای اتحادیه اروپایی هنوز اجباری گذراندن این دوره برای جوانان شان را حذف نمودند.

هر سرباز وظیفه ای که به اجبار به ارتش آورده می شود از کار خود خارج شده و در نتیجه او دیگر نمی تواند به اقتصاد مملکت که پایه مالی ارتش است، کمک کند. این مورد در کشورهایی که وضعیت پیشا صنعتی دارند و سطح آموزش پایین است، مشکلی ایجاد نمی کند زیرا کارگران شاغل در این گونه کشورها را به راحتی می توان جایگزین یکدیگر کرد. اما این وضع در کشورهایی که وضعیت پسا صنعتی دارند و سطح آموزش در آن ها بالاست، متفاوت است به شکلی که نحوه انجام کار و آموزش های مرتبط با هر شغل در آن جا بسیار پیچیده بوده و یافتن جایگزین برای جای خالی سربازان وظیفه در سطح جامعه مشکل است. حتی می توان وضعیت های حادثی را برای اقتصادی متصور شد که نیروی کار حرفه ای آن به عنوان سرباز آماتور در جنگ کشته شود یا تا پایان زندگی معلول گردد. در این وضعیت سودمندی او برای جامعه بازگشت ناپذیر خواهد شد.

ابزاری برای انقیاد جامعه:

ایراد دیگری که توسط مخالفان خدمت وظیفه بیان می شود از آن جهت است که این خدمت را ابزاری برای حکومت های دیکتاتوری می دانند که قصدشان کنترل و بازآموزی عده ای از مردم است، به جای آنکه این خدمت وسیله ای

برای مردم ستم‌دیده برای نفوذ به نظام جهت ایجاد پایگاه قدرت در آن حکومت‌های دیکتاتوری با شد. همچنین این طور بیان می‌شود که، چون در نیروهای مسلح به طور سنتی همه چیز به جای دموکراسی مبتنی بر فرماندهی و فرمان‌بری است، خدمت وظیفه ابزاری بسیار مؤثر برای القاء اطاعت و پیروی بی قید و شرط در جامعه است به جای آنکه به مردم سالاران اجازه کنترل ارتش داده شود. شاهد این مدعا این واقعیت است که ارتش آلمان نازی Reichswehr را از یک ارتش کاملاً داوطلب در سال ۱۹۳۴ (۱۳۱۲) به Wehrmacht که کاملاً مبتنی بر پرسنل وظیفه بود تبدیل کرد.

همچنین تقریباً همه حکومت‌های دیکتاتوری معاصر (مانند سوریه، کره شمالی و عراق تحت حکومت صدام حسین، جمهوری اسلامی ایران و...) دارای خدمت وظیفه هستند. تقریباً تمام حکومت‌های دیکتاتوری سابق به شدت متکی بر این بودند که همه مردان بالغ به خدمت وظیفه بروند (به جز دیکتاتوری نظامی برمه که یک استثنای برجسته بود). حکومت‌های دیکتاتوری نظامی سابق در کشورهای ترکیه، یونان، اسپانیا، شیلی، آرژانتین، برزیل، اندونزی و لیبی در طول حیات خود همچون کشورهای سابقاً کمونیست مانند اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی از نیروهای وظیفه استفاده می‌کردند.

"برخی از اظهارات کم‌سابقه مقامات ارشد حکومتی در انتقاد از سربازی اجباری در ایران"

در مورد مفید نبودن خدمت اجباری سربازی در شرایط فعلی تقریباً اکثریت جامعه هم نظر هستند و تنها بخشی از افراد و مسئولین حاضر در سیستم حکومتی با توجه به منفعت نظام جمهوری اسلامی، در مورد دوام سربازی اجباری متفق القول هستند و متأسفانه زمام امور اساسی نیز در دست این گروه کوچک اما پر نفوذ می‌باشد. اما در این بین بعضاً مسئولینی هستند که از شرایط فعلی انتقاد می‌کنند که در زیر به بخشی از آن‌ها اشاره شده است. (لازم به ذکر است صرف ارائه این بخش از صحبت‌های افراد به معنای تایید نظرات و اعمال آن‌ها در سایر امور و زمینه‌ها نمی‌باشد.)

شماری از مقام‌های پیشین و کنونی جمهوری اسلامی در همایشی با موضوع سربازی، از شیوه‌ی کنونی سربازگیری اجباری در ایران انتقاد کردند و آن را نوعی بیگاری، تنبیه و بر خلاف قانون اساسی توصیف نمودند.

در این همایش که روز چهارشنبه (۶ اسفند ۱۳۹۳) با عنوان "سربازی و راهکارهای عادلانه" در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران برگزار شد، غلام‌حسین الهام، عضو وقت "شورای نگهبان"، سربازی اجباری را بر خلاف بند چهارم اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی دانست که بر "رعایت آزادی شغل و عدم اجبار افراد به کار معین" تاکید دارد.

وی با بیان این که سربازی اجباری به عنوان اجبار به یک کار معین، عملاً نوعی "بیگاری" است، "مقدس" بودن سربازی را نیز زیر سوال برد و افزود: «اگر سربازی مقدس است چرا اضافه خدمت را به عنوان یک کیفر مطرح می‌کنیم؟» او

در عین حال، با انتقاد از امکان فروش سربازی، آن را مانند فروش «برده» ای دانست که «باید دو سال برای دولت کار کند و حالا که قرار نیست کار کند، می‌گوید خشکه حساب کنیم». به گفته وی، سیستم «نظام وظیفه» کنونی در حقیقت یک «تنبیه» برای کسانی است که به سربازی می‌روند و این در حالی است که سرباز بدون دریافت هیچ امتیازی، «نسبت به یک فرد معاف از خدمت»، دو سال از زندگی عقب می‌افتد.

آقای حلویی که زمانی سمت معاونت نظام وظیفه را بر عهده داشت، با تاکید بر این که «با نیمی از سربازان کنونی هم می‌شود نیاز نیروهای مسلح را برطرف کرد»، افزود: «با اطمینان عرض می‌کنم در شرایط بحرانی نمی‌شود بر روی این سربازان حساب کرد چون روی انگیزه و روحیات‌شان کار خاصی انجام نشده است.» او «نوع آموزش» کنونی سربازان را نیز نامناسب با نیازهای فعلی نیروهای مسلح، ارزیابی کرد و گفت که این آموزش‌ها به شکل «سنتی» و از لحاظ کیفیت با «استانداردهای پایین» برگزار می‌شود.

وی اضافه کرد که برخی جوانان برای رفتن به سربازی «تحصیلات خودشان را طولانی‌تر می‌کنند» و حتی «حاضر می‌شوند در یک رشته بی‌ربط درس بخوانند ولی به سربازی نروند».

این انتقادهای کم‌سابقه از سربازی اجباری که در خبرگزاری‌های رسمی جمهوری اسلامی نیز بازتاب گسترده‌ای یافته، سه روز بعد از تصویب بند مربوط به خرید غیبت سربازی «مشمولان غایب» در جریان تصویب جزییات لایحه بودجه‌ی ۱۳۹۴ در مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. این مصوبه به دولت اجازه می‌دهد تا کلیه‌ی مشمولان سربازی را که بیش از هشت سال غیبت دارند با دریافت جریمه از آن‌ها معاف کند و درآمدهای حاصل از آن را به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه‌داری کل واریز نماید.

موضوع تغییرات در قانون سربازی در ایران نخستین بار در مردادماه سال ۱۳۹۲ و به دنبال انتشار گزارشی توسط «مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی»، به طور جدی در رسانه‌های ایران مطرح شد؛ هرچند که پیش از آن نیز محسن رضایی، یکی از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، حذف سربازی اجباری را به یکی از وعده‌های اصلی انتخاباتی خود تبدیل کرده بود.

در این میان، اما به نظر می‌رسد حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی، از مدافعان اعزام جوانان به سربازی باشد. او در نخستین روز سال ۱۳۹۳، در جریان بازدید از یک مجتمع بهزیستی در تهران در واکنش به ابراز نگرانی یک جوان برای اعزام به سربازی و عقب ماندن از ادامه تحصیل گفت: «با رفتن به سربازی کسی از زندگی عقب نمی‌افتد؛ سربازی یک تجربه است و فقط یک آموزش نظامی نیست.»

"عمر سربازی اجباری در ایران به پایان رسیده است"

سربازی اجباری پدیده‌ای است متعلق به دوره‌ی آغاز شکل‌گیری دولت-ملت‌های جدید. در این دوره، دولت‌ها نیاز داشتند ارتش ملی خود را از نقطه‌ی صفر شکل دهند اما از لحاظ مالی و اداری و آموزشی قدرت تشکیل ارتشی کاملاً حرفه‌ای که قادر باشد همه‌ی مأموریت‌های محوله را در زمان جنگ و صلح به انجام برساند، نداشتند. همچنین ارتش‌ها آن‌چنان مکانیزه نشده بودند که نیروی انسانی تنها بخشی از کار را بر عهده بگیرد. همه‌ی امور باید توسط نیروی انسانی (بیشتر غیر متخصص و غیر حرفه‌ای) انجام می‌شد. به عنوان مثال، بیل مکانیکی و لودری وجود نداشت و نیروی کار باید سنگر می‌ساخت و جاده درست می‌کرد تا نیروها در امان بمانند یا تحرک داشته باشند. بخش حرفه‌ای ارتش در صد بسیار اندکی از نیروی انسانی آن را تشکیل می‌داد.

در چنین شرایطی نیروی انسانی غیر متخصص با آموزش کوتاه‌مدت می‌توانست از پس بسیاری از کارها بر بیاید. بدون سربازی اجباری برای جوانان تازه‌بالغ، نمی‌شد این نیروی انسانی پرانرژی، غیر متخصص و ارزان را برای آمادگی ارتش یا درگیر شدن در جنگ در اختیار داشت. به همین دلیل، دولت‌ها هزینه‌ی نارضایتی عمومی از سربازگیری اجباری را تحمل کرده و هر سال ده‌ها هزار و بعدها صدها هزار جوان (مذکر) را به استخدام کوتاه مدت ارتش در می‌آوردند.

غیر از بعد نظامی، سربازگیری در دولت-ملت‌های جدید، بُعدی اجتماعی و سیاسی نیز داشت. در دو سال (کمتر یا بیشتر) این جوانان در معرض تبلیغات سیاسی و منش و روشی که حاکمان می‌خواستند (آن هم با اعمال زور و دستور از بالا) قرار می‌گرفتند. در طول این مدت، جوانان در نظامی که بیشتر مبتنی بر تنبیه بود می‌آموختند که زندگی اجتماعی در قالب دولت-ملت (عمدتاً اقتدارگرا)، یعنی اطاعت از مافوق و تن در دادن به قوانینی که اعمال یا عدم اعمال یا فرار از آن‌ها در دست کسانی است که قدرت را در اختیار دارند.

امروز پس از حدود یک قرن که از شکل‌گیری ارتش مدرن در بسیاری از کشورها می‌گذرد سربازی اجباری کارکرد خود را هم از بُعد نظامی و هم از بُعد اجتماعی و سیاسی از دست داده است به دلایل زیر:

مکانیزه و تخصصی شدن دفاع و جنگ:

ارتش‌ها، حتی در دنیای در حال توسعه، مکانیزه شده‌اند و پیاده‌نظام و نیروی بدنی نقشی تعیین‌کننده در بازدارندگی و تهاجم بازی نمی‌کند. همان‌طور که تانک و خودرو جای اسب را گرفت، ماشین و کامپیوتر و روبات نیز جای بسیاری از نیروهای انسانی را گرفته است (مثل هواپیماهای پی‌سرنشین که برای شناسایی و بمباران مورد استفاده قرار می‌گیرند). حتی در دوران جنگ ایران و عراق که نیروی زمینی و پیاده‌نظام در آن نقشی جدی داشت، پدیده‌هایی مثل جنگ نفت‌کش‌ها، موشک‌باران‌ها، بمباران تاسیسات زیربنایی و جنگ الکترونیک در سرنوشت جنگ نقشی محوری بازی کردند.

اکثر دولت‌ها به ویژه آن‌ها که درآمد نفتی یا رشد اقتصادی بالایی دارند می‌توانند به خوبی از پس هزینه‌های یک ارتش حرفه‌ای ب‌آیند. به عنوان نمونه نیروهای نظامی ایران، هم ظرفیت‌های آموزشی کافی دارند و هم منابع مالی کافی برای تامین نیروی انسانی تمام وقت و حرفه‌ای.

نشانه‌ی گویای مکانیزه شدن ارتش‌ها از جمله در ایران آن است که ارتش و سپاه، دیگر کار یدی کافی برای پر کردن وقت سربازان وظیفه و غیرمتخصص ندارند و غیر از دوره‌ی آموزشی، حدود دو سال از وقت این جوانان هدر می‌رود. ارتش و سپاه حتی خود را ملزم نمی‌بینند بودجه‌ی کافی برای تامین لباس و بهداشت و غذای این سربازان که قانوناً بدان مکلف هستند تامین کنند. نیروهای مسلح منابع خود را در جاهای دیگری مصرف می‌کنند. ستاد نیروهای مسلح نیز به این نکته رسیده که وقت بسیاری از نیروهای متخصص و تحصیل‌کرده در ارتش و سپاه تلف می‌شود و از این رو بسیاری از دستگاه‌های دولتی می‌توانند سربازان تحصیل‌کرده از کار شناسی ارشد به بالا را در خدمت بگیرند و این به جای دوره‌ی سربازی آن‌ها حساب شود.

ارتش‌ها امروز عمدتاً به نیروی انسانی متخصص و ورزیده در حوزه‌های اطلاعاتی، فنی و رزمی نیاز دارند و این ظرفیت‌ها با آموزش نظامی دو یا چند ماهه ایجاد نمی‌شود. آموزش رزمی عمومی به عنوان یکی از ضرورت‌های دفاعی نیز بالضروره نیازی به انجام دوره‌ی دو ساله‌ی سربازی ندارد و می‌توان آن را جداگانه برای همه‌ی شهروندان اعم از زن و مرد انجام داد و هر از چند سال آن را تجدید کرد. جنگاوری در نظام تقسیم کار کنونی یک حرفه است و نه یک فعالیت همگانی و داوطلبانه. البته در شرایط اضطراری، هم خدمت وظیفه معنا پیدا می‌کند و هم فعالیت داوطلبانه.

استراتژی نظامی جمهوری اسلامی در سال‌های پس از جنگ اخیر ایران و عراق چهار بعد داشته است:

۱) حضور در مناطق بحرانی و بی‌ثبات منطقه (لبنان، نوار غزه، افغانستان، یمن، سوریه و عراق) جهت ایجاد دردسر برای قدرت‌های بزرگ و ایجاد حاشیه‌ی امن در داخل،

۲) تقویت توان موشکی و ایجاد تهدید در فاصله‌های چند هزار کیلومتری کشور برای بازدارندگی و نیز تهدید،

۳) پی‌گیری جدی برنامه‌ی اتمی که حداقل ظرفیت ساخت بمب اتمی را در کشور ایجاد می‌کند،

۴) تقویت و تحکیم قدرت حزب پادگانی در داخل برای حفاظت از رژیم.

سربازان اجباری و پیاده‌نظامی متشکل از جوانان عادی غیر خودی هیچ جایی در این استراتژی ندارد و برای تداوم آن باید دلایل دیگری غیر از دفاع از کشور یا راهبردهای نظامی یافت. مقامات رژیم خود شاهد فرار سربازان در ماه‌های پایانی رژیم پهلوی بوده‌اند و بر این نیروها اتکا نخواهند کرد.

تغییر معنای اجتماعی سربازی:

اجتماعی کردن جمعیت در دولت‌های اقتدارگرا و غیر اقتدارگرای امروز عمدتاً در نظام آموزش عمومی، فعالیت‌های اوقات فراغت و رسانه‌های همگانی انجام می‌شود و دوره‌ی سربازی نقش تعیین‌کننده‌ی سابق را در این قلمرو از دست داده است. در دهه‌های بیست تا چهل خورشیدی برای جوانی روستایی که سربازی تنها دوره‌ی فاصله‌گیری از خانواده و مزرعه بود، سربازی یک مقطع مهم در اجتماعی شدن بود اما امروز شخصیت جوانان تاثیر مثبت بسیار اندکی از دوره‌ی سربازی می‌گیرد.

حتی جمهوری اسلامی که نظامی ایدئولوژیک است و از هر فرصتی برای تبلیغ و آموزش ایدئولوژیک استفاده می‌کند دیگر به سربازی به عنوان دوره‌ای مناسب برای القای ایدئولوژی خود نگاه نمی‌کند که بزرگترین گواه بر این مدعا نیروی بسیج می‌باشد که نمونه بارز سیستم ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی است. مقامات رژیم به رسانه‌های دولتی و مراکز آموزشی از یک سو و فیلترینگ و پرازیت و سانسور از سوی دیگر بیشتر اتکا دارند تا استفاده از دوره‌ی سربازی اجباری. حتی بخشی از فرماندهان نظامی سابق که مشی اقتدارگرایانه دارند لغو سربازی اجباری را یک تابو برای نظام نمی‌دانند تا آن حد که محسن رضایی (فرمانده سپاه در دوران جنگ) این موضوع را به یکی از وعده‌های انتخاباتی خود تبدیل می‌کند.

تداوم سربازی اجباری در ایران امروز نه به دلیل خطر حمله‌ی نظامی و نه به دلیل کارایی این نظام در آموزش و پرورش نیروی انسانی در حوزه‌ی دفاعی؛ بلکه به دلیل بحران اشتغال در کشور است. در کشوری که در هشت سال دولت احمدی‌نژاد به روایت کارشناسان سالانه ۱۴ هزار شغل و به روایت مرکز آمار سالانه ۷۸ هزار شغل ایجاد شده، حکومت نمی‌خواهد صدها هزار جوان ۱۸ ساله (فارغ‌التحصیل دبیرستان یا ترک تحصیل کرده) یا ۲۲ ساله (فارغ‌التحصیل دانشگاه) را پر از انرژی و معترض به شرایط موجود و بدون امید به آینده در خیابان‌ها رها کند. این جمعیت می‌تواند برای حکومت مشکل سیاسی درست کند. دو سال هم که آن‌ها درگیر سربازی باشند برای حکومت غنیمت است.

دلیل دیگر برای تداوم سربازی اجباری، شرمندگی حکومت از برقراری نظام ناکارآمد در کشور در کنار شعارهای عامه‌گرایانه و عدالت‌طلبانه است. دقیقاً به همین دلیل خرید سربازی از سوی افراد مقیم در داخل کشور که ثروتمندان تمکن آن را داشتند لغو شد. تقاضاکنندگان برای مشاغل سربازی حرفه‌ای عمدتاً اقشار فقیر خواهند بود و قدرتمندان و ثروتمندان،

فرزندان خود را به این بخش نخواهند فرستاد. این امر یکی دیگر از ابزارهای مدعاهای مساوات گرایانه را از حکومت خواهد گرفت. حکومت از اینکه افشار فقیری باشند و از میان آن ها به استخدام برای قوای سرکوب پردازد خشنود است اما نمی خواهد این افشار فقیر آن را حکومت ثروتمندان تلقی کنند. سربازی اجباری این امکان را برای حکومت فراهم می آورد که ادعا کند نگاهی مساوی به فقیر و غنی دارد.

یکی از قوانینی که اکنون در ایران با جدیت دنبال می‌شود قانون نظام وظیفه عمومی یا سربازی است. این قانون مصوب زمان رضاشاه است. رضاشاه که می‌خواست ارتش‌های قبیله‌ای و عشیره‌ای را حذف کند در اقدامی تقلیدی از کشورهای اروپایی به تصویب قانون نظام وظیفه عمومی مبادرت کرد که در آن زمان با مخالفت علما و مراجع روبرو شد. از جمله آیت الله نورالله اصفهانی که مخالفت با قانون نظام وظیفه را در راس اهداف شش‌گانه قیامش علیه رضاشاه قرار داد. هر چند که سرانجام به واسطه مرگش این مخالفت ناکام ماند. قیام آیت الله نورالله اصفهانی و اهداف آن با تأیید علما و مراجع آن زمان مانند آیت الله العظمی شیخ ابوالحسن اصفهانی، آیت الله بهبهانی، میرزا هاشم آشتیانی و مدرس همراه بود. مدرس نیز در مجلس مخالفت خود را ابراز داشت و در نطق خود با اشاره به خاطرات اقامت هشت ساله‌اش در بین النهرین (عراق) این قانون را از دلایل نارضایتی مردم عراق از دولت عثمانی دانسته و گفت: «بالاخره مملکت را گرفتن قشون عمومی از دست عثمانی به در برد. چون خلاف طبیعت مردم بود».

همچنین اعضای حوزه علمیه تهران در نامه‌ای به آیت الله نورالله اصفهانی ضمن حمایت از قیام ایشان، تأکید می‌کنند که «تمام آقایان حجج اسلام و حصون ایمان دامت برکاتهم از امورات شخصیه و مشاغل نوعیه خود دست برداشته‌اند و متفقا به کلمه واحده در مقام... جلوگیری از هر قبیل قوانینی که به خلاف قوانین مقدسه اسلام وضع شود قیام و اقدام دارند، بالاخص در قضیه نظام اجباری که فوق العاده از تحمل خارج و طاقت فرساست. امید است که به همم عالیه آن ذوات مقدسه [ائمه اطهار] و جدیت کامله و پافشاری، رفع و دفع این قانون جابرانه و خانمان ویران کن شود.» (مراجعه شود به کتاب اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، موسی نجفی، صفحات ۲۴۲-۲۶۸)

اکنون با گذشت حدود هشتاد سال و تغییر شرایط در جهان امروزی، ناکارآمدی این قانون آشکار شده است، اما جای این سوال باقی است که چرا این قانون در نظام جمهوری اسلامی همچنان به قوت خود باقی است؟

همان طور که می‌دانید نهاد دولت در اسلام مطلق العنان و آزاد نیست و در چارچوب قوانین و مقررات شرع محدود است. بر اساس کدام اصل از قوانین اسلام و فقه شیعه دولت اسلامی حق دارد جوانان را وادار سازد که دو سال از بهترین سال‌های عمر خود را در اختیار خود نبوده و حسب دستور دولت (نظام) به اصطلاح به خدمت بپردازند. بر اساس شناختی که از دین اسلام و فقه شیعه داریم چنین اجازه‌ای را در هیچ جای از دستورات اسلام نمی‌بینیم. در اسلام بر آمادگی نظامی تأکید بسیار شده است به همین دلیل برقراری دوره‌های آموزش نظامی برای جوانان بسیار مطلوب و لازم است اما ماه‌های متوالی ییگاری که بعد از پایان آموزش نظامی بر جوانان این مرز و بوم تحمیل می‌شود در تعالیم اسلامی و انسانی جایی ندارد. تنها

مقوله‌ای که می‌توان این مساله را به کمک آن توجیه کرد، باب مصلحت است که در ادامه فواید و مضرات سربازی را خواهیم شمرد تا نهایتاً این نتیجه آشکار شود که نه تنها اکنون مصلحتی بر تداوم سربازی وجود ندارد بلکه مصلحت در لغو آن است.

فواید:

۱. بهره مندی دولت از نیروی جوان ارزان (رایگان)
۲. بخش آموزش نظامی آن موجب تقویت روحیه نظامی و آشنایی جوانان با مسایل نظامی برای روز مبادا می‌شود،
۳. برخی از پدران و مادران نیز خدمت سربازی را باعث مرد شدن پسرانشان می‌دانند،

● مضرات:

اما برای سربازی مضرات زیادی می‌توان برشمرد که این فواید را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در اینجا تنها به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

از دیدگاه شرعی سربازی جایز نیست:

همان‌طور که اشاره شد سربازی با اصول اسلامی ناسازگار است. در اسلام حتی زمانی که به مملکت اسلامی حمله می‌شود در ابتدای امر جهاد به صورت واجب کفایی واجب می‌شود و بر همه واجب نیست یعنی در صورتی که کشور تحت هجوم باشد نیز نمی‌توان در ابتدا همه را به جنگ برد. حال چگونه است که در جمهوری اسلامی در شرایطی که هیچ جنگی هم نیست جوانان را مجبور می‌کنند که قریب به دو سال از بهترین زمان عمر خود را در اختیار خود نباشند. بر اساس کدام اصل از اصول دین اسلام جوانان ناچارند دو سال از بهار زندگی خود را در اختیار نظام بگذارند. بنابراین سربازی یک وظیفه دینی و شرعی نمی‌باشد و تحمیل آن به عنوان وظیفه دینی بر جوانان مطلوب و جایز نیست. به خصوص آنکه اکنون این شبهه وجود دارد که روحانیون تا زمانی که خود قرار بود به سربازی بروند این قانون را ضد اسلام می‌دانستند؛ اما زمانی که این قانون برای روحانیون لغو شد، خدمت سربازی نه تنها مجاز شد بلکه مقدس هم شد! یکی از روحانیون در جواب به دو نکته اشاره کرد: یکی اینکه روحانیون علم آموزی می‌کنند و دیگری مقدس بودن خدمت به نظام جمهوری اسلامی است. در جواب باید گفت اولاً مگر بقیه دانشگاه‌ها چهل آموزی می‌کنند که دانشجویان باید به سربازی بروند؟ حتی اگر فرض هم بکنیم که فقط فقه و قرآن علم است پس چرا دانشجویان فقه و علوم قرآنی سربازی نمی‌روند؟ ثانیاً اگر خدمت به نظام به این نحو که بیگاری است،

مقدس محسوب می شود؛ پس چرا روحانیون خود را از این خدمت مقدس محروم کرده‌اند؟ البته به نظر ما نه شبهه مورد قبول است و نه جواب آن روحانی ؛. بلکه معتقدیم یک غفلت و فراموشی تاریخی از سوی روحانیت شکل گرفته است.

با توجه به شرایط فعلی سربازی یک وظیفه ملی هم نیست:

دفاع از سرزمین در خون ما ایرانیان است و شاهنامه فردوسی پر است از روحیه سلحشوری ایرانیان. ولی در کجا در اسطوره‌ها و تاریخ ایران زمین آمده است که جوانان باید جوانی خود را در اختیار دولت قرار دهند آن هم در زمان صلح؟ هر جوان ایرانی حاضر است در زمان جنگ، جان خود را تقدیم کند ولی حاضر نیست در زمان صلح عمر خود را بیهوده هدر بدهد.

معذل اعتیاد جوانان:

هر کس با نگاه کوتاهی به هم کلاسی های دوران تحصیل خود می‌بیند که بسیاری از آن ها در خلال سربازی به سیگار، مواد مخدر و یا مشروب مبتلا شده‌اند. متأسفانه اکنون دوران سربازی یکی از اصلی ترین عوامل انحراف جوانان است.

وجود دیدگاه تنبیهی در مسئولین:

شاید تصور شود که راه حل مشکل بالا افزایش کنترل و برخورد با متخلفین است؛ ولی این چاره کار نیست، چون بر خلاف تصور برخی مسئولین که از واقعیت‌ها فرار می کنند جوان‌ها به سربازی به دید یک وظیفه ملی یا شرعی نگاه نمی کنند؛ بلکه به دید یک نوع بیگاری نگاه می کنند و البته حق هم با جوانان است. هر چقدر هم مسئولین بر مقدس بودن این خدمت تاکید کنند وقتی واقعیت ندارد، بیشتر اعتبار خود در بین جوانان را از دست می دهند. لذا راه کارهای کنترلی نمی تواند مشکل را حل کند. مشکل زمانی حل می شود که جوانان را از کانون گرم خانواده جدا نسازیم.

بیگاری از جوانان در کشوری ثروتمند:

کشوری که بر روی مخازن نفت قرار دارد چرا باید از جوانان خود بیگاری بکشد. وادار ساختن نیروی جوانی که باید برای پدر، مادرش و یا زن و فرزندانش تلاش کند به دوری از خانواده و استفاده از نیروی او برای پیشبرد فعالیت‌های دولتی که تمام پول نفت به عنوان بیت‌المال در اختیارش است به جز بیگاری چه معنایی دارد. (تصور از بیگاری موجب می شود جوان از

همان ابتدا یاد بگیرد که در کار کردن برای دولت دل به کار ندهند که این خود از ریشه های معذل پایین بودن راندمان کاری در کشور است).

وادار کردن سرباز به انجام امور دون، بیهوده و پست:

خدمت سربازی چیزی جز اتلاف عمر برای جوانان ندارد زیرا وادار کردن آن ها به کاری است که در آن تخصص ندارند و اگر بطور استثنا در راستای تخصص آن ها باشد هم، به آن علاقه ای ندارند. در مورد سربازان دیپلم و زیر دیپلم وضع بسیار بدتر است و آنان ساعت های متوالی را به نگهبانی های بیهوده و دیوانه کننده می گذرانند. در ضمن بسیاری از پست هایی که سربازان در آن ها به خدمت می پردازند زاید، بیهوده و قابل حذف است.

استفاده از سرباز برای امور مربوط به پرسنل نظامی:

بسیاری از جوانان سرباز در شهرک های مسکونی سپاه و ارتش برای انجام کارهای خدماتی و نگهبانی از منازل پاسداران و ارتشیان به کار گرفته می شوند که بر خلاف قانون است. این خود نوعی رانت است. چرا صاحبان دیگر مشاغل مجبور هستند که هزینه این گونه خدمات را بدهند ولی نظامیان از چنین رانتی بهره مند هستند؟ مضاف بر اینکه از منظر شرع اسلام این گونه اقدامات باید در برابر دستمزد و حقوق عادلانه و کامل باشد. از سوی دیگر این شبهه وجود دارد که وظیفه نیروهای نظامی افزایش امنیت در سراسر جامعه است؛ نه آنکه برای خود شهرک های اختصاصی بسازند و از جوانان مردم برای نگهبانی و حراست از خودشان استفاده کنند.

تقدم منافع دولت و حکومت بر منافع مردم:

خدمت سربازی به نفع جوانان نیست و به نفع خانواده های آنان هم نیست و فقط به نفع دولت و نظام است. حال این سوال باقی است که در دولت به ظاهر مردم سالار دینی، منافع مردم مقدم است یا دولت؟ در حال حاضر رفتار دولت بر خلاف شعارهایش است. ظاهراً مردم سالاری تا جایی محترم است که به نفع دولت باشد نه مردم. از یک دولت اسلامی که دارای منابع غنی نفتی می باشد بعید است که با بهانه های واهی منافع دولت را بر مردم ترجیح دهد.

سربازی مانع ازدواج است:

سربازی یکی از مهم‌ترین موانع ازدواج جوانان است. اینکه برخی تسهیلات برای سربازان متاهل فراهم شود مناسب و ضروری است ولی حلال مشکلات نیست، زیرا بسیاری خانواده‌ها دختر خود را به مردی که می‌خواهد دو سال به سربازی برود و دختر نیز منتظر بازگشت او باشد، نمی‌دهند و در این میان اگر چه آن جوان بی‌تقصیر است ولی خانواده دختر هم محق هستند.

بالانس کردن بیکاری و شغل های موجود بوسیله خدمت اجباری توسط دولت:

اکنون نظام وظیفه بسیاری از فرصت‌های مربوط به اشتغال را به خود اختصاص داده است. بر اساس آمار موجود اکنون میزان شغل ایجاد شده در کشور به میزان جوانانی که در آن سال بایستی وارد بازار کار شوند نزدیک شده است. اما مشکل در حجم عظیم بیکاران مانده از سال‌های قبل است. با حذف سربازی و اختصاص فرصت‌ها به این جوانان، می‌توان تا حد زیادی از حجم عظیم بیکاران کاست و بر نرخ بالای بیکاری در ایران فایق آمد. شاید راحت‌ترین راه برای فایق آمدن بر بیکاری حذف سربازی باشد. در مواردی هم که استخدام صورت می‌گیرد شرکت‌ها و حتی سازمان‌های دولتی با سو استفاده از نداشتن کارت پایان خدمت جوانان را با حقوق کم، بدون بیمه و هر گونه تضمین و آینده شغلی استخدام می‌کنند.

مشکلی برای ورود به بازار کار و اشتغال مهارتی:

حتی اگر کشور مشکل بیکاری نداشت باز هم سربازی از مهمترین موانع اشتغال بود. نه فقط اینکه امکان اشتغال در مشاغل استخدامی اعم از دولتی و غیر دولتی از جوانان سرباز سلب می‌شود، بلکه بسیاری مشاغل آزاد هم هستند که نیاز به برنامه ریزی و تداوم کار دارند که سربازی با وقفه‌ای که ایجاد می‌کند از ابتدا مانع رفتن جوانان به سوی آن کارها می‌شود؛ که این مسئله خود حداقل دارای دو تاثیر منفی است: اول اینکه باعث تاخیر در مولد شدن جوانان و ضرر کلان به اقتصاد کشور می‌شود. کافی است تعداد جوانانی که به سربازی می‌روند را در میزانی که می‌توانستند بر تولید ناخالص داخلی بیفزایند ضرب کنید تا حجم ضرر آشکار شود. دوم آنکه سبب تاخیر در ازدواج می‌شود که اثرات سو آن بر کسی پوشیده نیست. این مساله خود سبب بروز بزهکاری‌های فراوان اجتماعی می‌شود.

افزایش فشار های روحی روانی بر جوانان:

سایه شوم سربازی چون کابوسی همواره بر سر جوانان از آغاز نوجوانی تا جوانی هست، که موجب انواع اضطراب و اثرات سوء روانی می‌شود. در طول سربازی نیز دوری از خانواده، فشار جنسی، اضطراب از آینده نامعلوم و غیره، انواع بحران‌های روحی برای جوانان به ارمغان می‌آورد که بعضا به بیماری‌های حاد روانی، افسردگی و حتی خودکشی منجر می‌شود.

به روز نبودن مقوله سربازی اجباری:

سربازی یک مقوله متعلق به دوران دولت- ملت است و لذا در دوران جهانی شدن کنونی که دولت- ملت در حال زوال است این مقوله متصل به آن نیز در حال زوال است.

ایجاد شکاف بین جوانان و نظام با اعزام به سربازی اجباری:

اکنون جوانان به سربازی نه به عنوان وظیفه ملی و شرعی بلکه به عنوان جبر و زور نگاه می کنند و حق هم با جوانان است، چرا که که ائتلاف قریب به دو سال عمر خود را به پای نظام می نویسند. چه بسیار دوستانی داشتیم که در دوران دبیرستان از اعضای فعال بسیج و بعضاً از مسئولین پایگاه بسیج دانش آموزی بودند ولی بعد از سربازی به نظام بد و بیراه می گویند و یا لاف بی تفاوت شده و شور و حرارت اولیه آن ها خوابیده است.

عدم بازگشت نوابغ تحصیل کرده به کشور:

بسیاری از جوانان ایرانی که در خارج از کشور هستند می خواهند به کشور خود برگردند و به نام ایران دستاوردهای علمی خود را ثبت کنند؛ ولی خدمت سربازی خود آن ها و یا فرزندانشان مانع بازگشتشان است، زیرا تا زمانی که مجبور باشند برای برگشتن تاوانی دو ساله بدهند هیچ گاه بر نمی گردند. راهکار مسوولین شاید این باشد که سربازی را برای آن ها حذف کنند یا فروشی سازند ولی این اقدام موجب تبعیض می شود و سربازی به یکی از منسأهای تبعیض بین کسانی که در خارج هستند و جوانان داخلی تبدیل می گردد که یقیناً با شعار عدالت و عدم تبعیض در دولت اسلامی آن ها همخوانی ندارد.

عدم کاهش تعداد سرباز با تکیه بر دلایل واهی:

ایران یکی از جوان ترین کشورهای دنیاست و لذا اکنون سرباز وظیفه زیادی دارد، ولی مسوولین حاضر نیستند خدمت وظیفه را کاهش دهند. یک بار از یکی از شاغلین در ستاد کل نیروهای مسلح علت آن را پرسیدیم جواب داد محاسبه کرده ایم و دیده ایم در چند سال آینده تعداد سربازها کم می شود و اگر کم کردیم دیگر نمی توانیم اضافه کنیم و لذا بهتر است که کم نکنیم و در نتیجه به همین دلیل بی منطق، جوانان بسیاری سرگردان هستند. در حالی که دولت باید همواره منافع مردم را بر خود مقدم بدارد. علاوه بر این با رشد اتوماسیون و تکنولوژی به این تعداد سرباز نیاز نیست و هر سال به تعداد

سرباز کمتری نیاز است. هم اکنون نیز بسیاری از کارهایی که برای سربازان وظیفه تعریف شده است بیهوده و قابل حذف شدن هستند.

سوء استفاده از شرایط بین الملل برای پیش برد مقاصد نظام:

ممکن است گفته شود که در شرایط کنونی نظام بین الملل حذف و یا کاهش مدت سربازی اجباری به مصلحت نیست؛ اما اولاً در دنیای امروز مساله امنیت، مسئله ای نرم افزاری و ذهنی شده است و حذف سربازی اجباری اتفاقاً نوعی پیام به دنیا است که ما دارای نرم افزار پیشرفته و قابل اعتمادی هستیم که سربازی را لغو می کنیم. ثانياً بار اصلی در جنگ بر دوش بسیجیان (سربازان داوطلب) بود و چه بسیار جوانانی که قبل از سن قانونی می آمدند و تمایل به حضور در جنگ داشتند.

حضور در حوزه های علمیه برای فرار از خدمت:

بسیاری از جوانان برای فرار از سربازی به حوزه های علمیه می روند که اثرات مخرب آن معلوم است و لازم نیست که شرح داده شود. حضور چنین افرادی در حوزه ها باعث تخریب فضای حوزه، تخریب وجهه عمومی حوزه در بین مردم و نهایتاً واگذاری تربیت و هدایت دینی مردم به کسانی می شود که از اول با عشق و علاقه پای در این راه نگذاشته اند. راه حل های تفتیش انگیزه نیز بی حاصل است. زیرا نیات درونی افراد را نمی توان یافت و چه بسا که باعث ممانعت از حضور افراد شایسته به واسطه ظن و گمانهای حدسی شود.

به بیان اهل منطق اکنون سربازی سالبه به انتفاء موضوع شده است:

اساس خدمت سربازی برای تشکیل و تامین نیروی ارتش های دایمی بود که اکنون چنین هدفی منتفی شده است. رضاشاه که می خواست ارتش های قبیله ای را منحل کند و ارتش دائمی تشکیل دهد نیاز به نیرو داشت و لذا اقدام به تصویب قانون خدمت وظیفه عمومی کرد ولی امروزه از طریق استخدام این مهم انجام می شود و نیازی به اجباری بودن آن نیست.

ناهمخوانی تکنولوژی روز و اپراتورهای استفاده کننده از آن:

در جنگ های پیچیده امروز و آینده از یک سرباز با آموزش های حداکثر دوساله و بدون گذراندن دوره های تخصصی که آموزش آن چندین سال طول می کشد چه کاری بر می آید؟ در واقع پیشرفت های تکنولوژیک کارایی سربازان و وظیفه را به نحو چشمگیری کاهش داده است. به همین دلیل است که امروزه اکثر کشورهای دنیا به سمت ارتش حرفه ای رفته اند.

فرار مغزها:

سربازی یکی از اصلی ترین عوامل فرار مغزها می باشد. برای بسیاری از جوانانی که کشور را ترک می کنند فرار از سربازی یکی از مؤلفه های اصلی است و به خصوص آن که هر روز بر شمار کشورهایی که سربازی را حذف می کنند افزوده می شود و لذا در آن کشورها نیز نیازی به سربازی رفتن ندارند. کدام نخبه علمی حاضر است در ایران بماند در حالی که باید دو سال از بهترین سال های عمرش را به بیهودگی بگذرانند؟!

هزینه بر بودن سربازی اجباری:

اگر یک بررسی دقیق و علمی و از منظر اقتصاد صورت پذیرد این نتیجه آشکار می گردد که سربازی در مجموع به ضرر دولت تمام می شود. چون جوانی که تصور کند از او بیگاری می کشند با عشق و علاقه فعالیت نمی کند و این مساله باعث کاهش جدی بهره وری می شود. چند کارمند دارای بهره وری از خیل سربازانی که بی انگیزه هستند مفیدتر و اقتصادی ترند. اما به نظر می رسد که سردمداران نظام که بر روی منابع مالی سرشار کشور نشسته اند، این سرمایه را تنها برای پیش برد مقاصد خود صرف می کنند.

عدم تربیت مناسب جوانان نسبت به تعهد کاری:

متأسفانه سربازی به محلی برای تربیت افراد بی علاقه و بی انگیزه تبدیل شده است. معمولاً کارمندانی که سربازی نرفته اند از انگیزه کاری بالاتر برخوردار بوده و راه های فرار از زیر کار را کمتر می دانند و کمتر استفاده می کنند. جوانان در سربازی به خوبی راه های فرار از زیر کار را یاد می گیرند.

تشدید اختلاف بین اغنیا و بی بضاعت ها:

نکته‌ای که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اینکه بیشترین ضرر و زیان را در سربازی خانواده‌های کم بضاعت و فقیر می‌بینند. اغنیا و پولداران با پول و پارتی سربازی را برای نور چشمی هایشان به هتل تبدیل می‌کنند که البته در این صورت هم ما شاهد هدر رفتن سرمایه‌های ملی مان هستیم؛ اما فقرا که جوانشان سرمایه کاریشان محسوب می‌شود و بایستی از پتانسیل جوانی فرزندان‌شان استفاده کنند دو سال از این نعمت خداداد محروم می‌شوند و این نیز نکته ایست که دیده شدن آن در حکومت اسلامی مایه شرم است. اتفاقا عدالت حکم می‌کند که فرزندان خانواده‌های فقیر و متوسط که عمدتاً کمک خرج خانواده هستند، از خدمت سربازی معاف شوند و در عوض فرزندان خانواده‌های پولدار که عدم حضور فرزند به معیشت خانواده لطمه‌ای وارد نمی‌سازد، به سربازی اعزام شوند. به گفته شهید مدرس کاری که بر خلاف طبیعت مردم به آن‌ها تحمیل کردیم نتیجه آن بهتر از این نمی‌شود.

در تعریف سرباز وظیفه ابهام وجود دارد:

تصور عمومی از سرباز وظیفه، جوانی است که با رشادت و شهامت درس نظام و نظامی‌گری می‌آموزد تا بتواند در زمان‌های ضروری از کیان این مرز و بوم دفاع نماید؛ زیرا کشور ما برای حفظ امنیت و ناموس و آب و خاک خود به نیروهای نظامی مقتدر و توانا نیاز دارد. اما آیا وضعیت فعلی سربازی این گونه است؟ استفاده غیر نظامی از سربازان وظیفه با این تصور عمومی سازگار نیست. متأسفانه تصور از سرباز این است که از او به هر نحو می‌توان بهره جست. واگذاری امور دوشان سرباز و امور غیر نظامی به آن‌ها بزرگترین ضربه را به هدف و اهمیت سربازی وارد کرده است.

مخالفت اعتقادی و وجدانی با خدمت اجباری سربازی:

یکی از مواردی که به مواد حقوق بشر افزوده شده است و در برخی از کشورهای جهان به رسمیت شمرده شده، حق مخالفت اعتقادی و وجدانی با خدمت اجباری سربازی است. بر این اساس خدمت وظیفه اجباری یکی از موارد نقض حقوق انسان‌ها از سوی دولت‌ها دانسته می‌شود. اگر دولت نیاز به خدمت شهروندان دارد، شایسته نیست آن را به اجبار بگیرد بلکه باید بهای آن را بپردازد. با توجه به اهمیت موضوع حقوق بشر و نیز امواج جهانی شدن این مساله یکی از چالش‌های جدی در سال‌های آتی است که بهتر است از اکنون برای آن چاره‌ای اندیشیده شود.

آگاهی جوانان از وضعیت سربازی در سایر نقاط جهان:

افزایش سالانه تعداد کشورهای که سربازی را حذف می کنند و آگاهی فزاینده جوانان از این کشورها به واسطه اینترنت و مسافرت می تواند به موج اعتراض گسترده ای تبدیل شود که بهتر است از هم اکنون به فکر چاره باشیم. کافی است نگاهی به کشورهای همسایه ایران بیندازیم. در افغانستان، پاکستان، عراق، عربستان، بحرین، قطر، امارات و عمان سربازی اجباری حذف گردیده است. تعامل جوانان ایرانی با همسایگان این سوال را در ذهن جوانان و به ویژه مرزنشینان ایجاد کرده است که فرق آنان با جوانان این کشورها چیست؟ بدیهی است که یکی از چالش های آینده نظام در امور جوانان همین امر خواهد بود که بهتر است از هم اکنون برای آن راهکاری اندیشیده شود.

"با سربازی چه می توان کرد؟"

امروز در اکثر کشورهای دنیا سربازی اجباری لغو شده است. آنچه از سربازی در بسیاری از کشورها باقی مانده دوره‌ی آموزش نظامی و دوره‌ی احتیاط برای احضار در شرایط جنگی است. در اکثر کشورهایی نیز که سربازی اجباری دارند دوره‌ی سربازی کاهش یافته و خدمت نیز به فعالیت‌های مدنی بسط داده شده است. برخی از کشورها حتی در شرایط جنگ نیز دوره‌ی سربازی اجباری ندارند و نیروی دفاعی را از میان داوطلبان استخدام می کنند. علت این امر هم حرفه‌ای شدن سربازی و تخصصی شدن امور دفاعی است. دفاع از یک کشور یا قدرت نظامی کشورها در دنیای امروز دیگر صرفاً با تعداد نیروهای زمینی و دریایی و هوایی آن قابل سنجش نیست.

سربازی اجباری پدیده‌ای است متعلق به دوره‌ی آغاز شکل‌گیری دولت -ملت‌های جدید. در این دوره، دولت‌ها نیاز داشتند ارتش ملی خود را از نقطه‌ی صفر شکل دهند اما از لحاظ مالی و اداری و آموزشی قدرت تشکیل ارتشی کاملاً حرفه‌ای که قادر باشد همه‌ی مأموریت‌های محوله را در زمان جنگ و صلح به انجام برساند نداشتند. همچنین ارتش‌ها آن‌چنان مکانیزه نشده بودند که نیروی انسانی تنها بخشی از کار را بر عهده بگیرد. همه‌ی امور باید توسط نیروی انسانی (بیشتر غیر متخصص و غیر حرفه‌ای) انجام می شد. به عنوان مثال، بیل مکانیکی و لودری وجود نداشت و نیروی کار باید سنگر می ساخت و جاده درست می کرد تا نیروها در امان بمانند یا تحرک داشته باشند. بخش حرفه‌ای ارتش در صد بسیار اندکی از نیروی انسانی آن را تشکیل می داد. امروز این شرایط تغییر یافته است. امروز پس از حدود یک قرن که از شکل‌گیری ارتش مدرن در بسیاری از کشورها می گذرد سربازی اجباری کارکرد خود را هم از بُعد نظامی و هم از بُعد اجتماعی و سیاسی از دست داده است. ارتش‌ها، حتی در دنیای در حال توسعه، مکانیزه شده‌اند و پیاده‌نظام و نیروی بدنی نقشی تعیین کننده در بازدارندگی و تهاجم بازی نمی کند. اکثر دولت‌ها به ویژه آن‌ها که درآمد نفتی یا رشد اقتصادی بالایی دارند می توانند به خوبی از پس هزینه‌های یک ارتش حرفه‌ای بر آیند.

غیر از بعد نظامی، سربازگیری در دولت-ملت‌های جدید، بُعدی اجتماعی و سیاسی نیز داشت. در دو سال (کمتر یا بیشتر) این جوانان در معرض تبلیغات سیاسی و منش و روشی که حاکمان می خواستند -آن‌ها هم با اعمال زور و دستور از بالا- قرار می گرفتند. در این دو سال، جوانان در نظامی که بیشتر مبتنی بر تنبیه بود می آموختند که زندگی اجتماعی در قالب دولت-ملت (عمدتاً اقتدارگرا)، یعنی اطاعت از مافوق و تن در دادن به قوانینی که اعمال یا عدم اعمال یا فرار از آن‌ها در دست کسانی است که زور را در اختیار دارند. امروز جوانان کمتر زیر بار این گونه تبلیغات می روند.

از سوی دیگر استراتژی نظامی جمهوری اسلامی در سال‌های پس از جنگ ایران و عراق، چهار بعد داشته است:

۱) حضور در مناطق بحرانی و بی‌ثبات منطقه (لبنان، نوار غزه، افغانستان، یمن، سوریه و عراق) جهت ایجاد دردسر برای قدرت‌های بزرگ و ایجاد حاشیه‌ی امن در داخل،

۲) تقویت توان موشکی و ایجاد تهدید در فاصله‌های چند هزار کیلومتری کشور برای بازدارندگی و نیز تهدید،

۳) پیگیری جدی برنامه‌ی اتمی که حداقل ظرفیت ساخت بمب اتمی را در کشور ایجاد می‌کند،

۴) تقویت و تحکیم قدرت حزب پادگانی در داخل برای حفاظت از رژیم.

سربازان اجباری و پیاده‌نظامی متشکل از جوانان عادی غیر خودی هیچ جایی در این استراتژی ندارد. سپاه پاسداران حتی برای اعزام نیرو به سوریه از میان جوانان افغانی نیرو جذب می‌کند و زمینه‌ی اجتماعی استخدام نیرو از میان ایرانیان را نمی‌بیند چه برسد به اعزام سرباز ایرانی به این کشور.

بدین جهت سربازی نه به کار دولت و حکومت می‌آید و نه به کار جامعه و هر دو طرف به دنبال فرار از مسئله هستند. در سمت مردم چون امکانی برای قانع ساختن حاکمان با روش‌های دمکراتیک وجود ندارد خانواده‌های قدرتمند و ثروتمند با اتکا به روابط و ثروت خود و بخشی از خانواده‌های بدون دسترسی به قدرت و ثروت با پذیرش فرار جوانان خود از سربازی با این معضل مواجه شده‌اند.

خانواده‌هایی که می‌توانند حتی قبل از رسیدن جوانان پسر خود به سن خدمت آن‌ها را برای تحصیل به خارج می‌فرستند تا در داخل مشمول نشوند. بخشی از خانواده‌های غیر متصل به قدرت و کم درآمد نیز در شرایط استیصال جوانان خود را به سربازی می‌فرستند. دولت نیز در این شرایط به دنبال استفاده‌ی ابزاری از این موضوع برای تامین کسری بودجه است. اما راه حل‌های فوق معضل سربازی اجباری را که عمر مفیدش در دنیا به اتمام رسیده حل نمی‌کند. چاره‌ی کار در حرفه‌ای و داوطلبانه شدن خدمت نظامی و آموزش نظامی همگانی برای شرایط جنگی در کشورهایی با سیستم‌های دفاعی ضعیف تر است.

ضرورتی حیاتی:

ایران بعد از کشور چین با داشتن ۱۵ کشور هم‌مرز (زمینی و دریایی) دارای بیشترین تعداد همسایه در بین کشورهای دنیا است. در یکی از استراتژیک‌ترین و خبر سازترین مناطق دنیا واقع شده و از آخرین جنگی که درگیر آن شده سه دهه هم نگذشته است. این‌ها خود از دلایلی است که می‌تواند داشتن نیروهای مسلح و همیشه آماده را برای دفاع از کیان و مرزهای چنین کشوری کاملاً توجیه کند. موضوعی که باعث شده ایران در میان معدود کشورهایی قرار بگیرد که در آن‌ها دوره سربازی اجباری است و فراتر از آن در بین ۷ کشوری قرار بگیرد که طول این دوره در آن‌ها بیشتر از یک سال است. اما از منظر قانون‌گذاران و مجریان شکل فعلی دوره خدمت وظیفه عمومی، تنها یکی از کارکردهای سربازی یعنی کارکرد دفاعی و

امنیتی است. آن ها برای این دوره سه کارکرد دیگر یعنی سیاسی، آموزشی و تربیتی را برمی شمارند که وقتی صحبت از آسیب شناسی دوره سربازی می شود دو مقوله آموزشی و تربیتی بیشتر اهمیت پیدا می کنند.

بازی برد-برد را چگونه تعریف می کنند؟

در نشست آسیب شناسی دوره سربازی که به همت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی برگزار و نتایج آن نیز منتشر شد یکی از دلایل بی انگیزگی جوانان و عدم اقبال به سربازی را تعریف نکردن دستاوردها و منافع آن ها از سربازی در برابر منافع طرف مقابل یعنی نظام معرفی شده است. اینکه بخش قابل توجهی از نیازهای امنیتی و دفاعی کشور با حضور سربازان وظیفه تامین می شود اما در برابر آن و پس از پایان دوره سربازی جوانان احساس ارزش افزوده در زندگی و یا شخصیت خود ندارند. این گزارش اشاره می کند در دوران پیش از انقلاب که بخش اعظمی از مشمولان سربازی بی سواد بودند و امکان سوادآموزی در این دوره وجود داشت؛ انگیزه ها بالای پوشیدن رخت سبز نظامی بیشتر بوده است. این موضوع وقتی مقایسه می شود با زمانه ای که بسیاری از مشمولان سربازی تحصیلات کارشناسی و یا کارشناسی ارشد دارند موضوع انگیزه و اشتیاق برای اعزام شدن را بیشتر در مرکز توجه می نشاند. به عبارتی یکی از خروجی های آسیب شناسی دوره سربازی این موضوع تاکید دارد که سهم جوانان از منافع این دوره تعریف نشده و یا بسیار ناچیز است. یعنی در قبال محرومیت از دو سال از دوره جوانی، نداشتن درآمد متناسب با توانایی و تحصیلات، دوری از خانواده و مهم تر، از دست دادن برخی از موقعیت شغلی و دوری از بازار کار؛ آنچه عایدشان می شود بسیار ناچیز است.

"ضرورت های تغییر الگوی نظام وظیفه"

ایجاد و حفظ امنیت در یک کشور مطمئناً یکی از ابتدایی ترین و مهمترین نیازهای آن ملت برای ادامه زندگی است. این احساس امنیت حاصل تلاش شبانه روزی تمام اعضای نیروهای مسلح است. اما متأسفانه امروزه در کشور ما مشکلات بسیار زیادی در این زمینه وجود دارد که عدم توجه به آنان می تواند هزینه های اقتصادی و اجتماعی بسیار سنگین تری را در پی داشته باشد.

دنای امروز با دنیای قرون گذشته تفاوت های اساسی دارد و کشورهایی که عاجز از این درک هستند، محکوم به توقف در گذشته و حتی بازگشت به عقب خواهند بود. امروزه با گسترش جهانی شدن دیگر برای تسخیر و استعمار نیازی به لشکر کشی نیست بلکه استعمار و جنگ از راه های اقتصادی، فرهنگی و علمی و... با روش های نوین بر مبنای تکنولوژی

صورت می گیرد. دفاع از کشور در مقابل این هجمه ها بسیار سخت تر از جنگ های مر سوم قدیمی است و مهمترین عامل برای موفقیت در این دفاع نیروی انسانی کار کشته و استفاده از تکنولوژی روز است.

الگوی کنونی نظام وظیفه براساس سیستم زمان رضا پهلوی بنا شده که با نیاز های امروز کشور متناسب نیست. در هیچ یک از کشور های پیشرفته از یک چنین سیستمی برای تامین سرباز استفاده نمی شود. برای مثال هیچ کشوری هزاران دلار برای تحصیل و اخذ درجه کارشناسی یک فرد هزینه نمی کند تا پس از اتمام تحصیلات بلافاصله وی را دو سال به عنوان مثال در پلیس راهنمایی و رانندگی به کار گیرد. چرا که اولاً پلیس راهنمایی و رانندگی نیاز به تخصص و آموزش های مخصوص به خود دارد و ثانیاً کار تخصصی یک فرد در رشته خود بسیار کارا تر است. طبق آمار اعلامی خروج هر فرد تحصیل کرده فوق لیسانس از کشور معادل حداقل یک میلیون دلار ضرر برای کشور است که بطور کلی این رقم برای کشور ما که با پدیده فرار مغزها رو به روست سالانه به چند صد میلیون دلار می رسد.

مشکل از اینجا نشأت می گیرد که در سیستم کنونی نظام وظیفه جایگاهی متناسب با تخصص هر فرد وجود ندارد و ذاتاً این امرشدنی نیست؛ چرا که در الگوی کنونی نیروی انسانی دارای کمترین ارزش می باشد و با توجه به کاهش تعداد سربازان، تمامی افراد با هر مدرک تحصیلی کارهای یکسان و بدون نیاز به تخصص انجام می دهند که جهت سهولت این امر، نیروهای مسلح در تمامی ارگان ها اقدام به تنزل درجه های نظامی کرده است. افراد متخصص بسیار زیادی در پادگان ها وجود دارند که می توانند در جامعه خدمات بسیار بیشتر و موثری را به کشور و ملت ارائه دهند. به هدر دادن این سرمایه های انسانی قطعاً هزینه های بسیار بیشتری را برای ما خواهد داشت. به همین دلیل در کشورهایی که سربازی اجباری وجود دارد با افزایش سن و سطح تحصیلات مدت خدمت اجباری نیز به شدت کم می شود. به دلیل هزینه های ظاهری کمترین نوع سربازگیری، برخی مسئولین نیز سعی می کنند تا با افزایش خدمت سربازی استفاده بیشتری از این سربازان تحصیل کرده داشته باشد و ترجیح می دهند تا راننده سرویس شان دارای مدرک فوق لیسانس و یا دکترا باشد! اما این ترجیح به ظاهر کم هزینه آنان ضربه های بسیار سنگینی را به اقتصاد کلان و سایر بخش ها و افراد کشور وارد می کند که در نهایت همه ما متضرر خواهیم شد.

نیروهای متخصص که پس از سال ها تلاش و صرف هزینه بسیار به مرحله باروری رسیده اند، در پست های بی ارتباط با رشته تحصیلی و تخصص خود استفاده می شوند، تا دو سال وقفه بین بازار کار و تحصیل ایجاد شود. جذب نخبگان و نیروهای تحصیل کرده خارج از کشور نیز با سیستم کنونی امکان پذیر نیست چرا که اکثراً فاقد پایان خدمت هستند و بجز سفر سه ماه در سال اقامت آن ها در وطنشان ممکن نیست.

با توجه به عدم آموزش کامل و مفید سربازان، کارایی کل سیستم بسیار پایین است. متأسفانه تمامی قوانین اعلامی نیز یا به ضرر سربازان وظیفه است و یا در صورتی که در آنها منفعتی برای سرباز در نظر گرفته شده باشد، به کلی اجرا نمی شوند؛ مانند افزایش حقوق سربازان وظیفه که با گذشت سال ها از تصویب، اجرا نمی شود.

خدمت سربازی برای دفاع در مقابل تجاوز بیگانگان و حفظ کشور واقعاً خدمت مفیدی است که وظیفه همه ما با هر سن و سواد تحصیلی و ثروتی است؛ اما در شرایط صلح و وضع کنونی کشور، سیستم موجود منجر به مشکلات بسیار زیادی می شود. دید صرف نظامی به مسئله باعث فراموش شدن جنبه های اقتصادی و اجتماعی شده است که برای جامعه، گران تمام می شود. توجیه نظامی وار این نوع خدمت سربازی نیز قادر به اقناع جامعه نیست. البته خدمت سربازی متفاوت فرزندان برخی مسئولین نیز مانع درک مشکلات موجود توسط تصمیم گیران امر می شود.

"راه کارها"

با توجه به مطالب عنوان شده، این ضرورت بدیهی می باشد که سربازی اجباری آن هم به شیوه اجرائی کنونی باید با شیوه دیگری جایگزین گردد تا بجای سوء استفاده از جوانان در جهت اهداف نظام، از پتانسیل آنها در راستای پیشرفت کشور و رسیدن به جایگاه واقعی کشور در صحنه بین المللی بهره برد. در یک نگاه کلی می توان منتقدان خدمت سربازی را به دو دسته تقسیم نمود. گروه اول شامل افرادی هستند که معتقدند باید خدمت سربازی اجباری حذف گردد و حکومت از سربازان اختیاری و یا استخدام افراد برای انجام وظایف سربازان کنونی استفاده کند. گروه دوم افرادی هستند که معتقد به اصلاح شیوه کنونی سربازی هستند و حذف سربازی اجباری برایشان در اولویت نیست.

به نظر می رسد با توجه به ساختار اداری و حکومتی کشور، حذف یکباره خدمت سربازی اجباری چندان به مصلحت و حتی ممکن نباشد، زیرا به دلایلی نبودن زیرساخت ها به صورت ناگهانی موجب تغییر و تحولات در تعداد بیکاران، تعداد نیروهای انتظامی و امنیتی و ... ایجاد می کند. از سوی دیگر، بی توجهی کامل به مسئله خدمت نظام وظیفه نیز مطلوب نیست، چراکه با یک نگاه سطحی و کلی می توان اشکالات فراوانی را در ساختار فعلی سربازی مشاهده نمود.

گفته می شود که بهترین راه برای حل یک ماجرا آن است که از نقاط مشترک میان شاکی و متهم، یا میان منتقد و انتقاد شونده بهره گرفته شود.

طبیعتاً وقتی به سربازان آموزش های مفید داده شود و آن ها را متناسب با تحصیلات و قابلیت هایشان به کار بگمارند و برای تربیت بدنی و اخلاقی شان برنامه ریزی مناسبی وجود داشته باشد، کمتر جوانی طی دوران خدمت وظیفه عمومی احساس تضییع وقت خواهد نمود. این دقیقاً همان نقطه مشترک فکری میان مدافعان و منتقدان خدمت سربازی است، چراکه اگر حقیقتاً

خدمت وظیفه عمومی متناسب با مطالبات هر دو طرف اجرا شود، هیچ منتقد منصفی برای آن باقی نخواهد ماند و همین منتقدان کنونی نیز به صف مدافعان سربازی می‌پیوندند. اما مشکل اینجاست که آنچه امروزه در پادگان‌ها می‌گذرد، بسیار با آن حالت آرمانی فاصله دارد. لذا ضرورت دارد که جمیع مدافعان و منتقدان خدمت سربازی دست به دست هم داده و برای اجرایی شدن این مطالبات، تلاش نمایند.

از منظر کارشناسان نظامی حذف سربازی اجباری نیازمند هزینه‌های بسیار زیادی برای جایگزین کردن این نیروها با سربازان حرفه‌ای است که به گفته آن‌ها چنین هزینه‌ای از توان دولت خارج است. در حال حاضر سالانه حدود ۴۰۰ هزار پسر مشمول به خدمت وظیفه عمومی اعزام می‌شوند که حدود ۹۰۰ میلیارد تومان هزینه یک سال آن‌هاست. با این حال این هزینه‌ها گویا در برابر هزینه سربازی حرفه‌ای مقرون به صرفه‌تر است. اما در کنار مدل سربازی حرفه‌ای در گزارش نشست تخصصی آسیب‌شناسی دوره سربازی که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شده راه‌حل‌های دیگری هم برای بررسی و انجام کار کارشناسی پیشنهاد شده است. از سربازی اختیاری گرفته تا مدل داوطلبی (بر پایه الگوی موفق بسیج در زمان جنگ) و خدمت اجباری یک‌ساله در زمان صلح و در نهایت سربازی مهارت‌محور یا علمی-تخصصی. مدلی که در آن تلاش می‌شود برخلاف مدل فعلی از توانایی‌ها و دانش سربازان به گونه‌ای استفاده شود که انگیزه برای گذراندن دوره سربازی حداکثر شود. البته همه این مدل‌ها در حال حاضر در دست بررسی مطالعاتی و کارشناسی است و به نظر می‌رسد راه درازی برای اصلاح و یا بهبود وضعیت خدمت وظیفه عمومی در پیش است. در این میان یکی از نکاتی که می‌توان با قاطعیت گفت از سوی همه طرف‌های درگیر در بحث سربازی درمورد آن توافق وجود دارد این است که باید منافع مشترک حاکمیت و جوانان را تعریف و قابل حصول کرد. موضعی که هم می‌تواند به بازار کار و کارآفرینی کشور رونق دهد و هم اینکه از پدیده‌های غیرقابل جبرانی چون مهاجرت نخبگان و از دست رفتن سرمایه‌های انسانی کشور جلوگیری کند.

حال می‌توان دو حالت کلی متصور بود:

۱. ادامه روند سربازی با شرایط کنونی

۲. حذف سربازی اجباری به شیوه کنونی و جایگزینی آن با روش‌های کارآمدتر و به روزتر،

از آنچه گفته شد به روشنی بر می‌آید که حالت دو همان حالت مطلوب می‌باشد که آحاد جامعه (حتی جامعه بین الملل) با آن موافق هستند. لذا در این راستا روش‌های زیر به عنوان راه‌حل‌های برون رفت مد نظر هستند:

۱. اصلاح شیوه فعلی سربازی و حذف مضرات آن به گونه‌ای که مورد قبول هر دو طرف (ملت و دولت) قرار بگیرد،

۲. حذف یکباره سربازی اجباری و جایگزینی آن با سربازی حرفه‌ای

۳. حذف سربازی اجباری به صورت تدریجی و جایگزینی آن با سربازی حرفه‌ای

حال پیرامون موارد فوق اگر به صورت دقیق و تخصصی مطالعه ای صورت بگیرد، نظر غالب صاحب نظران و متخصصان امر با در نظر گرفتن شرایط فعلی کشور و همچنین در اولویت قراردادن حق مردم که همواره پایمال گشته، راه حل سوم راه حل منطقی تری به نظر می رسد.

در سال های گذشته بارها حکومت در تلاش برای اصلاح شیوه فعلی سربازی اجباری بوده است و قوانین و لوایح متعددی نیز تعیین شده ؛ اما متأسفانه یا به طور ناقص عملی شده، یا تنها برای مدت کوتاهی عملی شده اند و مسئله را به صورت دائمی حل نکرده اند و یا مانند بسیاری از قوانین کشور اصلاً اجرا نشده و یا بصورت مقطعی و تنها برای برآورده شدن منافع نظام بوده اند. در زیر به یکی از قوانین مذکور که قانون فروش سربازی اجباری می باشد می پردازیم تا دیدی کلی نسبت به عملکرد نظام در مورد اصلاح قانون سربازی پیدا کنیم و دلیل رد کردن راه حل اول را نیز به روشنی در یابیم:

" نقدی بر قانون فروش سربازی به غایبان "

در سنوات گذشته مسئولین مربوطه به دفعات متعدد در جهت تغییر یا بهبود خدمت اجباری سربازی، دست به ارائه راه کارهایی زدند که همانند راه کارهای سایر همکاران آن ها در سایر بخش ها و پست های حکومتی، راه حلی کوتاه مدت، بدون تحقیق و کارشناسی شده، بی فایده و تنها به نفع حکومت بوده است. لذا در ادامه به بررسی یکی از این راه ها که بسیار هم جنجال برانگیز شد خواهیم پرداخت.

خرید خدمت برای سرباز فراری ها باز شد، ولی کسانی که تخلفی نکرده و قانونی را زیر پای نگذاشته اند و به هر دلیل نمی خواهند به خدمت سربازی بروند، هنوز راهی پیش روی خود نمی بینند و سربازی برای ایشان «اجباری» است؛ این تنها یکی از اشکالات مصوبه مجلسیان است که برای تبدیل شدن به قانون به تایید شورای نگهبان رسید و در این میان، نه اظهارهای مربوط به اصل سوم قانون اساسی در مورد اعمال تبعیض ناروا اثرگذار شد و نه پیشنهاد حذف این بند!! حتی پیشنهاد اصلاحی برخی نمایندگان نیز مورد تایید سایرین قرار نگرفت.

به فاصله چندین سال از برچیده شدن طرح فروش خدمت سربازی و در حالی که در سال های اخیر، طول مدت این خدمت افزایش یافته و به دو سال رسیده است و در حالی که کمتر کسی تصور می کرد تغییرات جدیدی پیرامون خدمت سربازی شاهد باشیم، بناگاه لایحه بودجه سال ۹۴ سرآغاز مباحثی در این باره شد که هم عجیب بود، هم با رویکردی عجیب در مجلس بررسی و سرانجام به مصوبه ای در قوه مقننه ختم شد که در کمال ناباوری می بینیم با چند قانون و اصل کلی، به شدت در تناقض و تعارض است!

بر اساس این مصوبه مجلس شورای اسلامی، در بند «ط» تبصره ۱۶ ماده واحده، به دولت اجازه داده شد تا همه مشمولان، خدمت وظیفه عمومی را که بیش از هشت سال غیبت دارند با پرداخت جریمه مدت زمان غیبت، معاف کرده و تمام درآمدهای حاصل از اعطای این معافیت ها را به حساب درآمد عمومی کشور موضوع ردیف ۱۵۰۱۲۸ نزد خزانه داری کل کشور واریز کند.

این مصوبه نشان می داد که بالاخره پس از سال ها بی توجهی به جمعیت چند میلیونی کسانی که از سربازی رویگردانده و متخلف به شمار می آیند، مسئولان تصمیم گرفته اند مشکلات متعدد این افراد را از بابت نداشتن کارت پایان خدمت مورد توجه قرار داده و در عین حال، هم بازار جعل و فروش این کارت ها را تعطیل کرده و هم به کسب درآمد از این مسیر و تأمین

هزینه‌های دیگر ردیف‌های بودجه کمک کنند؛ تا اینجای کار جا دارد از بابت توجه به این مشکلات مغفول مانده به ایشان خسته نباشید گفت.

از این نکته مثبت که بگذریم، خواهیم دید که مصوبه مجلس به اشکالات متعددی مبتلاست؛ نخستین اشکال اینکه می‌بینیم چه دولتمردان، چه قانون‌گذاران و چه متولیان نظام وظیفه، هیچ یک به این مهم دقیق نشده‌اند که چرا برای متخلفان (کسانی که طبق قوانین موجود در موعد مقرر به خدمت سربازی نرفته و فراری هستند) راهکار فروش خدمت در نظر گرفته شده، ولی هیچ طرحی برای فروش سربازی کسانی که تخلف نکرده‌اند، ولی ترجیح می‌دهند به سربازی نروند، وجود ندارد. آیا امتیاز دادن به متخلفان و نادیده گرفتن غیر متخلفان، عادلانه و منصفانه است؟

پر واضح است که پاسخ این پرسش منفی است؛ اما چرا به این نکته مهم در تصویب قانون اخیر در مجلس دقت نشده، سؤالی است که باید نمایندگان مجلس به آن پاسخ بگویند، ولی این تنها یک اشکال مصوبه اخیر است؛ اشکالی اساسی که به خودی خود برای دلسرد کردن بسیاری، از تصمیم نمایندگان مجلس درباره فروش سربازی کافی به نظر می‌رسد.

ایراد بعدی این مصوبه، هنگامی آشکار می‌شود که به نکته‌ای مهم درباره خدمت سربازی دقیق می‌شویم که با کمال تعجب، شاهدیم به دید طراحان مصوبه مجلس و اعضای قوه مقننه نرسیده است:

ماده چهار قانون خدمت وظیفه عمومی :

بر اساس این ماده، آنچه در نزد عموم مردم به عنوان خدمت سربازی مطرح است و معادل ۲۴ ماه سربازی است، در حقیقت «دوره ضرورت» خدمت وظیفه عمومی به شمار می‌آید، نه تمام دوره این خدمت. به این صورت که افراد موظفند ۲۴ ماه دوره ضرورت را گذرانده و بعد از آن، هشت سال در دوره احتیاط، ده سال در دوره ذخیره اول و ده سال دیگر در دوره ضرورت دوم سپری کنند تا به کل از انجام این خدمت معاف شوند.

بنابراین در صورتی که جنگی در گیرد، ابتدا از سربازانی که در حال گذراندن دوره ضرورت هستند (همان ۲۴ ماه) بهره گرفته خواهد شد و بعد در صورت نیاز، سربازانی که کمتر از هشت سال از دریافت کارت پایان خدمت ضرورتشان گذشته و در دوره احتیاط هستند، فراخوانده خواهند شد و به همین ترتیب، در صورت ضرورت، نیروهای ذخیره اول و دوم به پادگان‌ها فراخوانده می‌شوند.

این قانون یک نکته مهم دیگر هم دارد که از این قرار است: «در هر حال تاریخ خاتمه آن [تاریخ خاتمه خدمت وظیفه عمومی] از ۵۰ سالگی تجاوز نخواهد کرد». البته به این بخش یک استثنا هم افزوده شده که می‌گوید، در صورت ضرورت و بسیج همگانی، این سن تا شصت سال قابل افزایش است.

بر این اساس می‌توان دریافت که قانون‌گذار تلویحا این امتیاز را برای کسانی که تحصیلات بالاتری دارند، در نظر گرفته که این مدت از دوران مشمولیت آن‌ها، یعنی ۵۰ سال کاسته شود. حال بیایید با توجه به بازخوانی این موارد قانونی، بار دیگر مصوبه مجلس را مرور کنیم و موارد تناقض آن با این قانون کلی را مورد دقت قرار دهیم.

کافی است به مبالغ جریمه‌ای که مجلسیان برای فروش خدمت به سرباز فراری‌ها در نظر گرفته‌اند، دقیق شویم تا دریابیم بر اساس آن، اگر مشمول غائب دارای تحصیلات بالاتری باشد، مجبور است مبلغ بیشتری برای جریمهپردازد. این موضوع زمانی عجیب‌تر می‌شود که می‌بینیم بر اساس مصوبه اخیر، جریمه در نظر گرفته شده با افزایش سال‌های غیبت، روند صعودی می‌یابد؛ یعنی مشمولی که هشت سال غیبت کرده، باید مبلغ به مراتب کمتری به نسبت مشمولی که سالیان بیشتری غائب بوده پردازد.

نکته عجیب این ماجرا آنجاست که سن مشمولیت در آن رعایت نشده و جریمه مشمولان غائب، به مانند جریمه بانکی در نظر گرفته شده است؛ در حالی که باید معکوس باشد. به عنوان مثال، اگر فرد مشمولی هشت سال غیبت کرده باشد، بر اساس قانون خدمت وظیفه عمومی، ۲۲ سال از خدمتش مانده، ولی جریمه کمتری برایش در نظر گرفته‌اند و در نقطه مقابل، اگر فرد مشمولی ۲۴ سال غیبت کرده باشد، با جریمه بسیار سنگین‌تری مواجه شده، در حالی که بر اساس قانون خدمت وظیفه عمومی، چند سال بیشتر از سن مشمولیتش نمانده است.

این اشکال هنگامی پررنگ‌تر می‌شود که می‌بینیم بدیهیاتی مانند اضافه خدمت هم نتوانسته توجه نمایندگان را جلب کند تا مکانیزم جریمه را بر اساس آن استوار کرده و بگویند: همان گونه که مشمولان خدمت وظیفه، در صورت عدم مراجعه بموقع برای انجام این خدمت، مشمول جریمه افزایش طول خدمت می‌شوند، مشمولانی که سال‌های بیشتری از غیبتشان گذشته، باید جریمه بیشتری پردازند تا معاف شوند!

جالب اینجاست که اگر برای تعیین تکلیف این موضوع به سراغ کتاب قانون خدمت وظیفه عمومی برویم، درخواهیم یافت در فصل هفتم آن، ذیل ماده ۵۸ که به غیبت‌ها و مجازات‌ها پرداخته، قانون‌گذار جریمه را به چند دسته تقسیم کرده است :

۱. مشمولانی که طول غیبتشان تا سه ماه باشد (در دوران صلح)، سه ماه اضافه خدمت جریمه می‌شوند،

۲. بیش از سه ماه، شش ماه اضافه می‌خورند

۳. و از یک سال بیشتر، علاوه بر آن جریمه‌ها، فراری محسوب شده و به مراکز قضایی معرفی خواهند شد.

بنابراین، جا دارد به مصوبه مذکور خرده بگیریم که چگونه جریمه افرادی که غیبتشان هشت سال و بیش از هشت سال است، در جریمه متفاوت در نظر گرفته شده‌اند؟ آیا قانون فوق این موضوع را تأیید می‌کند یا مصوبه مورد نظر، بدون اشاره به این ماده صریح قانونی، آن را ابطال کرده است؟

از اشکالاتی از این دست که بگذریم، با نیم نگاهی به مصوبه، کافی است تا دریابیم طرح فروش خدمت به مشمولان غائب، به نوعی تنظیم شده که مشمولان جوان‌تر (آنهایی که تازه به سن مشمولیت رسیده و از خدمت سربازی فرار کرده‌اند) را ترغیب می‌کند که طول غیبتشان را به هشت سال رسانده و از موهبت خرید خدمت بهره‌مند شوند و در مقابل، مشمولان میانسال (آنهایی که سالیان سال است سرباز فراری به شمار می‌آیند، از محرومیت‌های همراه با این قانون گریزی بیشتر بهره‌مند شده و آسیب دیده‌اند و سن و سالشان زیاد شده و به گفته مسئولان نظام وظیفه، چندان به درد سربازی نمی‌خورند) را به این باور می‌رسانند که بهتر است چند سال دیگر تحمل کرده و با عبور از ۵۰ سالگی، از مشمولیت درآمده و معاف شوند تا مبلغ هنگفتی صرف خرید خدمت سربازی کنند.

اینجاست که درخواستیم یافت مصوبه مجلس، به رغم داشتن تنها امتیاز توجه به سربازان غائب، با چنان اشکالاتی مواجه است که می‌تواند آن را به عنوان نمونه‌ای عجیب در تاریخ قانون‌گذاری در کشورمان در حافله‌ها ثبت کند؛ قانونی که تنها زمانی نفعش به شما می‌رسد که نخست، متخلف باشید و دوم، طول دوران باقی مانده خدمتتان بیشتر از سایرین باشد، زیرا غیر از این، مجبور خواهید شد به ازای هر سال کمتر شدن از سن مشمولیتان، ۱۰ درصد بیشتر جریمه پردازید!

همانطور که مشاهده شد از این دست قوانین که تنها برای پر کردن صندوق خالی دولت از جیب مردم وضع شده‌اند و با تمامی اصول و قوانین عدالت محور در تضاد هستند و نیز کارایی چندانی ندارند، بسیار می‌توان یافت؛ لذا به روشنی بر می‌آید که هدف نظام اصلاح شیوه کنونی نبوده و شعارهایی که داده می‌شود جهت گمراه کردن افکار عمومی هستند.

حال در مورد گزینه دوم و حذف یکباره سربازی به این نکته توجه می‌گردد که اساساً این امکان برای کشور ایران که از لحاظ زیرساختی در کلیه زمینه‌ها در وضعیت بسیار ناامید کننده‌ای است، مقدور نمی‌باشد چراکه با نیم نگاهی به روندی که سایر کشورها در این زمینه طی کرده‌اند، تبدیل ارتش آماتوری به یک ارتش حرفه‌ای کاری بسیار پرهزینه و زمان‌بر و نیازمند زیر ساخت‌های اساسی و مستحکم می‌باشد. در نتیجه عملاً امکان تغییر سیستم نظام وظیفه بطور یک شبه امکان‌پذیر نیست و باید بطور تدریجی و در طول زمان اصلاحاتی انجام شود. حال این موضوع دارای اهمیت می‌گردد که جایگزین سربازی اجباری چه خواهد بود و در واقع نقطه مقصد کجاست؟

در پاسخ باید گفت با در نظر گرفتن کلیه جهات و نیز الگو قرار دادن سایر کشورها و نیز وضعیت ژئوپولیتیکی کشور ما، مقصد این حرکت، رسیدن به ارتش حرفه‌ای می‌باشد. پس در این مرحله ابتدا به فواید کلی ارتش حرفه‌ای می‌پردازیم؛ اما از ذکر

جزئیات آن پرهیز می نمایم چرا که اکثر کشورهای جهان به این مرحله رسیده اند که این خود گویای مفید بودن ارتش حرفه ای و موثرتر بودن آن به نسبت سربازی اجباری می باشد.

برخی از مزایای ارتش حرفه ای:

(۱) افزایش کارایی نیروهای مسلح:

یک گروه کوچک، حرفه ای و آموزش دیده از تعداد بی شمار سربازان وظیفه کم آموزش دیده کارا تر هستند. به خصوص آنکه امروزه شیوه جنگ ها تغییر کرده و فزونی نفرات عامل موثری در برتری نظامی نیست. یک مرد جنگی به از صد هزار.

(۲) افزایش تخصص گرایی نیروهای مسلح:

مدت زمان اندک خدمت سربازی امکان تخصصی شدن نیروهای نظامی را به حداقل کاهش می دهد اما ارتش حرفه ای بر تخصصی شدن و حرفه ای شدن نیروهای نظامی استوار است.

(۳) انگیزه بالا:

به علت آنکه سربازان در ارتش حرفه ای داوطلبانه آمده و حقوق کافی دریافت می کنند، دارای انگیزه بالایی هستند که با سربازان وظیفه به هیچ وجه قابل مقایسه نیست.

(۴) استفاده از فن آوری های نوین و پیشرفته:

به دلیل آنکه در سیستم سربازی اجباری، سربازان زیاد و فراوانی در اختیار است، میزان استفاده از فن آوری های نوین در قیاس با ارتش حرفه ای کم و توسعه آن نیز آهنگی بسیار کند دارد.

(۵) کاهش هزینه های اقتصادی:

درست است که سربازان وظیفه در مقایسه با سربازان حرفه ای حقوق بسیار اندکی دریافت می کنند اما با توجه به تعداد بسیار زیادشان و از سوی دیگر هزینه های جانبی و هنگفت صورت گرفته از جمله در سازمان وظیفه عمومی و... برای شناسایی، اعزام و یا معافیت مشمولین و نهایتا تعقیب فراریان و... هزینه های سربازی وظیفه هم کم نیست. حال اگر ضریب کارآمدی این دو را در نظر بگیریم بی تردید هزینه های سربازی وظیفه بیشتر خواهد شد.

(۶) نداشتن معایب سربازی وظیفه:

یک ارتش حرفه‌ای از بسیاری از معایب ذکر شده در مورد سربازی اجباری مبرا است: ایجاد دشواری در مسیر ازدواج جوانان (که ره‌گیری تاثیر آن در کاهش جمعیت کار دشواری نیست)، دیر وارد شدن جوانان به بازار کار، سپری شدن نزدیک به ۲ سال عمر جوانان در مسیری مخالف خواست آنان، برخی مشکلات مشاهده شده در پادگان‌ها، دوری از خانواده، اضطراب‌ها و ناآرامی‌های روانی و...

بی‌تردید تحقق ارتش حرفه‌ای و حذف خدمت اجباری سربازی به بودجه و برنامه‌ریزی دقیق نیاز دارد ولی امیدوارم این مطالب ضرورت حرکت برای حذف سربازی اجباری و رسیدن به ارتش حرفه‌ای را هر چند در افق چندین ساله تبیین کرده باشد. نیاز به بودجه و برنامه داشتن برای رسیدن به ارتش حرفه‌ای، دلیل منطقی و معقولی نیست که بتواند ما را از نتایج زیانبار سربازی اجباری غافل سازد. با در نظر داشتن نقطه فعلی (یعنی بخش عمده بدنه نیروها نظامی از سرباز وظیفه تشکیل شده) و نقطه مقصد (رسیدن به ارتش حرفه‌ای) باید مسیری مشخص را ترسیم کرد که در طی آن مسیر بدون کمترین خسارت به نقطه مطلوب رسید. در این راستا ابتدا می‌بایست نیاز به سرباز وظیفه را با حذف شغل‌های کاذب موجود در نیروهای مصلح به حداقل رساند تا با کاهش سرباز وظیفه، هم زمان برای ایجاد زیر ساخت‌های استخدام سرباز حرفه‌ای را فراهم نمود و نیز به صورت هم زمان شرایط انجام خدمت سربازی را برای آن عده از سربازان وظیفه مورد نیاز نیز فراهم کرد. پس می‌بایست اموری از این دست در دستور کار قرار گیرد:

استخدام دوره‌ای نیروهای پیمانی،

کاهش وابستگی نیروهای تخصصی مانند کلانتری‌ها به سربازان وظیفه،

بهینه‌سازی سیستم و چارت‌های سازمانی و حذف پست‌های غیر ضروری،

گسترش عدالت و یکسان‌سازی نحوه خدمت همه نیروهای وظیفه،

کاهش مدت زمان در کنار افزایش حقوق برای سربازان داوطلب،

استفاده از تکنولوژی‌های به روز، جهت کاهش نیروی انسانی و..

با توجه به موارد فوق، سربازی برای آن عده از سربازانی که پس از کاهش تعداد سربازان وظیفه در نیروهای مصلح فعال هستند، از دو وجه "مدت سربازی" و "کمک هزینه" نیاز به اصلاح دارد که برای جلوگیری از فشار به دولت، این دو وجه به صورت مرحله‌ای صورت می‌پذیرد:

وجه اول: مدت سربازی:

مرحله اول: کاهش سریع مدت خدمت سربازی با توجه به این که اکنون تعداد جوانان آماده به خدمت بیشتر از تعداد مورد نیاز واقعی است ،

مرحله دوم: تصویب قانون ممنوعیت به کار گیری سربازان در شهرک های مسکونی و مراکز تفریحی سپاه و ارتش و اجرای عملی و جدی آن ،

مرحله سوم: حذف سربازی برای طیف وسیع تری از نخبگان که شامل تحصیلات عالی و تعداد بیشتری از نخبگان کنکور و جشنواره های مهم مانند خوارزمی و نیز برای سربازان متاهل که سربازی مانع عمده ای در مسیر زندگی آنها می باشد...

مرحله چهارم: استخراج موارد قابل حذف و مشاغلی که نیاز به سرباز ندارند ولی به آن ها سرباز تعلق می گیرد و کاهش متناسب مدت سربازی برای آن موارد؛ مانند سربازان اجرای احکام ،

مرحله پنجم: استفاده از تکنولوژی به جای سرباز در مواردی که امکان دارد و حذف سرباز وظیفه متناسب با آن. به عنوان مثال حذف تعداد بی شمار تلفنچی ها در سازمان ها و شهرک های نظامی و استفاده از منشی کامپیوتری، استفاده از دوربین در راهنمایی و رانندگی و....

مرحله ششم: حذف خدمت سربازی و تصویب قانون ارتش حرفه ای و آموزش های نظامی کوتاه مدت چند ماهه به جوانان که مثلاً می تواند در یکی از تابستانهای دوران دبیرستان برگزار شود تا پس از اخذ دیپلم، جوانان آزاد و آسوده باشند.

وجه دوم: کمک هزینه :

اکنون یک سرباز وظیفه ماهیانه مبلغ اندکی کمک (این مبلغ آن قدر ناچیز است که برای آن نمی توان از واژه حقوق استفاده کرد) از دولت دریافت می کند که با آن حتی نمی تواند به شهر محل اقامت بازگردد و گفتن مبلغ آن شرم آور است؛ در حالی که وقتی دولت جوانان را مجبور می سازد دو سال از عمر خود را صرف سربازی کنند، خود آن جوان و خانواده او را از یک نیروی کار به مدت دو سال محروم می سازد؛ لذا بایستی تدابیری نیز اتخاذ کند که دیگر این جوانان سربار خانواده خود نباشند و برای تامین حداقل های زندگی محتاج کمک خانواده نباشد. با توجه به این نکته و همزمان با مراحل بالا لازم است که مراحل زیر نیز طی شوند:

مرحله اول: افزایش حقوق سربازان متاهل و سربازان دارای فرزند به حدی که بتوانند بخش عمده ای از هزینه های مسکن، خوراک و پوشاک همسر و اولاد را تامین کنند.

مرحله دوم: افزایش حقوق سربازان دور از شهر خود.

مرحله سوم: افزایش حقوق سربازان تحصیل کرده در حدی که ثمره تحصیل خود را احساس کنند.

مرحله چهارم: افزایش حقوق سربازان وظیفه در حدی که برای تامین نیازهای خود محتاج خانواده و پدر نباشند.

مرحله پنجم: افزایش حقوق برای تمام سربازان در حد منصفانه‌ای که نه تنها مانع ازدواج نگشته بلکه مشوق آن نیز باشد.

مرحله ششم: تحقق ارتش حرفه ای و داوطلبانه شدن سربازی، چرا که یقیناً در صورت پرداخت حقوق منصفانه با استقبال جوانان روبرو می‌شود و نیروهای مسلح نیز آنان را درست و منطقی و صرفاً در حد نیاز به کار می‌گیرد.

در مورد روند حرفه ای کردن ارتش یک کشور مسائل و پارامترهای تاثیرگذار بسیاری وجود دارد که می‌بایست تک به تک مورد بررسی و آنالیز قرار بگیرند و با توجه به امکانات موجود، دست به اقدامی تحولگرایانه زد که بتوان هم کشور را به منفعت رساند و هم در حق جوانان این مرز و بوم اجحافی صورت نداد. در ادامه به روند حرفه ای شدن ارتش برخی کشور های جهان می‌پردازیم و خواهیم دید که آن‌ها چگونه توانستند بر این امر فائق آیند و نیز روند طی شده توسط آنها برای ما نیز بسیار کارگشا خواهد بود.

مطالعه تطبیقی روند حرفه ای شدن ارتش در چند کشور با تأکید بر خدمت نظام وظیفه:

در بخش قبلی در انتها به این نتیجه رسیدیم که بهترین و چاره ساز ترین راه حل ممکن که برای دولت و ملت شرایط برد- برد ایجاد می‌کند، حرفه ای شدن ارتش می‌باشد. حال در ادامه به روند حرفه ای سازی چند ارتش جهان می‌پردازیم تا علاوه بر اینکه اجرائی شدن این طرح در کشورهای مختلف در نقاط متفاوت و با سیاست های حاکمیتی متفاوت را شاهد باشیم، از تجربیات و مسیر طی شده آن‌ها جهت جلوگیری از اعمال روش پر کاربرد سعی و خطا در کشور خود، جلوگیری نماییم.

در آغاز دهه پایانی قرن بیستم، کشورهای توسعه یافته با استفاده از تجربیات جنگ های گذشته به خصوص دو جنگ پایانی قرن بیستم در خلیج فارس (هشت سال جنگ ایران و عراق – تجاوز عراق به کویت) و جنگ بالکان به این نتیجه رسیدند که در آینده (قرن بیست و یکم) نمی‌توان با ساختار فعلی ارتش های خود که براساس کمیت و افراد غیرحرفه ای بنا شده است، در جنگ های مدرن جنگید و پیروز شد. عوامل مؤثر و تأثیرگذار در این تصمیم گیری عبارت است از:

پیشرفت سریع تکنولوژی در ابعاد نظامی،

ظهور پدیده هایی مانند سربازان نرم افزاری،

مهمات سریع سیستم کنترل و فرماندهی (c4-1)

سیستم های پیشرفته کنترل و هدایت آتش دیجیتالی جنگ افزار تانک و توپخانه،

سیستم های مدرن ارتباطی و جنگ الکترونیک،

نتایج حاصل شده از یگان آموزش و دکترین (TRADOC) و سایر عوامل و متغیرها می باشد.

بالطبع به کارگیری این سلاح ها و تجهیزات و به طور کلی ماهیت نبرد آینده ایجاب می کند ارتش ها، حرفه ای و از مهارت و تخصص های بسیار بالایی برخوردار باشند. روشن است، سرباز با تحصیلات پایین و متوسط آن هم در مدت زمان محدود کنونی، قادر به فراگیری و آموزش نبوده و چنانچه آموزش های ارائه شده را نیز فراگیرد به علت محدودیت زمان، بهره وری لازم را برای ارتش ندارد و پس از پایان خدمت وظیفه نیز ترخیص می شود و در عوض هزینه های سنگینی را نیز به اقتصاد کشورها تحمیل می کنند. از طرفی کشور ایران دارای موقعیت بسیار حساس و مهم در ابعاد ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی و ژئواکونومیک در منطقه خاورمیانه است. حقیقت این است که هارتلند از شرق اروپا جابجا شده و در حال حاضر کشور ما و قسمت هایی از افغانستان، آسیای میانه و قفقاز را در بر می گیرد و بدون تردید مرکز آن در ایران قرار دارد. قرار گرفتن ایران در بین دو منبع انرژی عمده جهان در خلیج فارس و دریای مازندران اهمیت ویژه ای به کشور ما داده است تا جایی که ایران را واقع در چهار راه جهانی می دانند. ضرورت اساسی در حفظ استقلال، امنیت ملی و حفظ دستاوردها و ارزش ها، بدون تردید بستگی مستقیم با قدرت نظامی دارد که خود یکی از ابعاد چندگانه قدرت ملی محسوب می شود. بنابراین شرط پایداری در جهان آشفته، به ویژه منطقه بسیار حساس خاورمیانه، توجه نمودن به تحولات در کلیه ابعاد به خصوص در زمینه های بازدارندگی، دکترین و استراتژی جنگ افزارها و تجهیزات نظامی، پیمان های نظامی دو جانبه و چند جانبه کشورهای همسایه با کشورهای منطقه و خارج از منطقه در ابعاد توان رزمی، ساختار و کیفیت نیروی انسانی کارآمد است. کشورهای توسعه یافته از سال ۱۹۹۰ اقدامات گسترده ای را در زمینه کیفی سازی ارتش و تغییر در قانون خدمت وظیفه (اجباری) انجام داده اند. به نظر می رسد استفاده از سربازان حرفه ای با مهارت و تخصص در میان مدت (۵ الی ۱۰ سال) بتواند توان رزمی این کشورها را افزایش دهد. با توجه به توضیحات داده شده حال قصد آن است تا با مطالعه و مروری بر تجربیات و اقدامات برخی کشورهای جهان در زمینه حرفه ای کردن ارتش جهت بازنگری در نظام وظیفه و ساختار نیروهای مسلح در ایران بهره گیری نمایم.

اهمیت و ضرورت مطالعه کشورهای توسعه یافته:

معمولاً پس از هر جنگ، از تجربیات آن در زمینه تمرین های آموزشی عمده، چگونگی پیشرفت در تکنولوژی تسلیحاتی و تحولات ایجاد شده در صحنه بین المللی استفاده برده و به تبع آن در دکتین، استراتژی نظامی و ساختار سازمانی نیروهای نظامی خود تغییراتی ایجاد می نمایند. برخی از این کشورها عقیده دارند سربازان وظیفه اجباری علیرغم هزینه نمودن اعتبارات و بودجه های نظامی توانایی دریافت آموزش های پیچیده در زمینه تکنولوژی نظامی سلاح های پیشرفته نداشته، به گونه ای که حتی از نظر روحی و روانی نیز فاقد کارایی می باشند. بنابراین ضرورت دارد تا تجربیات برخی کشورهای جهان تشکل حرفه ای با تأکید بر نظام وظیفه مورد مطالعه تطبیقی قرار گیرد.

مرور اجمالی:

در جهت تکمیل مطالعات قبلی و به منظور آگاهی بیشتر از روند و چگونگی حرفه ای شدن ارتش ها در جهان با نگاهی اجمالی به وضعیت تعدادی از کشورها این شرایط حاصل می شود تا به صورت جامعتری بتوان به مقایسه و تجزیه و تحلیل وضعیت پرداخت. همانگونه که قبلاً اشاره شد، بررسی اجمالی در وضعیت خدمت وظیفه در کشورهای اروپایی نشان می دهد خدمت وظیفه هم چنان در اروپا ادامه دارد برخی کشورها از جمله انگلستان خدمت وظیفه عمومی را حذف و برخی دنبال یافتن جایگزین برای آن هستند و در برخی مناطق فقط ملاحظات مذهبی مورد توجه قرار می گیرد. مثلاً در آلمان، متعصبین مذهبی از خدمت وظیفه معاف هستند. اکثر کشورهای امریکای لاتین خدمت وظیفه دارند اما کاستاریکا عملاً فاقد ارتش است. در اسرائیل زن ها هم از خدمت معاف نیستند. در کشورهایی مثل چین و عراق (زمان رژیم صدام) نرفتن به خدمت سربازی می توانست منتهی به مرگ شود. براساس مصوبه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در سازمان در سال ۱۹۸۷ خدمت نباید اجباری باشد و هر کس خدمت در ارتش با اعتقادات وی منافات دارد بتواند به نحو دیگری خدمت نماید. این قانون را پارلمان اروپا پذیرفته و اعضای خود را متعهد به اجرای آن نموده است. پارلمان اروپا از سال ۱۹۸۳ تصویب نموده که هیچ کس حق ندارد کاری بر خلاف عقاید مذهبی کسی به وی تحمیل کند. در اروپا اکثر جوان ها حتی از کار در کارخانجات نظامی به عنوان خدمت سربازی اکراه دارند.

در سال ۱۹۹۴ در میدان تاوینستاک لندن سنگ یادبود مبارزه در مقابل خدمت اجباری برای آن ها که از جنگ و کشتار اکراه دارند، گذاشته شد. در حال حاضر خدمت وظیفه در ۱۰۸ کشور دنیا حذف شده است. در ۱۲ کشور خدمت وظیفه داوطلبی است. در ۸ کشور از پرسنل وظیفه در خدمات غیرنظامی استفاده می شود. در ۱۲ کشور از سربازان وظیفه به صورت انتخابی استفاده می گردد.

صاحب نظران ناتو عقیده دارند سرباز وظیفه اگر خوب آموزش ببیند مفید خواهد بود و لازم نیست پرسنل حتماً استخدام شده باشند تا خوب عمل کنند. نمی توان گفت برای یک ارتش، پرسنل وظیفه بهتر است یا پرسنل رسمی. هر کشور با توجه به شرایط خاص خود به حذف وظیفه یا کاهش درصد پرسنل وظیفه اقدام نماید. از دیدگاه صاحب نظران بار هزینه ارتش حرفه ای به مراتب بیش از به خدمت گرفتن نیروهای وظیفه است و طبعاً حرکت به سمت آن بسیار کند خواهد بود. اکثریت ارتش بلغارستان (بیش از ۷۰ درصد) را پرسنل وظیفه تشکیل می دهند و تفکر حرفه ای کردن ارتش از سال ۱۹۹۱ در آن کشور به وجود آمده است. در سال ۱۹۹۲ استعداد ارتش یوگسلاوی ۱۸۰،۰۰۰ نفر بود که ۱۰۰،۰۰۰ نفر آن را پرسنل وظیفه تشکیل می دادند. چون در سال ۱۹۹۷ نیمی از پرسنل ارتش مخالف حکومت بودند تفکر تأسیس ارتش حرفه ای در آن کشور به وجود آمد.

بدنه اصلی ارتش ترکیه را پرسنل وظیفه تشکیل می دهند که فقط یازده درصد بودجه ارتش صرف این افراد می گردد. در طرح ارتش حرفه ای کادر افسری ارتش همگی رسمی خواهند بود و خدمت وظیفه ۹ ماه خواهد شد. پرسنل وظیفه ترخیص شده تا سن ۴۶ سالگی در صورت بروز موارد اضطراری به خدمت فرا خوانده خواهند شد.

در اسپانیا تنها مشکل جدی رسیدن به ارتش حرفه ای عدم استقبال عمومی از استخدام در ارتش به خاطر مشکلات اقتصادی است. استعداد ارتش مقدونیه به حدود ۲۳،۰۰۰ نفر است که بیش از ۷۰ درصد آن را پرسنل وظیفه تشکیل می دهند. به دلیل کوتاه بودن مدت خدمت و نداشتن آموزش کافی پرسنل جوابگوی عملیات رزمی نیستند و باعث ظهور تفکر حرفه ای کردن قسمتی از ارتش، یعنی دو تیپ (یکی پیاده و دیگری نیروی مخصوص) گردید.

جمعیت قرقیزستان ۴،۶۰۰،۰۰۰ نفر و جمعیت زیر ۱۸ سال آن دو میلیون نفر است. نیروی زمینی قرقیزستان ۱۲،۲۰۰ پرسنل دارد که ۱۱،۰۰۰ نفر آن وظیفه هستند. به علت عدم رعایت حقوق بشر در ارتش مسأله خدمت وظیفه مطرح شده است. نخست وزیر قرقیزستان عقیده دارد ارتش باید محکم، متحرک و حرفه ای باشد ولی تا زمان تحقق این خواسته ارتش به صورت نیمه حرفه ای (وظیفه به علاوه قراردادی) خواهد بود.

در کلمبیا افراد دارای دیپلم دبیرستان یک سال و افراد فاقد آن ۱۸ ماه الی دو سال خدمت می کنند و اغلب افراد فاقد دیپلم روستایی هستند. فقط ۴۰ درصد افرادی که تحصیلات دانشگاهی دارند به سربازی می روند و علت آن در خریدن خدمت است. در کلمبیا ارتش هر کاری که بخواهد انجام می دهد و فقرا هم مخالف نیستند، چون سربازی برایشان یک فرصت شغلی خوب محسوب می شود.

در تایوان تمایل به خدمت در ارتش بسیار کم است و جوان ها سعی می کنند با تقلید بیماری و تمارض و حتی قطع کردن انگشت از خدمت معاف شوند. در تایوان میزان خودکشی پرسنل وظیفه چهار برابر کسانی است که به خدمت نرفته اند. آمار سال های گذشته نشان می دهد که حدود ۵۰۰ تن از پرسنل وظیفه سالیانه در ارتش تایوان کشته می شوند. با توجه به این

که بیمه عمر پرسنل وظیفه از سال ۱۹۹۸ در تایوان به تصویب رسید از سال ۱۹۹۹ اعتبار آن حدود سه میلیون NT تصویب شد. با این وجود آمار کشته شدگان در سال ۱۹۹۹ در ارتش تایوان به ۲۸۰ نفر بالغ گردید. در برزیل و پاراگوئه قانونی برای خدمت وظیفه تصویب شده ولی اعمال نمی شود به طور کلی خدمت وظیفه در امریکای لاتین وجهه قانونی ندارد خدمت وظیفه در امریکای لاتین سابقه صد ساله دارد.

براساس قطعنامه سال ۱۹۹۸ کنوانسیون حقوق بشر کشورهای عضو حق ندارد به دلیل عدم خدمت سربازی به دلیل مغایرت با اعتقادات شخصی کسی را زندانی کنند. اصلح است که هر کس قبل از شروع خدمت سربازی به حقوق انسانی خود حین خدمت آشنا شود.

در اینجا سیر تکاملی برخی از ارتش های جهان از وظیفه به حرفه ای را مرور می کنیم:

روسیه:

در پاییز سال ۲۰۰۱ حکومت روسیه تصمیم گرفت افراد بین ۱۸ الی ۲۱ سال را به مدت دو ماه از فهرست خدمت وظیفه حذف کند که با این کار عملاً ۱۹۴۸۲۴ نفر از خدمت معاف گردیدند. از نظر اکثریت افسران این کار به بدنه نیروی انسانی ارتش روسیه آسیب وارد می کند و دلیل آن هم بزرگی سازمان است. این کار براساس طرح استخدام پرسنل قراردادی برای ارتش روسیه صورت گرفته که در آن طرح پرسنل وظیفه باز هم در ارتش خواهند بود و از پرسنل قراردادی فقط در نقاط حساس (چچن، تاجیکستان، ایخازیا و...) استفاده خواهد شد. برخی سیاستمداران روس با تغییر حالت سریع به ارتش حرفه ای و حذف کامل خدمت وظیفه موافق هستند و این کار را ظرف دو الی سه سال مقدور می دانند. کارشناسان اولی بر این اعتقادند که کشورشان به دلیل مشکلات اقتصادی باید فعلاً فکر ارتش حرفه ای را به تعویق انداخت و برخی نیز اذعان دارند که به طور کلی استفاده از پرسنل وظیفه برای امنیت شهرها عمل اشتباهی است. در سال ۲۰۰۱ حدود ۹۰-۹۱ درصد نیروهای داخلی، گارد مرزی و مانند آن را در روسیه پرسنل وظیفه تشکیل می دادند که با توجه به کنترل مولید و کاهش نرخ رشد جمعیت طبعاً تعداد پرسنل وظیفه کاهش خواهد یافت و قسمت های متکی به آن دچار مشکل خواهند شد. براساس آمار ۴۰ درصد پرسنل وظیفه از خانواده های نه چندان مرفه هستند. نام ۴۰ درصد پرسنل وظیفه در لیست خلاف کارهای کوچک پلیس ثبت شده و بیش از ۷۰ درصد پرونده های جنایی دارند. برخی از نمایندگان مجلس دوما روسیه عقیده داشتند می توان از سال ۲۰۰۳ خدمت وظیفه را به ۶ ماه تقلیل داد. در این حالت پرسنل وظیفه نیروی ذخیره متحرک ارتش و پرسنل قراردادی استخوان بندی اصلی خواهند بود. افسران ارشد عقیده دارند که واگذاری سریع قسمت های اصلی ارتش به پرسنل قراردادی غیرممکن بوده ولی تغییر آهسته نظام بین سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ ممکن گردید. ارتش روسیه کاهش خدمت وظیفه را به ۱۸ یا ۱۲ ماه را رد نکرد اما خدمت به مدت ۶ ماه را غیرممکن دانست. آغاز حرکت به سوی ارتش حرفه ای از ماه مارس ۲۰۰۲ تعیین شد و در بودجه هم منظور گردید. گزارشات منتشره متعدد نشانگر جنایات و

آزارهای مهلک اعمال شده بر پرسنل وظیفه جوان و همچنین عدم آموزش نظامی صحیح آن ها بوده است. که شاید یکی از دلایل تمایل به عدم انجام خدمت وظیفه همین باشد. در ارتش حرفه ای پیشنهادی مدت خدمت پرسنل قراردادی بین ۵۰ الی ۱۰۰ درصد بیش از مدت خدمت وظیفه فعلی خواهد بود. اولین مرحله به کارگیری نیروهای قراردادی سال ۱۹۹۲ انجام شد و در سال ۲۰۰۰ حدود ۵۰ درصد نیروهای قراردادی بودند. اگر شرایط اقتصادی اجازه بدهد اکثریت نیروها قراردادی خواهند شد. استفاده از نیروهای قراردادی ارتش روسیه در یوگسلاوی سابق انجام شد و نتایج مثبت آن شامل ارتقای وجهه اجتماعی، سطح حرفه ای و روح داوطلبی نظامیان بوده است. یکی از پیشنهادها این است که پرسنل قراردادی فقط برای خدمت مناطق خاص استفاده شوند. یکی از علل بقای ارتش روسیه را حرکت آن به سوی حرفه ای شدن می دانند. اگرچه بار هزینه پرسنل وظیفه نسبت به پرسنل قراردادی کمتر است. ارتش فعلی روسیه فاقد واحدهای پایور زبده است و حتی بهترین واحدها از پرسنل وظیفه تشکیل شده اند. بدتر شدن اوضاع سیاسی اقتصادی روسیه در سال ۱۹۹۶ تفکر کوچک و حرفه ای شدن ارتش را به وجود آورد. روس ها امیدوار بودند که ارتش روسیه ارتش سال های اخیر فرانسه شود که پرسنل وظیفه آن فقط در پادگان ها خدمت کنند و واحدهای کوچک متحرک و حرفه ای به عنوان نیروهای عملیاتی انجام وظیفه نمایند. دومای روسیه در دومین جلسه بازخوانی قانون احضار به خدمت، اجازه خدمت جایگزین و خدمت به اجتماع را صادر کرد که جایگزینی برای احضار به خدمت نظامی تقریباً مسلم شده است. به هر حال این طرح در پارلمان تصویب شد و توسط رئیس جمهور به امضا رسید و در ژانویه ۲۰۰۴ به نیروهای مسلح ابلاغ گردید. حال مخالفان جنگ به طور قانونی قادر خواهند بود تا از خدمت نظامی احتراز کنند. اما آیا خواهند توانست با قانون جدید جذابیت خدمت به اجتماع را کاهش دهند. فردی که مخالف جنگ است ممکن است مجبور شود بیش از دو یا سه سال را در جایی دور از روسیه بگذرانند و نمی تواند حق انتخابی داشته باشد و به او شغلی ارائه می شود که با او هیچ سنخیتی ندارد. همچنین افراد مخالف جنگ، از لحاظ قانونی اجازه دارند تا به طور رسمی حداقل یک سال قبل از ۱۸ سالگی به مسئولان نظامی علاقه خود را به انتخاب خدمت اجتماعی به جای خدمت نظامی، اعلام کنند. مسئولان نظامی، سپس حق خواهند داشت که تصمیم بگیرند آیا درخواست کننده اجازه انجام خدمت اجتماعی را دارد یا خیر؟

فرانسه:

طرح حرفه ای شدن ارتش فرانسه دو مرحله ای بوده است مرحله اول ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ که به تأمین منابع مالی طرح اختصاص دارد، مرحله دوم (تا ۲۰۱۵) صرف کسب اطمینان از آن خواهد شد که نیروها تجهیزات لازم برای انجام چهار عمل راهبردی بازدارندگی، پیشگیری، تهاجم و دفاع را دریافت دارند، مهمترین مطلب این است که پرسنل همگی قراردادی باشند یا باز به صورت قدیم، خدمت وظیفه انجام دهند. در زمان جنگ سرد سربازان وظیفه ۵۰ درصد نیروی زمینی، ۲۵ درصد نیروی دریایی و ۳۰ درصد نیروی هوایی را تشکیل می دادند. مخالفان طرح حذف خدمت وظیفه در فرانسه عقیده دارند که سرباز وظیفه نشانه اراده ملت است. همچنین هزینه کمتری دارد و باعث ایجاد روح همدلی عمومی در

مردم می شود. رئیس جمهور وقت (ژاک شیراک) این طرح را براساس نیازمندی موقعیتهای بحرانی، واکنش های سریع، فناوری جدید و تاکتیک های چند ملیتی پیشنهاد داده است. اهداف حرفه ای کردن ارتش دسترسی سریع و توان انجام عملیات چند منظوره است. این ارتش با آخرین فناوری روز مجهز بوده طبعاً پرسنل وظیفه در آن کارایی نخواهند داشت، پس کاهش طول مدت خدمت وظیفه هم فایده ای ندارد. بنابراین نوسازی ارتش فرانسه به معنای کشیده شدن از بازدارندگی با سرباز به سمت بازدارندگی هسته ای است. نظرخواهی در فرانسه نشان می دهد که ۷۰ درصد مردم فرانسه با حذف خدمت وظیفه موافق هستند. حرفه ای کردن ارتش منجر به کوچکتر شدن آن می شود (۴۴۰,۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۲ در مقایسه با ۵۷۳,۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۶) این کار با کاهش پرسنل وظیفه انجام می شود که در سال ۲۰۰۲ حدود ۹۲ درصد پرسنل نیروی زمینی قراردادی بودند. این روند به صورت تدریجی و با افزایش تدریجی کارکنان قراردادی و کاهش تدریجی نیروی وظیفه انجام شده و می شود.

چگونگی فراخوانی عمومی جهت آمادگی دفاعی در فرانسه:

قانون خدمت حرفه ای

به موجب قانون مصوب ۲۸ اکتبر ۱۹۹۷ اصلاحاتی در قانون خدمت وظیفه اعمال گردید که براساس توانایی ها و امکانات، صرف حرفه ای سازی کامل نیروهای نظامی گردد، بعد از تصویب این قانون جوانان متولد بعد از دسامبر ۱۹۷۸ از خدمت زیر پرچم معاف شده اند از اهداف این قانون تبدیل به یک نیروی حرفه ای است که پیشبینی شده تا سال ۲۰۰۲ به مرحله انجام برسد.

موارد اجباری

خدمت برای تمام فرانسویان چه دختر و چه پسر در سن ۱۶ سالگی اجباری است از آن جایی که این قانون تمام دختران و پسران در هر گروه سنی را شامل می شود از اول ژانویه ۱۹۹۹ علناً همگانی گردیده است منظور اصلی از این دعوت به خدمت تشکیل یک نیروی پدافندی است. از اکتبر ۱۹۹۸ تمام جوانان فرانسوی باید در یک طرح دفاعی یک روزه شرکت کنند در این روز جوانان آموزش هایی را منطبق با شرایط کنونی خود و اهداف عمومی دفاعی و همچنین با جنگ افزارها به صورت آشنایی آموزش می بینند. در همین زمان از جوانان آزمون زبان فرانسه در سطح بالا و نیز مهارت در خواندن متون دشوار به عمل آمده و بدین ترتیب مورد ارزیابی قرار می گیرند.

موارد اختیاری

پس از آن که جوانان فرانسوی، دختر یا پسر، در طرح آمادگی دفاعی شرکت کردند می توانند در صورت تمایل برای یک دوره چهار هفته ای در داخل ارتش و یا نیروی ژاندارمری داوطلب شوند. بدیهی است که بدین ترتیب این

امکان برای جوانان مهیا می شود تا شناختی عمیق از زندگی نظامی کسب کنند، با تخصصی آشنا شوند، روش های ساختار فرماندهی را دنبال کنند و به دنبال آن در فهرست نیروهای ذخیره قرار گیرند. نیروهای ذخیره تکیه گاه غیرقابل اجتناب برای تحقق بخشیدن به مأموریت های نیروهای مسلح و ژاندارمری محسوب می شوند، ارتش حرفه ای در حقیقت نیاز به یک نیروی منسجم، سازمان یافته و آموزش دیده دارد که به دلایل مختلف موفق به معرفی خود جهت شرکت در این طرح فراخوانی نشده اند و می توانند در هر زمان نسبت به این کار اقدام نمایند

نقش شهردار (شهرداری)

از آنجا که در این طرح صحبت از به کارگیری شهروندان است، شهردار و مسئولین شهرداری مسئولیت خطیری بر عهده دارند، چرا که در ارتباط مستقیم با شهروندان هستند، کلیه اطلاعات مربوط به نحوه انجام ثبت نام بستگی به شناخت مردم از این طرح دارد که این وظیفه به عهده شهرداری است. شهرداری باید معرفی نامه ها را جمع آوری کرده و آن ها را در اختیار بخش خدمات دولتی و سپس در اختیار سایر مراجع ذیربط قرار دهند.

نمونه طرح فراخوانی مشمولین

پسران فرانسوی متولد اول ژانویه ۱۹۸۰ و دختران متولد بعد از ژانویه ۱۹۸۳ در فاصله زمانی میان روز مشمولیت خود در تاریخ ورود به سن ۱۸ سالگی در این طرح شرکت می نمایند. اولین روز این طرح پسران ۱۳ اکتبر ۱۹۹۸ بوده و برای آن دسته از دخترانی که فراخوانده شده اند، روز شنبه ۸ آوریل ۲۰۰۰ می باشد. با هماهنگی به عمل آمده با نمایندگان دیپلماتیک و سفارتخانه های خارج از کشور محل هایی برای آن دسته از جوانانی که خارج از کشور سکونت دارند پیشبینی شده است. دارا بودن و ارائه این مدرک برای جوانان تا ۲۵ سالگی به هنگام شرکت در آزمون ها و کنکورهای دولتی همچون دیپلم، گواهینامه رانندگی و... اجباری است. فرانسویانی که به دلایلی موفق به شرکت در این طرح نشده اند می توانند با درخواست شخصی تا قبل از ۲۵ سالگی برای خود نوبتی را جهت شرکت در این طرح تعیین کنند. از آن جا که نیروهای ذخیره، داوطلبانه در این طرح حضور یافته اند، این فرصت ها را برای سایر فرانسویان نیز به وجود می آورند. تا با ایجاد ارتباط سالم و دوستانه میان زندگی شخصی و زندگی نظامی در فعالیت های این طرح نظامی شرکت کنند. در حقیقت طرح پذیرش داوطلبانه خدمت، بخشی از طرح جامعی است که در وزارت دفاع به منظور به کارگیری جوانان در فعالیت های دولتی تهیه و تنظیم گردیده است. داوطلبین یکی از مشاغل حقیقی را آموزش می بینند و در شرایطی برابر شرایط SMIC رتبه بندی می شوند. در این حالت داوطلبین، تجربه حرفه ای در زمینه خدمت وظیفه در جامعه ملی می آزمایند. از دیگر اهداف تهیه این طرح ایجاد یک خط ارتباطی جدید میان مردم و ارتش می باشد. از آن جا که حضور مردم در طرح فراخوانی الزامی است، لذا در این طرح از سه مرحله لازم الاجرا تشکیل شده است:

الف) آموزش اصول و سازمان دفاع ملی در قالب دروس تحصیلی در مدارس،

ب) فراخوانی عمومی،

ج) تعیین روز فراخوانی آمادگی دفاعی.

طبق قانون ۲۸ اکتبر ۱۹۹۷ تمامی پسران و دختران جوان باید خود را به شهرداری محل سکونت و در صورتی که در خارج از کشور می باشند به سفارتخانه متبوع معرفی نمایند. این اجبار از ابتدای سن ۱۶ سالگی عینیت می یابد.

جمهوری اسلواکی:

موضوع حرفه ای کردن ارتش روندی بسیار پیچیده، گسترده و طولانی مدت مشتمل بر تغییرات کمی و کیفی در تمامی سازمان ارتش از نظر فنی، اجتماعی و حفاظتی است و هدف افزایش تعداد پرسنل رسمی و ارتقای کیفیت کارایی آن ها است. این کار براساس وضعیت فعلی و با توجه به نیازمندی ها و پیشینی های دفاعی طراحی می شود و فقط در شرایط مناسب اقتصادی و اجتماعی صورت خواهد گرفت. پایه ارتش جمهوری اسلواکی، پرسنل وظیفه هستند که ۶۰ درصد از آن ها همگام با پرسنل ذخیره آموزش دیده تعویض می شوند. البته این نسبت ۶۰ به ۴۰ درصد براساس ضرورت قابل تغییر است. از نظر صاحب نظران اسلواکی یکی از دلیل حرفه ای کردن ارتش به کارگیری فناوری جدید است.

نکات مثبت حرفه ای کردن از دیدگاه آن ها عبارت است از:

آموزش بهتر، مهارت بیشتر،

تطبیق با فناوری جدید رزمی،

توان رزمی بالاتر، تسریع در حرکت یگان های رزمی و به کارگیری صحیح تر نیروها،

بهبود وضعیت اخلاقی، حذف تضعیف کننده های انضباط و افزایش حس همبستگی،

(در صورت استقبال) امکان انتخاب پرسنل بهتر

و اما نکته منفی آن این است که در ابتدای کار هزینه های قابل توجهی دارد؛ البته صرفه جویی اقتصادی با کاهش هزینه آموزش دوره ای پرسنل وظیفه که به صورت دوره ای آموزش می بینند و خارج می شوند و کاهش استهلاک تجهیزات به دلیل نگهداری بهتر، این را تا حدی جبران خواهد کرد. دیگر نکته منفی کاهش پرسنل ذخیره است.

مخالفین طرح عقیده دارند که:

احساس مسئولیت مردم در دفاع از مملکت کاهش می یابد،

انزوای ارتش از جامعه،

خطر استقبال نامناسب از استخدام در ارتش،

افزایش هزینه ها به خصوص در ابتدای راه ،

قبل از ۱۹۹۳ مدت خدمت ارتش ۲۴ ماه بود که تدریجاً به ۱۲ ماه و بعد ۹ کاهش یافت.

آلمان:

ارتش آلمان ۵/۱ درصد تولید ناخالص ملی آلمان را خرج می کند که کمترین رقم در تمام اعضای پیمان ناتو است و ناتو به این موضوع معترض است. فعلاً ۴۰ درصد ارتش آلمان را پرسنل وظیفه تشکیل می دهند. ارتش آلمان قصد دارد به صورت کاملاً حرفه ای درآمد. هم اکنون خدمت وظیفه در ارتش آلمان حداکثر دو ماه بوده و برخی واحدها فاقد پرسنل وظیفه هستند. در نهایت ارتش آلمان به استعداد ۲۱۰,۰۰۰ پرسنل رسمی (و قراردادی) و ۳۰,۰۰۰ پرسنل وظیفه خواهد رسید. روند حرفه ای کردن از سال ۱۹۹۲ میلادی آغاز شده است. هم اکنون استعداد ارتش آلمان ۳۴۰,۰۰۰ نفر است که ۱۲۰,۰۰۰ نفر آن پرسنل وظیفه هستند.

ایتالیا:

در تابستان سال ۱۹۹۹ میلادی دولت ایتالیا قانونی تصویب کرد تا سال ۲۰۰۵ میلادی خدمت اجباری وظیفه حذف گردیده و ارتش حرفه ای به وجود آمد. حرفه ای کردن دو مرحله دارد. مرحله اول افزایش پرسنل پایور از ۳۰,۰۰۰ به ۴۲,۰۰۰ در طی سه سال است. در پایان مرحله دوم تعداد افراد از ۲۸۹,۰۰۰ به ۱۹۰,۰۰۰ نفر خواهد رسید. قانون جدید می گوید: در صورت بروز جنگ یا بحران های بزرگ خدمت اجباری وظیفه سریعاً احیا خواهد شد. تا سال ۱۹۹۶ میلادی ۱۰ کشور از شانزده عضو ناتو دارای خدمت وظیفه اجباری بودند. فرانسه و اسپانیا در حال رسیدن به ارتش حرفه ای هستند. هلند سال ۱۹۹۶ میلادی خدمت وظیفه را حذف کرد. هدف از ایجاد ارتش های حرفه ای در اروپا کسب توان عمل مستقل براساس توان رزمی و آمادگی بدون نیاز به ناتو می باشد. ارتش حرفه ای می تواند یک راه حل برای مشکل بی کاری روزافزون ایتالیا باشد. برخی فرماندهان ارتش ایتالیا عقیده دارند نسل فعلی از نظر جسمی ضعیفتر از نسل قدیم است و به همین دلیل سربازان وظیفه تاب تحمل آموزش نظامی را ندارند و طبعاً کارایی رزمی چندانی نخواهند داشت. فعلاً بیش از ۴۰ درصد ارتش ایتالیا را پرسنل وظیفه تشکیل می دهد. هم اکنون مدت خدمت وظیفه در ایتالیا ده ماه می باشد.

یونان:

ارتش یونان برای به روز کردن خود به خاطر کاهش تعداد موالید قصد دارد تعداد پرسنل رسمی خود را افزایش دهد. فعلاً خدمت وظیفه برای مدت سه سال از ۱۸ ماه به ۱۲ ماه کاهش یافته است. تفکر تغییر در ارتش از سال ۱۹۹۷ بعد از مناقشه با ترکیه پا گرفت. به روز کردن ارتش یونان یازده میلیارد دلار هزینه و ۵ سال وقت نیاز دارد. عناصر حرفه ای ارتش

یک قرارداد ده ساله (برخلاف قرارداد فعلی که ۵ ساله است) خواهند بست. آن‌ها می‌توانند پس از حداقل سه سال خدمت از ارتش خارج شوند. حداقل مدرک تحصیلی استخدام شوندگان دیپلم دبیرستان باید باشد. از نظر نخست وزیر یونان حرفه ای کردن کل ارتش غلط است چون کشورهایی که به این کار مبادرت کرده اند با کمبود داوطلب استخدام مواجه هستند. در ارتش آینده یونان پرسنل وظیفه با وسایل پیشرفته جدید کاری نخواهند داشت. در حال حاضر اکثر نیروهای پاسدار صلح ارتش یونان که در خارج از کشور خدمت می‌کنند پرسنل وظیفه هستند و پرسنل رسمی فقط یک دوره شش ماهه را در مناطق یاد شده می‌گذرانند.

جمهوری چک:

پس از فروپاشی شوروی اکثر کشورهای اروپایی ارتش خود را بین ۱۰ الی ۵۰ درصد کوچک کردند. جمهوری چک قصد دارد ظرف ۶ سال یک ارتش کاملاً حرفه ای بسازد. کارشناسان عقیده دارند پرسنل عادی عملیات و مأموریت‌های برون مرزی مناسب نیستند. الگوی ارتش کاملاً حرفه ای و حذف خدمت وظیفه برای تمام کشورهای اروپایی مناسب نیست. ایجاد ارتش حرفه ای ابتدا هزینه بر و در نهایت به صرفه خواهد بود. شاید در نهایت ایجاد ارتش‌های کاملاً حرفه ای اروپایی فقط به نفع ناتو باشد.

سوئد:

سال ۱۹۹۰ میلادی ۵۸,۰۰۰ پسر برای خدمت معاینه آماده شدند. ۵۲,۰۰۰ نفر از این افراد وارد آموزش نظامی گردید. ۶۷ دختر وارد آموزش افسری شدند. سال ۱۹۹۴ میلادی، مشاغل افسری برای ورود زمان آزاد اعلام شده است. سال ۱۹۹۶ میلادی ۵۰,۰۰۰ پسر برای خدمت معاینه و آماده شدند. ۳۰,۰۰۰ نفر از این افراد وارد آموزش نظامی گردیدند. ۴۰۰ دختر داوطلب وارد خدمت وظیفه شدند. ۱۰۰ دختر وارد آموزش افسری گردیدند. سال ۱۹۹۹ میلادی ۴۶,۰۰۰ پسر برای خدمت معاینه و آماده شدند. ۱۹,۰۰۰ نفر وارد ارتش و ۱۶,۰۰۰ نفر پس از آموزش مرخص گردیدند. ۲۵۰ دختر داوطلب برای خدمت وظیفه معاینه و آماده شدند ۱۳ درصد این افراد آموزش را به اتمام نرساندند. سال ۲۰۰۰ میلادی خدمت وظیفه دختران از طرف دولت مطرح شد. اما این مسأله قطعیت قانونی پیدا نکرده است.

وضعیت فعلی: افرادی که سنشان بالای ۳۵ سال است و در محل زندگی خود به خدمت مشغول می‌شوند. آمار سال ۲۰۰۰ میلادی از بین ۵۵,۴۴۴ پسر، ۲۲,۹۶۰ نفر ذخیره، ۶,۸۶۲ نفر وارد واحد آموزشی، ۱,۶۴۲ نفر وارد خدمت غیرنظامی و ۱۳۵ نفر معاف شدند. از بین ۴۹۹ دختر داوطلب ۲۰۴ نفر وارد آموزش و ۳ نفر وارد قسمت‌های غیرنظامی گردیدند. تمام شهروندان ۱۶ الی ۷۰ ساله را می‌توان قانوناً به خدمت فرا خوانده که اگر قبلاً به خدمت نرفته باشند به عنوان حفاظت از شهر به خدمت گرفته می‌شوند. واحدهای حفاظت از شهر واحدهای دفاعی واکنش سریع برای دفاع از یک ناحیه بزرگ هستند. عملاً سنین بالای ۴۷ سال را برای خدمت احضار نمی‌کنند. اساس ارتش سوئد بر پرسنل وظیفه استوار است که با توجه به

گسترده‌گی جغرافیایی این کشور عدد قابل توجهی خواهد بود. پرسنل وظیفه در واحدهای نظامی، دفاع شهری، خدمات عمومی، سازمان‌های داوطلب و گارد ملی به خدمت مشغول هستند.

آمریکا:

سال ۱۹۷۳ میلادی سال مرگ خدمت وظیفه در این کشور محسوب می‌شود. جنگ ویتنام به آمریکایی‌ها نشان داد پرسنل وظیفه‌ای که معلول شده‌اند باعث ضدیت جامعه با جنگ گردیدند. هزینه واقعی پرسنل وظیفه وقتی مشخص می‌شود که مقایسه کنیم با آن‌هایی که سرباز نشده‌اند. حذف خدمت وظیفه در کنار بیکاری مشکل را جدی‌تر می‌کند. هزینه واقعی پرسنل وظیفه از آنچه به نظر می‌آید کمتر است.

برخی نکات مثبت و منفی خدمت وظیفه در ارتش آمریکا:

مثبت :

قدرت تحرک بالا

کمیت بالا

هزینه متوسط

تقویت روابط اجتماعی جوان‌ها

هماهنگی مردم با ارتش

منفی :

قدرت دفاعی متوسط

مهارت ضعیف

ترس از مجروحیت

نابرابری جنسی

مشکلات سیاسی در اعزام به خارج از کشور

برخی نکات مثبت و منفی ارتش حرفه ای در امریکا:

مثبت:

قدرت تحرک بالا

هزینه غیرمستقیم پایین

جذب نیروی کار

حذف مشکل حقوق بیکار

قدرت دفاعی بالا

منفی :

ازدیاد نیروی منتظر عملیات

بالا بودن سطح آموزش

هزینه مستقیم بالا

خطر جدایی ارتش از مردم

بیانیه ای علیه احضار به خدمت نیروهای نظامی:

رائول پاول عضو کنگره امریکا ۲۰ مارس ۲۰۰۲ میلادی:

می خواهم مصاحبه ای را توضیح بدهم که طی آن ذکر شده که دولت ایالات متحده نباید فراخوانی نیروها را از سر بگیرد. حامیان این مصوبه از حوادث یازده سپتامبر استفاده کرده اند تا اقدامات فراخوانی به خدمت نظامی را تجدید کنند با وجود این مطرح کردن مجدد فراخوانی نیروها به خدمت اصول آزادی های فردی که این کشور براساس آن ها بنا شده است را نقض می کند. این گفته اغراق نیست که فراخوانی به خدمت برای یک دولت توتالیتار مانند دولت مخلوع طالبان مناسبتر است، تا یک جامعه آزاد. از اینرو فراخوانی نیروها ۳۰ سال پیش پایان یافت، چرا که خدمت داوطلبانه نظامی، به طور موفقیت آمیز نیازهای نظامی ایالات متحده را پاسخگو بوده است. نبرد نظامی در افغانستان یک بار دیگر نمایانگر توانایی ارتش داوطلبی در پاسخگویی به مخاطرات ایجاد شده برای زندگی، آزادی و مکنتم مردم ایالات متحده بود. فراخوانی به خدمت زیر پرچم از این جهت ارتش را تضعیف می کند که بین افراد داوطلب برای خدمت در ارتش و افرادی که به خدمت فراخوانده شده اند رقابت و تنش ایجاد می کند. این امر پیوستگی و انسجام نیروهای نظامی را که عنصر اساسی در کارایی ارتش است را تحلیل می برد. سربازان وظیفه برخلاف میلشان به ارتش فرا خوانده می شوند، لذا این طرح تا حد ناپذیری به مشکلات حفظ نیروها پرداخته و آن ها را بر طرف نمی کند. با ارتش مدرن امروزی، حفظ نیروها مهمترین مشکل پرسنلی است و به نظر می آید که برای اتخاذ هرگونه سیاستی که این مشکل مهم را در نظر نگیرد، به صورت معکوس عمل خواهد کرد.

کره جنوبی:

خدمت اجباری در ارتش کره جنوبی یک مشکل اساسی دارد و آن هم تبعیض است. گاهی این تبعیض را قانون پیشبینی کرده است. در کره برخی از کارخانجات مجوز به خدمت گرفتن پرسنل وظیفه را دارند و هر پافشاری را که نتواند، به دلایل قانونی یا به خاطر فشار اتحادیه ها، بر کارگرا اعمال کنند بر پرسنل وظیفه وارد می آورند. البته باز کار در کارخانه بهتر از خدمت در ارتش است. اقوام سیاستمداران سرشناس با اخذ معافیت های پزشکی تقلبی از خدمت فرار می کنند. در کره به کسانی که معاف می شوند «بنده خدا» و به آن ها که خدمت را به پایان می رسانند «بنده شیطان» می گویند. جوان های اهل کره اعتقاد دارند خدمت در ارتش اتلاف وقت است و باعث می شود دیرتر وارد بازار کار شوند از نظر اقتصادی عقب بیافتند. آن هایی که در خدمات شهری خدمت می کنند در پایان خدمت کارنامه هایی دریافت می کنند که در آینده شغلی، استخدام و حقوق دریافتی ایشان ایجاد تفاوت عمده می کند. در کره اکثریت مردم خدمت سربازی را مقدس می دانستند ولی در چند سال اخیر آن را خطرناک دیده اند. در حال حاضر در کره ۷۰ درصد بودجه ارتش صرف نیروی انسانی آن می شود. در اولین سال ترخیص از خدمت فرد باید سه بار خود را برای خدمت ذخیره معرفی کنند. این قانون از نظر تحمیل هزینه و مشکلات مدیریتی زاید به نظر می آید. به اعتقاد صاحب نظران فراخوان به خدمت سربازی علیرغم میل باطنی کار صحیحی نیست. طبق قانون جدید تصویب شده در سال ۱۹۹۹ می توانند از عناصر وظیفه در خدمات شهری غیرنظامی بهره ببرند. برای این کار پس از معاینات فیزیکی در قرعه کشی مرحله اول افراد لازم برای خدمات شهری انتخاب شده و قرعه کشی مرحله

دوم محل خدمت هر کدام را مشخص می کند و مدت خدمت وظیفه در ارتش ۲۲ ماه و در خدمات شهری هر کدام ۲۸ ماه است. افرادی که خارج از سیستم قرعه کشی در خدمات شهری خدمت کنند مدت خدمتشان ۳۳ ماه خواهد بود. هر سال در ارتش کره چندین نفر از پرسنل وظیفه به دلیل سوانح، خودکشی یا به دست مافوق خود تلف می شوند. اکثر این موارد خودکشی گزارش می گردند چون اگر علت چیزی غیر از خودکشی باشد تا رده فرمانده لشکر تنبیه می شوند. رفتار نظامیان کره با پرسنل وظیفه به حدی وحشتناک است که احساس می کنند توسط یک ارتش اشغالگر اسیر هستند.

ترکیه:

وضعیت کارکنان وظیفه احتیاط در کشور ترکیه:

الف) سازمان تشکیلات کارکنان نیروی زمینی ترکیه:

افسران پایور (کادر)

افسران وظیفه

درجه داران

سرباز یکم و سربازان عادی

مأموران و کارکنان شخصی

از مجموع بندهای اشاره شده بالا، افسران کادر، درجه داران، سرباز یکم های متخصص به عنوان سرباز حرفه ای در آموزشگاه های مختلف نیروهای مسلح ترکیه آموزش می بینند و مأموران و کارگران شخصی نیز با توجه به قوانین مشخص تأمین و استخدام می شوند. افسران وظیفه و سرباز یکم ها و سربازها نیز با سیستم جذب سرباز تأمین و به خدمت گرفته می شوند.

سیستم جذب سرباز:

مشخص نمودن منبع:

موظفین یک سال قبل از زمان سربازی به شعبه های نظام وظیفه مراجعه و حضور خود را اعلام می کنند و به عنوان منبع مشخص می شوند. کسانی که حضور خود را اعلام کرده اند به عنوان موظفین سال بعد جهت اعزام به خدمت زیر

پرچم به دایره آسال (ASAL) وزارت دفاع معرفی می شوند و اطلاعات جمع آوری شده درباره منابع در ماه نوامبر توسط دایره آسال وزارت دفاع به عنوان موظفین سال بعد به ستاد کل ارتش ارسال می شود.

مشخص نمودن احتیاجات:

فرماندهی نیروها با توجه به تشکیلات و ساختار پرسنلی در ماه نوامبر ضمن مورد توجه قرار دادن سرباز و سرباز یکم هایی که باید به جای سرباز یکم های متخصص، مأموران و کارگران تأمین نشده شخصی استخدام شوند، میزان نیاز خود به نیروهای وظیفه را مشخص می کنند.

تشخیص منبع:

ستاد کل ارتش ضمن بررسی اطلاعات داده شده برای منابع از طرف دایره آسال وزارت دفاع و اطلاعات احتیاجی نیروها، وضعیت منابع در دسترس و وضعیت اولویت را مورد توجه قرار داده تعداد سربازانی را که به هر نیرو تخصیص داده می شوند و نیز راهنمایی جذب را اعلام می نماید.

بخش افسران وظیفه:

ازدایره آسال وزارت دفاع موظفین به مراکز مختلف تست و معاینه فرستاده می شوند. نتیجه تست و معاینه به فرماندهی نیروی زمینی اطلاع داده می شود. سپس فرماندهی نیروی زمین با بررسی وضعیت منابع و احتیاج و اطلاعات تست و معاینه موظفین، را به دسته های زیر تقسیم می کند:

افسران وظیفه،

معلمین که باید به وزارت آموزش ملی فرستاده شوند،

سربازانی که شش ماه خدمت انجام می دهند.

افسران وظیفه و معلمین که باید به وزارت آموزش و پرورش فرستاده شوند به آموزشگاه های مختلف فرستاده شده و

در آن جا به مدت سه ماه آموزش مقدماتی می بینند و از کسانی که آموزش مقدماتی را تمام می کنند :

افسران وظیفه به مناطق و قرارگاه ها و واحدها اعزام می شوند،

معلمین به وزارت آموزش و پرورش اعزام می گردند.

در اثنای بررسی و طبقه بندی افراد مازاد بر احتیاج و کسانی که خدمت شش ماهه انجام می دهند، به مدت ۴۵ روز آموزش مقدماتی را می بینند، پرسنل تحت شرایط فوق پس از پایان آموزش مقدماتی به عنوان کمک استاد به مراکز آموزش سربازی یا به عنوان فرمانده دسته به واحدها فرستاده می شوند.

سرباز یکم ها و سربازها:

به دنبال انتشار راهنمای جذب سرباز از طرف ستاد کل ارتش، تخصیص و اطلاعات شغلی سرباز یکم ها و سربازهایی که در هر دوره به نیروی زمینی تخصیص داده می شوند از طرف دایره آسال مشخص می گردد. نیروی زمینی ۴۵ روز قبل از دوره طرح های مربوط به مراکز آموزش سربازان را به دایره آسال وزارت دفاع می فرستد و با توجه به این طرح، دایره آسال وزارت دفاع از کانال شعبه های جذب، موظفین را به مراکز آموزش می فرستد. وضعیت سرباز یکم ها و سربازان در اثنای آموزش سربازی به عهده ریاست پرسنلی نیروی زمینی است و سرباز یکم ها و سربازها توسط ریاست نیروی زمینی به وسیله رایانه تقسیم می شوند.

الف) خدمت سربازی بلندمدت:

مدت خدمت لیسانس وظیفه ها ۱۶ ماه است که ۴ ماه آن دوره آموزشی می باشد ، دارندگان مدارک دانشگاهی لیسانس به بالا در حین انجام خدمت زیر پرچم به درجه ستوان سومی نایل می گردند، در مواقع اعزام لیسانسیه ها و دارندگان مدارک بالاتر به خدمت، در کارت اعزام به خدمت رسته ها آن ها مشخص می شود. لذا با توجه به رسته مرکز آموزش آن ها نیز تعیین می گردد. لیسانس وظیفه ها در مدت ۳ ماه شبانه روزی می باشند و روزانه ۸ ساعت آموزش می بینند (مانند سربازان وظیفه از ۹ صبح تا ساعت ۲۰ و هر روز ۲ ساعت ورزش و ۲ ساعت هم آموزش شبانه دارند)

ب) خدمت سرباز کوتاه مدت (جهت دارندگان مدارک دانشگاهی):

مدت این خدمت ۸ ماه است و این در صورتی اجرا می گردد که دارندگان مدرک لیسانس به بالا بخواهند با درجه سربازی (سرباز عادی – سرباز یکم – سرجوخه) همانند سربازان عادی و دیپلمه خدمت نمایند و ارتش هم نیاز داشته باشند. در این صورت با مدرک لیسانس به بالا سرباز عادی شده و مانند آن ها خدمت می نمایند. یعنی می توان گفت با

قبول مشقت خدمتی و درجه پایتتر، در زمان صرفه جویی نموده و زمان خدمت خود را به ۸ ماه تقلیل داده و به جای درجه ستوان سومی در درجه سرباز عادی خدمت می کند.

جمع بندی وضعیت کلی ترکیه در رابطه با حرفه ای کردن ارتش:

مطالعه وضعیت کشور ترکیه نشان می دهد این کشور اگر چه دارای ویژگی هایی در زمینه ژئوپلیتیک در منطقه می باشد ولی جوان بودن ترکیب جمعیتی کشور ترکیه این فرصت را به آن کشور می دهد تا از نیروی جوان و با انگیزه برای رتق و فتق امور خود استفاده نماید. نکته مهم دیگر این که کشور ترکیه علیرغم اینکه دارای ارتشی به نسبت قدرتمند در منطقه می باشد اما نظیر فرانسه و انگلستان از قدرت هسته ای برخوردار نیست. مطالعه نشان می دهد که کشور ترکیه هنوز اقدام جدی را در خصوص حرفه ای کردن ارتش خود انجام نداده است. اگر چه مسئولین آن کشور تمایل به انجام چنین کاری را دارند ولی همچنان خدمت زیر پرچم در آن کشور اجباری است. در مجموع می توان بدینگونه اذعان کرد که مجموعه شاخص های موجود به دولت مردان ترکیه این اجازه را نمی دهد تا دست به اقدام جدی در خصوص حرفه ای ساختن ارتش خود بزنند و حداقل اینکه برخی از شاخص های کشورهایی چون فرانسه و انگلستان را در اختیار ندارند و آن شاخص ها می تواند هسته ای نبودن ترکیه، عضو دائمی شورای امنیت نبودن ترکیه، قدرت اقتصادی برتر نبودن ترکیه، صاحب صنعت و فناوری برتر نبودن ترکیه به دلیل وجود صنایع مونتاژ باشد. البته زمینه های سیاسی و اجتماعی نیز در این زمینه بی تأثیر نیست.

پاکستان، بودجه نظامی:

برخلاف روند جهانی، بودجه نظامی پاکستان رشد مداومی دارد. افزایش هزینه های دفاعی و پرداخت بدهی هایی که ایجاد می نماید، تأثیر جدی بر اقتصاد داشته است دلیل این موضوع این است که مجموع هزینه ها و بدهی ها، بیشتر درآمد پاکستان حاصل از مالیات های مستقیم و غیرمستقیم است. به طور کلی هزینه دفاعی ۴۰ درصد هزینه های دولت و بیش از ۲۰ برابر مخارج سالانه ای که صرف آموزش و بهداشت می شود را به خود اختصاص می دهد. مقدار بالای مخارج دفاعی هند، اسلام آباد را نگران ساخته است. سازمان نیروی زمینی تعداد نظامیان نیروی زمینی پاکستان در حدود ۵۲۰،۰۰۰ نفر است و نیاز به افزایش این تعداد وجود دارد. هیچ کاهشی در زمینه پذیرش سرباز وجود ندارد. کیفیت نیروها از سال ۱۹۷۰ با پذیرش تعدادی دانشجوی افسری با تحصیلات پایین در آکادمی نظامی پاکستان کاهش یافته بود. نظامیان قدیمی اصول آکادمی نظامی را رعایت می نمایند. اما مردم طبقه متوسط فرزندان خود را ترغیب به رفتن کالج های معتبر غیر نظامی می نمایند تا پیوستن به نیروهای فقیر نیروی زمینی، قرارگاه فرماندهی در راولپندی می باشد و هر چند طرح انتقال آن به اسلام آباد وجود دارد ولی به نظر می رسد این امر به زودی محقق نگردد. نیروهای شبه نظامی پاکستان زیر نظر مستقیم وزارت

کشور در زمان صلح (زیر نظر GHQ در زمان جنگ) می باشند. تعداد آن ها در حدود ۱۰۰،۰۰۰ نفر، مستقل از ارتش و نیروهای دریایی می باشند و مسئولیت های آن ها حفظ تمامیت ارضی و طبقه بندی های اقتصادی می باشد. کارمندان آن از نیروهای حرفه ای تأمین می گردند.

جمع بندی وضعیت کلی پاکستان در رابطه با حرفه ای کردن ارتش:

پاکستان از لحاظ جمعیت نسبت به کشورهای دیگر قابل قیاس نیست و به همین صورت از لحاظ اقتصادی نمی تواند با کشوری برابری کند. اما با این وجود از لحاظ ژئوپلیتیکی در شرایط مهمی قرار دارد و از آن مهمتر اینکه کشوری است دارای قدرت هسته ای.

کشور پاکستان برحسب آمار و ارقام موجود کشوری فقیر که اکثریت مردم آن کشاورز هستند شناخته می شود. اما نکته مهم اینکه مردم پاکستان به کمبود درآمد و نوعی ریاضت اقتصادی عادت کرده و لذا این مسأله دست دولت مردان آن کشور را باز گذاشته تا بالغ بر چهل درصد هزینه های عمومی کشور را به امور نظامی اختصاص دهند. کشور پاکستان از لحاظ وضعیت نظامی با سه کشور دیگر تفاوت هایی دارد. این کشور سالهاست که نوعی حرفه ای گری را در ارتش خود پیاده کرده است. اگر چه دلایل و شرایط ارتش حرفه ای در پاکستان نسبت به کشورهای دیگر متفاوت است اما اینگونه به نظر می رسد حاکمیت نظامیان در آن کشور و جمعیت قابل توجه این فرصت را برای مقامات نظامی آن کشور به وجود آورد تا بتوانند نوعی حرفه ای گری را در ارتش پیاده کنند. وجود درآمد مناسب و ثابت در محیط نظامی جوانان جویای کار را به آسانی به سوی خود جذب می کند و در نتیجه مسئولین آن کشور را از فراخوانی اجباری جوانان برای خدمت سربازی بی نیاز می نمایند.

سخن پایانی:

جمله معروفی وجود دارد با این مضمون که: "چاقو در دست یک جراح برای نجات یک شخص به کار می رود اما چاقو در دست یک قاتل، برای گرفتن جان یک شخص...". از این مثل به روشنی مشخص است که نتیجه به کارگیری یک وسیله، ابزار یا یک سیستم تنها به ذات و تعریف موجود برای آن سیستم وابسته نیست، بلکه استفاده کننده است که نتیجه کاربرد آن را تعیین می کند. بارها از خود پرسیده ام چرا در کشوری که گرم ترین نقطه جهان در آن واقع شده است (۷۰٫۷ درجه سانتی گراد، دشت لوت در استان کرمان) از انرژی رایگان، پاک و تجدیدپذیر خورشیدی برای تولید انرژی، آنطور که باید و شاید استفاده نمی شود!! همچنین پدیده بادهای ۱۲۰ روزه سیستان که گاهی تا ۱۷۰ روز به طول می انجامد و دارای سرعت بالا و پیوستگی زیاد هستند به جای آن که یک موهبت دیده شوند به چشم یک تهدید انگاشته می شوند و در راستای تولید انرژی از آن ها بهره ای برده نمی شود!!!! اما به جای استفاده از این گونه انرژی های رایگان، خدادادی، تجدیدپذیر، سالم و نیز ارزان در مرحله راه اندازی، نظام جمهوری اسلامی مرتباً اصرار بر بهره برداری از انرژی هستی دارد که نه تنها انرژی تجدید ناپذیر و نا سالم برای محیط زیست بوده، بلکه برای کشور با توجه به نبود تکنولوژی و یا داشتن تکنولوژی دسته چندم کشورهای منفعت طلب چون چین و روسیه، بسیار گران تمام می شود. اینجاست که مثل فوق به ذهن خطور می کند که با سابقه این رژیم در موارد متعدد و مرور در تاریخ، کشورهای مخالف، نظام را به مثابه قاتلی چاقوبه دست می بینند که برای همه خطر آفرین است چرا که از طرفی مقرون به صرفه نبودن انرژی هسته ای در قبال انرژی های ذکر شده فوق در مقابل منافع ناچیز حاصله از آن موجه نیست و از طرف دیگر تهدید های گاه و بی گاه سایر کشور ها توسط سردم داران نظام، سران قدرت های جهانی و حتی کشورهای همسایه را به فکر فرو برده و در نتیجه مخالفت آن ها و اعمال ابزارهایی چون تحریم را در پی دارد.

جنگ هشت ساله ایران و عراق بعد از جنگ جهانی دوم طولانی ترین جنگ تاریخ می باشد، جنگی با حدود ۲ میلیون کشته و معلول، میلیون ها آواره، هزاران روستا و ده ها شهر ویران و حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار خسارت!!! اما چگونه با وجود این همه خسارت آشکار و چندین برابر آن خسارت پنهان، روح اله خمینی جنگ را نعمت می نامید؟؟؟ چرا قننامه های ۴۷۹ و ۵۱۱ و نیز هر گونه میانجیگری از جانب کشور های دیگر که همگی توسط صدام حسین پذیرفته شدند، از جانب رژیم ایران رد می شدند و علاوه بر آن شعارهای جدید و تند تری همچون "راه قدس از کربلا می گذرد" و... نیز بوجود می آمدند که دلالت بر ادامه جنگ توسط ایران داشت. اما دلیل این عمل چه بود؟ پاسخ را در سخنان گوبلز وزیر تبلیغات هیتلر

می توان یافت. گوبلز گفته است: " ما به دوست نیاز نداریم بلکه به دشمن نیاز داریم، حکومت باید برای ملت، دشمن خارجی و یا حتی داخلی بسازد و در نبود آن ها دشمن خیالی بسازد، رمز موفقیت و ماندگاری حکومت در بحران و جنگ می باشد، اگر جنگ و بحران نباشد مردم طلبکار حکومت می شوند ".

پس از انقلاب ایران و پسرفت به یک حکومت دینی دیکتاتور و ایدئولوژیک به جای یک حکومت دموکراسی که خواست مردم بود و عدم پاسخگوئی ایدئولوژی حکومت جدید در مورد نیاز های جامعه شامل رفاه، عدالت، بهداشت، مسکن و آزادی و .. راه بقای حکومت تازه تاسیس اسلامی برای خاموش کردن صدای آزادی و خالی کردن پتانسیل آزاد شده بعد از انقلاب و گمراه کردن مردم ؛ سوء استفاده از حس وطن پرستی ملت برای راه اندازی یک جنگ بود. تحریک های خمینی و عوامل رژیم همگی سبب گرفتن آرایش جنگی توسط حکومت صدام شد. از این دست تحریکات می توان به پاسخ خمینی در جواب تبریک انقلاب توسط صدام حسین اشاره کرد: " سلام برای کسی که از ما تبعیت می کند "، این جمله در حکومت های اسلامی نشان اعلان جنگ به طرف مقابل می باشد. از این دست تحریکات در تاریخ پیش از جنگ فراوان می باشد. با شروع و ادامه جنگ بارها تقاضاهای آتش بس و صلح توسط ایران رد شد که حتی صدام در سخنانی اشاره کرد که: ما می جنگیم تا خمینی انعطاف نشان دهد (ضعیف شود)، خمینی هر وقت بداند ضررش بیشتر از نفعش است صلح را می پذیرد مشابه گروگان گیری سفارت آمریکا که خودش مجبور به آزاد سازی آن ها شد. هیچ قطعنامه و پیشنهادی در جهت صلح نبوده که ما به آن بله نگفته باشیم ".

در نهایت خمینی قطعنامه شماره ۵۹۸ را پس از هشت سال جنگ خانمان سوز پذیرفت. و در این مدت زمان حکومت دیکتاتوری اسلامی مورد نظر خود را در جامعه ای که در گیر بحران و جنگ بود مستقر ساخت.

هدف از ذکر مطالب فوق جلب توجه خوانندگان به یک موضوع بسیار مهم بود. در حالی که حکومت ، جنگ فوق را امری "مقدس" می نامد، مشاهده شد که در پشت پرده آن اهداف پلید و سیاهی نهفته بود که تنها برای رسیدن به آن ها این جنگ ترتیب داده شد. در این راه چه خون ها یی که ریخته نشد و چه جوانانی که برای دفاع از خاک وطن، جان خود را از دست ندادند. این سیستم جمهوری اسلامی پس از جنگ ۸ ساله نیز روند خود را به شکل دیگری ادامه داد و در نقاط مختلف چون فلسطین، لبنان، سوریه و .. اقدام به ایجاد بحران برای ادامه بقای خود نمود. در این راه تنها چیزی که برای حکومت فاقد ارزش می باشد جان جوانان است که در راه رسیدن حکومت به اهداف خود می بایست فدا شود. حال نکته مهم اینجاست که اکثر این جوانان به صورت اجباری و بدون آگاهی ، توسط حکومت به سربازی فرستاده می شوند تا در نهایت برای جنگی دیگر که یا در حال انجام است (در مناطق بحران زده شده توسط حکومت ایران) و یا در آینده به راه انداخته خواهد شد، راهی جبهه ها شوند.

حال این نیروی جوان در هر کشور دقیقا حکم همان مثل چاقوی فوق را داراست، هر کشور می تواند آنان را در جهت پیشرفت کشور و ملت تعلیم و آموزش دهد و آینده خود را تضمین کند؛ یا اینکه مانند حکومت جمهوری اسلامی از این جوانان به اجبار درراه رسیدن به اهداف خود استفاده و این سرمایه خدادادی را تلف نماید.

در پایان از شما خواننده گرامی کمال تشکر را دارم و صمیمانه از شما تقاضا می کنم نسبت به آگاه سازی اطرافیان خود پیرامون مسائل عنوان شده در این کتاب کوشا باشید.

با تشکر فراوان

دوستدار شما

رضا سلیمانی

آبان ۱۳۹۷

پیوست ۱: اعلامیه جهانی حقوق بشر:

"اعلامیه جهانی حقوق بشر"

اعلامیه جهانی حقوق بشر یک پیمان بین‌المللی است که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسیده است. این اعلامیه نتیجه مستقیم جنگ جهانی دوم بوده و برای اولین بار حقوقی را که تمام انسان‌ها مستحق آن هستند را به صورت جهانی بیان می‌دارد. متن کامل این بیانیه بر روی وب‌گاه سازمان ملل متحد منتشر شده است.

اعلامیه مذکور شامل سی ماده است که به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر می‌پردازد. مفاد این اعلامیه حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی‌ای را که تمامی انبای بشر در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند را مشخص کرده است. لایحه جهانی حقوق بشر از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دو پروتکل انتخابی آن تشکیل شده است. در سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی دو لایحه جزئی‌تر مذکور را به تصویب رساند. در سال ۱۹۷۶ هنگامی که لایحه جهانی حقوق بشر توسط تعداد کافی از ملت‌ها مورد تأیید قرار گرفت، به حقوق بین‌الملل تبدیل شد.

مفاد این اعلامیه از نظر بسیاری از پژوهشگران الزام‌آور بوده و از اعتبار حقوق بین‌الملل برخوردارست، زیرا به صورت گسترده‌ای پذیرفته شده و برای سنجش رفتار کشورها به کار می‌رود. کشورهای تازه استقلال یافته به زیادی به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر استناد کرده و آن را در قوانین بنیادی یا قانون اساسی خود گنجانده‌اند.

تاریخچه:

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سه سال پس از تأسیس سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، که هدف آن برقراری تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم بود در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید، روزی که اینک در سراسر جهان به عنوان روز بین‌المللی حقوق بشر گرامی داشته می‌شود.

پس از فاجعه تاریخی ناسیونال سوسیالیسم در آلمان نازی و جنایات نژادپرستانه آدولف هیتلر علیه یهودیان و جنایات او علیه دگراندیشان، مخالفان و مردم کشورهای دیگر، اتحادی جهانی برای تشکیل یک نظم نوین جهانی به وجود آمد، که قرار شد بر پایه ارزش‌های مدرن حقوق بشر مقرر شود. فعالان و اندیشمندان حقوق بشر به این امر واقف بودند، که پیروزی بر دیکتاتوری نازی‌ها و دولت‌هایی که متحدین آلمان نازی بودند، به تنهایی نمی‌تواند به صلح سیاسی در جهان منجر شود.

پیش از ورود ایالات متحده آمریکا به جنگ جهانی دوم، رئیس‌جمهوری آمریکا، فرانکلین روزولت، و نخست‌وزیر انگلستان، وینستون چرچیل، در اوت ۱۹۴۱ و قتیکه در یک کشتی جنگی انگلیسی به نام «پرینس آف ویلس» حضور داشتند، «منشور آتلانتیک» را به جهان اعلام کردند. هدف «منشور آتلانتیک» بنیانگذاری صلح نوین جهانی بود، که قرار است در آن «همه انسان‌ها در همه کشورهای جهان یک زندگی آزاد و بدون فقر داشته باشند».

در ژانویه ۱۹۴۲ بیست و پنج کشور عضو «ائتلاف ضد هیتلری» بیانیه سازمان ملل را امضاء کردند. همه این رویدادهای تاریخی پله‌هایی بودند که به تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر منتهی شدند. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوبه ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی دستاوردی است که به دنبال جنگ جهانی دوم شکل گرفت. آزادی‌هایی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح هستند توسط رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، فرانکلین روزولت، در ژانویه ۱۹۴۱، یعنی هفت سال قبل از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، در کنگره آمریکا مطرح شده بودند. روزولت به شهروندان آمریکایی و به شهروندان تمام جهان پیام و نوید چهار آزادی را برای آینده جهان بشری داده بود:

۱. آزادی بیان،

۲. آزادی عقیده،

۳. رهایی از هر نوع ترس

۴. رهایی از فقر.

این چهار آزادی از یک سو هدف اول مورد حمله از سوی حاکمان هر دیکتاتوری و از سوی دیگر میزان ابتدایی نوع آزادی در یک کشور هستند. در جامعه‌ای که انسان‌ها نتوانند بصورت آزاد افکار خود را بیان کنند و در آن مورد بنویسند، در جامعه‌ای که انسان‌ها اجازه ندارند آزادانه به دین، یا فلسفه و جهانبینی یا به یک هدف سیاسی اعتقاد داشته باشند، در جامعه‌ای که مقامات کشور با هدف به وجود آوردن رعب و وحشت و ترس مردم را سرکوب می‌کنند و امنیت مردم را نابود می‌کنند و در جامعه‌ای که مقامات کشور نتوانند حداقل رفاه زندگی را برای همه شهروندان فراهم کنند، ابتدایی‌ترین شرایط یک زندگی آزاد از بین برده شده است. به این خاطر بود که روزولت بر این چهار مورد آزادی پافشاری می‌کرد.

در مقدمه این اعلامیه آمده که هدف این حقوق جدید بشری، تبلور آرمان مشترکی است که برای همه ملل این جهان است. در جمله اول این مقدمه به فاجعه اعمال وحشیانه ناسیونال سوسیالیسم آلمان اشاره شده و به اهمیت حقوق نوین بشری صحنه گذاشته می‌شود: «... از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد، عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته؛ و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است...»

این نکات متعاقباً در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مطرح شدند. البته خواست‌های آزادی دین و بیان هم در دهه هفتاد قرن هجدهم در انقلاب آمریکا و هم در دهه هشتاد قرن هجدهم در انقلاب فرانسه مطرح شده بودند. ایده آزادی و رهایی از ترس و فقر تصوراتی بدعت آور بودند که آرمان‌های حقوق بشری را برای شهروندان همه کشورها در سطح جهانی منقلب کردند. این خواست نیز قبلاً در برنامه «نیو دیل» توسط رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا فرانکلین روزولت مطرح شده بود و تجلی سیاست اجتماعی او در جواب به بحران اقتصاد جهانی سال‌های اول دهه سوم قرن بیستم بود. روزولت به این نتیجه رسیده بود که سیاست کشور باید در بازار آزاد دخالت کند تا حق اقتصادی و اجتماعی فقرا پایمال نشود. هدف روزولت بهبودی وضع اقتصادی و اجتماعی ناتوان‌ترین و فقیرترین قشرها جامعه بود. روزولت با پیش بردن برنامه اقتصادی سیاسی «نیو دیل» که به گمان خودش یک نوع «سند حقوقی دوم» بود، امکانات حقوقی، اجتماعی و اقتصادی جدیدی را برای بهبود وضع توده‌های فقیر در آمریکا به وجود آورد. در ماه آوریل ۱۹۴۵ ایالات متحده آمریکا همراه با چندین کشور دیگر، باقی دولت‌های جهان را برای تأسیس سازمان ملل متحد به سانفرانسیسکو دعوت کردند. یک سال پیش از آن، یعنی در سال ۱۹۴۴ در واشینگتن، طرحی توسط کشورهای بزرگ غربی برای تأسیس یک سازمان بین‌المللی ریخته شده بود. قرار بر این بود که سازمان جدیدی به نام سازمان ملل متحد جایگزین اتحادیه ملل شود که در دهم ژانویه ۱۹۲۰ تأسیس شده بود. متعاقباً سازمان ملل متحد در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ تأسیس شد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ قطعنامه ۲۱۷، یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر را در پاریس به تصویب رساند.

آنا الینر روزولت، یکی از مهم‌ترین مؤلفین اعلامیه جهانی حقوق بشر، و رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد بود. او همسر سی و دومین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، فرانکلین روزولت، نیز بود.

تصویب:

در روز ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ میلادی اعلامیه جهانی با ۴۸ رأی موافق، بدون رأی مخالف و ۸ نماینده غایب به تصویب رسید. شوروی، جمهوری سوسیالیستی شوروی اوکراین، جمهوری سوسیالیستی بلاروس شوروی، جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی، جمهوری خلق لهستان، چکسلواکی، عربستان سعودی و اتحادیه آفریقای جنوبی هشت نماینده‌ای بودند که در جلسه تصویب حضور نداشتند. هندوراس و یمن (که در آن دوره جزو کشورهای عضو بودند) رأی ممتنع دادند.

عدم حضور اتحادیه آفریقای جنوبی را می‌توان به دلیل نظام آپارتاید دانست، که عملکرد آن مستقیماً با تعدادی از مواد بیانیه در تناقض است. غیبت نماینده عربستان سعودی نیز به دلیل مخالفت با ۲ ماده از اعلامیه بود: ماده ۱۸ که به همگان «حق تغییر دین و باور» می‌دهد و ماده ۱۶ که در مورد «برابری حقوق در ازدواج» سخن می‌گوید. النور روزولت دلیل غیبت شوروی را ماده ۱۳ بیانیه می‌داند که به شهروندان اجازه می‌دهد تا کشور خود را ترک کنند. لیست سایر کشورها که رأی مثبت دادند به شرح زیر می‌باشد:

کشورهای زیر به اعلامیه رأی مثبت دادند:

<u>هند</u>	<u>کوبا</u>	<u>افغانستان</u>
<u>ایران</u>	<u>دانمارک</u>	<u>آرژانتین</u>
<u>عراق</u>	<u>جمهوری دومینیکن</u>	<u>استرالیا</u>
<u>لبنان</u>	<u>اکوادور</u>	<u>بلژیک</u>
<u>لیبریا</u>	<u>مصر</u>	<u>بولیوی</u>
<u>لوکزامبورگ</u>	<u>السالوادور</u>	<u>برزیل</u>
<u>مکزیک</u>	<u>اتیوپی</u>	<u>میانمار</u>
<u>هلند</u>	<u>فرانسه</u>	<u>کانادا</u>
<u>نیوزیلند</u>	<u>یونان</u>	<u>شیلی</u>
<u>نیکاراگوئه</u>	<u>گواتمالا</u>	<u>چین</u>
<u>نروژ</u>	<u>هایتی</u>	<u>کلمبیا</u>
<u>پاکستان</u>	<u>ایسلند</u>	<u>کاستاریکا</u>

انگلستان

سیام (تایلند امروزی)

پاناما

ایالات متحده آمریکا

سوئد

پاراگوئه

اوروگوئه

سوریه

پرو

ونزوئلا

ترکیه

فیلیپین

با وجود نقش کلیدی جان هامفری کانادایی، دولت کانادا حاضر به دادن رأی موافق به پیش‌نویس نشد اما در نهایت در مجمع عمومی به نسخه نهایی رأی مثبت داد.

پروتکل‌های اختیاری:

اعلامیه جهانی حقوق بشر همراه با دو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق مدنی و سیاسی مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند.

ترجمه‌ها:

بنا به گزارش کتاب رکوردهای گینس، اعلامیه جهانی حقوق بشر رکورد بیشترین ترجمه را در بین مکتوبات در طول تاریخ به خود اختصاص داده است. متن آن تا به حال به ۳۰۰ زبان مختلف ترجمه شده است.

متن اعلامیه جهانی حقوق بشر:

مقدمه:

از آنجا که بازشناسی حرمت ذاتی آدمی و حقوق برابر و سلب ناپذیر تمامی اعضای خانواده بشری بنیان آزادی، عدالت و صلح در جهان است،

از آنجا که بی‌اعتنایی و تحقیر حقوق انسان به انجام کارهای وحشیانه انجامیده به طوری که وجدان آدمی را در رنج افکنده است، و پدید آمدن جهانی که در آن تمامی ابناء بشر از آزادی بیان و عقیده برخوردار باشند و به رهایی از هراس و نیازمندی رسند، به مثابه عالترین آرزوی همگی انسانها اعلام شده است،

از آنجا که بایسته است تا آدمی، به عنوان آخرین راهکار، ناگزیر از شوریدن علیه بیدادگری و ستمکاری نباشد، به پاسداری حقوق بشر از راه حاکمیت قانون همت گمارد،

از آنجا که بایسته است تا روابط دوستانه بین ملتها گسترش یابد،

از آنجا که مردمان «ملل متحد» در «منشور»، ایمان خود به اساسی‌ترین حقوق انسانها، در حرمت و ارزش نهادن به شخص انسان را نشان داده و در حقوق برابر زن و مرد هم پیمان شده‌اند و مصمم به ارتقای توسعه اجتماعی و بهبود وضعیت زندگی در فضای آزادترند،

از آنجا که «ممالک عضو»، در همیاری با «ملل متحد»، خود را متعهد به دستیابی به سطح بالاتری از حرمت جهانی برای حقوق بشر و آزادی‌های زیربنایی و دیده بانی آن کرده‌اند،

از آنجا که فهم مشترک از چنین حقوق و آزادی‌ها از اهم امور برای درک کامل چنین تعهدی است،

بنابراین، هم اکنون، «مجمع عمومی»، این «اعلامیه جهانی حقوق بشر» را به عنوان یک استاندارد مشترک و دستاورد تمامی ملل و ممالک اعلان می‌کند تا هر انسان و هر عضو جامعه با به خاطر سپاری این «اعلامیه»، به جد در راه یادگیری و آموزش آن در جهت ارتقای حرمت برای چنین حقوق و آزادی‌هایی بکوشد و برای اقدام‌های پیشبرنده در سطح ملی و بین‌المللی تلاش کند تا [همواره] بازشناسی مؤثر و دیده بانی جهانی [این حقوق] را چه در میان مردمان «ممالک عضو» و چه در میان مردمان قلمروهای زیر فرمان آن‌ها [تحصیل و] تأمین نماید.

مواد اعلامیه:

ماده ۱:

تمام ابناء بشر آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق با هم برابرند. عقلانیت و وجدان به آن‌ها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر برادرانه رفتار کنند.

همه انسان ها بی هیچ تمایزی از هر سان که باشند، اعم از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگری، خاستگاه اجتماعی و ملی، [وضعیت] دارایی، [محل] تولد یا در هر جایگاهی که باشند، سزاوار تمامی حقوق و آزادی های مطرح در این «اعلامیه» اند. به علاوه، میان انسان ها بر اساس جایگاه سیاسی، قلمرو قضایی و وضعیت بین المللی مملکت یا سرزمینی که فرد به آن متعلق است، فارغ از اینکه سرزمین وی مستقل، تحت قیمومت، غیر خودمختار یا تحت هر گونه محدودیت در حق حاکمیت خود باشد، هیچ تمایزی وجود ندارد.

هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است.

هیچ احدی نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشته شود: بردگی و داد و ستد بردگان از هر نوع و به هر شکلی باید باز داشته شده و ممنوع شود.

هیچ کس نمی بایست مورد شکنجه یا بیرحمی و آزار، یا تحت مجازات غیر انسانی و یا رفتاری قرار گیرد که منجر به تنزل مقام انسانی وی گردد.

هر انسانی سزاوار و محق است تا همه جا در برابر قانون به عنوان یک شخص به رسمیت شناخته شود.

همه در برابر قانون برابرند و همگان سزاوار آن اند تا بدون هیچ تبعیضی به طور برابر در پناه قانون باشند. همه انسان ها محق به پاسداری و حمایت در برابر هر گونه تبعیض که ناقض این «اعلامیه» است. همه باید در برابر هر گونه عمل تحریک آمیزی که منجر به چنین تبعیضاتی شود، حفظ شوند.

هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی مؤثر به مراجع دادرسی از طریق محاکم ذی صلاح ملی در برابر نقض حقوق اولیه ای است که قوانین اساسی یا قوانین عادی برای او برشمرده و به او ارزانی داشته اند.

ماده ۹:

هیچ احدی نباید مورد توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه قرار گیرد.

ماده ۱۰:

هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند.

ماده ۱۱:

هر شخصی متهم به جرمی کیفری، سزاوار و محق است تا زمان احراز و اثبات جرم در برابر قانون، در محکمه‌ای علنی که تمامی حقوق وی در دفاع از خویشتن تضمین شده باشد، بیگناه تلقی شود.

هیچ احدی به حسب ارتکاب هر گونه عمل یا ترک عملی که مطابق قوانین مملکتی یا بین‌المللی، در زمان وقوع آن، حاوی جرمی کیفری نباشد، نمی‌بایست مجرم محسوب گردد. همچنین نمی‌بایست مجازاتی شدیدتر از آنچه که در زمان وقوع جرم [در قانون] قابل اعمال بود، بر فرد تحمیل گردد.

ماده ۱۲:

هیچ احدی نمی‌بایست در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زندگی یا مکاتبات شخصی، تحت مداخله [و مزاحمت] خودسرانه قرار گیرد. به همین سیاق شرافت و آبروی هیچ کس نباید مورد تعرض قرار گیرد. هر کسی سزاوار و محق به حفاظت قضایی و قانونی در برابر چنین مداخلات و تعرضاتی است.

ماده ۱۳:

هر انسانی سزاوار و محق به داشتن آزادی جابه جایی [حرکت از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر] و اقامت در [در هر نقطه‌ای] درون مرزهای مملکت است.

هر انسانی محق به ترک هر کشوری، از جمله کشور خود، و بازگشت به کشور خویش است.

ماده ۱۴:

هر انسانی سزاوار و محق به پناهجویی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای پناه دهنده در برابر پیگرد قضایی است.

چنین حتی در مواردی که پیگرد قضایی منشأیی غیرسیاسی داشته باشد و یا نتیجه ارتکاب عملی مغایر با اهداف و اصول «ملل متحد» باشد، ممکن است مورد استناد قرار نگیرد.

ماده ۱۵:

هر انسانی سزاوار و محق به داشتن تابعیتی [ملیتی] است.

هیچ احدی را نمی‌بایست خودسرانه از تابعیت [ملیت] خویش محروم کرد، و یا حق تغییر تابعیت [ملیت] را از وی دریغ نمود.

ماده ۱۶:

مردان و زنان بالغ، بدون هیچ گونه محدودیتی به حیث نژاد، ملیت، یا دین حق دارند که با یکدیگر زناشویی کنند و خانواده‌ای بنیان نهند. همه سزاوار و محق به داشتن حقوقی برابر در زمان عقد زناشویی، در طول زمان زندگی مشترک و هنگام فسخ آن هستند.

عقد ازدواج نمی‌بایست صورت بندد مگر تنها با آزادی و رضایت کامل همسران که خواهان ازدواجند.

خانواده یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه است و سزاوار است تا به وسیله جامعه و «حکومت» نگهداری شود.

ماده ۱۷:

هر انسانی به تنهایی یا با شراکت با دیگران حق مالکیت دارد.

هیچ کس را نمی‌بایست خودسرانه از حق مالکیت خویش محروم کرد.

ماده ۱۸:

هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، وجدان و دین است؛ این حق شامل آزادی دگراندیشی، تغییر مذهب [دین]، و آزادی علنی [و آشکار] کردن آئین و ابراز عقیده، چه به صورت تنها، چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران، در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و دیده بانی آن در محیط عمومی و یا خصوصی است.

ماده ۱۹:

هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌ای بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت]، و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است.

ماده ۲۰:

هر انسانی محق به آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن های مسالمت آمیز است.

هیچ کس نمی بایست مجبور به شرکت در هیچ انجمنی شود.

ماده ۲۱:

هر شخصی حق دارد که در مدیریت دولت کشور خود، مستقیماً یا به واسطه انتخاب آزادانه نمایندگان شرکت جوید.

هر شخصی حق دسترسی برابر به خدمات عمومی در کشور خویش را دارد.

اراده مردم می بایست اساس حاکمیت دولت باشد؛ چنین اراده ای می بایست در انتخاباتی حقیقی و ادواری اعمال گردد که مطابق حق رأی عمومی باشد که حق جهانی و برابر برای همه است. رأی گیری از افراد می بایست به صورت مخفی یا به طریقه ای مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین کند.

ماده ۲۲:

هر کسی به عنوان عضوی از جامعه حق دارد از امنیت اجتماعی برخوردار بوده و از راه کوشش در سطح ملی و همیاری بین المللی با سازماندهی منابع هر مملکت، حقوق سلب ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را برای حفظ حیثیت و رشد آزادانه شخصیت خویش، به دست آورد.

ماده ۲۳:

هر انسانی حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خویش را انتخاب کند، شرایط کاری منصفانه مورد رضایت خویش را دارا باشد و سزاوار حمایت در برابر بیکاری است.

هر انسانی سزاوار است تا بدون رواداشت هیچ تبعیضی برای کار برابر، مزد برابر دریافت نماید.

هر کسی که کار می کند سزاوار دریافت پاداشی منصفانه و مطلوب برای تأمین خویش و خانواده خویش موافق با حیثیت و کرامت انسانی بوده و نیز می بایست در صورت نیاز از پشتیبانی های اجتماعی تکمیلی برخوردار گردد.

هر شخصی حق دارد که برای حفاظت از منافع خود اتحادیه صنفی تشکیل دهد و یا به اتحادیه های صنفی بپیوندد.

ماده ۲۴:

هر انسانی سزاوار استراحت و اوقات فراغت، زمان محدود و قابل قبولی برای کار و مرخصی های دوره ای همراه با

حقوق است.

هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در زمان‌های بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد.

دوره مادری و دوره کودکی سزاوار توجه و مراقبت ویژه است. همه کودکان، اعم از آن که با پیوند زناشویی یا خارج از پیوند زناشویی به دنیا بیایند، می‌بایست از حمایت اجتماعی یکسان برخوردار شوند.

آموزش و پرورش حق همگان است. آموزش و پرورش می‌بایست، دست کم در دروهای ابتدایی و پایه، رایگان در اختیار همگان قرار گیرد. آموزش ابتدایی می‌بایست اجباری باشد. آموزش فنی و حرفه‌ای نیز می‌بایست قابل دسترس برای همه مردم بوده و دستیابی به آموزش عالی به شکلی برابر برای تمامی افراد و بر پایه شایستگی‌های فردی صورت پذیرد.

آموزش و پرورش می‌بایست در جهت رشد همه جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری [تسامح] و دوستی میان تمامی ملت‌ها و گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به برنامه‌های «ملل متحد» در راه حفظ صلح یاری رساند.

پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود برتری دارند.

هر شخصی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع خویش همکاری کند، از گونه‌های مختلف هنرها برخوردار گردد و در پیشرفت علمی سهم گشته و از منافع آن بهره‌مند شود.

هر شخصی به عنوان آفرینشگر، حق حفاظت از منافع مادی و معنوی حاصل از تولیدات علمی، ادبی یا هنری خویش را داراست.

هر شخصی سزاوار نظامی اجتماعی و بین‌المللی است که در آن حقوق و آزادی‌های مطرح در این «اعلامیه» به تمامی تأمین و اجرائی گردد.

هر فردی در برابر جامعه اش که تنها در آن رشد آزادانه و همه جانبه او میسر می گردد، مسئول است.

در تحقق آزادی و حقوق فردی، هر کس می بایست تنها زیر محدودیت هایی قرار گیرد که به واسطهء قانون فقط به قصد امنیت در جهت بازشناسی و مراعات حقوق و آزادی های دیگران وضع شده است تا اینکه پیش شرط های عادلانهء اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه مردمسالار تأمین گردد.

این حقوق و آزادی ها شایسته نیست تا در هیچ موردی خلاف با هدف ها و اصول «ملل متحد» اعمال شوند.

در این «اعلامیه» هیچ چیز نباید به گونه ای برداشت شود که برای هیچ «حکومت»، گروه یا فردی متضمن حقی برای انجام عملی به قصد از میان بردن حقوق و آزادی های مندرج در این «اعلامیه» باشد.

پیوست ۲: مخالف وجدانی سربازی:

"مخالف با سربازی"

مخالف با سربازی فردی است که بر اساس آزادی فکر، وجدان و یا دین خواهان حق خودداری از انجام خدمت نظامی است. به طور کلی وضعیت مخالف با سربازی تنها در زمینه سربازگیری اجباری لحاظ می شود و قابل اعمال به نیروهای نظامی داوطلب نیست.

تعریف بین المللی مخالفت با سربازی در ۸ مارس ۱۹۹۵ به بیان قطعنامه ۸۳/۱۹۹۵ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که «اشخاص گذراننده خدمت نظامی نباید از حق مخالفت با خدمت سربازی بازداشته شوند» گسترده تر شد. در ادامه ترجمه متن این قطعنامه را می توانید مطالعه کنید:

خودداری از خدمت سربازی به دلایل وجدانی

قطعنامه شماره ۸۳/۱۹۹۵ کمیسیون حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر

با تاکید مجدد بر آن که کلیه ی کشورهای عضو تعهد دارند که حقوق بشر و آزادی های اساسی را ترویج کرده و مورد حمایت قرار دهند و به تعهداتی که تحت اسناد مختلف بین المللی حقوق بشری، منشور سازمان ملل و حقوق بشردوستانه برعهده گرفته اند عمل کنند ،

با در نظر داشتن آنکه در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و قرارداد بین المللی، حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده که هر کس حق زیستن، آزادی و امنیت شخصی و نیز حق آزادی تفکر، وجدان [آسوده] و مذهب دارد ،

با در نظر گرفتن این امر که برخی کشورها امکان خدمت غیررزمی در چارچوب ارتش و گاهی خدمات شهروندی آلترناتیو را فراهم می کنند، گرچه در قانون داخلی شان در رابطه با برسمیت شناختن خودداری از خدمت سربازی به دلایل وجدانی هیچ ماده ای تصریح نشده است،

با اشاره به تفسیر عمومی شماره ی ۲۲ (۴۸) کمیته ی حقوق بشر در مورد ماده ی ۱۸ از قرارداد بین المللی حقوق سیاسی و مدنی که در آن کمیته در کنار دیگر موارد، این نظر را بیان کرد که حق خودداری از خدمت سربازی به دلایل وجدانی را می توان از ماده ی ۱۸ استنباط کرد و اینکه وقتی این حق توسط قانون یا در عمل برسمیت شناخته شد، بین خودداری کنندگان وجدانی بر اساس ماهیت اعتقادات خاصشان هیچ گونه تبعیضی نمی بایست وجود داشته باشد و اینکه همچنین هیچ گونه تبعیضی نمی بایست بر علیه خودداری کنندگان وجدانی به خاطر خودداری از انجام خدمت سربازی وجود داشته باشد.

با علم به آنکه افرادی که در حال انجام خدمت سربازی هستند ممکن است به دلایل وجدانی از خدمت سربازی خودداری کنند و با اذعان به اینکه خودداری از خدمت سربازی به دلایل وجدانی ناشی از اصول و علل وجدانی از جمله اعتقاد عمیق ناشی از انگیزه های دینی، اخلاقی، بشردوستانه یا نظایر آن است:

۱. توجه را به حق هر کس برای خودداری از خدمت سربازی به دلایل وجدانی به عنوان اعمال مشروع حق آزادی فکر، وجدان و مذهب، آنطور که در ماده ی ۱۸ از بیانیه ی جهانی حقوق بشر و نیز ماده ی ۱۸ از قرارداد بین المللی حقوق سیاسی و مدنی مطرح شده، جلب می نمایم،

۲. تایید می کنیم که افرادی که در حال انجام خدمت نظامی هستند را نبایستی از حق خودداری از خدمت سربازی به دلایل وجدانی مستثنی نمود،

۳. از دولت ها درخواست داریم که اگر تابحال چنین نکرده اند، قانون را به تصویب رسانده و اقداماتی با هدف معاف کردن از خدمت سربازی بر اساس اعتقاد صادقانه به خودداری از خدمت سربازی به دلایل وجدانی در پیش گیرند،

۴. مصرانه از دولت ها می خواهیم که در قانونشان بین خودداری کنندگان وجدانی از خدمت سربازی بر اساس ماهیت باورهای خاصشان تبعیض قائل نشوند و همچنین بر علیه خودداری کنندگان وجدانی سرشناس برای امتناع از انجام خدمت سربازی تبعیض روا ندارند،

۵. به دولت های دارای نظام خدمت سربازی اجباری که در آنجا هنوز چنین ماده ای به تصویب نرسیده، این توصیه را خاطرنشان می کنیم که آن ها به خودداری کنندگان وجدانی اشکال مختلفی از خدمات آلترناتیو را ارائه کنند که با دلایل خودداری وجدانی سازگار باشند و اینکه از زندانی کردن مخالفان سربازی وجدانی خودداری نمایند،

۶. تاکید می کند که چنین اشکالی از خدمات آلترناتیو بایستی ماهیت غیررزمی یا مدنی داشته، در جهت مصالح عمومی بوده و بدون ماهیت تنبیهی باشند.

۷. اذعان می کند که برخی دولت ها ادعاهای خودداری وجدانی از خدمت سربازی را بدون بازجویی معتبر دانسته و از کشورهای عضوی که چنین نظامی ندارند درخواست دارد که در چارچوب نظام قانونی داخلی شان، و طرف های تصمیم گیرنده ی بی طرف و مستقلى که وظیفه ی تعیین معتبر بودن یا نبودن خودداری وجدانی از خدمت سربازی در یک پرونده ی خاص را برعهده دارند، چنین نظامی را برقرار سازند ،

۸. اهمیت دسترسی به اطلاعات درمورد حق خودداری وجدانی از خدمت سربازی و شیوه ی بدست آوردن جایگاه خودداری کننده ی وجدانی برای کلیه ی اشخاص ذیربط و متاثر از خدمت سربازی را تصریح می نمایم.

۹. از دبیرکل می خواهیم که متن قطعنامه ی فعلی را به کلیه ی کشورهای عضو ملل متحد ارسال نموده و حق خودداری وجدانی از خدمت سربازی را در زمره ی فعالیت های عمومی سازمان ملل متحد، ازجمله [برنامه ی] دهه ی ملل متحد برای آموزش حقوق بشر بگنجاند.

۱۰. تصمیم دارد که این امر را بطورگسترده تر در نشست پنجاه و سوم تحت یک مورد دستور جلسه با عنوانی جدید: «مسئله ی خودداری وجدانی از خدمت سربازی» بررسی نماید.

پیوست ۳: لازم است بدانید که:

لازم است بدانید که:

بر طبق ماده ۵۵ نظام وظیفه: دولت موظف است اعضاء خانواده تحت تکفل کارکنان وظیفه را در طول مدت خدمت تحت پوشش قرار دهد و به آنان مستمری پرداخت نماید.

لازم است بدانید که:

بر طبق ماده ۸۱ نظام وظیفه: کلیه کارکنان وظیفه و عائله تحت تکفل آن ها مطابق آیین نامه ای که از سوی وزارت دفاع با همکاری وزارتخانه های کشور و تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می شود و پس از تأیید ستاد کل به تصویب هیأت وزیران می رسد تحت پوشش بیمه خدمات درمانی نیروهای مسلح قرار می گیرند.

تبصره ۱— این بیمه به مدت حداکثر یک سال پس از پایان خدمت دوره ضرورت تا زمانی که سربازان فوق اشتغال به کار پیدا نکرده اند، استمرار می یابد.

تبصره ۲— دولت موظف است خانواده هایی را که با اعزام مشمول به خدمت سربازی از نظر تأمین معیشت زندگی با مشکل مواجه می شوند و قادر به تمشیت امور خود نباشند بر اساس مفاد قانون نحوه کمک به خانواده های مشمولینی که قدرت اداره معاش خود را از دست می دهند (مصوب ۱۳۶۶/۶/۳) تا پایان خدمت تحت پوشش قرار دهد.

لازم است بدانید که:

طبق ماده ۴۹ نظام وظیفه که در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۱۶ به تصویب مجلس رسیده است: حقوق سربازان وظیفه حداقل شصت درصد (۶۰٪) و حداکثر نود درصد (۹۰٪) حداقل حقوق کارکنان نیروهای مسلح مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری است که با توجه به تحصیلات و درجات آنان توسط ستاد کل تهیه می شود و به تصویب فرماندهی کل می رسد.

لازم است بدانید که:

بر اساس اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی، به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق خود می توانید از طریق "دیوان عدالت اداری" آن را پیگیری کنید.

لازم است بدانید که:

تفکر اینکه یادگیری نظامی برای فرآیند بلوغ اجتماعی مهم است در روند جامعه پذیری شهروندان یک جامعه نکته منفی است.

از طرفی در سربازی اجباری در کشورهایی که سربازی فقط عملی مردانه است یک گرایش جنسیتی وجود دارد. زیرا این برداشت در این کشورها وجود دارد که زنان از آنجا که در این فرآیند بلوغ شرکت ندارند پس به نوعی "شهروند ثانی" هستند.

لازم است بدانید که:

فرآیند بلوغ اجتماعی در کشورهای توسعه یافته چگونه است؟

در حقیقت خدمت سربازی تنها تجربه کشورهای محدودی نیست، بلکه از دوران یونان باستان ما به اشکال مختلف شاهد این سربازی بودیم. در واقع سربازی شکلی از تعهد فرد به جامعه اش بوده است، بنابراین پذیرفتن این تعهد از طرف افراد به نوعی ورود به دنیای بزرگسالان به شمار می آمده است. بطوریکه بعد از پذیرفتن این تعهد جامعه فرد را به عنوان یک بزرگسال به حساب می آورد. بنابراین این کار کرد بطور واقعی در کنار موارد منفی سربازی وجود داشته است. کشورهایی که سربازی اجباری را کنار گذاشته اند و همچنین نگران این کار کرد بودند و می خواستند برای شهروندانشان جایگزینی مناسب پیدا کنند این حالت را با فعالیت های عمرانی و فعالیت های داوطلبانه و اجتماعی و جمعی جایگزین کردند. مثل دوره های کمک های اولیه و یا عمرانی که افراد در یک شبکه اجتماعی از شهروندان آن را یاد می گیرند. بنابراین فرآیند جامعه پذیری شهروندان از طریق یک عمل اجتماعی جمعی در یک دوره زمانی به مراتب کوتاه تر بوجود می آید. همچنین باید این را هم در نظر گرفت که این عمل هم بعد انسانی تر دارد و هم آن مشکلات و موارد منفی سربازی را ندارد.

نباید فراموش کنیم که چنین روشی ۱۵ سال قبل از انقلاب ایران در ایران تحت نام سپاه دانش و ترویج آبادانی برای تبدیل سربازی اجباری به یک فعالیت جمعی مدنی شروع شده بود که متأسفانه بعد از انقلاب دیگر هیچگاه پیگیری نشد.

لازم است بدانید که:

اجتماعی کردن جمعیت در دولت‌های اقتدارگرا و غیر اقتدارگرای امروز عمدتاً در نظام آموزش عمومی، فعالیت‌های اوقات فراغت و رسانه‌های همگانی انجام می‌شود و دوره‌ی سربازی نقش تعیین‌کننده‌ی سابق را در این قلمرو از دست داده است. در دهه‌های بیست تا چهل خورشیدی برای جوانی روستایی که سربازی تنها دوره‌ی فاصله‌گیری از خانواده و مزرعه بود سربازی یک مقطع مهم در اجتماعی شدن بود اما امروز شخصیت جوانان تأثیر بسیار اندکی از دوره‌ی سربازی می‌گیرد.

پایان

"منابع و مآخذ"

در اینجا لازم به ذکر است، از آنجائیکه اطلاعات کمی و کیفی نظامی هر کشوری در زمره اطلاعات طبقه بندی شده و محرمانه آن کشور به حساب می آید، ارقام و اطلاعات نظامی صرفاً با توجه به اطلاعات ارائه شده در سایت های معتبر می باشد که به حقیقت امر بسیار نزدیک هستند؛ لذا این اطلاعات، هم در گذر زمان و هم با توجه به نوع منبع، دارای تفاوت ها و تغییراتی هستند، فلذا هدف از جمع آوری این اطلاعات در نوشتار فوق، ارائه دیدی نسبی از وضعیت کشور ایران و مقایسه آن با سایر کشورها بوده است که در کل و با در نظر گرفتن منابع معتبر (و حتی غیر معتبر) تغییری در نتیجه امر که عدم رضایت کلی جامعه از روند سربازی اجباری می باشد، ایجاد نخواهد کرد. در ادامه لیست منابع معتبری که در این نوشتار از آنها بهره برده شده است ذکر می گردد. به دلیل تعدد و نیز پراکندگی منابع و اطلاعات، تنها به ذکر اهم آن ها خواهیم پرداخت.

WWW.SIPRI.ORG

WWW.GLOBALFIREPOWER.COM

WWW.HISTORY.ARMY.MIL

WWW.TSK.TR

WWW.UN.ORG

WWW.NATIONMASTER.COM

WWW.EVRYTHING2.COM

WWW.SOURCEBOOK.FORDHAM,EDU

WWW.BRITANICA.COM

WWW.I-CIAS.COM

WWW.ROOTS-SAKNES.IV

WWW.AUSA.ORG

WWW.LAW.CORNELL.EDU

WWW.CBC.CA

WWW.NEWS.BBC.CO.UK

WWW.CIA.GOV

WWW.DW.COM

WWW.COUNTRY-DATA.COM

WWW.SSS.GOV

WWW.STATE.GOV

WWW.INDEPENDENT.ORG

WWW.EUROPEFORVISITORS.COM

WWW.VTG.ADMIN.CH

WWW.PUOLUSTUSVIOMAT.FI

WWW.GEOCITIES.COM

WWW.ELMUNDO,SE

WWW.HASBROUCK.ORG

WWW.MILITARY.IE

WWW.SOFIAECHO.COM

WWW.PORTUGAL.GOV.PT

WWW.INDEX.HR

WWW.WRI-IRG.ORG

WWW.ALBANIAN TIMES.NET

WWW.FACEBOOK.COM

WWW.MNHM.NET

WWW.USP.BR

WWW.HAMSHAHRIONLINE.IR

WWW.POLICE.IR

WWW.WIKIPEDIA.ORG

WWW.MOI.GOV.TW

WWW.DANMARK.DK

WWW.YOUTUBE.COM

WWW.B92.NET

WWW.ARMY.GOV.CY

WWW.AMNESTY.ORG

WWW.ICAL.IR

WWW.AFTABNEWS.IR

WWW.BMN.IR

WWW.MEHRNEWS.COM

WWW.ALEF.IR

WWW.TABNAK.IR

WWW.ISNA.IR

WWW.JAMEJAMONLINE.IR

WWW.IICHS.ORG